درسنامه تفسیر (۱)

تفسیر سوره بقره

محمد حسین محمدی

پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی

بسم الله الرحمن الرحیم

درسنامه تفسیر ترتیبی (۱) : تفسیر سوره بقره

نویسنده:

محمد حسین محمدی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیة

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسنامه تفسیر ترتیبی (۱) – تفسیر سوره بقره

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی، محمدحسین، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور : درسنامه تفسیر ترتیبی ۱ : تفسیر سوره بقره/محمدحسین محمدی؛ با همکاری پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص).

مشخصات نشر : قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشرالمصطفی(ص)، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۵۲۷ ص.

فروست : پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص) ؛ ۱۵۴ .

شابک : ۱۱۸۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۳۶۵-۴

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه ص. [۵۲۵] - ۵۲۷ ؛ همچنین به صورت زیرنویس .

موضوع : تفاسیر (سوره بقره)

شناسه افزوده : جامعه المصطفی(ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)

شناسه افزوده : پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص)

رده بندی کنگره : BP۱۰۲/۱۳/م۳د۴ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۱۳۴۹۰

ص: ۱

اشاره

درسنامه تفسیر ترتیبی (۱) - تفسیر سوره بقره

مؤلف: محمدحسین محمدی

ص :۳

سخن ناشر

تحوّلات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش های گوناگون، نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ به آن، طرّاحی رشته های تحصیلی جدید و تربیت دانشوران متخصّص را ضروری می نماید. از این رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های گوناگون اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث, با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند. این مهم با ایجاد رشته های تخصصی، آفرینش متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به انجام خواهد رسید.

بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم و پویاست. بازنگری متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آن نیز نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند. «جامعه المصطفی

صلی الله علیه و آله العالمیه» به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم

ص:۵

و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهـده دارد، تألیف متون درسـی مناسب را سـرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشـر متون آموزشی در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این تلاش است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی

صلی الله علیه و آله » ضـمن سپاس و قدردانی از فرزانگانی که در تولید این اثر همفکری و همکاری داشته اند, آن را به عموم اهل اندیشه و فرهنگ تقدیم می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

مقدمه پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله

حوزه های علمیه در تلاش وصف ناپذیر خود در طول تاریخ، همواره تعلیم و تربیت شاگردان را جزو رسالت های اصیل خود قرار داده و بدین وسیله، معارف فاخر اسلام و علوم اهل بیت علیهم السلام را نسل به نسل به دست ما رسانیده اند و به همین سبب به کتاب های آموزشی توجه داشته اند.

گسترش فناوری، پیشرفت شگرفی را در عرصه علم پدید آورده است. در دنیای امروز، آگاهی های مورد نیاز بشر در تمام عرصه ها به صورت لحظه ای قابل دسترسی است. شیوه های سنتی و انبوه خوانی جای خود را به روش های نوین آموزشی داده است، که این دگرگونی ها در پی رسیدن هرچه سریع تر به اهداف آموزشی است.

جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه نهادی حوزوی است که تعلیم و تربیت فراگیران غیرایرانی را در حوزه علوم اسلامی برعهده دارد. افراد زیادی از ملیت های گوناگون در سطوح مختلف آموزشی و در رشته های متنوع علوم اسلامی و انسانی در این دانشگاه تحصیل می کنند. دانش و بینش اسلامی طلاّب غیر ایرانی - با توجه به تنوع منطقه ای و کشوری - تفاوت هایی دارد، همین امر ایجاب می نماید که نهاد

ص:۷

مذکور به تدوین متون نوین و متناسب با تنوع ملیتی بپردازد.

بزرگـان و اندیشـمندان حوزوی، به ویژه امـام خمینی قـدس سـره و مقـام معظم رهـبری(دام ظله) همواره تأکیـد داشـته انـد که آموزش های حوزوی با شـیوه های جدید و مبتنی بر روش های استنباط فقه جواهری تدوین شود و به سمت شکوفایی حرکت نمایـد. مقام معظم رهبری(دامت برکاته) در سال هشـتاد و شـش در جمع روحانیون فرمود: «شـتاب علم در این بیست سالی که گـذشت یقیناً به مراتب کمتر از شـتاب علم و پیشـرفت فنـاوری در بیست سـالی است که پیش روی مـاست ... در مورد کتاب درسـی باید عبارت را آن چنان واضح بیان کنیم که کسـی که دنبال فهم مطلب است، بتواند به راحتی آن را بفهمد... البته باید توجه شود که سطح مطلب پایین نیاید».

بحمدالله پس از انقلاب اسلامی ایران، ظرفیت مناسبی در اختیار محیطهای علمی قرار گرفت.

جامعه المصـطفی صـلی الله علیه و آله العالمیه در پرتو معارف اهل بیت علیهم السلام و به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی، به منظور تحول در نظـام آموزشـی، بـا بهره گیری از گروه هـای علمی، آموزشـی و پژوهشـی و نیز سازمانـدهی متون درسـی و با نگاهی ویژه به اقتضائات خاص منطقه ای و بین المللی این نهاد، تدوین متون درسی متناسب برای نظام آموزشی را از مأموریت های ویژه پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله قرار داد.

این پژوهشـگاه، تجربه ارزشـمندی از تحقیقات تدوین متون را در خود جای داده است و با اتکا به تجربه مجموعه تدوین متون دو سازمان پیشـین نهاد - یعنی «مرکز جهانی علوم اسـلامی» و «سازمان حوزه ها و مـدارس علمیه خارج کشور» - به شـکوفایی جدیدی در تولید علم دست یافته است.

چـاپ نزدیـک به دویست عنوان متن درسـی در داخـل و خـارج از کشور و آمـاده سـازی بیش از دویست متن و جزوه درسـی بخشی از فعالیت های علمی در

عرصه تـدوین متون درسـی است که امیـد است بـا عنایات الهی و توجهات حضـرت ولی عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف سهمی کوچک در گسترش فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله به شمار آید.

پژوهشـگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله با قدردانی از فعالیت های گذشتگان و با هدایت و نظارت مدیریت برنامه ریزی آموزشـی و نیز همکـاری گروه هـای علمی پژوهشـکده هـا، بر آن است که برای تـأمین نیازهـای آموزشـی بـا معیارهای پیشرفته متون درسی، ادامه دهنده این جریان مبارک باشد.

متن درسـی حاضـر که با عنوان درسـنامه تفسیر ترتیبی(۱) نگارش یافته، حاصل تلاش ارزشـمند جناب محمّدحسـین محمّـدی است. از ایشان و دیگر فرزانگانی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش داشته اند، صمیمانه سپاسگزاری می شود.

در پایان از بذل توجه خوانندگان و ارسال نظرات علمی برای اصلاح و بازنگری چاپ های جدید قدردانی می گردد.

پژوهشگاه بین المللی المصطفی صلی الله علیه و آله

ص:۹

فهرست

ص:۱۳

ص:۱۷

ص:۲۰

پیش گفتار

قرآن کریم نور مطلقی است که غروب و افول در آن راه ندارد؛ چراغ روشنی بخشی است که خموشی پذیر نیست؛ دریای پهناوری است که عمق آن پیدا نیست؛ راه مستقیمی است که رهروانش را گمراه نمی سازد؛ پرتو تابانی است که تاریکی به آن راه ندارد و داروی شفابخشی است که با عمل به آن، از امراض و بیماری ها خوف و هراسی نیست. قرآن مایه عزّت و سربلندی است که یاران آن مغلوب نخواهند شد و کتابی است که خداوند آن را سیراب کننده تشنگان و بهار دل های دانشمندان قرار داده است. (۱)

بر موجودی محدود مانند انسان، محال است که بتواند به تمام اسرار و دقایق کتابی که از طرف خداوند نامتناهی فرود آمده، احاطه پیدا کند و به نکات و ظرایف آن دست یازد. امّا در عین حال بسیاری از بزرگان با کوشش بی دریغ به پاره ای از اسرار و حقایق آن آگاهی یافته اند و آنها را در کتاب هایی با نام «تفسیر» جمع آوری نموده اند.

۱- (۱) . نهج البلاغه، خ۱۹۸؛ ، محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۹۲، ص۲۱، باب۶، ح۲۱.

لازم می دانم که بعد از حمد بی کران ایزد منّان و درود و صلوات بر حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبداللّه صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک و مطهرش علیهم السلام به ویژه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف - آن احیاگران و مفسّران حقیقی قرآن - نکاتی را با دانش پژوهان گرامی در میان گذارم.

۱. کتاب حاضر در پنجاه درس به تناسب، شصت و چهار ساعت درسی (۴واحد) در یک نیم سال تحصیلی تنظیم گردیده است.

۲. در تفسیر آیات از منابع تفسیری گوناگون به ویژه تفسیر نمونه استفاده شده است، اما مطالب به سبک جدید و درسنامه تنظیم شده و هم چنین پس از تفسیر هر آیه، پیام های آن با استفاده از تفاسیری مانند: تفسیر نور، تفسیر راهنما، تفسیر مهر و... بیان گردیده تا دانش پژوهان با پیام آیات نیز آشنا شوند؛ البته لازم به ذکر است این پیام ها منحصر به موارد گفته شده نیست و ممکن است پیام های دیگری را نیز بتوان از آیات برداشت نمود.

۳. قبل از شروع هر درس، اهداف آموزشی آن ذکر شده تا دانش پژوهان با آمادگی بیشتر مطالب درس را دنبال نمایند.

۴. هدف اصلی از تدوین این کتاب آشنایی خوانندگان با روش تفسیر اجتماعی - در قالب تفسیر سوره بقره - و آشنایی با پیام آیات برای پیاده کردن آنها در زندگی می باشد.

۵. مناسب است دانش پژوهان با راهنمایی استاد، بخشی از درس را به صورت آزمایشی تدریس نمایند تا با شیوه تدریس تفسیر به صورت عملی آشنا گردند.

۶. در پایان هر درس پرسش های مختلفی از درس طرح شده و منابعی نیز جهت مطالعه و تحقیق بیشتر معرفی گردیده است که پاسخ به سؤالات و دقت در آنها، به فراگیری دقیق مطالب کمک زیادی خواهد کرد.

چند توصیه را نیز با اساتید محترم در میان می گذارم:

۱. درس «تفسیر ترتیبی۱» در چهار واحد درسی و در قالب پنجاه درس برای دانش پژوهان دوره کارشناسی ارائه می گردد؛

۲. دانش پژوهان، درس حاضر را پس از گذراندن «تفسیر مقدّماتی» در دوره عمومی فرا می گیرند؛ بنابراین لازم است اساتید محترم مطالب را به صورت دقیق مورد بحث قرار داده تا علاقه دانش پژوهان به مباحث قرآنی بیشتر گردد؛

۳. توصیه می شود اساتید گران قدر، دانش پژوهان را به پاسخ دادن به پرسش های پایان هر درس ترغیب نمایند تا انگیزه ای برای فراگرفتن دقیق متن توسط طلاب باشد؛

۴. با توجه به اهمیّت مطالعه درس در کلاس به وسیله طلّاب، اساتید می توانند بخشی از نمره امتحانی را برای فعالیّت کلاسی و کنفرانس دانش پژوهان قرار دهند؛

۵. بخشی از زمان کلاس به بیان نکات تفسیری جدید و پیام های آیه برای پیاده کردن آن در فرایند زندگی فردی و اجتماعی امروز اختصاص یابد؛

۶. از بیان مطالب خارج از موضوع درس و یا بالاتر از سطح علمی طلّاب خودداری شود؛

۷. دقّت در کیفیت تدریس نباید مانع پیشرفت کمّی درس گردد؛ بنابراین باید سعی شود تا هر روز حدّاقل یک درس ارائه گردد؛

۸. چنانچه در پایان ترم بخشی از درس باقی ماند، دانش پژوهان، خود باید مطالب را مطالعه نموده و اشکالات را توسط استاد برطرف نمایند؛

۹. در پایان هر درس منابعی جهت مطالعه و تحقیق دانش پژوهان معرفی شده است که شایسته است اساتید محترم، طلاب را به مطالعه منابع یاد شده، راهنمایی نمایند.

در پایـان ضـمن اسـتقبال از تـذکرات و پیشـنهادات و رهنمودهـای سودمنـد صاحب نظران برای رفع کاستی ها، از کلیه دسـت انـدرکاران که در آفرینش این اثر نقش مهمی ایفا نمودند به ویژه حضـرت حجت الاسـلام و المسـلمین آقای دکتر محمد علی رضایی، مـدیر محترم دانشـکده قرآن و حـدیث مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله ، مدیر محترم برنامه ریزی و تدوین متون درسی حجت الاسلام و المسلمین آقای عزالدین رضانژاد و مدیر کل انتشارات

جامعه المصـطفی صلی الله علیه و آله ، حجت الاسلام و المسلمین آقای عرب خراسانی و سایر همکاران محترم، تقدیر و تشکر فراوان دارم.

علیه توکّلت والیه انیب

قم المقدسه، محمدحسین محمدی

۸۹/۴/۲۵

ص:۲۴

۱- اوصاف پرهیزکاران

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با محتوای اجمالی و فضیلت قرائت سوره بقره؛ معانی حروف مقطّعه؛ اوصاف پرهیزکاران؛ پیام های آیات ۱- ۵.

کلید واژه ها) مقطّعه، رزق، ایمان، قیامت، یقین، فلاح.

محتوای اجمالی سوره بقره

سوره «بقره» نخستین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید. این سوره دارای ۲۸۶ آیه، ۶۲۲۱ کلمه (۱) و ۲۵۵۰۰ حرف بوده و از طولانی ترین سوره هایی است که در زمان های مختلف و به مناسبت های گوناگون نازل شده است. نام های دیگر آن «فُسطاط القرآن» و «سَنام القرآن» است؛ لذا بعضی از مفسّران نام «بقره» را برای این سوره، عَلَم بالغلبه دانسته اند. (۲) نام گذاری این سوره به بقره (گاو مادّه) به دلیل وجود داستان گاو بنی اسرائیل در آن است.

محتوای اجمالی این سوره عبارت است از:

ص:۲۵

۱- (۱) . دکتر شحاته، تعداد کلمات قرآن را ۶۱۲۱ دانسته است (اهداف و مقاصد سوره ها، ترجمه محمدباقر حجتی، ص۳۷).

۲- (۲) . عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج۲، ص۲۷.

۱. هدایت گر بودن قرآن و تقسیم انسان ها به سه دسته (مؤمنان، کافران و منافقان)؛

۲. دعوت مردم به عبادت پروردگار و توحید و شناسایی خداوند، به ویژه از طریق مطالعه در اسرار آفرینش؛

۳. بیان اصول عقاید و ادلّه آن؛

۴. آیاتی درباره اعجاز قرآن و اهمیت این کتاب آسمانی؛

۵. ویژگی های یهود و موضع گیری های آنها در برابر اسلام؛

۶. آیاتی درباره احکام، از قبیل نماز، روزه، جهاد، حج و...؛ (۱)

۷. بیان بعضی از احکام مربوط به خانواده؛

۸. بیان بعضی از اوصاف الهی؛

۹. بیان داستان های مختلف، از قبیل داستان بنی اسرائیل و موسی علیه السلام ؛ عزیر پیامبر صلی الله علیه و آله و مرگ صد ساله او؛ آدم علیه السلام و فرشتگان؛ ابراهیم علیه السلام و نمرود؛ طالوت و جالوت؛ جنگ بدر و... .

فضیلت قرائت سوره

روایات مختلفی درباره فضیلت قرائت سوره بقره بیان شده است.

۱. از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: «کدام سوره قرآن افضل است؟» فرمود: «بقره». (۲)

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که چهار آیه از آغاز سوره بقره و آیه الکرسی را بخواند، هرگز در جان و مال خود، بدی نخواهد دید و شیطان به او نزدیک نمی شود و قرآن را فراموش نخواهد کرد». (۳)

۱- (۱) . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۸.

۲- (۲) . علی بن جمعه الحویزی، نورالثقلین، ج۱، ص۲۶.

۳- (۳) . همان.

۳. امام صادق علیه السلام فرمودند: «کسی که سوره بقره و آل عمران را بخواند، این دو سوره در روز قیامت مانند پاره ای ابر بالای سر او سایه می اندازند». (۱)

در این جا توجّه خوانندگان را به این نکته جلب می کنیم که ثواب ها و فضیلت ها و پاداش هایی که برای تلاوت سوره ها و آیات نقل شده اند در صورتی محقق خواهند شد که انسان در سوره و آیات آن تدبّر کرده و آن را مقدمه ای برای عمل به دستورات قرآن قرار دهد.

* * *

۱. الم .

معنای حروف مقطّعه

حروف مقطّعه در ۲۹ سوره از قرآن کریم آمده است؛ بعضی از آنها یک حرفی (ق، ن)، بعضی دو حرفی (طه، یس)، بعضی سه حرفی (الم، الر)، برخی چهار حرفی (المر، المص) و برخی نیز پنج حرفی (کهیعص، حمعسق) است و همان گونه که از نامش پیداست، این حروف، حروفی جدا جدا و بریده از هم به نظر می رسند.

حروف مقطعه همیشه جزء کلمات اسرارآمیز قرآن محسوب شده اند و مفسّران برای آنها معانی متعدّدی را ذکر کرده اند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. این حروف بیانگر آن است که کتاب آسمانی اگرچه از همین حروفی شکل یافته که در اختیار همگان قرار دارد، ولی کلمات آن به اندازه ای موزون است که به اعماق دل و جان انسان نفوذ کرده و افکار و عقول را مملوّ از اعجاب و تحسین

۱- (۱) . سید هاشم البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۵۲.

می سازد. گواه این تفسیر، حدیثی از امام سجاد علیه السلام می باشد که فرمودند:

«کَذِبَ قریشُ والیهودُ بالقرآنِ وقالوا هذا سِحرٌ مُبینٌ: فقال اللّهُ: الم * ذلِکَ الْکِتابُ...

أی: یا محمّد صلی الله علیه و آله

!هذا الکتاب الّذی أنزلتُه الیکَ هو الحروفُ المقطّعه الّلتی منها ألف ولام ومیم و هو حروفُ هجائکُم؛ فأتُوا بِمِثلِهِ إن کُنتُم صادقین؛ (۱)

قریش و یهود به قرآن نسبت ناروا دادند و گفتند: قرآن سحر است، آن را خودش ساخته و به خدا نسبت داده است. خداوند به آنها اعلام فرمود: الم* ذلِکَ الْکِتابُ... ؛ یعنی: ای محمد! کتابی که بر تو فرستادیم از همین حروف مقطّعه و مانند آن است؛ اگر راست می گویید مانند آن را بیاورید».

۲. هر کدام از این حروف به اسم و یا صفاتی از صفات خدا اشاره می کنند؛ مانند الف که اشاره به «الله»، «أَحَد»، «اوّل»، «آخر»، «ازلی» و «ابدی»، لام که اشاره به «لطیف» و میم که اشاره به «ملک»، «مجید» و «منّان» دارند.

در روایتی، سفیان ثوری از امام جعفر صادق علیه السلام درباره معنای «الم» سؤال کرده و آن حضرت در پاسخ می فرمایند:

«أمّا «الم» فی أول البقره فمعناه أنا الله الملک...». (۲)

۳. حروف مقطّعه از متشابهات قرآن است و فقط خداوند از معنای آن اطلاع دارد.

«إنّ الحروف المفتّحه بها السُّوَر من المتشابهات الّتی إستأثرالله تعالی بعلمها ولا یعلم تأویلها إلّا هو». (۳)

۱- (۱) . شبیه این روایت از امام رضا علیه السلام در بحارالانوار نیز نقل گردیده است (بحارالانوار، ج۲، ص۳۱۸).

۲- (۲) . أبی جعفر محمد بن علی، صدوق، معانی الاخبار، ص۲۲.

۳- (۳) . فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج۱، ص۱۱۲؛ نورالثقلین، ج۱، ص۳، ح۸.

۴. این حروف، رموزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و أفهام عادی به فهم آن راهی ندارد. (۱) چنان که در روایتی از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

«الم، رمزٌ وإشارةٌ بینه وبین حبیبه محمد صلی الله علیه و آله أرادَ أن لا یطّلع علیه سواهما... ». (۲)

عارفان که جام حق نوشیده اند رازها دانسته و پوشیده اند

۵. برای ساکت کردن دشمن است؛ زیرا در میان عرب ها این گونه کلمات سابقه نداشت و وقتی آنها این کلمات را از پیامبر صلی الله علیه و آله می شنیدند، ساکت می شدند. (۳)

بعد از بیان حروف مقطّعه، خداوند به عظمت این کتاب آسمانی اشاره کرده و می فرماید: این کتابِ با عظمتی است که هیچ شک و تردیدی در آن وجود ندارد؛ زیرا محتوای قرآن آن چنان است که خود شهادت بر حقّانیّت خودش می دهد و گذشت زمان نه تنها از طراوت آن نمی کاهد، بلکه با پیشرفت علوم، اسرار و حقایق آن بیشتر روشن می شود.

* * *

۲. ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ .

آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است.

عدم شک در حقّانیت قرآن

در این آیه، خداوند قرآن را - به صورت اجمال - با دو صفت معرفی نموده است؛ نخست این که شک و شبهه ای در حقّانیّت آن وجود ندارد؛ یعنی اگر کسی مغرض نباشد و لجاجت و عناد را کنار بگذارد هیچ شک و شبهه ای در آن

۱- (۱) . محمد حسین، طباطبایی، المیزان، ج۱۸، ص۶ - ۹.
۲- (۲) . بحارالانوار، ج۸۹، ص۳۸۴.
۳- (۳) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۱۱۳.

نخواهد کرد؛ بنابراین، معنای آیه این نیست که هیچ کس در قرآن شک نکرده، بلکه بدین معنا است که شایسته نیست کسی در قرآن شک نماید.

چنان که شهید مطهری می گوید: «ممکن است کسی در قرآن شک کند، ولی تا هنگامی که دور است و همین که به خود قرآن نزدیک شد (قرآن را خواند، فهمید و به آن عمل کرد) دیگر شک نخواهد کرد. آیه می گوید: ای مردمی که در قرآن شک دارید و حق دارید شک داشته باشید؛ زیرا نه در قرآن نظر نموده و از نزدیک آن را مطالعه کرده اید و نه در عمل آزمایش نموده اید! اگر شما به قرآن نزدیک شوید و آن را لمس نمایید، دیگر در اصالت آن تردیدی نخواهید داشت. (۱)

دوّم این که قرآن، هدایت گر متقین و مؤمنین است و غیر این افراد را هدایت نمی کند. برای روشن شدن معنای آیه توجّه به دو نکته لازم است:

نخست: چرا در آیه اشاره به دور شده است؟

با توجّه به این که قرآن در دسترس مردم قرار گرفته و باید از اسم اشاره نزدیک استفاده شود، خداوند از اسم اشاره بعید استفاده کرده است، چون گاهی از اسم اشاره بعید برای عظمت یک شئ و یا یک شخص استفاده می شود؛ یعنی مقام آن شئ یا شخص به قدری بالاست که گویی در نقطه دوردستی قرار گرفته است. (۲)

دوم: چرا هدایت را مخصوص متّقین قرار داده است؟

قرآن برای هدایت تمام جامعه است، ولی در آیه فوق - که مانند آیاتی از قبیل وَ هُدیً وَ رَحْمَةً وَ بُشْری لِلْمُسْلِمِینَ ، (۳)وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنِینَ ۴ و وَ هُدیً

۱- (۱) . مرتضی مطهری، آشنایی با علوم قرآن، ص۵۹ و ۶۰.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۶. با اندکی تصرف و تلخیص.
۳- (۳) . نحل، آیه ۸۹.

وَ مَوْعِظَهٌ لِلْمُتَّقِینَ ١ می باشد – هدایت قرآنی مخصوص متقین معرفی شده است؛ زیرا این موارد در مقام خطاب و انشاء است؛ یعنی همه مردم دنیا مورد خطاب انبیاء علیهم السلام هستند، ولی در مقام عمل و پذیرش، فقط افرادی از گمراهی نجات پیدا خواهند کرد که تسلیم سخن قرآن شوند. به عبارت دیگر، تا مرحله ای از تقوا (تسلیم در مقابل حق و پذیرش آن) در وجود انسان نباشد، محال است که از هدایت کتاب های آسمانی بهره ببرد.

به دیگر سخن: زمینِ شوره زار هرگز گل نمی دهد، اگر چه هزاران بار در آن باران ببارد (١):

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ، لاله روید و در شوره زار خس

پیام های آیه

١. قرآن کتابی با عظمت است؛ (٢)

٢. قرآن کتابی متقن و منزّه از هرگونه شک و ریب است؛

٣. هدف اصلی قرآن هدایت است؛

۴. مراتب عالی هدایت قرآن مخصوص متقین است. (٣)

* * *

٣. اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ .

[پرهیزکاران] کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از تمام نعمت ها و مواهبی که به آنها روزی داده ایم، انفاق می کنند.

١- (٢) . محمدعلی رضایی، تفسیر قرآن مهر، ج١، ص١۶١.

٢- (٣) . محسن قرائتی، تفسیر نور، ج١، ص۴٢.

٣- (۴) . تفسیر نمونه، ج١، ص۶٨، با اندکی تصرف و تلخیص.

تقسیم بندی انسان ها

اشاره

قرآن کریم در ابتدای این سوره، انسان ها را به سه دسته تقسیم نموده است:

۱. «متّقین»، کسانی که اسلام را کاملاً پذیرفته اند؛

۲. «کافران»، که در مقابل گروه اول قرار گرفته و از رفتار خصمانه در برابر اسلام، ابایی ندارند؛

۳. «منافقان» که دارای دو چهره هستند؛ در ظاهر با مسلمان هایند، ولی چهره اصلی آنها همان چهره کفر است.

در این آیه(۳)، سخن از گروه اول است که سه ویژگی برای آنها بیان نموده است:

اول: ایمان به غیب

«غیب»، عبارت از حقایقی است که در جهان هستی وجود دارد، ولی درک آنها با حواسّ پنج گانه ممکن نیست. غیب، در اصل به معنای چیز پوشیده و پنهان است و چون عالم ماورای محسوسات نیز از حس ما پوشیده است به آن «غیب» گفته می شود.

ایمان به غیب در آیه، مطلق است و ایمان به ذات خداوند، رستاخیز و ماورای حس را شامل می گردد، چنان چه در بعضی از روایات، غیب، به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تفسیر شده است که از باب ذکر مصداق است و می خواهد وسعت معنای ایمان به غیب را، حتی نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مجسم نماید. (۱)

دوم: ارتباط با خدا

ویژگی دوم مؤمنان این است که نماز را برپا می دارند و رابطه دائمی خود را با

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۷۰.

خداونـد همیشه حفظ می کننـد. آنها فقط در مقابل خداونـد سـر تعظیم فرود می آورند و خضوع در برابر بت ها و... در برنامه زنـدگی آنها وجود نـدارد. کسـی که در شبانه روز پنـج مرتبه در برابر خداونـد قرار می گیرد، فکر و عمل او همه خدایی می شود و چنین انسانی چگونه ممکن است بر خلاف خواست او گامی بردارد؟ (۱)

سوم: ارتباط با انسان ها

مؤمنان علاوه بر ارتباط با خدا، ارتباط مستمری با خلق دارند. از جمله ...مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ دو نکته را می توان دریافت:

۱. انفاق در راه خدا نه تنها اموال، بلکه تمام مواهب مادّی و معنوی از قبیل «علم» را نیز دربرمی گیرد. در روایتی از امام صادق علیـه السـلام در ذیـل آیـه فـوق آمـده اسـت کـه آن حضـرت علیـه السـلام فرمودنـد: «از آن چـه مـا به آنهـا تعلیم داده ایم (به دیگران)خبر می دهند». (۲)

۲. همـه آن چه در اختیـار مـاست از خداونـد است و مـا فقـط یـک امـانت دار هسـتیم و اگر امـوالی را هم انفـاق می کنیم، در حقیقت مال خدا را در راه خدا انفاق کرده ایم. (۳)

پیام های آیه

۱. هستی منحصر در محسوسات نیست و این یکی از اصول قطعی در جهان بینی الهی است؛ (۴)

ص:۳۳

۱- (۱) . همان، ص۶۶.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۲، ص۱۷.

۳- (۳) . یعقوب جعفری، تفسیر کوثر، ج۱، ص۵۰.

۴- (۴) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۶۵.

۲. ایمان از عمل جدا نیست؛ زیرا بعد از مسئله ایمان به خدا، ارتباط با نماز و انفاق را مطرح نموده است. لازمه ایمان عمل به دستورات الهی است؛

۳. یک مسلمان، در کنار ارتباط با خدا باید با مردم هم ارتباط داشته باشد؛

۴. عمل باید دائمی باشد؛ زیرا فعل مضارع دالّ بر استمرار است؛

۵. انفاق باید معتدل باشد؛ زیرا کلمه «من» دلالت بر تبعیض دارد؛

۶. انفاق کردن به مردم، منحصر در اموال نیست، بلکه از آن چه خداوند به ما عطا کرده است باید به مردم انفاق کنیم (آیه عام است). (۱)

* * *

۴. وَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَ بِالْآخِرَهِ هُمْ یُوقِنُونَ .

و آنان که بر آن چه بر تو نازل شده و آن چه پیش از تو نازل گردیده، ایمان می آورند و به رستاخیز ایمان دارند.

در این آیه شریفه نیز خداوند دو ویژگی دیگر را برای متّقین بیان فرموده است:

چهارم: ایمان به تمام پیامبران علیهم السلام و برنامه های آنها

یکی دیگر از ویژگی های پرهیزکاران، ایمان به تمام پیامبران الهی علیهم السلام و برنامه های آنهاست؛ یعنی نه تنها اختلافی از نظر اصول در دعوت انبیاء علیهم السلام نمی بینند، بلکه آنها را معلّمانی می دانند که یکی پس از دیگری برای پیش بردن انسان ها در مسیر تکامل قدم برمی دارند. البتّه ایمان به دستورات پیامبران پیشین علیهم السلام مانع از آن نخواهد بود که فکر و عمل خود را با آیین آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله تطبیق دهند؛ چرا که اگر غیر از این باشد در مسیر تکامل خود گامی به عقب برداشته اند. (۲)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۴۵.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۷۶.

پنجم: یقین به قیامت

آخرین صفت مؤمنان، ایمان به رستاخیز است؛ یعنی آنها یقین دارند که انسان عبث و بی هدف آفریده نشده است، بلکه آفرینش برای او خط سیری تعیین کرده که با مرگ هرگز پایان نمی پذیرد. او اعتقاد دارد که عدالت مطلق پروردگار در انتظار همگان است و چنان نیست که اعمالش در این جهان، بدون حساب و پاداش باشد. ایمان به آخرت، یعنی شکافتن دیوار عالم مادّه و ورود در محیطی عالی تر که این جهان، مزرعه ای برای آن محسوب می شود. این اعتقاد، اثر عمیقی در تربیت انسان داشته و او را در برابر گناه کنترل می کند. (۱)

پیام های آیه

۱. ایمان به تمام کتاب های آسمانی لازم است؛

۲. ایمان به تمام پیامبران الهی علیهم السلام لازم است؛

۳. تمام انبیاء علیهم السلام در یک مسیر گام برمی دارند و بین آنها تضاد و تعارضی وجودندارد؛

۴. تقوای الهی، بدون یقین به قیامت امکان پذیر نیست.

* * *

۵. أُولئِکَ عَلى هُدىً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ .

آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند، و آنان رستگارانند.

رستگاری مؤمنان

این آیه اشاره به نتیجه و پایان کار مؤمنانی دارد که این صفات را در خود جمع

۱- (۱) . همان، ص۷۶ و ۷۷.

کرده اند. خداوند در این آیه می فرماید: اینها بر مسیر هدایت پروردگارشان هستند و در حقیقت، هدایت آنها از سوی خدا تضمین شده است.

تعبیر هُمُ الْمُفْلِحُونَ بیانگر آن است که رستگاری تنها برای مؤمنان می باشد؛ زیرا ضمیر فصل برای تأکید و انحصار آورده می شود. (۱)

البته در آیات مختلفی از قرآن، اعمالی که باعث فلاح و رستگاری انسان می شود، بیان شده است. ۲

واژه «هدی» در آیه به صورت نکره ذکر شده است؛ یعنی هدایتی که از طرف خداوند به آنها می رسد بسیار عظیم است. ۳

پیام های آیه

۱. ایمان به خدا و انجام اعمال صالح، انسان را به رستگاری می رساند؛

۲. هدایت خاص الهی، برای مؤمنان تضمین شده است؛

۳. هدایتگر واقعی خداوند است؛

۴. رستگاری فقط برای تقواپیشگان است و دیگران را شامل نخواهد شد.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۷۸. با اندکی تصرف و تلخیص.

چکیده

۱. این سوره اولین سوره ای است که در مدینه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردیده و دارای ۲۸۶ آیه و ۶۲۲۱ کلمه و ۲۵۵۰۰ حرف بوده و نام دیگر آن «فسطاط القرآن» و «سنام القرآن» است.

۲. سوره بقره درباره توحید و شناسایی خداوند، معاد و جهان پس از مرگ، اعجاز قرآن، بیان اوصاف یهود و منافقان و موضع گیری های آنها در برابر اسلام، تاریخ پیامبران علیهم السلام مخصوصا ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام و احکامی از قبیل نماز، روزه، جهاد، حج و... می باشد.

۳. ثواب ها و فضیلت هایی که برای تلاوت بعضی از سوره ها و آیات نقل شده است، تنها مترتب بر گردش زبان نیست، بلکه خواندن قرآن برای فهمیدن و عمل کردن است و اگر عملی در کار نباشد، آن آثار برای فرد تلاوت کننده نخواهد بود.

۴. حروف مقطّعه در ۲۹ سوره از قرآن آمده اند. این حروف جزء کلمات اسرارآمیز قرآن هستند؛ لذا عده ای آن را از متشابهات دانسته یا گفته اند: اینها رموزی بین خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و افهام عادی به فهم آن راهی ندارد.

۵. هدایت قرآنی مخصوص متقین است؛ زیرا تا مرحله ای از تقوا در وجود انسان نباشد، محال است که از هدایت کتاب های آسمانی بهره ببرد.

۶. «غیب» در اصل به معنای چیزی پوشیده و پنهان است و چون عالم ماورای محسوسات از حس ما پوشیده است، به آن غیب گفته می شود.

۷. اعتقاد به رستاخیز باعث آرامش انسان می شود؛ لذا علاوه بر این که انجام مسئولیت هایش رنجی احساس نمی کند بلکه از آن استقبال هم می کند؛ زیرا مطمئن است که پس از مرگ، آثار کوچک ترین اعمال را هم خواهد دید.

ص:۳۷

پرسش ها و تمرین ها

۱. محتوای اجمالی سوره مبارکه بقره را بنویسید.

۲. مهم ترین دیدگاه ها را در زمینه حروف مقطّعه بیان نمایید.

۳. هدایت بر چند گونه است؟ توضیح دهید.

۴. با توجّه به این که قرآن هـدایت کننده تمام انسان هاست، چرا در آیه شـریف، هدایت گری قرآن، تنها به مؤمنان اختصاص پیداکرده است؟

۵. منظور از «غیب» در آیه شریفه اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ چیست؟

۶. آیه شریفه ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ دارای چه پیام هایی می باشد؟

۷. ویژگی های مؤمنان را با توجه به آیات آن بنویسید.

۸. آیه شریفه اَلَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلاهَ وَ مِمّا رَزَقْناهُمْ یُنْفِقُونَ دارای چه پیام هایی می باشد؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. مجمع البیان، فضل بن حسن الطبرسی؛

۲. سفینه البحار، شیخ عباس قمی؛

۳. تفسیر راهنما، علی اکبر هاشمی رفسنجانی؛

۴. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، جلد اول؛

۵. یکصد و پنجاه موضوع از قرآن کریم، اکبر دهقان.

۲- اوصاف کفّار

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با اوصاف کافران؛ مهر شدن قلب کافران؛ پیام های آیات ۶ - ۷.

کلید واژه ها) کفر، إنذار، طبع، ختم، غشاوه، قلب.

* * *

۶. إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَواءٌ عَلَيْهِمْ أَ أَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لا يُؤْمِنُونَ .

کسانی که کافر شدند، برای آنان تفاوت نمی کند که آنان را [از عذاب الهی] بترسانی یا نترسانی، ایمان نخواهند آورد.

کافران لجوج

«کفر» به معنای «پوشانیدن» است و به زارع نیز کافر گفته می شود؛ زیرا دانه را در زمین می پوشاند. هم چنین کسانی که کافر بوده و خدا و پیامبران علیهم السلام را منکر می شوند، در حقیقت حق را می پوشانند.

کافران در گمراهی خود آن چنان سرسخت و لجوج هستند که هر چند حق برای آنها روشن شود، اما باز حاضر به پذیرش آن نیستند و قرآنی که راهنما و هادی متقین است، برای آنها بی اثر است. إنذار کردن این گروه کاری بی فایده

است؛ زیرا آنهـا آمادگی روحی برای پیروی از حق را در اثر گناه و معصـیت از دست داده انـد. (۱) قلب این افراد ماننـد زمین شوره زاری است که آب باران - با آن لطافت - در آن بی اثر بوده و حتی باعث روییـدن خار و خاشاك خواهد شد. البته این صفت مخصوص کفّار زمان پیامبر صـلی الله علیه و آله نیست، بلکه در مقابل انبیای گذشته علیهم السلام نیز برخی از کفار می ایستادند و خطاب به آنها می گفتند:

قالُوا سَواءٌ عَلَیْنا أَ وَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَکُنْ مِنَ الْواعِظِینَ . (۲)

آنها (قوم عاد) گفتند: برای ما تفاوت نمی کند، چه ما را انذار کنی یا نکنی (بیهوده خود را خسته مکن).

در زنـدگی روزمرّه ما نیز افرادی هسـتند که اگرچه اعتراف به گناه کاری خویش دارند - و به همین دلیل از کار خود ناراحت هسـتند-، ولی به تدریـج در اثر تکرار گنـاه، بـا آن انس می گیرنـد. این اگر سـبب می شـود که آن نـاراحتی از بین برود و در مراحل بالاتر کارشان به جایی برسد که نه تنها از ارتکاب گناه ناراحت نمی شوند، بلکه از آن لذّت نیز می برند.

پیام های آیه

۱. انذارهای پیامبر صلی الله علیه و آله در منکران و کافران هیچ تأثیری ندارد؛

۲. یکی از نشانه های کفر، لجاجت و نپذیرفتن حقیقت است؛

۳. اگر زمینه هدایت از بین برود، دیگر راه نجات وجود ندارد؛

۴. لجاجت و کفر، انسان را خشک می کند؛ (۳)

ص:۴۰

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۸۲. با تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . شعراء، آیه ۱۳۶.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۵۰.

۵. انسان در پذیرش حق آزاد است؛

۶. یکی از کارهای انبیاء علیهم السلام إنذار است؛

۷. نباید از همه مردم انتظار ایمان داشته باشیم.

* * *

۷. خَتَمَ اللّٰهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ .

خدا بر دل ها و گوش های آنها مهر نهاده و بر چشم های آنان پرده افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آنها است.

طبع و ختم قلوب

کلمه «طبع» و «ختم» به معنای مهر کردن است؛ زیرا در میان مردم رسم بر این بود که وقتی اشیایی را در کیسه ها و یا ظرف های مخصوص قرار می دادند، برای آن که کسی از آن اطّلاع پیدا نکند، بر آن مُهر می زدند. امروزه نیز معمول است که کیسه های پستی را مهر می کنند. در لغت عرب برای این معنا کلمه «ختم» نیز به کار می رود.

منظور از مُهر و پرده، «سلب توفیق» است؛ بدین معناکه در اثر گناه و معصیت خداوند توفیق هدایت را از آنها سلب کرده است.

این آیه به یکی دیگر از ویژگی های کافران اشاره دارد و آن این که خداوند بر دل ها و گوش های آنها مُهر نهاده و بر چشم های آنها پرده افکنده است؛ لذا نتیجه کارشان جز عذاب عظیم الهی چیز دیگری نخواهد بود.

هدف از چشم، دیدن آیات الهی و هدف از گوش، شنیدن سخنان حق و هدف از قلب درک حقایق است. پرهیزکاران از این ابزار برای شناخت حقّ استفاده می کنند، ولی این ابزار در وجود کافران بی اثر شده است؛ چرا که اعمال

زشت و لجاجت و عِناد آنها به مانند پرده ای است که بر روی آن ابزار (چشم، گوش و قلب) کشیده شده است و دیگر راه نجاتی برای آنها نخواهد بود. (۱) البتّه انسان اگر به این مرحله نرسیده باشد قابل هدایت است، هر چند که گمراه باشد؛ ولی هنگامی که حس تشخیص را بر اثر اعمال زشت از دست داد، دیگر راه نجاتی برای او نخواهد بود.

دو نکته مهم

نخست: آیا سلب قدرتِ تشخیص از سوی خدا دلیل بر جبر نخواهد بود؟

جواب این سؤال کاملاً واضح و روشن است؛ زیرا اصرار، لجاجت و تکبّر باعث شده است که قلب آنها مُهر شود؛ در حقیقت، سلب حس تشخیص در آنها معلول علت هایی است که با اختیار خودشان سراغ آن رفته اند. بنابراین هیچ جبری در کار نیست. (۲)

...كَذلِکَ يَطْبَعُ اللّهُ عَلی کُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبّارٍ . (۳)

این گونه خداوند بر دل هر متکبّر جباری مهر می زند.

...بَلْ طَبَعَ اللّهُ عَلَيْها بِكُفْرِهِمْ... . (۴)

آری، خداوند به علّت کفرشان، بر دل های آنها مهر زده است.

در آیه نخست «تکبّر» و در آیه دوم «کُفر» باعث شده که قلب آنها مُهر گردد. این امر به اختیار خود کافران بوده است و اگر هم به خداوند نسبت داده شده، -

---

۱- (۱) . در این بخش می توان ویژگی های قلب کفار را که در آیات مائده، آیه ۱۳؛ نحل، آیه ۲۲؛ فتح، آیه ۲۶ و انعام، آیه ۱۲۵ آمده است در کلاس درس عنوان نمود.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۸۵.

۳- (۳) . غافر، آیه ۳۵.

۴- (۴) . نساء، آیه ۱۵۵.

بدین جهت است که خداوند این آثار را در لجاجت و عناد و کفر قرار داده است.

دوّم: چرا «قلب» و «بصر» جمع، ولی کلمه «سمع» به صورت مفرد آمده اند؟

مرحوم «شیخ طوسی رحمه الله در تفسیر التبیان می گوید: «سمع» گاهی به عنوان اسم جمع به کار می رود و در اسم جمع معنای جمع افتاده و نیازی به جمع بستن ندارد؛ یا این که کلمه «سمع» می تواند معنای مصدری داشته باشد و مصدر هم برای قلّت و هم برای کثرت - هر دو - به کار می رود و نیازی به جمع بستن نیست. (۱)

و شاید بتوان وجه دیگری را نیز بیان نمود و آن این که ادراکات قلبی و مشاهدات انسان نسبت به مسموعات، فوق العاده بیشتر است؛ لذا قلوب و أبصار به صورت جمع، ولی «سمع» به صورت مفرد ذکر شده اند. (۲)

پیام های آیه

۱. کفر، باعث ندیدن و نشنیدن حقایق می شود؛

۲. قلب و گوش و چشم از ابزار مهم شناخت هستند؛

۳. کفر، باعث عدم درک صحیح از حقایق می شود؛

۴. کفّار در روز قیامت عذاب بزرگی خواهند داشت.

چکیده

۱. خداوند انسان ها را به سه دسته تقسیم نموده و برای هریک اوصافی را مطرح کرده است.

قلب کافران مانند زمین شوره زاری است که آب باران در آن بی اثر بوده و

۱- (۱) . طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۴.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۸۹.

حتی باعث روییدن خار و خاشاک خواهد شد.

۲. کلمه «طبع» و «ختم» به معنای مهر کردن است و این تعبیر در قرآن برای افراد لجوجی به کار می رود که در اثر گناه زیاد نفوذناپذیر شده و هدایت در مورد آنها هیچ اثری ندارد؛ مانند همان کیسه ای که مهر گردیده است.

۳. منظور از مُهر و پرده، «سلب توفیق» است؛ بدین معنا که در اثر گناه و معصیت، خداوند توفیق هدایت را از آنها سلب کرده است.

۴. مجازات و کیفرهای الهی همیشه با اعمال انسان ارتباط دارند؛ یعنی نمی توان کسی را به دلیل این که قلباً آدم بدی است کیفر داد، بلکه لازم است او را به طرف حق دعوت نمود و اگر قبول نکرد و آن ناپاکی خود را در عمل منعکس نمود مستحق کیفر خواهد بود.

۵. سلب قدرت تشخیص از کفار دلیل بر جبر نخواهد بود؛ زیرا اصرار، لجاجت و تکبر باعث شده است تا قلب آنها مُهر شود. در حقیقت سلب حس تشخیص در آنها معلول علت هایی است که با اختیار خودشان سراغ آن رفته اند؛ بنابراین هیچ جبری در کار نیست.

۶. مرحوم شیخ طوسی رحمه الله در تبیان می گوید: «سمع» گاهی به عنوان اسم جمع به کار می رود و در اسم جمع معنای جمع، افتاده است و نیازی به جمع بستن ندارد. یا این که کلمه «سمع» می تواند معنای مصدری داشته باشد و مصدر هم برای کم و زیاد - هر دو - به کار رفته و نیازی به جمع بستن نیست.

پرسش ها و تمرین ها

۱. اوصاف کافران را از منظر قرآن بنویسید.

۲. چرا موعظه در وجود کفّار هیچ اثری را ندارد؟

۳. علت مهر شدن قلب و گوش های کافران را به طور مختصر شرح دهید.

۴. آیا سلب قدرت تشخیص کافران از طرف خدا دلیل بر جبر نخواهد بود؟ چرا؟ توضیح دهید.

۵. چرا «قلب» و «بصر» جمع، ولی کلمه «سمع» به صورت مفرد آمده اند؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، جلد۲، محمدباقر مجلسی؛

۲. تفسیر تبیان، محمد بن حسن طوسی؛

۳. پرتوی از قرآن، محمود طالقانی؛

۴. تفسیر القرآن الکریم، محمد ابن ابراهیم صدرالمتألهین (ملاصدرا).

۳- اوصاف منافقان (۱)

اشاره

اهداف آموزشی) الف: آشنایی با چند صفت از اوصاف منافقان از قبیل: ۱. عدم هماهنگی میان روح و جسم آنها؛ ۲. افرادی خدعه گر هستند؛ ۳. قلب آنها مریض است؛ ۴. اهل دروغ و کذب می باشند؛ ۵. اهل فساد هستند؛ ۶. خود را مصلح و اصلاح طلب می دانند؛ ب: پیام های آیات ۸ - ۱۲.

کلید واژه ها) نفاق، خدعه، فساد، اصلاح، شعور.

* * *

۸. وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالْیَوْمِ الْآخِرِ وَ ما هُمْ بِمُؤْمِنِینَ .

در میان مردم کسانی هستند که می گویند: به خدا و روز رستاخیز ایمان آورده ایم؛ در حالی که ایمان ندارند.

منافقان

اشاره

در قرآن کریم تعابیر شدیدی نسبت به منافقان وجود دارد.

الف) ...هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ... . (۱)

اینها دشمنان خداوند هستند, پس از آنها دوری نما.

ص:۴۶

۱- (۱) . منافقون، آیه۴.

ب) ...قاتَلَهُمُ اللّهُ أَنّى يُؤْفَكُونَ . (۱)

خداوند آنها را بکشد، چگونه از حق منحرف می شوند؟!

ج) إِنَّ الْمُنافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النّارِ وَ لَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً . (۲)

منافقان در پایین ترین درکات دوزخ قرار دارند و هرگز یاوری برای آنها نخواهی یافت! (بنابراین، از طرح دوستی با دشمنان خدا - که نشانه نفاق است - بپرهیزید!)

در درس گذشته با اوصاف کافران آشنا شدیم و در این درس و درس های بعد، با ویژگی های منافقان آشنا خواهیم شد.

اسلام در یک مقطع زمانی با افرادی روبه رو شد که نه شهامت برای ایمان آوردن داشتند و نه قدرت و جرأت مخالفت با اسلام را؛ قرآن از این افراد به عنوان منافقان یاد می کند. این افراد چنان در صفوف مسلمانان نفوذ کرده بودند که خطر بزرگی برای اسلام محسوب شدند؛ اینان از آن جا که ظاهری اسلامی داشتند، شناخت شان بسیار مشکل بود؛ لذا قرآن برای شناخت منافقان نشانه های دقیقی بیان نموده تا واقعیت این افراد به خوبی مشخص گردد و این آیات شرح فشرده ای پیرامون این افراد می باشد. (۳)

اوصاف این گروه عبارتند از:

اول: ایمان دروغین

میان روح و جسم منافقان هماهنگی وجود ندارد؛ زیرا ظاهر آنها با باطنشان فرق

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . نساء، آیه ۱۴۵.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۳.

دارد. بـا زبـان یـک چیز می گوینـد در حـالی که در قلب آنهـا آن واقعیت وجود نـدارد و به عبارت دیگر، ایمان آنها دروغین است.

هنگامی که انقلابی بر پایه های حق و عـدالت در جامعه رخ دهـد، منافع عدّه ای به خطر خواهد افتاد، آنها از راه های مختلفی برای ضربه زدن به آن انقلاب استفاده می کنند و اگر از این راه موفقیتی به دست نیاوردند، روش و تاکتیک خود را تغییر داده و در ظاهر تسلیم می شوند، ولی در واقع مخالف آن بوده و به خاطر این که موضع آنها مشخص نیست بسیار خطرناک هستند.

پس از ورود پیامبر صـلی الله علیه و آله به مدینه، زمانی که حکومت اسلامی تشکیل شد، منافع بسیاری از افراد به خطر افتاد، و از طرفی قرار گرفتن در مقابل مسـلمانان هیـچ فایـده ای برای آنها نـداشت؛ لذا راه سوّمی را انتخاب کردند و آن این که ظاهرا مسلمان شوند، ولی در باطن نقشه از بین بردن اسلام را طرح ریزی نمایند. (۱)

پیام های آیه

۱. ایمان، یک امر قلبی است و با زبان گفتن فقط، درست نمی شود؛ (۲)

۲. منافقان، افرادی دو چهره اند و زبان و دل آنها یکسان نیست؛ (۳)

۳. ایمان به خدا و قیامت، جزو اصول و از ارکان است؛ (۴)

۴. بین جسم و روح منافقان هماهنگی وجود ندارد.

۱- (۱) . همان، ص۹۸.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۵۶.
۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۷۵.
۴- (۴) . همان، ص۵۷.

* * *

۹. يُخادِعُونَ اللّهَ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ ما يَخْدَعُونَ إِلاّ أَنْفُسَهُمْ وَ ما يَشْعُرُونَ .

می خواهند خدا و مومنان را فریب بدهند [ولی] جز خودشان را فریب نمی دهند [اما] نمی فهمند.

دوّم: اهل خدعه و نیرنگ

منافقان کسانی هستند که با خدا و مؤمنان، نیرنگ و خدعه می کنند و قصد فریب دادن آنها را دارند و این عمل را یک نوع زرنگی به حساب می آورند. اما این که چگونه می خواستند مؤمنان را فریب دهند، می توان گفت که آنها چندین هدف داشتند:

۱. احترام و محبت مسلمانان را که اکثریت مردم را تشکیل می دادند به دست آورند؛

۲. اسرار مسلمانان را کشف کرده و در اختیار دشمن بگذارند؛

۳. احکام کفّار را از خودشان دورکنند تا مسلمانان آنها را افرادی پاک بدانند؛

۴. مسلمانان از مال و جان آنها دفاع کنند. (۱)

آیه فوق اشاره به نکته روان شناختی «خودفریبی» دارد. منافقان خیال می کنند که با نیرنگ و اظهار ایمان دروغین، خدا و مؤمنان را فریب می دهند، در حالی که با این کار به سوی گمراهی می روند و خود را از سعادت دنیا و آخرت محروم می کنند. پس خودشان زیان دیده و فریب می خورند؛ همچون بیماری که نسخه های پزشک را مخفیانه دور می اندازد و گمان می کند که او را فریب داده، در حالی که با خود نیرنگ کرده است. (۲)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۶۲ - ۶۳.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۷۶.

تعبیر به «یخادعون» - با توجّه به معنای مخادعه که به معنای نیرنگ از دو طرف است - بیانگر این نکته مهمّ است که منافقان اعتقاد داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله یک خدعه گر است و با نیرنگ می خواهد بر مردم حکومت کند؛ لذا باید در مقابل او به خدعه برخاست! ولی آیه مورد بحث این اعتقاد را در هم می شکند و به صراحت بیان می کند که خدعه تنها از جانب خود آنهاست و آثار آن نیز به خودشان برمی گردد؛ اما چون منافقان این مطلب را درک نمی کنند، قرآن درباره آنها می فرماید: آنها افراد بی شعوری هستند.

پیام های آیه

۱. منافقان، افرادی خدعه گر و نیرنگ باز هستند؛

۲. منافقان با خدا و مؤمنان خدعه و نیرنگ می کنند؛

۳. منافقان، اعتقادی به علم گسترده الهی ندارند (چون در صدد فریب او هستند)؛

۴. منافقان در حقیقت خودشان را فریب می دهند؛

۵. آثار خدعه به خود انسان برمی گردد؛

۶. منافقان، افراد نفهم و بی شعوری هستند. (۱)

* * *

۱۰. فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللّهُ مَرَضاً وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِیمٌ بِما کانُوا یَکْذِبُونَ .

در دل های آنها یک نوع بیماری است، خداوند بر بیماری آنها می افزاید و عذابی دردناک به جهت دروغ هایی که می گویند در انتظار آنها است.

سوّم: قلب مریض

صفت دیگر منافقان این است که آنها افرادی مریض هستند و خداوند نیز مرض

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۵۸.

آنها را افزایش می دهد؛ زیرا در نظام آفرینش هر کس در مسیری قرار گرفت و وسایل آن را فراهم ساخت، در همان مسیر هم به جلو می رود.

بیماری منافقان رو به رشد است، مانند سرطان که روز به روز در افراد بیمار افزایش یافته تا صاحبش را از بین ببرد. اما این که افزایش بیماری در منافقان را خداوند به خود نسبت داده به این خاطر است که خداوند این اثر را در کذب و گناه قرار داده است. (۱)

هم چنین خداوند برای منافقان در روز قیامت عذاب دردناکی در نظر گرفته است؛ به این علّت که آنها افرادی دروغ گو هستند.

کسی که اضطراب و دلهره دارد از نظر روانی، بیمار است. منافقان از این که نقاب از چهره شان برداشته شده و خداوند آنها را در جامعه رسوا نماید، نگران هستند و این خود، نوعی بیماری روانی است. (۲)

پیام های آیه

۱. نفاق یک بیماری روحی و قلبی است؛

۲. نفاق مانند بیماری سرطان رو به رشد است؛ (۳)

۳. منافقان در روز قیامت گرفتار عذاب دردناکی خواهند بود؛

۴. یکی از کارهای منافقان دروغ گویی است که با آن انس گرفته اند.

* * *

۱۱. وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قالُوا إِنَّما نَحْنُ مُصْلِحُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۴.
۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۶۳.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۵۹ و ۶۰.

و هنگامی که به آنها گفته شود در زمین فساد نکنید، می گویند ما فقط اصلاح کننده ایم.

چهارم: فتنه گری و فسادانگیزی

ویژگی دیگر منافقان این است که در زمین فساد می کنند، ولی ادّعای اصلاح طلبی دارند و می گویند ما در زندگی خود برنامه ای جز اصلاح طلبی نداریم.

نکته مهم این که وقتی به آنان گفته می شود در زمین فساد نکنید، در پاسخ می گویند: ما اصلاح طلب هستیم و برای اصلاح جامعه آمده ایم. جالب تر این که منافقان، اصلاح جامعه را منحصر به خودشان می دانند؛ زیرا پایان آیه با ضمیر فصل آورده شده است که دلالت بر تأکید دارد.

می توان گفت: آیه فوق اشاره روشنی به مسئله «فریب وجدان» دارد؛ بدین معنا که انسان منحرف و آلوده، برای رهایی از سرزنش، دست به فریب وجدانِ خود زده و کم کم برای خود این باور را به وجود می آورد که کار من، نه تنها زشت نیست، بلکه اصلاح و مبارزه با فساد است، تا بتواند آسوده خاطر به اعمال خلاف خود ادامه دهد. (۱)

پیام های آیه

۱. باید همه مردم را امر به معروف و نهی از منکر کرد؛

۲. نفاق، عامل فساد در جامعه است؛ (۲)

۳. منافقان افرادی فسادگر هستند؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۰۴.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴. منافقان فسادگر، کمترین فسادگری را نیز درباره خویش قبول ندارند؛

۵. منافقان فقط خودشان را اصلاح طلب می دانند و دیگران را مفسِد به حساب می آورند.

* * *

۱۲. أَلا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لكِنْ لا يَشْعُرُونَ .

آگاه باشید! اینان همان مفسدانند؛ اما نمی فهمند.

پنجم: نادانی و عدم شعور

خداوند در این آیه شریفه در جواب منافقان که می گفتند فقط ما مُصلح هستیم، چنین می فرماید: «ای مسلمانان! آگاه باشید و فریب شعارهای دروغین منافقان را نخورید؛ زیرا منافقان خودشان اهل فسادند، ولی انسان های نادانی هستند».

اصرار و پافشاری آنها در راه نفاق و برنامه های زشت، سبب شده است تا تدریجاً گمان کنند که برنامه هایشان مفید، سازنده و اصلاح طلبانه است؛ زیرا همان طور که اشاره نمودیم اگر گناه از حدّ خودش بگذرد، حسّ تشخیص را از انسان می گیرد و خیال می کند کارهای او سازنده و مفید است. (۱)

پیام های آیه

۱. مسلمانان باید در مقابل توطئه های منافقان بیدار باشند؛

۲. با منافقان باید قاطعانه برخورد کرد (کلمه «إنّ» و جمله اسمیه دلالت بر تأکید دارد)؛

۳. فساد، کار دائمی منافقان است (۲) (دائمی بودن را می توان از اسم فاعل

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۲.

«مفسدون» که از فعل مضارع گرفته شده دریافت؛ زیرا فعل مضارع دلالت بر استمرار دارد)؛

۴. منافقان، سرچشمه و منشأ فساد در جامعه هستند؛ (۱)

۵. منافقان، افراد بی شعور و احمقی هستند.

چکیده

۱. اسلام در یک مقطع زمانی با افرادی روبه رو شد که نه شهامت برای ایمان آوردن داشتند و نه قدرت و جرأت مخالفت با اسلام را؛ قرآن از این افراد به عنوان منافقان یاد می کند.

۲. یکی از اوصاف منافقان این است که میان روح و جسم آنها هماهنگی وجود ندارد؛ زیرا ظاهر آنها با باطنشان فرق دارد: با زبان خود یک چیز می گویند، در حالی که در قلب آنها آن واقعیت وجود ندارد.

۳. تعبیر به «یخادعون» با توجّه به معنای مخادعه که به معنای نیرنگ از دو طرف است، اشاره به این نکته مهمّ دارد که منافقان اعتقاد داشتند پیامبر صلی الله علیه و آله یک خدعه گر است و با نیرنگ می خواهد بر مردم حکومت کند؛ لذا باید در مقابل او به خدعه برخاست!

۴. منافقان، افراد بیماری هستند و خداوند نیز مرض آنها را افزایش می دهد؛ زیرا در نظام آفرینش هر کس در مسیری قرار گرفت و وسایل آن را فراهم ساخت، در همان مسیر به پیش خواهد رفت.

۵. ویژگی دیگر منافقان آن است که در زمین فساد می کنند، ولی ادعای

۱- (۱) . علی اکبر هاشمی رفسنجانی، تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۴.

اصلاح طلبی دارند و می گویند ما در زندگی خود برنامه ای جز اصلاح طلبی نداریم.

۶. اصرار و پافشاری منافقان در راه نفاق و ادامه برنامه های زشت، سبب شده تا گمان کنند که برنامه هایشان مفید، سازنده و اصلاح طلبانه است؛ چون همان طور که اشاره نمودیم، اگر گناه از حدّ خود بگذرد، حسّ تشخیص را از انسان می گیرد و فرد گمان می کند کارهایش سازنده است.

ص:۵۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. چند ویژگی از ویژگی های منافقان را از منظر قرآن شرح دهید.

۲. از آیه شریفه وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَقُولُ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالْیَوْمِ... چه پیام هایی را می توان دریافت؟

۳. چرا در آیه شریفه تعبیر به «یخادعون»» شده است؟ توضیح دهید.

۴. چگونه بیماری منافقان رو به افزایش است؟ در چند سطر بیان کنید.

۵. آیه شریفه وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ قالُوا... به چه صفتی از صفات منافقان اشاره می کند؟

منابع بیشتر برای تحقیق و پژوهش

۱. انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی؛

۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی؛

۳. آشنایی با قرآن، مرتضی مطهری، جلد اول؛

۴. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی.

۴– اوصاف منافقان (۲)

اشاره

اهداف آموزشی) الف: آشنایی با چند صفت دیگر از اوصاف منافقان از قبیل: ۱. تحقیر دیگران؛ ۲. جهل و نادانی؛ ۳. دو چهره بودن؛ ۴. ارتباط با کافران؛ ۵. مسخره کردن دیگران؛ ۶. سرگردانی در دنیا؛ ۷. از دست دادن هدایت؛ ب: پیام های آیات ۱۳ – ۱۶.

کلیدواژه ها) سفاهت، استهزاء، طغیان، ضلالت، حیرت.

* * *

۱۳. وَ إِذا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَما آمَنَ النّاسُ قالُوا أَ نُؤْمِنُ كَما آمَنَ السُّفَهاءُ أَلا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهاءُ وَ لكِنْ لا يَعْلَمُونَ .

و هنگامی که به آنها گفته شود، همانند [سایر] مردم ایمان بیاورید، می گویند: آیا همچون سفیهان ایمان بیاوریم؟ بدانید اینها همان سفیهانند، ولی نمی دانند.

ششم: تحقیر مؤمنان

در این درس نیز همانند درس گذشته، با تعدادی از اوصاف منافقان آشنا خواهیم شد.

در این آیه شریفه نیز خداوند منافقان را دعوت به ایمان کرده، اما آنها به جای ایمان آوردن، مؤمنان را تحقیر و به خدا پاسخ می دهند: آیا ما هم مانند افراد نادان که به خدا ایمان آوردند، ایمان بیاوریم؟ یعنی در حقیقت، کسانی که به خدا

ایمان آورده اند افراد سفیه و نادان هستند. آنها خود را عاقل و هوشیار و مؤمنان حق طلب را که با مشاهده آثار حقانیت در دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله سر تعظیم فرود آورده اند به سفاهت متّهم می کنند. (۱)

هفتم: جهل و نادانی

خداوند در مقابل این عمل منافقان می فرماید: مؤمنان باید بیدار باشند که منافقان خود، نادان و سفیه هستند، اما آنها این نکته را نمی دانند و نسبت به آن جاهل هستند.

منافقان افراد پاکدل و حق طلبی را که به دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله لبیک گفته اند، به سفاهت متهم می کنند، ولی شیطنت و نفاق خود را عقل و درایت به حساب می آورند، در حالی که نادان واقعی خودشان هستند. آیا این سفاهت نیست که انسان استعداد و نیروی خود را در راه شیطنت و توطئه به کار گرفته و در عین حال خود را عاقل بداند؟

پیام های آیه

۱. باید همه (حتی منافقان) را به ایمان دعوت نمود؛

۲. یکی از ویژگی های منافقان تحقیر دیگران است؛ (۲)

۳. بیماری نفاق باعث متهم ساختن اهل ایمان به بی خردی و نادانی است؛

۴. منافقان، خود را مردمی روشن فکر می پندارند؛

۵. در فرهنگ قرآن، تسلیم حق نشدن، سفاهت و نادانی است؛ (۳)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۵.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۸۲.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۳.

۶. مسلمانان باید در مقابل منافقان بیدار باشند؛

۷. باید با منافقان مقابله به مثل شود؛

۸. منافقان افرادی سفیه و کم خرد هستند. (۱)

* * *

۱۴. وَ إِذا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا إِلی شَياطِينِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَكُمْ إِنَّما نَحْنُ مُسْتَهْزِؤُنَ .

و هنگامی که افراد با ایمان را ملاقات می کنند، می گویند ما ایمان آورده ایم، (ولی) هنگامی که با شیاطین خود خلوت می کنند، می گویند ما با شماییم، آنها را مسخره می کنیم.

هشتم: ارتباط با دشمن

خداوند در این آیه شریف، یکی دیگر از اوصاف منافقان را ترسیم نموده و می فرماید: منافقان هنگام ملاقات با مؤمنان، اظهار ایمان می کنند، اما زمانی که با رؤسای خود خلوت می کنند، همکاری خود را به آنها اعلام نموده و می گویند ما با شما هستیم. این حاکی از همان دو چهره بودن آنهاست. که هر روز به رنگی درمی آیند و در میان هر جمعیتی با آنها هم صدا و هم نوا می شوند. (۲)

ناریان مر ناریان را جاذبند نوریان مر نوریان را طالبند

منظور از شیاطین در آیه، همان رؤسا و رهبران شیطان صفت منافقان هستند که در پشت صحنه قرار داشته و آنان را هدایت می کنند. (۳)

ص:۵۹

۱- (۱) . تفسیر مهر، ج۱، ص۱۸۱.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۶.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۸۳.

نهم: مسخره کردن دیگران

منافقان در جواب بزرگان خود می گویند: اگر ما در کنار مؤمنان بودیم و اظهار ایمان می نمودیم، در حقیقت آنها را مسخره می کردیم. ما بر افکار و اعمالشان در دل می خندیدیم. دوست ما و محرم اسرار ما, شما هستید. (۱)

پیام های آیه

۱. منافقان، نان را به نرخ روز می خورند؛ یعنی هر کاری که به نفعشان باشد انجام می دهند؛

۲. ارتباط منافقان با مؤمنان، ظاهری است, اما ارتباط آنها با کفّار، مخفیانه می باشد؛

۳. اظهار ایمان در منافق به صورت موقّت، اما کفر در قلب آنها به صورت دائمی است؛ (۲) زیرا خداوند ملاقات آنها با مومنان را در قالب فعل ماضـی و جمله فعلیّه بیان می کند؛ اما شـرکت منافقان در جلسات مخفیانه با کفار را در قالب جمله اسـمیّه بیان می کند و از نظر ادبیات عرب جمله اسمیه دلالت بر تأکید دارد؛

۴. منافقان، مؤمنان را استهزاء و مسخره می کنند؛

۵. منافقان نه تنها با کافران هم فکر هستند، بلکه به آنها کمک نیز می کنند. (۳)

* * *

۱۵. اَللّهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمُدُّهُمْ فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ .

خداوند آنها را استهزاء می کند و آنها را در طغیانش نگه می دارد تا سرگردان شوند.

ص:۶۰

۱- (۱) . همان، ص۹۶. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۵.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۵.

دهم: حیرت و سرگردانی

آیه فوق جواب قاطع و کوبنده ای به منافقان است که می گفتند: «ما مؤمنان را مسخره می کردیم.» خداوند در پاسخ می فرماید: خداوند منافقان را مسخره می کند؛ یعنی مجازات مسخره کردن آنها را می دهد؛ همان مجازاتی که متناسب با استهزای آنهاست و جزای آنها این است که آنان را در طغیانشان نگاه داشته است به طوری که در زندگی سرگردان و حیران باقی می مانند (۱) و نمی توانند تصمیم درستی را در زندگی انتخاب کنند؛ در نتیجه دیگران برای آنها تصمیم گیری می کنند.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده که می فرماید: «خداوند اهل خدعه و مکر نیست، لکن جزای مکر آنها را می دهد.» (۲) ممکن است رها کردن خداوند منافقان را در حیرت و سرگردانی، همان استهزا و مسخره کردن خداوند باشد. (۳)

پیام های آیه

۱. کیفرهای الهی، متناسب و همسان با اعمال انسان هستند؛ (۴)

۲. منافقان مردمانی متحیر و سرگردان در جامعه هستند؛

۳. سرگردانی اهل نفاق رو به افزایش است (در صورتی که «مدّ» به معنای افزودن باشد).

* * *

۱- (۱) . «یعمهون» از «عمه» به معنای مردد بودن در کار است و «عمه» بودنِ قلب، به سبب همان تحیر و مردد بودن انسان است (مفردات راغب، واژه «عمه»).

۲- (۲) . نورالثقلین، ج۱، ص۳۵.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۰.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۶.

۱۶. أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الضَّلالَهَ بِالْهُدی فَما رَبِحَتْ تِجارَتُهُمْ وَ ما کانُوا مُهْتَدِینَ .

آنها کسانی هستند که هدایت را با گمراهی معاوضه کرده اند و [این] تجارت برای آنها سودی نداده و هدایت نیافته اند.

یازدهم: تجارت زیان آور

خداوند در این آیه، کار منافقان را به یک معامله تشبیه نموده و می فرماید:

منافقان در بازار دنیا مشغول تجارت شده اند و هدایت اولیه خود را که سرمایه الهی و فطرت بود از دست داده و در مقابل، گمراهی را خریدند؛ (۱) از این رو منافقان زیان کرده اند.

قرآن فعالیت های انسان را در این دنیا، به تجارت تشبیه نموده است که عده ای از آن سود می برند و عده ای نیز ضرر می کنند. در سوره «صف» می فرماید:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّکُمْ عَلی تِجارَهٍ تُنْجِیکُمْ مِنْ عَذابٍ أَلِیمٍ * تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللّهِ بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما رااز عذاب دردناک رهایی می بخشد؟! به خدا و رسولش ایمان بیاورید و با اموال و جان هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما [از هر چیز] بهتر است، اگربدانید!

منافقان از جمله افرادی هستند که در دنیا ضرر نموده و نفعی عاید آنها نمی گردد. آنان در این تجارت سودی نمی برند؛ زیرا سرمایه ای که از دست می دهند (ایمان و فطرت) قابل مقایسه با آن چه تحویل می گیرند (ضلالت)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۹۶ و ۹۷.

۲- (۲) . صف، آیه ۱۰ و ۱۱.

نخواهد بود و این گروه اهل هدایت نیستند.

ممکن است گفته شود: منافقان که هیچ گاه هدایت نشده اند تا آن را با ضلالت عوض کنند، پس چگونه در آیه از تبدیل هدایت به ضلالت سخن به میان آمده است؟

در پاسخ باید گفت: اصل اولی در هر انسان، هدایت است و اگر کسی مطابق با فطرت و اصل اولی خویش قدم بردارد، بدون شک هدایت می یابد واگر هم کسی گمراه می شود، برخلاف طبیعت است. منافقی که گمراهی رااختیار کرده، در واقع آن را با هدایت اولیه، اصلی و فطری معاوضه کرده است. (۱)

پیام های آیه

۱. دنیا مانند بازار و مردم نیز همانند تاجر هستند؛ (۲)

۲. تجارت منافقان (خرید ضلالت در مقابل هدایت) فاقد هرگونه منفعت است؛

۳. نفاق باعث از دست دادن فطرت می شود؛

۴. انسان در انتخاب راه آزاد است (چون تجارت در دنیا آزاد است)؛

۵. از دست دادن ایمان، نتیجه اش گمراهی و بدبختی است؛

۶. منافقان اهل هدایت نیستند؛ یعنی کارشان به نتیجه نخواهد رسید.

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۶۸.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۸.

چکیده

۱. خداونـد منافقان را به ایمان دعوت کرده، اما آنها به جای ایمان آوردن، مؤمنان را تحقیر و به خدا چنین پاسخ می دهند: آیا ما مانند افراد نادان که به خدا ایمان آوردند، ایمان بیاوریم؟ در حقیقت منافقان می پندارند کسانی که به خدا ایمان آورده اند افرادی سفیه و نادان هستند.

۲. منافقان، خود را عاقل و هوشیار می دانند و مؤمنان و افراد پاکدل و حق طلب را که با مشاهده آثار حقانیت در دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله سر تعظیم فرود آورده اند، به سفاهت متّهم می کنند.

۳. یکی از کارهـای منافقـان، مسـخره کردن مؤمنـان است؛ لـذا می گوینـد: اگر ما در کنار مؤمنان اظهار ایمان می نمودیم، در حقیقت آنهـا را مسـخره می کردیم. مـا بر افکار و اعمالشان در دل می خندیـدیم، درحالی که دوست و مَحرَم اسـرار ما و همه چیز ما شما هستید.

۴. خداوند منافقان را مسخره می کند؛ یعنی جزای تمسخر آنها را می دهد؛ بدین صورت که آنان را در طغیانشان نگاه داشته، به طوری که در زندگی خود سرگردان و حیران باقی می مانند.

۵. خداونـد اهـل خـدعه و مکر نیسـت، لکـن جزای مکر آنهـا را می دهـد. ممکـن است ایـن رهـا کردن منافقـان در حیرت و سرگردانی، همان استهزا و مسخره کردن از جانب خداوند باشد.

۶. منافقـان کسـانی هسـتند که در بـازار دنیا مشـغول تجارت شـده و هـدایت اولیه خود را - که سـرمایه الهی و فطرت بود - از دست داده اند و در مقابل گمراهی را خریده اند.

۷. منافقان در دنیا سودی نمی برند؛ زیرا سرمایه ای که از دست می دهند (ایمان

ص:۶۴

و فطرت) قابل مقایسه با آن چه تحویل می گیرند (ضلالت) نخواهد بود؛ لذا این گروه اهل هدایت نیستند.

۸. اصل اولی در هر انسان، هدایت است و اگر کسی مطابق با فطرت و اصل اولی قدم بردارد، هدایت می یابد و اگر هم گمراه می شود بر خلاف طبیعت است. منافقی که گمراهی را اختیار کرده، در واقع آن را با هدایت اولیه و اصلی معاوضه نموده است.

ص:۶۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. از آیه سیزدهم سوره بقره چه نکاتی استفاده می شود؟

۲. چگونه از آیه چهاردهم می توان دریافت که ایمان منافقان، موقتی است؟

۳. وجه تشبیه دنیا را به بازار، با توجه به آیات توضیح دهید.

۴. از آیه وَ إِذا لَقُوا الَّذِینَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلَوْا إِلی شَیاطِینِهِمْ قالُوا إِنّا مَعَکُمْ... چه نکاتی استفاده می شود؟

۵. آیه اَللّهُ یَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَ یَمُدُّهُمْ فِی طُغْیانِهِمْ یَعْمَهُونَ را تفسیر نمایید.

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. التبیان، محمد بن حسن طوسی؛

۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی؛

۳. سفینه البحار، عباس قمی؛

۴. تفسیر سوره حجرات، محسن قرائتی.

۵- ترسیم حال منافقان

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با ترسیم حال منافقان در قرآن؛ معنای کوری و لالی منافقان؛ پیام های آیات ۱۷-۲۰.

کلیدواژه ها) نور، ظلمات، صمّ، بکم، عمی، صاعقه.

* * *

۱۷. مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِی اسْتَوْقَدَ ناراً فَلَمّا أَضاءَتْ ما حَوْلَهُ ذَهَبَ اللّهُ بِنُورِهِمْ وَ تَرَكَهُمْ فِی ظُلُماتٍ لا یُبْصِرُونَ .

آنها (منافقان) همانند کسی هستند که آتشی افروخته [تا در بیابان تاریک راه خود را پیدا کند]، ولی هنگامی که با آتش اطراف خود را روشن ساخت خداوند (طوفانی می فرستد و) آن را خاموش می کند و در تاریکی وحشتناکی که چشم کار نمی کند آنها را رها می سازد.

دو تشبیه جالب برای ترسیم حال منافقان

اشاره

یکی از روش های قرآن در بیان مسائل تربیتی، استفاده از تمثیل و تشبیه است که مسائل غیرحسی را به حسی تشبیه می کند تا مطالب برای مخاطب تجسّم پیدا

کند و فهم مطلب برای او آسان تر شود. هدف خداوند از این مَثَل ها، تفکّر و تذکّر و یادآوری است. (۱)

در سوره ابراهیم آمده است:

...وَ یَضْرِبُ اللّهُ الْأَمْثالَ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَذَکَّرُونَ . (۲)

خداوند مثل ها را برای مردم می زند شاید آنها یادآور شوند.

هم چنین در سوره حشر آمده است:

...وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ . (۳)

و این مثل ها را برای مردم می زنیم، شاید آنها اندیشه کنند.

خداوند برای فهم بشر، معقولات را تشبیه به محسوسات می کند تا مطلب برای مردم روشن و واضح شود؛ لذا بعد از بیان صفات و ویژگی های منافقان، دو تشبیه زیبا برای مجسم نمودن حال آنان بیان می فرماید:

تشبیه اول

منافقان را تشبیه به فردی می کند که در بیابانی تاریک قرار گرفته و با زحمت زیاد آتشی را برای خود تهیه کرده است تا در پرتو نور آن، چند قدمی حرکت کند، اما ناگهان بادی سخت می وزد و آن آتش را خاموش می کند و منافق دوباره گرفتار تاریکی ها می شود.

منافقان خیال می کنند با این نور اندک می توانند به مقصود برسند، موقعیت خویش را حفظ نموده و از خطرات احتمالی جان سالم به دربرند. آنها خود را

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص ۷۰.
۲- (۲) . ابراهیم، آیه۲۵.
۳- (۳) . حشر، آیه۲۱.

افرادی زیرک و باهوش می پندارند و در پرتو این روشنایی ضعیف قصد دارند به زندگی خود ادامه دهند، ولی قرآن پرده از روی نفاقشان برداشته و آنها را رسوا می سازد و این شعله ضعیف به خاموشی می گراید و دروغ شان آشکار می گردد. (۱)

از این آیه می توان دریافت که نفاق و دورویی نمی تواند برای مدت طولانی موثّر واقع شود؛ اگر چه ممکن است منافقان به صورت موقّت از این نور استفاده کنند و در میان جامعه مسلمانان حرکت نموده و از رفاقت و دوستی پنهانی با کفّار بهره ببرند, ولی این نور به زودی با طوفان های الهی خاموش خواهد شد و منافقان چنان ضربه ای خواهند خورد که دیگر قدرت حرکت نداشته باشند.

در آیه فوق کلمه «نور» مفرد، ولی کلمه «ظلمات» به صورت جمع آمده است؛ این برای آن است که راه حق و صحیح یکی بیشتر نیست، ولی راه های باطل و انحرافی زیاد است.

شهید مطهّری می گوید: مراد از «نار» و آتش در آیه، همان نقشه های فریب کارانه منافقان است. (۲)

پیام های آیه

۱. برای بیان حقایق از مثال های گویا و محسوس استفاده کنیم؛ (۳)

۲. نقشه های منافقان موفق نخواهد بود؛

۳. عاقبت منافقان تاریکی و بدبختی است؛ (۴)

ص:۶۹

۱- (۱) . ناصر مکارم شیرازی، أمثال القرآن، ص۲۵؛ تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۰۸و۱۰۹. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج۲، ص۱۱۹.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۹۰.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۶۹.

۴. تظاهر به ایمان هم دارای منافع است، هر چند زودگذر و ناپایدار است؛

۵. نور اسلام فراگیر است، اما نوری (آتشی) که منافقان از آن استفاده می کنند فقط محدوده خاص و کوچکی را روشن می کند؛

۶. نفاق باعث سلب شدن دیده بصیرت از انسان می شود؛

۷. گمراهی دارای چهره های گوناگون و متفاوت است.

* * *

۱۸. صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لا يَرْجِعُونَ .

آنها کر، گنگ و کورند؛ بنابراین از راه خطا باز نمی گردند.

نداشتن بصیرت

در آیه فوق خداوند می فرماید: منافقان افرادی ناشنوا و لال و کور هستند؛ زیرا تحمّل شنیدن حق را ندارند و حقایق عالم را نمی شنوند. این گروه افرادی هستند که زبانشان به حق باز نمی شود و حقایق را نمی بینند. به عبارت دیگر، منافقان کسانی هستند که وسایل شناخت (گوش، چشم، زبان) را از دست داده اند و هیچ گاه به سوی حق بازنمی گردند.

چشم باز و گوش باز و این عَمی حیرتم از چشم بندی خدا

خداوند گوش را برای شنیدن حقایق به انسان داده است، ولی چون منافقان از آن برای رسیدن به واقعیت استفاده نمی کنند، به افرادی می مانند که گوش ندارند.

خداوند به انسان چشم داده تا با آن آیات الهی را ببیند، ولی چون منافقان از این چشم برای دیدن حقایق و آیات استفاده نمی کنند، شبیه افرادی هستند که چشم ندارند. خداوند به انسان زبان داده تا کلمات حق را بر زبان جاری سازد، اما چون زبان این گونه افراد به دروغ و... عادت کرده، به افرادی می مانند که لال و بی زبان

هستند. نکته مهم این است که منافقان با اختیار خودشان باعث از دست دادن این ابزار شده اند؛ زیرا ادامه دادن راه اشتباه، نیروی تشخیص را از انسان می گیرد.

از نظر قرآن، بدترین جنبندگان انسان هایی هستند که از ابزار شناختی که خداوند در اختیار آنها قرار داده، استفاده نمی کنند.

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لا يَعْقِلُونَ . (۱)

بدترین جنبندگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی کنند.

پیام های آیه

۱. نفاق انسان را از درک حقایق باز می دارد؛ (۲)

۲. نفاق باعث می شود که انسان به طرف حق برنگردد؛

۳. برای نشان دادن حالات افراد از مثال های روشن و ملموس استفاده نماییم؛ (۳)

۴. عدم استفاده صحیح از وسایل شناخت، مساوی با فقدان آن است؛ (۴) از این رو چون منافقان چشم و گوش دارند، ولی از آن در راه صحیح استفاده نمی کنند به آنها کور و کر اطلاق شده است.

* * *

۱۹. أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّماءِ فِيهِ ظُلُماتٌ وَ رَعْدٌ وَ بَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصابِعَهُمْ فِي آذانِهِمْ مِنَ الصَّواعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللّهُ مُحِيطٌ بِالْكافِرِينَ .

یا همچون بارانی که در شب تاریک توأم با رعد و برق و صاعقه [بر سر

۱- (۱) . انفال، آیه ۲۲.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۷۰.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۹۲.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۷۰.

رهگذرانی] ببارد، آنها از ترس مرگ انگشت در گوش خود می گذارند تا صدای صاعقه را نشنوند، و خداوند به کافران احاطه دارد [و در قبضه قدرت او هستند].

تشبیه دوم

در این آیه نیز خداوند به درماندگی و هراس منافقان اشاره کرده و صحنه زندگی منافقان را به شکل دیگری ترسیم نموده است. آنها در بیابان بارانی، تاریک و ظلمانی و پرخطر قرار گرفته اند و در حالی که رعد وبرق و صاعقه فضای آسمان را روشن کرده، در وحشت از صدای رعد انگشت های خود را در گوش هایشان فرو کرده اند. این افراد، هیچ پناهگاهی نداشته و هیچ راه فراری هم ندارند؛ زیرا قدرت الهی از همه اطراف آنها را إحاطه نموده است؛ از این رو منافقان هر لحظه خطر را در برابر خود احساس می کنند؛ زیرا در دل بیابان هیچ پناهگاهی به چشم نمی خورد تا آنها را از صاعقه حفظ کند و هر لحظه ممکن است نابود شوند. (۱)

پیام های آیه

۱. اطراف منافقان را تاریکی ها فرا گرفته است؛

۲. منافقان، خود را در مقابل مؤمنان در معرض زوال و نابودی می بینند؛

۳. منافقان، در ترس و وحشت قرار دارند و از مرگ می ترسند؛ (۲)

ص:۷۲

۱- (۱) . در رابطه با تفاوت رعد و برق و صاعقه باید گفت که رعد و برق ناشی از دو جریان الکتریکی مثبت و منفی نهفته در ابرهاست که با همدیگر برخورد می کنند. همان طور که دو سیم مثبت و منفی برق در اثر برخورد با یکدیگر تولید جرقه و صدا می کنند؛ اما صاعقه، برخورد بار الکتریکی ابرها با سطح زمین است که بسیار خطرناک بوده و گاهی منطقه وسیعی را می سوزاند.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۷۲.

۴. سرانجام نفاق، کفر است؛ (۱)

۵. کافران و منافقان در حیطه قدرت الهی هستند. (۲)

* * *

۲۰. یَکادُ الْبَرْقُ یَخْطَفُ أَبْصارَهُمْ کُلَّما أَضاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِیهِ وَ إِذا أَظْلَمَ عَلَیْهِمْ قامُوا وَ لَوْ شاءَ اللّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ إِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ .

روشنایی خیره کننده برق، نزدیک است چشم آنها را برباید؛ هر لحظه ای که برق می درخشد [گستره بیابان را] برای آنها روشن می سازد [چند قدمی] در پرتوی آن راه می روند و هنگامی که خاموش می شود توقف می کنند و اگر خدا بخواهد گوش و چشم آنها را از بین می برد؛ خداوند بر همه چیز تواناست.

رسوا شدن منافقان

خداوند می فرماید: منافقان در بیابانی تاریک قرار گرفته اند و آسمان نیز دارای رعد و برق و صاعقه است. برق آسمانی چنان خیره کننده است که نزدیک است چشمان منافقان را برباید. هر زمانی که برق آسمانی می درخشد و بیابان روشن می شود، منافقان چند گامی در پرتو آن پیش می روند، ولی بلافاصله ظلمت و تاریکی بر آنها چیره شده و آنها را در جای خود متوقف می کند. (۳)

منظور از برق آسمانی همان ایمان ظاهری و دروغین آنها است که فقط در پرتو آن می توانند چند گام بردارند، اما ناگهان آسمان تاریک می شود و خداوند منافق را رسوا می سازد و دوباره متحیّر می ایستد.

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۹۲.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۱۲.

صاعقه به هر برآمدگی که برخورد می کند آن را از بین می برد و در دل بیابان هیچ برآمدگی جز خود منافق وجود ندارد. منافق مضطرب و پریشان، حیران و سرگردان در بیابان ایستاده است؛ زیرا نه راهی پیداست و نه راهنمایی و نه نوری که در پرتو آن گام بردارد.

آری، منافقان همچون مسافرانی هستند که در مقابل مؤمنان - که چون سیل خروشان به پیش می روند - قرار گرفته و هیچ پناهگاهی ندارند تا از صاعقه های الهی (جهاد مسلمانان و مجازات الهی) در امان بمانند. (۱) منافقان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، چنین وضعیتی داشتند, از یک سو در ظلمت کفر و ضلالت بودند و از سوی دیگر باران تند اسلام بر آنها باریدن گرفته بود. آنها همانند کسی که از رعد و برق بترسد، از احکام نورانی اسلام بیمناک بودند و احکام جهاد همچون صاعقه ای بر آنان فرود می آمد. (۲)

پیام های آیه

۱. منافقان در برابر درخشش اسلام، خود را درمانده می بینند ...یَخْطَفُ أَبْصارَهُمْ... ؛

۲. ایمان منافق، موقتی و لحظه ای است؛

۳. کار منافقان به نتیجه نخواهد رسید؛

۴. خداوند منافقان را رسوا می کند؛

۵. خداوند بر هر کاری قادر و تواناست.

ص:۷۴

۱- (۱) . دراین جا ذکر این نکته لازم است که ما سرنوشت منافقان را در انقلاب اسلامی به خوبی مشاهده نمودیم: دلهره، تفرقه، شکست، آوارگی در کشورهای مختلف، بی آبرویی نزد مردم، پناه آوردن به کفّار از قبیل آمریکا و إنگلیس و... نتیجه اعمال خودشان بود. آنها با سردادن شعارهای مذهبی، قصد فریب مردم را داشتند، ولی با خنثی شدن توطئه هایشان و آگاه شدن مردم و نیز، صاعقه هایی که در عملیات «مرصاد» توسط لشگریان اسلام بر سرشان ریخت و تعداد زیادی را به هلاکت رساند، با خواری و ذلّت فرار کرده و به کشورهای کفر پناهنده شدند.
۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۷۱ و۷۲.

چکیده

۱. یکی از روش های خداوند در تربیت انسان ها، بیان حقایق به وسیله مثال های واضح و روشن است؛ یعنی خداوند برای فهم بشر، معقولات را به محسوسات تشبیه می کند تا مطلب برای مردم روشن و واضح گردد.

۲. خداوند منافق را به فردی تشبیه می کند که در بیابان تاریک قرار گرفته و با زحمت زیاد آتشی را برای خود تهیه کرده است تا در سایه نور آن، چند قدمی حرکت کند؛ اما ناگاه بادی سخت می وزد و آن آتش را خاموش می کند و منافق دوباره گرفتار تاریکی ها می شود.

۳. نفاق و دورویی نمی تواند اثری طولانی داشته باشد؛ اگر چه ممکن است منافق به صورت موقت از این نور استفاده نموده و میان جامعه، مسلمانان حرکت کند، ولی این نور به زودی با طوفان های الهی خاموش خواهد شد و منافقان چنان ضربه ای خواهند خورد که دیگر قدرت حرکت نداشته باشند.

۴. منافقان، افرادی ناشنوا و لال و کور هستند که زبانشان به حرف حق باز نمی شود؛ به عبارت دیگر آنها کسانی هستند که وسایل شناخت (گوش، چشم، زبان) را از دست داده اند.

۵. از نظر قرآن، بدترین موجودات انسان هایی هستند که از ابزار شناخت که خداوند در اختیار آنها قرار داده است، استفاده نمی کنند: إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لا يَعْقِلُونَ .

۶. منافقان به کسانی می مانند که در دل بیابان قرار گرفته اند؛ نه کوهی و نه درختی وجود دارد تا آنها را از صاعقه حفظ کند و هر لحظه ممکن است هدف صاعقه قرار گرفته و نابود شوند.

ص:۷۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. خداوند منافقان را در قرآن به چه چیزی تشبیه نموده است؟

۲. از آیه هفدهم چه نکاتی را می توان دریافت؟

۳. با این که منافقان گوش، زبان و چشم دارند، چرا در آیه شریف، خداوند آنها را کر، لال و کور معرفی نموده است؟

۴. فرق بین رعد و برق با صاعقه چیست؟ توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. مثال های زیبای قرآن کریم، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی؛

۳. مصباح المنیر، احمد بن محمد فیّومی؛

۴. تفسیر الصافی، ملامحسن فیض کاشانی؛

۵. یکصدوپنجاه موضوع از قرآن کریم، اکبر دهقان.

۶- دعوت مردم به عبادت خداوند

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با عبادت خداوند به خاطر نعمت های او؛ معجزه جاودان پیامبر صلی الله علیه و آله (قرآن)؛ نعمت زمین و آسمان؛ آشنایی با پیام های آیات ۲۱-۲۴.

کلیدواژه ها) عبادت، زمین، آسمان، انداد، معجزه، وقود.

* * *

۲۱. یا أَیُّهَا النّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ .

ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید، آن کسی که شما و پیشینیان را آفرید تا پرهیزکار شوید.

چنین خدایی را بپرستید

بعد از بیان اوصاف سه گروه، خداوند همه انسان ها، از هر نژاد و قبیله و از هر دین و آیین (پرهیزکاران، کافران، منافقان) را به عبادت خودش دعوت نموده و می فرماید: ای مردم! پروردگارتان را عبادت کنید، کسی که تربیت شما به دست اوست؛ خدایی را عبادت کنید که هم خالق شما و هم خالق اجداد شماست.

خداوند برای بیدار شدن مردم، از مهم ترین و واضح ترین نعمت که همان

«خلقت» است شروع می نماید؛ زیرا در خلقت انسان، نشانه های قدرت و علم پروردگار کاملاً به چشم می خورد. کسانی هم که در برابر خداوند خاضع نیستند و او را عبادت نمی کنند، غالباً به سبب غفلت از خود و آفرینش خود است. (۱)

نکته قابل توجّه این که، در این آیه به نتیجه خداپرستی که همان تقواست اشاره شده است؛ یعنی عبادت خداوند، چیزی به عظمت او اضافه نخواهد کرد، بلکه فایده این عبادت به خود انسان برمی گردد.

پیام های آیه

۱. پرستش خداوند انسان را به تقوا می رساند؛ (۲)

۲. دعوت خداوند عمومی است؛

۳. خداوند، ربّ و تربیت کننده انسان ها است؛

۴. خداوند، خالق همه انسان های موجود و اجداد آنهاست؛

۵. پرستش خداوند، انسان را به تقوا، رشد و کمال می رساند؛ (۳)

۶. نباید از خطرات غافل بود؛ چون ممکن است در میانه راه تقوا را از دست داده و به هدف نرسیم لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .

* * *

۲۲. اَلَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ فِراشاً وَ السَّماءَ بِناءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَکُمْ فَلا تَجْعَلُوا لِلّهِ أَنْداداً وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ .

آن کس که زمین را بستر شما قرار داد و آسمان (جو زمین) را همچو سقفی بر

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۱۶ و۱۱۷. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۱۹۶.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۶۰.

بالای سر شما، و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن میوه ها را پرورش داد تا روزی شما باشد، پس برای خدا شریک هایی قرار ندهید، در حالی که می دانید (هیچ یک از این شرکا و بتان، نه شما را آفریده اند و نه شما را روزی می دهند).

آشنایی با نعمت های الهی

«انداد» جمع «ندّ» به معنای شریک و شبیه است. «فِراش» به معنای بستر استراحت است. این واژه نه تنها مفهوم آرامش را دربردارد، بلکه گرم و نرم بودن و در حدّ اعتدال قرار داشتن نیز در مفهوم آن نهفته است، چنان که در روایات به آن اشاره شده است. (۱)

بر آن آفرین گو جهان آفرین زمین و زمان و مکان آفرید

که آرام از وی است و هم کار او هم آغاز از وی است و انجام از او

جز او را مخوان کردگار جهان شناسنده آشکار و نهان

کلمه «سماء» در قرآن به معانی مختلفی آمده است، امّا مراد از آسمان در این آیه شریف، جوّ متراکم هواست که از نظر علمی به آن «اتمسفر» گفته می شود. ضخامت اتمسفر صدها کیلومتر است که کلام امام صادق علیه السلام به مفضّل نیز همین معنا را تأیید می نماید. (۲)

نعمت زمین و آسمان

خداوند در این آیه به بیان نعمت های دیگری که در اختیار بشر قرار داده شده، می پردازد. این نعمت ها عبارتند از:

ص:۷۹

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۴۱.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۳، ص۱۱۱.

۱. زمین: خـدا زمین را بستر و محـل آرامش انسـان قرار داده است و با این که زمین با سـرعت زیادی می چرخـد؛ اما انسان در آرامش کامل به سر می برد؛

۲. آسمان: آسمان مانند سقف، بالای سر انسان قرار گرفته است؛

۳. باران: خداوندی را عبادت کنید که از آسمان برای شما باران نازل کرده است؛ آبی حیات بخش و زندگی آفرین؛

۴. میوه ها: میوه هایی که از آن استفاده می شود، همه را خداوند برای بشر آفریده است.

این نعمت هـا از یـک سو، مشـخص کننـده رحمت وسـیع و گسـترده خداونـد بر بنـدگان بوده و از سوی دیگر بیـانگر قـدرت خـداست که چگونه از آب بی رنـگ صـدها میوه و دانه هـای غـذایی رنگارنگ با خواصّ مختلف برای انسان ها و جانـداران دیگر آفریده است. این یکی از زنده ترین دلایل بر وجود اوست، (۱) چنان که سعدی می سراید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

در پایان آیه خداونـد می فرمایـد: برای خـدایی که این نعمت ها را در اختیار شـما قرار داده شـریک قرار ندهیـد؛ در حالی که خودتان می دانید که این خدا شریک ندارد و اگر به وجدان خودتان مراجعه کنید این مطلب را به خوبی درک خواهید کرد.

خط توحید و شـرک برای مشـرکان نیز به خوبی روشن و آشـکار است و آنها نیز می دانند که خداوند شـریکی ندارد؛ ولی به دلیل لجاجت و تعصّب، راه شرک را انتخاب کرده اند.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۲۲ و۱۲۳. با اندکی تصرف و تلخیص.

پیام های آیه

۱. یکی از راه های خداشناسی، ذکر و یادآوری نعمت های خداوند است؛

۲. یکی از راه های خداشناسی و استدلال برای آن، استفاده از محسوسات است؛ (۱)

۳. تمام نعمت ها را خداوند، برای انسان خلق کرده است؛

۴. در نظام آفرینش، هماهنگی کامل وجود دارد؛ (۲)

۵. تحقق اراده و افعال الهی در طبیعت از طریق اسباب و علل طبیعی است؛

۶. آفرینش جهان برنامه ریزی شده و هدفدار است؛

۷. نظم و هماهنگی در نظام آفرینش نشانه توحید است؛ (۳)

۸. ریشه خداپرستی در فطرت و وجود انسان قرار دارد. (۴)

* * *

۲۳. وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ .

اگر درباره آن چه بر بنده خود (پیامبر) نازل کرده ایم شک و تردید دارید [لااقل]، یک سوره همانند آن بیاورید و گواهان خود را به غیر از خدا بر این کار دعوت کنید، اگر راست می گویید.

قرآن، معجزه جاودان

از آن جا که گاهی سرچشمه نفاق و کفر، عدم درک محتوای نبوت و اعجاز

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۷۷.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . همان.

۴- (۴) . همان، ص۷۸.

می باشد، در این آیه خداوند به معجزه جاودان آن حضرت صلی الله علیه و آله «قرآن» اشاره کرده تا هر گونه شک و تردید را نسبت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از بین ببرد. بدین ترتیب همه منکران را دعوت به مبارزه و تحدّی نموده است تا عجز آنها دلیلی بر اصالت این وحی آسمانی باشد.

در میان معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله ، قرآن کریم بزرگ ترین معجزه و برترین سند حقّانیت اوست؛ زیرا کتابی است گویا و جاودان که نیازی به معرفی ندارد. قرآن کتابی فوق افکار بشری است که کسی تاکنون نتوانسته همانند آن بیاورد و اگر دشمنان اسلام - که به دنبال تضعیف مسلمانان هستند - می توانستند چنین کاری را انجام دهند، حتماً انجام می دادند؛ لذا خداوند می فرماید:

«اگر در قرآن شک و شبهه ای دارید، سوره ای (اگرچه کوچک) همانند آن بیاورید».

جمله ...إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ نیز در حقیقت برای تحریک آنها به قبول این مبارزه آمده است و مفهومش این است که اگر شما از این کار عاجز هستید، دلیل دروغ گویی شماست، پس برای اثبات راستگویی خود بپاخیزید و دست به کار شوید و سوره ای همانند قرآن بیاورید. (۱)

پیام های آیه

۱. قرآن، معجزه شکست ناپذیر است؛ (۲)

۲. قرآن، در حقّانیّت خود هیچ شکی ندارد؛

۳. قرآن، کتابی است که از سوی خداوند نازل گردیده است؛ (۳)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱, ص۱۲۵-۱۲۶. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۰۴.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۶۶.

۴. قرآن، در همان عصر نزول به بخش هایی به نام «سوره» تقسیم شده بود؛ (۱)

۵. تقسیم بندی قرآن به اجزایی مانند سوره، توقیفی و از سوی خداوند است؛

۶. قرآن، کتاب استدلال و برهان است؛

۷. قرآن، همه مردم را به مقابله با خود دعوت می کند.

* * *

۲۴. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَ لَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکافِرِینَ .

اگر این کار را نکردید و هرگز نخواهید کرد، از آتشی بترسید که هیزم آن بدن های مردم [گناه کار] و سنگ ها است که برای کافران مهیا شده است.

ترس از آتش جهنّم

«وقود» به معنای مادّه قابل اشتعال است. این آیه در حقیقت ادامه آیه قبل است و می فرماید: اگر نتوانستید سوره ای مانند قرآن بیاورید و هرگز هم نخواهید توانست، بترسید از آتش جهنّمی که هیزم آن بدن انسان ها (کفار، منافقان، مشرکان) و سنگ ها می باشد و این آتش جهنم برای آنها مهیّا و آماده است. در این که منظور از سنگ ها در آیه چیست؟ مفسّران چند احتمال داده اند:

۱. منظور بت هایی هستند که از سنگ ها ساخته بودند، در سوره انبیاء، به این مطلب اشاره شده است:

إِنَّکُمْ وَ ما تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ... . (۲)

شما و آن چه غیر از خدا می پرستید آتش گیره دوزخ است.

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . انبیاء، آیه ۹۸.

۲. اشاره به شدّت حرارت آتش جهنم است که سنگ ها در آن به صورت هیزم در می آید.

۳. اشاره به سنگ های گوگردی است که حرارت بسیاری دارند.

آن چه با آیات فوق سازگارتر به نظر می رسد، این است که آتش دوزخ از درون خود انسان ها و سنگ ها شعله ور می شود و با توجه به این حقیقت که امروزه ثابت شده است، همه اجسام جهان در درون خود آتشی عظیم و نهفته دارند. درک این معنا مشکل نیست و لزومی ندارد که آن آتش سوزان را شبیه به آتش های معمولی بدانیم. (۱)

پیام های آیه

۱. انسان ها در همه دوران ها، از ارائه اثری همچون قرآن عاجز و ناتوان هستند؛ (۲)

۲. وقتی انسان حق را فهمید باید در مقابل آن تسلیم شود؛

۳. ناتوانی انسان از آوردن مانند قرآن، خود دلیلی بر آسمانی بودن قرآن و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ (۳)

۴. قرآن از آینده خبر می دهد (۴) و این خبر غیبی نیز خود، معجزه است؛

۵. جهنّم, الآن نیز موجود است؛

۶. عاقبت مبارزه با قرآن، شکست و آتش جهنم خواهد بود.

چکیده

۱. «فراش» به معنای بستر استراحت است و این واژه علاوه بر مفهوم آرامش

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۲۷. با تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۶۸.

۳- (۳) . همان، ص۶۹.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۸۱.

به معنای گرم و نرم بودن و در حدّ اعتدال قرار داشتن نیز آمده است؛ چنان که در روایات به این مسئله اشاره شده است.

۲. کلمه «سماء» در قرآن به معانی مختلفی آمده است که قدر مشترک همه آنها چیزی است که در جهت فوق قرار گرفته است. مراد از آسمان در این آیه شریفه، جوّ متراکم هواست که از نظر علمی به آن «اتمسفر» گفته می شود.

۳. برای خدایی که این نعمت ها را در اختیار شما قرار داده است، شریک قرار ندهید در حالی که انسان خود می داند خداوند شریک ندارد و اگر انسان به وجدان خود مراجعه نماید این مطلب را به خوبی درک خواهد کرد.

۴. در میان معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله ، قرآن کریم بزرگ ترین معجزه و برترین سند حقانیت اوست؛ زیرا قرآن کتابی است گویا و جاودان و نیازی به معرفی ندارد و خود، مخالفان را دعوت به مبارزه کرده است.

۵. کلمه « شهداء» اشاره به گواهانی است که آنها را در نفی رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله کمک می کردند.

۶. در این که منظور از سنگ ها چیست؟ مفسّران چند احتمال داده اند: ۱. منظور بت هایی هستند که از سنگ ها ساخته بودند؛ ۲. اشاره به شدّت حرارت آتش جهنم است که سنگ ها در آن به صورت هیزم درمی آید؛ ۳. اشاره به سنگ های گوگردی است که حرارت زیادی دارند.

ص:۸۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. از خطاب ...یا أَیُّهَا النّاسُ... چه نکته ای را می توان دریافت؟

۲. از آیه یا أَیُّهَا النّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ چه پیام هایی استفاده می شود؟

۳. جمله ...إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ... در آیه وَ إِنْ کُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمّا نَزَّلْنا عَلی عَبْدِنا فَأْتُوا بِسُورَهٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَداءَکُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ به چه مطلبی اشاره دارد؟

۴. منظور از سنگ ها در آیه فَاتَّقُوا النّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَهُ. .. چیست؟ توضیح دهید و کدام یک از معانی با آیه سازگارتر است؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. پیام قرآن، جلد ۸، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. علوم قرآنی، محمد هادی معرفت رحمه الله ؛

۳. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی رحمه الله ؛

۴. اعجاز قرآن، سید رضا مؤدب؛

۵. راه و راهنماشناسی، محمد تقی مصباح یزدی.

۷- ویژگی های نعمت های بهشتی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با ویژگی نعمت های بهشتی؛ لازمه ایمان با عمل صالح؛ اهمیت مثال در بیان حقایق؛ شأن نزول آیه بیست وشش؛ پیام های آیات ۲۵-۲۶.

کلیدواژه ها) بشارت، بهشت، تشابه، خالدون، مثال، صالح.

* * *

۲۵. وَ بَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنّاتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ كُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قالُوا هذَا الَّذِى رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً وَ لَهُمْ فِيها أَزْواجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ هُمْ فِيها خالِدُونَ .

به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح دارند، بشارت ده که باغ هایی از بهشت برای آنها است که نهرها از زیر درختانش جاری است، هر زمانی که میوه هایی از آن به آنها داده شود، می گویند این همان است که قبلاً به ما روزی شده بود (ولی چه قدر اینها از آنها بهتر و عالی تر است) و میوه هایی که برای آنها می آورند همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند و برای آنها همسرانی پاک و پاکیزه است و جاودانه در آن خواهند بود.

اوصاف بهشت

در درس پیشین روشن شد که خداوند منافقان، کافران و منکران قرآن را تهدید به

ص:۸۷

عذاب دردناک جهنّم فرمود. در این آیه خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: بشارت بده به کسانی که تسلیم حق گردیده و به دنبال آن عمل صالح انجام دادند، به بهشتی که:

۱. از زیر آن نهرها جاری است: می دانیم باغ هایی که آب دائم ندارند، طراوت زیادی نخواهند داشت؛ زیرا طراوت و شادابی برای باغی است که همیشه آبیاری شود.

۲. هر نعمت و میوه ای که به آنها داده می شود، می گویند: «این همان میوه ای است که در گذشته به ما روزی داده بودید: كُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قالُوا هذَا الَّذِی رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ مفسّران در این قسمت از آیه احتمالاتی را مطرح نمودند که عبارتند از:

نخست: این میوه ها همان میوه هایی هستند که قبلاً در دنیا به آنها داده شده بود، اما وقتی آن را می خورند، متوجّه می شوند که طعم و مزه آنها بسیار متفاوت است.

دوّم: اینها همان میوه هایی است که قبلاً در بهشت خورده بودند، اما وقتی این میوه ها را میل می کنند، می فهمند که لذّت جدیدی دارد.

سوّم: بهشتیان می گویند: این نعمت ها به سبب اعمالی است که قبلاً در دنیا انجام داده بودیم. البتّه می توان گفت: همه این احتمالات صحیح است و آیه شریفه اشاره به همه این مفاهیم و تفاسیر دارد.

۳. نعمت های آن همانند هم می باشند: وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً ؛ یعنی همه آنها در طعم و مزه یکسان هستند.

۴. دارای ازواج مطهّره است که این أزواج در اختیار زنان و مردان بهشتی قرار می گیرند و از همه آلودگی هایی که ممکن است در این جهان داشته باشند، پاک هستند.

۵. جاودانه است تا که بهشتیان نگران خروج از بهشت نباشند. (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۳۹- ۱۴۱. با اندکی تصرف و تلخیص؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۰۲.

ایمان و عمل صالح

در بیشتر آیات قرآن، ایمان همراه با عمل صالح آمده است، به گونه ای که نشانگر جدا نشدن این دو از یکدیگر است.

آری، اگر ایمـان در جان انسان نفوذ کنـد، شـعاع آن در اعمال انسان اثر گـذارده و عمل انسان را صالـح خواهـد کرد؛ هماننـد چراغ پرنوری که اگر داخل اتاقی روشن شود، شعاع نور آن از پنجره ها نمایان خواهـد شـد. ایمان نیز چنان چه در قلب انسان نمایان شود، نور معنوی آن از چشم و گوش و زبان و دست و پای آدمی آشکار می گردد.

پیام های آیه

۱. ایمان بدون عمل، ارزشی ندارد؛

۲. انذار و بشارت، هر دو لازم اند (آیه قبل اشاره به انذار و این آیه بشارت را به همراه دارد)؛

۳. بهشت، دارای بوستان ها و نهرهای فراوان است؛ (۱)

۴. بهشت را به بها می دهند (باید اعمال صالح داشته باشی تا بتوانی وارد بهشت شوی)؛

۵. بهشت و نعمت های آن متنوّع، مشابه و جاودانی است. (۲)

* * *

۲۶. إِنَّ اللّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلاً ما بَعُوضَهً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ أَمَّا الَّذِینَ کَفَرُوا فَیَقُولُونَ ما ذا أَرادَ اللّهُ بِهذا مَثَلاً یُضِلُّ بِهِ کَثِیراً وَ یَهْدِی بِهِ کَثِیراً وَ ما یُضِلُّ بِهِ إِلاَّ الْفاسِقِینَ .

ص:۸۹

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۷۲.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۰۶.

خداوند از این که مثال [به موجودات ظاهرا کوچکی مانند] پشه و حتی بالاتر از آن بزند شرم نمی کند. [در این میان] آنها که ایمان آورده اند می دانند حقیقتی است از طرف پروردگارشان، و اما آنها که راه کفر را پیمودند [این موضوع را بهانه کرده] و می گویند: منظور خداوند از این مثال چه بوده است؟! [آری] خدا جمع زیادی را با آن گمراه و کثیری را هدایت می کند؛ ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می سازد.

شأن نزول

جمعی از مفسران در شأن نزول آیه فوق گفته اند:

۱. هنگامی که خداوند در آیات گذشته پیرامون منافقان دو مثال بیان کرد، منافقان گفتند: «خداوند برتر و بالاتر از آن است که چنین مثال هایی بزند» و از این راه می خواستند در وحی بودن قرآن اظهار تردید نمایند. در این هنگام آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت.

۲. هنگامی که در آیات قرآن مثال هایی درباره «ذُباب» و«عنکبوت» نازل گردید، جمعی از مشرکان این موضوع را بهانه قرار داده و زبان به انتقاد گشودند و گفتند: «این قرآن چگونه وحی آسمانی است که سخن از عنکبوت و مگس می گوید؟» آیه فوق نازل شد و با تعبیراتی زنده و زیبا به آنها جواب داد. (۱)

مثال زدن و تشبیه کردن در فهم و حتّی تربیت انسان نقش مهمی دارد؛ برای مثال، خداوند هنگامی که می خواهد ناتوانی بت پرستان را در تکیه گاهی که برای خود انتخاب کرده اند، مجسّم سازد، آنها را تشبیه به عنکبوتی می کند که سست ترین خانه ها را برای خود انتخاب کرده است:

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱، ص۱۶۵.

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّهِ أَوْلِياءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ . (۱)

مثَل آنان که غیر از خدا کسانی را اولیای خود برگزیدند، مثَل عنکبوت است که خانه ای برای خود انتخاب کرده، درحالی که سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است، اگر می دانستند!

یکی دیگر از اهداف تمثیل، تعقّل و تفکّر انسان است:

وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنّاسِ وَ ما یَعْقِلُها إِلَّا الْعالِمُونَ . (۲)

و این مثل ها را برای همه مردم می زنیم ولی فقط عالمان آن را می فهمند.

منظور از «فما فوقها» چیست ؟

دو احتمال داده شده است:

۱. منظور، بالاتر از آن در کوچکی است؛ مانند این که به کسی گفته شود: «چرا برای یک تومان این قدر زحمت می کشی؟» او می گوید: «عیبی ندارد، من برای بالاتر از آن هم زحمت می کشم»؛ یعنی برای یک ریال هم زحمت می کشم.

۲. مراد، بالاتر از نظر بزرگی است؛ یعنی خداوند هم مثال های کوچک و هم مثال های بزرگ را می آورد. ولی تفسیر اول مناسب تر است. (۳)

در ادامه آیه آمده است: کسانی که ایمان به خدا دارند و یا زمینه ایمان را در خودشان فراهم کرده اند، می دانند که مثال های الهی، حق بوده و مطابق با واقع است؛ اما آنان که راه کفر را در پیش گرفتند می گویند: «خداوند از این مثال ها چه

۱- (۱) . عنکبوت، آیه ۴۱.

۲- (۲) . عنکبوت، آیه ۴۳.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۴۷؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۰۶.

چیزی را اراده کرده است؟ در حالی که خداوند عده ای را به وسیله این مثال ها گمراه می سازد و عده ای را به وسیله این مثال ها هدایت می کند.» البتّه باید بدانیم، کسانی به وسیله این مثال ها گمراه می شوند که درمقابل حق بایستند و راه فسق را در پیش گیرند. اما آنان که این مثال ها را قبول کنند و تسلیم اراده حق شوند، هرگز گمراه نخواهند شد؛ زیرا می دانند مثال هایی که خداوند برای انسان می زند، حق است و او کارهای بیهوده انجام نمی دهد.

اهمیت مثال در بیان حقایق

مثال، نقش زیادی در روشن ساختن مطالب دارد: گاهی ذکر یک مثال آن چنان راه هدایت را بر روی انسان می گشاید که نیاز به استدلالات فلسفی را از بین می برد؛ لذا قرآن مثال های زیادی مطرح نموده که هر یک از دیگری جالب تر و زیباترند؛ چنان که اگر انسان به این مثال ها توجه نماید حقیقت برای او کاملاً آشکار خواهد شد.

نکته جالب این که، خداوند در این آیه به حیوانی مثال زده که در ساختمان آفرینش آن، یک دنیا ظرافت و هنر به کار رفته که انسان را دچار شگفتی می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند به «پشه» مثال زده است که اگرچه از نظر جسم بسیار کوچک است، ولی از نظر ساختمان همان دستگاه هایی را دارد که بزرگ ترین حیوان خشکی، یعنی «فیل» دارا است. به علاوه در «پشه» دو عضو زیادتر هم وجود دارد (شاخک و بال) که در «فیل» وجود ندارد. (۱)

پیام های آیه

۱. یکی از روش های قرآن در هدایت مردم، به کارگیری «مَثَل» است؛ (۲)

۱- (۱) . البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۷۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۷۴.

۲. شرم و حیا نباید انسان را از بیان حقایق باز دارد؛

۳. کفر و لجاجت باعث گمراهی و بهانه گیری می شوند؛

۴. مؤمنان در برابر خداوند و مثال های او تسلیم هستند؛

۵. فسق موجب گمراهی انسان می شود؛

۶. واکنش مردم نسبت به مثال های الهی مختلف است؛ عده ای در مقابل آن تسلیم و عده ای نیز نسبت به آن بهانه می گیرند؛

۷. به مخلوقات کوچک الهی هم باید توجه داشت و حتی از تأمّل در آفرینش حیوانی همچون پشه هم نباید غافل بود.

چکیده

۱. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: بشارت ده به کسانی که تسلیم حق گردیدند و به دنبال آن عمل صالح انجام دادند، به بهشتی که:

الف) از زیر آن نهرها جاری است؛

ب) میوه هایی که در ظاهر شبیه به میوه های دنیا هستند، ولی طعم و مزه آنها بسیار با این میوه ها تفاوت دارد؛

ج) نعمت های آن همانند هم می باشند: وَ أُتُوا بِهِ مُتَشابِهاً ؛ یعنی همه آنها در طعم و مزه یکسان می باشند؛

د) دارای «ازواج مطهّره» است. این ازواج در اختیار زنان و مردان بهشتی قرار می گیرند که از همه آلودگی هایی که ممکن است در این جهان داشته باشند، پاک هستند؛

) جاودانه است تا بهشتیان نگران خروج از بهشت نباشند: وَ هُمْ فِیها خالِدُونَ .

۲. اگر ایمان در جان انسان نفوذ کند، شعاع آن در اعمال انسان اثر می گذارد و عمل او را صالح خواهد کرد.

ص:۹۳

۳. مثال زدن اگر در هدایت مردم نقش داشته باشد، خداوند هیچ گونه خجالتی از آن نخواهد داشت؛ اگر چه مثال زدن به پشه ای باشد!

۴. امام صادق علیه السلام می فرماید: «خداوند به «پشه» مثال زده است که اگرچه از نظر جسم بسیار کوچک است؛ ولی از نظر ساختمان، همان دستگاه هایی را دارد که بزرگ ترین حیوان خشکی، یعنی «فیل» داراست. به علاوه در «پشه» دو عضو زیادتر هم وجود دارد (شاخک و بال) که در «فیل» وجود ندارد».

ص:۹۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. در جمله کُلَّما رُزِقُوا مِنْها مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقاً قالُوا هذَا الَّذِی رُزِقْنا مِنْ قَبْلُ از نظر تفسیری چند احتمال داده شده است؟

۲. شأن نزول آیه شریفه را به طور خلاصه بنویسید.

۳. نقش مثال زدن را در بیان حقایق شرح دهید.

۴. در جمله فَما فَوْقَها در آیه شریفه إِنَّ اللّهَ لا یَسْتَحْیِی أَنْ یَضْرِبَ مَثَلًا ما بَعُوضَةً فَما فَوْقَها فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُوا فَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ چند احتمال داده شده و کدام احتمال مناسب تر است؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. مثال های زیبای قرآنی، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی؛

۳. تفسیر قمی، علی ابن ابراهیم قمی؛

۴. انوار درخشان، سید محمد حسین حسینی همدانی؛

۵. آموزش عقاید، جلد ۱-۲، محمد تقی مصباح یزدی.

۸- زیان کاران حقیقی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با اوصاف فاسقان؛ اهمیت صله رحم؛ معنای تناسخ ارواح؛ پیام های آیات ۲۷- ۲۹.

کلیدواژه ها) عهد، إماته، إحیاء، تناسخ، سماء، علیم.

* * *

۲۷. اَلَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ .

[فاسقان کسانی هستند که] پیمان خدا را پس از آن که محکم ساختند، می شکنند؛ پیمان هایی را که خداوند دستور داده برقرار سازند، قطع می نمایند و در جهان فساد می کنند، اینها زیان کارانند.

اوصاف فاسقان

در این آیه برای فاسقان چهار ویژگی بیان شده است:

۱. آنها کسانی هستند که پیمان الهی را - مانند «پیمان توحید و خداشناسی»، «پیمان عدم تبعیت از شیطان و هوای نفس»، و... را نقض می کنند. حال این پیمان چگونه بسته شده است؟

ص:۹۶

هر انسانی بر اساس فطرتی که خدا در نهاد او گذاشته، خداشناس می شود- در صورتی که محیط و عوامل دیگر باعث تغییر این فطرت نگردد- و این همان پیمان الهی است و می توان گفت که مراد از این پیمان همان میثاقی است که در «عالم ذرّ»، خداوند از انسان گرفته است: (۱)

وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّکَ مِنْ بَنِی آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلی أَنْفُسِهِمْ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی شَهِدْنا أَنْ تَقُولُوا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنّا کُنّا عَنْ هذا غافِلِینَ . (۲)

و [به خاطر بیاور] زمانی را که پروردگارت از پشت و صلب فرزندان آدم، ذریّه آنها را برگرفت و آنها را گواه بر خویشتن ساخت [و فرمود:] «آیا من پروردگار شما نیستم؟» گفتند: «آری، گواهی می دهیم!» [چنین کرد تا مبادا] روز رستاخیز بگویید: «ما از این، غافل بودیم [و از پیمان فطری توحید بی خبر ماندیم]»!

خداوند در باطن انسان، شعور مخصوص و نیروی ویژه ای قرار داده که به وسیله آن می تواند راه راست را یافته و به دعوت رهبران الهی پاسخ مثبت دهد. قرآن از این فطرت مخصوص تعبیر به عهد خدا و پیمان الهی می کند که در حقیقت یک پیمان تکوینی است. (۳) ممکن است گفته شود آیه أَ لَمْ أَعْهَدْ إِلَیْکُمْ یا بَنِی آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّیْطانَ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ * وَ أَنِ اعْبُدُونِی هذا صِراطٌ مُسْتَقِیمٌ ۴ به همین نکته اشاره می کند. بعضی از مفسران معاصر نیز پیمان الهی در آیه را همان وحی و کتاب آسمانی و عقل دانسته اند. (۴)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۰۷.

۲- (۲) . اعراف، آیه ۱۷۲.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۵۳ و۱۵۴.

۴- (۵) . تفسیر تسنیم، ج۲، ص۵۵۱.

۲. فاسـقان کسانی هستند که پیوندهایی را که خداوند دستور به برقراری آن داده است (مانند ارتباط با خویشاوندان), قطع می کنند.

بعضـی گفته انـد: منظور ارتبـاط بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضـرت صـلی الله علیه و آله است که در برخی روایات به آن اشاره شده است. (۱) ولی به نظر می رسـد مراد آیه، معنای عام باشـد و تمام مصادیق را شامل می شود که یکی از آنها ارتباط با خویشاوندان است که در اسلام اهمیت ویژه ای دارد، تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید:

«صـله الرّحم تعمر الدّیار و تزید فی الأعمار و إن کان اهلها غیر أخیار ؛ (۲) پیوند با خویشاوندان شـهرها را آباد و بر عمرها می افزاید، هر چند انجام دهندگان آن از نیکان نباشند».

در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز آمده است:

«پیونـد خویشاونـدی را حتّی بـا جرعـه ای از آب محکـم کـن و بهـترین راه برای خـدمت بـه آنـان این است که از تـو آزار و مزاحمتی نبینند».

ایشان در کلامی دیگر می فرمایند:

«از معاشرت با کسی که قطع رحم کرده پرهیز کن که قرآن او را ملعون و دور از رحمت خود ساخته است». (۳)

در این که مراد از «أَن یُوصلَ» در آیه شریفه چیست، بین مفسّران اختلاف نظر وجود دارد.

۳. فاسقان, در روی زمین فساد می کنند.

۴. فاسقان زیان کار و خاسر هستند.

ص:۹۸

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۴۵.

۲- (۲) . شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج۱، ص۵۱۴.

۳- (۳) . همان، ص۵۱۶.

پیام های آیه

۱. پیمان شکنی کار فاسقان است؛ (۱)

۲. انسان در مقابل خداوند مسئول است؛ زیرا خداوند با ما پیمان بسته است؛

۳. انسان باید به عهد و پیمان های الهی وفادار باشد؛

۴. نقض عهد و پیمان امری نکوهیده و ناپسند به شمار می رود؛ (۲)

۵. قطع ارتباط با خویشاوندان و اولیای خدا ممنوع است؛

۶. فاسقان را از عهدشکنی و فسادگری آنها، بشناسید؛ (۳)

۷. فاسقان در خسران و زیان هستند.

* * *

۲۸. کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللّهِ وَ کُنْتُمْ أَمْواتاً فَأَحْیاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ .

چگونه به خداوند کافر می شوید؟ در حالی که اجسام بی روحی بودید و او شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند و بار دیگر شما را زنده می کند، سپس به سوی او بازمی گردید [بنابراین نه حیات و زندگی شما، از شماست و نه مردن آن از شماست؛ آن چه دارید از خداست].

نعمت اسرارآمیز حیات و زندگی

در این آیه خداوند به پنج مرحله از مراحلی که انسان از آن عبور می کند, اشاره فرموده است:

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۸۷.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۷۹.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۱۲.

۱. مرحله ای که انسان به صورت اجزای طبیعی و عناصر گوناگون در طبیعت وجود داشته است؛

۲. مرحله ای که خداوند این عناصر را ترکیب کرده و به او روح داده است؛

۳. مرحله ای که زندگی و حیات از انسان سلب می شود؛

۴. مرحله ای که خداوند دوباره به انسان زندگی می بخشد تا به عرصه محشر قدم بگذارد؛

۵. مرحله ای که انسان پس از حساب و کتاب، به بهشت و یا جهنّم می رود و در هر دو صورت به سوی خدا برگشت می نماید. (۱)

در این آیه، خداوند انسان را به وجدان خود واگذار می کند و می فرماید: «چگونه به خدا کفرمی ورزید در حالی که به شما نعمت حیات داده است و مجدّداً شما را می میراند و سپس دوباره (در روز قیامت) زنده خواهد کرد تا به سوی خویش برگرداند».

این آیه بیانگر آن است که انسان برای دنیا خلق نشده، بلکه برای رسیدن به «خدا» آفریده شده است.

علامه طباطبایی رحمه الله پیرامون این آیه می فرماید: در آیه دو إماته و دو إحیاء آمده است: (۲)

دو إماته

۱. قبل از خلقت کُنْتُمْ أَمْواتاً .

۲. موت بعد از خلقت ثُمَّ یُمِیتُکُمْ .

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج ۱، ص۱۱۲؛تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص۲۱۳.

۲- (۲) . المیزان، ج ۱، ص ۱۱۱- ۱۱۳.

دو احیاء

۱. خلقت اولیه انسان فَأَحْیاکُمْ .

۲. حیات بعد از مرگ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ .

از جمادی مُردم و نامی شدم وز نما مُردم ز حیوان سر زدم

مُردم از حیوانی و آدم شدم پس چه ترسم؟ کی ز مُردن کم شدم

تناسخ ارواح

بعضی تصوّر کرده اند که انسان پس از مرگ، بار دیگر به همین زندگی بازمی گردد, ولی روح او در جسم دیگر (و نطفه دیگر) حلول کرده و زندگی مجدّدی را در همین دنیا آغاز می کند. این مسئله ممکن است بارها تکرار شود، که این زندگی تکراری در این جهان را «تناسخ» یا «عود ارواح» می گویند. (۱)

آیه فوق تصریح می کند که پس از مرگ، یک حیات بیشتر نیست و این حیات همان زندگی در رستاخیز و قیامت است. به تعبیر دیگر، آیه می گوید: شما در مجموع, دو حیات و دو مرگ داشته و دارید: نخست مرده بودید (در عالم موجودات بی جان قرار داشتید) خداوند شما را زنده کرد؛ سپس می میراند و بار دگر زنده می کند؛ اگر تناسخ صحیح بود، تعداد حیات و مرگ انسان بیش از دو حیات و مرگ بود.

پیام های آیه

۱. حیات و ممات انسان به دست خداوند است؛

۲. انسان ها دارای دو حیات هستند (حیات دنیوی و أخروی)؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۶۴.

۳. خودشناسی، مقدمه ای برای خداشناسی است؛ (۱)

۴. هدف از حیات و مرگ، رسیدن به خداوند است؛

۵. یکی از راه های موفقیت انسان در تبلیغ و...، استفاده از وجدان است.

* * *

۲۹. هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ اسْتَوی إِلَی السَّماءِ فَسَوّاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ .

او خدایی است که همه آن چه [از نعمت ها] در زمین وجود دارد برای شما آفریده، سپس به آسمان پرداخت و آنها را به صورت هفت آسمان مرتب نمود و او بر همه چیز آگاه است.

نعمت های دیگر خداوند

این آیه در حقیقت ادامه آیه قبل است؛ زیرا در آیه گذشته، خداوند به نعمت حیات و موت اشاره فرمود و در این آیه نعمت های دیگری را که به انسان داده است، بیان نموده و می فرماید: چگونه کفر می ورزید، در حالی که آن چه در زمین است خداوند برای شما آفریده است؟ یعنی هدف از آفرینش تمام مخلوقات، انسان است. به عبارت دیگر، گل سرسبد موجودات، انسان است! اکنون آیا سزاوار است به این خداوند کفر ورزید؟

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری (۲)

سپس خداوند بعد از خلقتِ نعمت های زمین، به خلقت آسمان پرداخت و آنها را به

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۹۰.

۲- (۲) . سعدی، گلستان.

صورت هفت آسمان مرتّب نمود. خدایی که نعمت ها را در اختیار بشر قرار داده و آسمان را بدین صورت آفریده، مسلّم است که به همه چیز آگاه و عالم است. او می داند بشر برای تکامل به چه چیزهایی نیاز دارد، او می داند باید آسمان را چگونه خلق نماید و... .

پیام های آیه

۱. خداوند هستی را برای انسان آفریده است؛

۲. انسان از موجودات دیگر برتر و بالاتر است؛ (۱)

۳. جهان آفرینش، هدفمند است و بیهوده و باطل نیست؛ (۲)

۴. آفرینش زمین قبل از آسمان بوده است؛

۵. همه چیز در احاطه علم الهی است.

چکیده

۱. فاسقان عهد و پیمان الهی را که خداوند در عالم ذرّ با آنها بسته است، نقض نموده و پیوندهایی را که خداوند دستور به برقراری آن (ارتباط) داده است، مانند خانواده، پیامبر صلی الله علیه و آله و... قطع می کنند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

۲. «پیوند خویشاوندی را حتّی با جرعه ای از آب محکم کن، و بهترین راه برای خدمت به آنان این است که از تو آزار و مزاحمتی نبینند».

۳. خداوند در عمق جان و باطن انسان، شعور مخصوص و نیروی ویژه ای قرار داده است که می تواند راه راست را پیدا کند و به دعوت رهبران الهی پاسخ

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۹۲.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۲۱۸.

مثبت دهد. قرآن از این فطرت مخصوص تعبیر به «عهد خدا و پیمان الهی» می کند که در حقیقت یک پیمان تکوینی است.

۴. بعضی می پندارند که انسان پس از مرگ، بار دیگر به همین زندگی باز می گردد، ولی روح او در جسم دیگر (و نطفه دیگر) حلول کرده و زندگی مجدّدی را در همین دنیا آغاز می کند و این مسئله ممکن است بارها تکرار شود؛ این زندگی تکراری در این جهان را «تناسخ» یا «عود ارواح» می گویند که به عقیده ما دیدگاه صحیحی نیست.

۵. خدایی که نعمت ها را در اختیار بشر قرار داده و آسمان را بدین صورت آفریده، بی گمان به همه چیز آگاه و عالم است. او می داند بشر برای تکامل به چه چیزهایی نیاز دارد، او می داند باید آسمان را چگونه خلق نماید.

ص:۱۰۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از عهد و پیمان الهی چیست؟ توضیح دهید.

۲. ویژگی های فاسقان را از دیدگاه قرآن توضیح دهید.

۳. اهمیت «صله رحم» را از دیدگاه قرآن و روایات شرح دهید.

۴. کلام علّامه را در تفسیر آیه کَیْفَ تَکْفُرُونَ بِاللّهِ وَ کُنْتُمْ أَمْواتاً فَأَحْیاکُمْ ثُمَّ یُمِیتُکُمْ ثُمَّ یُحْیِیکُمْ ثُمَّ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ بنویسید.

۵. از آیه هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ... چه نکاتی را می توان دریافت نمود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. التبیان، محمد بن حسن طوسی؛

۲. تفسیر القرآن الکریم، صدر المتألهین (ملاصدرا)؛

۳. سفینه البحار، جلد۱، شیخ عباس قمی؛

۴. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی؛

۵. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی.

ص:۱۰۵

۹- انسان، نماینده خدا در زمین

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با معنای نمایندگی انسان از طرف خدا؛ آزمایش فرشتگان؛ کیفیت تعلیم اسماء به آدم علیه السلام ؛ پیام های آیات ۳۰- ۳۳.

کلیدواژه ها) خلیفه، تسبیح، تقدیس، تعلیم، اسماء، آزمایش، کتمان.

* * *

۳۰. وَ إِذْ قالَ رَبُّکَ لِلْمَلائِکَهِ إِنِّی جاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَهً قالُوا أَ تَجْعَلُ فِیها مَنْ یُفْسِدُ فِیها وَ یَسْفِکُ الدِّماءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِکَ وَ نُقَدِّسُ لَکَ قالَ إِنِّی أَعْلَمُ ما لا تَعْلَمُونَ .

هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند [پروردگارا] آیا کسی را در زمین قرار می دهی که فساد و خونریزی کند [زیرا موجودات زمینی دیگر که قبل از این آدم پا به عرصه وجود گذاشتند، به حکم طبع جهان ماده، آلوده فساد و خونریزی شدند، اگر هدف از آفرینش انسان عبادت است] ما تسبیح و حمد تو را به جا می آوریم و تو را تقدیس می کنیم. پروردگار فرمود: «من حقایقی را می دانم که شما نمی دانید».

داستان پیدایش انسان نخستین و خلقت آدم علیه السلام ، از کهن ترین داستان های زندگی انسان است که در این آیه و آیات بعد به آن اشاره شده است. در ابتدای آیه، گفت وگوی خداوند با فرشتگان در هنگام خلقت آدم علیه السلام مطرح شده است،

اما این که این گفت وگو به چه کیفیتی بوده، حقیقت آن معلوم نیست، ولی همین قدر می دانیم که خداوند این مطلب را (متناسب با ظرف وجودی آنها) به فرشتگان تفهیم کرده و آنها نیز مطالب خود را بیان کرده اند. (۱) باید توجه داشت که این داستان، خیالی یا غیر واقعی نیست، بلکه حقیقتی است که در جهان اتفاق افتاده است، اگر چه ما حقیقت آن را درک ننماییم.

در ذیل این آیه، دو سؤال مهم و اساسی وجود دارد که پاسخ آنها در روشن شدن تفسیر آیه نقش مهمی دارد:

منظور از نمایندگی خداوند چیست ؟

در این باره چند احتمال داده شده است:

نخست: انسان جانشین فرشتگانی شود که قبلاً در زمین زندگی می کردند؛

دوم: این انسان جانشین انسان های دیگر یا موجودات دیگری شود که قبلاً در زمین بودند؛

سوم: منظور جانشین بودن نسل های انسان از یکدیگر است؛

چهارم: انسان جانشین خدا باشد؛ زیرا سؤالی که بعد از این فرشتگان می کنند و می گویند: «نسل آدم ممکن است مبدأ فساد و خونریزی شود و ما تسبیح و تقدیس تو را می کنیم»، مناسب با همین معناست؛ چرا که نمایندگی خدا با این کارها سازگار نیست (۲) (این نظریه از همه بهتر است).

چرا فرشتگان انسان را خون ریز خواندند؟

نخست: خداوند قبلاً آینده انسان را به طور اجمال برای آنها بیان کرده بود؛

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۲۱.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۷۲.

دوّم: ملائکه این مطلب را از کلمه

«فی الارض» متوجّه شدند؛ زیرا می دانستند انسان از خاک آفریده می شود و عالم مادّه به دلیل محدودیتی که دارد، مرکز تزاحم و نزاع است و این امر سبب فساد و درگیری خواهد شد؛

سوّم: پیش گویی فرشتگان از این جهت بوده که آدم علیه السلام ، نخستین مخلوق نبوده است، بلکه پیش از او مخلوقات دیگری وجود داشته که به درگیری و نزاع پرداخته اند و پرونده سوء آنها سبب شده تا فرشتگان این سؤال را از خداوند داشته باشند. همان گونه که بعضی از روایات دلالت بر این نکته دارد. (۱)

البته این تفاسیر هیچ کدام با یکدیگر منافات نداشته و ممکن است همه این امور سبب توجّه و سؤال فرشتگان شده باشد؛ لذا خداوند کلام آنها را انکار نفرمود، بلکه اشاره کرد که در کنار این واقعیت، واقعیت های مهم تری درباره انسان و مقام او وجود دارد که فرشتگان از آن آگاه نیستند. (۲)

آنها شاید نمی دانستند که از نسل این آدم، پیامبرانی چون محمد صلی الله علیه و آله ، ابراهیم، نوح، موسی و عیسی علیهم السلام و نیز امامانی چون اهل بیت علیهم السلام و بندگان صالح خدا، قدم به عرصه وجود خواهند گذاشت.

پیام های آیه

۱. انسان، شایسته دست یابی به مقام خلافت الهی است؛ (۳)

۲. انسان، والاترین مخلوقات است؛ (۴)

ص:۱۰۸

۱- (۱) . إنّه کان قبل آدم فی الأرض نوع من الخلق قد أفسدوا و أهلکوا، کما فی روایه علی بن إبراهیم فی تفسیره فی الصحیح عن أبی عبد اللّه علیه السلام (تفسیر صافی، ج۱، ص۳۶) و روایه تفسیر البرهان (ج۱، ص۱۶۵.) و العیاشی (ج۱، ص۴۷، ح۴) عن هشام بن سالم عن أبی عبد اللّه علیه السلام .
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۷۲- ۱۷۴.
۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۹۰.
۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۹۴.

۳. انسان، هم ظرفیت رسیدن به رشد وتکامل و هم ظرفیت فساد و خون ریزی را دارد؛

۴. فرشتگان پیش از خلقت انسان آفریده شده اند؛

۵. فرشتگان در ابتدا، انسان را شایسته خلافت الهی نمی دانستند؛

۶. فرشتگان، کارشان فقط تسبیح و تقدیس است؛

۷. عبادت، تنها معیار برتری موجودات نیست، بلکه علم و آگاهی نیز، خود، معیار برتری است؛ (۱)

۸. علم و آگاهی فرشتگان محدود است؛ (۲)

۹. فرشتگان، ظرفیّت رشد و تکامل را ندارند.

* * *

۳۱. وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَی الْمَلائِکَهِ فَقالَ أَنْبِئُونِی بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ .

سپس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نام گذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت، بعد آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می گویید اسامی اینها را برشمارید».

آزمایش فرشتگان

پس از آن که خداوند حضرت آدم علیه السلام را خلق نمود، بخشی از شایستگی ها و استعدادهایش را در معرض نمایش گذاشت تا فرشتگان به روشنی، عظمت و لیاقت انسان را درک نمایند؛ لذا به انسان علم اسامی را آموزش داد (در ذات و خلقت او قرار داد) و سپس همان اسامی را به فرشتگان عرضه فرمود، ولی آنها

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۲۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۸۸.

استعداد دریافت این اسامی را نداشتند و خودشان نیز به این عجز و ناتوانی اعتراف کردند.

دو سؤال اساسی و مهم

اول: مراد از «الأَسمَاء» در آیه شریفه چیست؟

مفسران احتمالات مختلفی را در این باره بیان نمودند:

۱. اسامی و کلمات بدون معنا؛ ولی این احتمال صحیح نیست؛ زیرا این مسئله افتخاری برای آدم محسوب نمی شود؛

۲. اعطای معانی، مفاهیم و مسمّای این نام ها به آدم علیه السلام بوده است؛ (۱)

۳. فلسفه، اسرار، کیفیات و خواص اشیاء؛

۴. استعداد نام گذاری برای اشیاء، تا بتواند اشیاء را نام گذاری کند و در موقع احتیاج، با ذکر نام، آنها را بخواند؛

۵. نام های رهبران الهی و حجت های خداوند؛ (۲)

۶. معنای عام و وسیع، که همه موارد (غیر از مورد نخست) را شامل شود.

دوم: مراد از تعلیم در آیه، چه نوع تعلیمی است؟

مراد, تعلیم تکوینی است، نه تشریعی؛ یعنی خداونـد علم به اسامی را همراه با خلقت آدم علیه السـلام در وجود و ذات او قرار داد. (۳) علم به اسـماء باید به گونه ای باشد که از حقایق و اعیان، وجودهای آنها را کشف کند، نه صرف نامِ آنها که اهل هر زبانی برای هر چیزی می گذارند. آن مسمّیات که برای آدم علیه السلام معلوم شد، حقایق و موجودات

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۲۴.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۷۸.

خارجی بوده اند، نه مفاهیم که ظرف وجودشان، تنها ذهن است و نیز موجوداتی بوده اند که در پس پرده غیب، (غیب آسمان ها و زمین) نهان گشته اند. رسوخ در حقیقت آن موجودات غیبی از یک سو، تنها برای موجود زمینی ممکن بوده، نه فرشتگان آسمانی و از سوی دیگر، آن علم در مقام خلیفه اللهی دخالت داشته است.

پیام های آیه

۱. انسان برای دریافت همه علوم استعداد دارد؛ (۱)

۲. خداوند نخستین آموزگار انسان است؛ (۲)

۳. ظرفیت علمی انسان بیشتر از فرشتگان است؛ (۳)

۴. فرشتگان مدّعی برتری خود بر انسان بودند؛

۵. راز برتری انسان بر فرشتگان، همان علم و آگاهی است؛

۶. بیان تفاوت ها و به نمایش گذاشتن آن، یکی از بهترین راه برای روشن کردن افراد است.

* * *

۳۲. قالُوا سُبْحانَکَ لا عِلْمَ لَنا إِلاّ ما عَلَّمْتَنا إِنَّکَ أَنْتَ الْعَلِیمُ الْحَکِیمُ .

فرشتگان عرض کردند: تو منزهی! ما چیزی جز آن چه به ما تعلیم داده ای نمی دانیم؛ تو دانا وحکیمی.

ناتوانی فرشتگان در برابر آزمایش الهی

خداوند علم اسامی را به حضرت آدم علیه السلام آموخت و همان اسامی را به ملائکه نیز

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۹۹.
۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۹۴.
۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۲۶.

عرضه نمود و فرمود: «ای فرشتگان! آن چه به شما عرضه داشتم برای من بیان نمایید».

فرشتگان که دارای چنان احاطه علمی نبودند در برابر این آزمایش فروماندند و در پاسخ بیان داشتند: «خدایا! تو از هر عیب و آلودگی پاک و منزّه هستی و ما علمی در این زمینه نداریم، مگر آن چه را که تو به ما آموخته ای. تو خود عالم و حکیم هستی». به عبارت دیگر، سؤال ما از جهل ما بوده است و ما از این استعداد و قدرت آدم علیه السلام که عامل امتیاز و برتری او بر ما می باشد، بی خبر بودیم؛ به حقیقت که او شایسته خلافت توست. (۱)

پیام های آیه

۱. فرشتگان نیز به بعضی از حقایق آگاه نیستند؛

۲. دانش فرشتگان نیز از سوی خداوند است؛

۳. علم خداوند، ذاتی و علم دیگران از خداوند است (علم آدم و فرشتگان از خداوند است)؛

۴. فرشتگان هم به برتری دانش انسان اعتراف دارند؛

۵. عذر خواهی از سؤال بی مورد، کاری پسندیده است؛

۶. به جهل خود اقرار نماییم؛ (۲)

۷. کارهای خداوند از روی علم و حکمت است.

* * *

۳۳. قالَ یا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمائِهِمْ فَلَمّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمائِهِمْ قالَ أَ لَمْ أَقُلْ لَکُمْ إِنِّی أَعْلَمُ غَیْبَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما کُنْتُمْ تَکْتُمُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۷۷.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۰۰.

فرمود: «ای آدم! آنها را از اسامی و اسرار این موجودات آگاه کن»؛ هنگامی که آنها را آگاه کرد. خداوند فرمود: «نگفتم من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟ و نیز می دانم آن چه را شما آشکار می کنید یا پنهان می داشتید؟

بیان اسمای الهی توسط حضرت آدم علیه السلام

وقتی فرشتگان اقرار به جهل خود نمودند، نوبت به آدم علیه السلام رسید، که در حضور فرشتگان اسماء موجودات و اسرار آنها را شرح دهد. خداوند خطاب به حضرت آدم علیه السلام فرمود: «ای آدم! آن اسامی را که به تو تعلیم دادم برای فرشتگان بازگوی».

حضرت آدم علیه السلام لب به سخن گشود و تمام اسامی را برای فرشتگان بیان فرمود.

هنگامی که آدم علیه السلام فرشتگان را از این اسماء آگاه ساخت، خداوند خطاب به ملائکه فرمود: «آیا به شما نگفتم که من غیب آسمان ها و زمین را می دانم؟ و آیا به شما نگفتم که من از آن چه که شما اظهار می کنید و یا کتمان می نمایید آگاهم؟!

در این جا فرشتگان در برابر معلومات وسیع انسان تسلیم شدند و برای آنها آشکار شد که انسان، لایق خلافت در روی زمین است. امّا در این که فرشتگان چه چیزی را پنهان می کردند، بین مفسّران اختلاف نظر وجود دارد:

۱. عده ای می گویند: اشاره به ابلیس است که در آن زمان در میان فرشتگان حضور داشت و تصمیم داشت که اگر خداوند دستور تعظیم نسبت به آدم علیه السلام را بدهد، بگوید: «آن را انجام نمی دهم»، ولی این مسئله را اظهار نکرد؛

۲. ممکن است منظور از کتمان، آن چیزی باشد که فرشتگان آن را پنهان می داشتند؛ یعنی تصوّر می کردند که باز هم خودشان سزاوارتر و شایسته تر برای نمایندگی خداوند می باشند، ولی این مسئله را کتمان می کردند. (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۷۸. با اندکی تصرف و تلخیص.

پیام های آیه

۱. ظرفیت علمی انسان، بیش از فرشتگان است؛

۲. جهان آفرینش دارای آسمان های متعددی است؛

۳. انسان در بعضی موارد آموزگار و معلم فرشتگان است؛

۴. به افراد، فرصت شکوفایی بدهید؛

۵. علم خداوند نامحدود است؛

۶. علم فرشتگان محدود است (بعضی از مطالب حتی از فرشتگان نیز مخفی است)؛

۷. هیچ چیز از خداوند پنهان نخواهد بود.

چکیده

۱. منظور از خلیفه بودن انسان، جانشین خدا شدن است؛ زیرا سؤالی که فرشتگان می کنند و می گویند: «نسل حضرت آدم علیه السلام ممکن است مبدأ فساد و خونریزی شود، و ما تسبیح و تقدیس تو را می کنیم»، مناسب با همین معناست؛ چرا که نمایندگی خدا با این کارها سازگار نیست (این نظریه از همه بهتر است).

۲. بعد از آن که خداوند خلیفه خود، یعنی حضرت آدم علیه السلام را خلق نمود، استعداد فوق العاده ای به او داد و این استعداد را در او به فعلیت رساند. علم اسامی را به او آموخت (در ذات و خلقت او قرار داد)، سپس همان اسامی را به فرشتگان عرضه فرمود، ولی آنها استعداد دریافت این اسامی را نداشتند.

۳. مراد از تعلیم الهی، تعلیم تکوینی است، نه تشریعی؛ یعنی خداوند علم به اسامی را همراه با خلقت آدم علیه السلام در وجود و ذات او قرار داد.

۴. وقتی فرشتگان به جهل خود اقرار نمودند، خداوند خطاب به حضرت آدم علیه السلام فرمود: «ای آدم! آن اسامی را که به تو تعلیم دادم برای فرشتگان

بازگوکن». حضرت آدم علیه السلام لب به سخن گشود و تمام اسامی را برای فرشتگان بیان فرمود.

۵. ممکن است منظور از کتمان، آن چیزی باشد که فرشتگان آن را پنهان می داشتند؛ یعنی تصوّر می کردند که باز هم خودشان سزاوارتر و شایسته تر برای نمایندگی خداوند هستند، ولی این مسئله را کتمان می کردند.

ص:۱۱۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از خلیفه و نمایندگی خداوند چیست؟ احتمالات مختلف آن را بیان کنید. به نظر شما کدام احتمال صحیح تر است؟

۲. فرشتگان از کجا متوجّه شدند که انسان خون ریزی می کند؟

۳. مراد از «الأَسمَاءَ» در آیه شریفه وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ کُلَّها . چیست؟

۴. مراد از «تعلیم» در آیه، چه نوع تعلیمی است؟ توضیح دهید.

۵. فرشتگان، چه چیزی را از خداوند پنهان می کردند؟ نظر مؤلف «تفسیر نمونه»، در این باره چیست؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. منشور جاوید، جعفر سبحانی؛

۲. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۳. راه و راهنماشناسی، محمد تقی مصباح یزدی؛

۴. نورالثقلین، علی بن جمعه الحویزی.

۱۰- حضرت آدم علیه السلام در بهشت

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با سجده فرشتگان برای آدم علیه السلام ؛ سکونت آدم علیه السلام در بهشت؛ معنای لغزش حضرت آدم علیه السلام ؛ خروج آدم علیه السلام از بهشت؛ پیام های آیات ۳۴- ۳۶.

کلیدواژه ها) سجده، بهشت، ابلیس، شجره، عصیان، ترک اولی.

* * *

۳۴. وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاّ إِبْلِیسَ أَبی وَ اسْتَکْبَرَ وَ کانَ مِنَ الْکافِرِینَ .

و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده و خضوع کنید»، همگی سجده کردند جز شیطان که سر باز زد و تکبر ورزید [و به خاطر نافرمانی و تکبر] از کافران شد.

سجده فرشتگان در برابر آدم علیه السلام

این آیه به فراز دیگری از داستان خلقت آدم علیه السلام اشاره دارد که خداوند به فرشتگان دستور داد به عنوان تعظیم در مقابل آدم علیه السلام سجده کنند. پس تمام

فرشتگان بعد از دستور خداوند به سجده رفتند مگر ابلیس (۱) که سجده نکرد و از دستور خداوند سرپیچی نمود؛ (۲) لذا به خاطر استکباری که در وجود او بود، (۳) از کافران گشت.

امام سجاد علیه السلام در روایتی فرمودند:

« فأوّل ما عصی الله به الکِبر وهی معصیه إبلیس، حین أبی واستکبر وکان من الکافرین؛ (۴)نخستین چیزی که خداوند به وسیله آن معصیت گردید، کبر بود که همان معصیت إبلیس بود، زمانی که استکبار نمود و از سجده ابا کرد و از کافران گشت».

سجده فرشتگان دلیل برتری انسان نسبت به آنهاست؛ بدین معنا که انسان دارای یک ویژگی بود که فرشتگان فاقد آن بوده اند:

در آدم بود نوری از وجودش و گر نه کی مَلَک کردی سجودش

۱- (۱) . در این که آیا ابلیس از ملائکه بوده یا از جنّ در میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. عده ای مانند شیخ طوسی ابلیس را از فرشتگان دانسته؛ ولی به خاطر معصیتی که مرتکب شد از مقام خود خلع گردید. این افراد به ظاهر بعضی از آیات استناد جسته اند؛ مانند وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلاّ إِبْلِیسَ... ؛ (بقره، آیه ۳۴) واین استثناء دلیل بر این است که ابلیس از ملائکه بوده است و شیخ طوسی روایاتی را نیز در این زمینه نقل می کند (محمد بن حسن، الطوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۱۵۰)؛ ولی عده ای دیگر ابلیس را از جنّ دانسته اند، مانند شیخ مفید که این قول را به مذهب همه امامیه و بسیاری از معتزله نسبت داده است (شیخ مفید، اوائل المقالات، ص۱۱۰)؛ البته در بعضی از آیات به آن تصریح گردیده است, مانند: ...فَسَجَدُوا إِلاّ إِبْلِیسَ کانَ مِنَ الْجِنِّ... (کهف، آیه ۵۰).

۲- (۲) .این قسمت از داستان آدم علیه السلام در سوره حجر، آیه ۲۶ و سوره طه، آیه ۱۱۵ با تفصیل بیشتری آمده است.

۳- (۳) . اعراف، آیه۱۲.

۴- (۴) . نورالثقلین، ج۱، ص۶۰ ، ح۱۱۱.

گرچه در آغاز به نظر می آید که مسئله سجده بر حضرت آدم علیه السلام بعد از آزمایش فرشتگان و تعلیم اسماء بوده است، ولی دقّت در آیات دیگر نشان می دهد که این موضوع بلافاصله پس از آفرینش انسان و تکامل خلقت او و قبل از آزمایش فرشتگان رخ داده است. (۱)

در سوره حجر آمده است:

فَإِذا سَوَّیْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ ساجِدِینَ ؛ (۲)

هنگامی که آفرینش آدم را نظام بخشیدم و از روح خودم در آن دمیدم، برای او سجده کنید.

دلیل دیگر این که اگر دستور سجده پس از روشن شدن مقام حضرت آدم علیه السلام بود، چندان افتخاری برای فرشتگان محسوب نمی شد؛ زیرا در آن هنگام مقام حضرت آدم علیه السلام برای همه آنها روشن شده بود.

برای روشن تر شدن تفسیر آیه باید به دو سؤال زیر پاسخ گفت:

۱. مراد از سجده چیست؟

در پاسخ باید گفت که: برای «سجده» دو معنا گفته شده است؛

نخست: سجده اصطلاحی و معروف که همان «عبادت» است؛

دوم: سجده به معنای تواضع؛ چنان که ممکن است در آیه شریف، سجده به معنای «تواضع» مراد باشد. (۳)

۲. چگونه فرشتگان بر انسان سجده کردند؟

۱- (۱) . آلوسی، روح المعانی، ج۱، ص۲۲۸- ۲۳۲؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج۲، ص۲۳۰.
۲- (۲) . حجر، آیه ۲۹.
۳- (۳) . نظیرآن چه از پدر و مادر و برادران یوسف، در برابر آن حضرت انجام گرفت. (عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج۳، ص۲۶۷؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۲۸).

جواب: مسلّم است که سجده بر غیر خدا حرام است، ولی در جایی که به دستور خود خداوند باشد، مانعی ندارد؛ دیگر آن که مراد از سـجده در این جـا، سـجده معروف نبوده است، بلکه به همان معنای تواضع است که در لغت هم به آن اشاره شـد و در این صورت نیز حرام نیست.

پیام های آیه

۱. مقام انسان بالاتر از فرشتگان است؛

۲. فرشتگان، مطیع کامل خداوند هستند؛

۳. ابلیس نیز در برابر آدم، مأمور به سجده می گردد؛

۴. ابلیس از فرمان الهی سرپیچی کرده است؛

۵. تکبّر و غرور، انسان را به کفر می کشاند؛ (۱)

۶. آن چه مهم است لیاقت و شایستگی است، نه سابقه. (۲)

* * *

۳۵. وَ قُلْنا یا آدَمُ اسْکُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّهَ وَ کُلا مِنْها رَغَداً حَیْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونا مِنَ الظّالِمِینَ .

و گفتیم ای آدم! تو با همسرت در بهشت سـکونت کن، و از [نعمت های] آن گوارا هرچه می خواهیـد بخوریـد [اما] نزدیک این درخت نشوید که از ستمگران خواهید شد.

سکونت آدم علیه السلام در بهشت

بعد از آفرینش آدم و سجده فرشتگان و تعلیم أسماء به او، خداوند به حضرت

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص ۲۳۰.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۰۳.

آدم علیه السلام دستور می دهد که با همسرش داخل بهشت شده، آن جا سکونت گزینند و از نعمت های آن استفاده کنند و هرچه بخواهند بخورند، ولی به این درخت نزدیک نشوند.

از آیات می توان دریافت که حضرت آدم علیه السلام برای زندگی در روی زمین آفریده شده بود، ولی در آغاز، خداوند او را در یکی از باغ های این جهان جای داد؛ محیطی که برای او هیچ ناراحتی وجود نداشت.

شاید علّت این امر، آن بوده است که حضرت آدم علیه السلام با زندگی کردن در زمین هیچ آشنایی نداشت و تحمّل زحمت های آن بدون مقدّمه، برای او مشکل بود و باید تعلیمات لازم را در آن باغ ببیند و بداند که زندگی در روی زمین همراه با تکالیف است. هم چنین بداند هر چند آزاد آفریده شده، ولی این آزادی، مطلق نیست و نیز چنان نیست که اگر لغزشی از او سرزد، درهای سعادت به روی او بسته است. (۱)

دو پرسش مهم

نخست: این بهشت کدام بهشت بوده است؟

جواب: بهشت موعود نبوده است؛ زیرا:

۱. بهشت موعود، جاودانه است و خروج از آن معنا ندارد. (۲)

در بعضی از آیات قرآن به عدم خروج بهشتیان از بهشت و خلود آنها اشاره شده است؛ آن جا که می فرماید:

لا یَمَسُّهُمْ فِیها نَصَبٌ وَ ما هُمْ مِنْها بِمُخْرَجِینَ . (۳)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۸۴.

۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص ۱۳۰.

۳- (۳) . حجر، آیه ۴۸.

هیچ خستگی و تعبی در آن جا به آنها نمی رسد، و هیچ گاه از آن اخراج نمی شوند!

و در جای دیگر می فرماید:

یُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَهٍ مِنْهُ وَ رِضْوانٍ وَ جَنّاتٍ لَهُمْ فِیها نَعِیمٌ مُقِیمٌ . (۱)

پروردگارشان آنها را به رحمتی از سوی خود، و رضایت (خویش)، و باغ هایی از بهشت بشارت می دهد که در آن، نعمت های جاودانه دارند.

۲. روایات زیادی وجود دارد که می فرماید: منظور از بهشتی که حضرت آدم علیه السلام و حوا در آن ساکن شدند، باغ دنیایی بوده است. از امام صادق علیه السلام راجع به بهشت آدم علیه السلام سؤال کردند، آن حضرت در پاسخ فرمودند:

«جنّه من جنّات الدّنیا یطلع فیها الشّمس والقمر ولوکان من جنّات الآخره ما خرج منها أبدا؛ (۲)باغی از باغ های دنیا بوده است که خورشید و ماه در آن طلوع می کرده و اگر این بهشت آخرت بود، هرگز از آن خارج نمی گشت».

۳. بهشت موعود جای تکلیف نیست، درحالی که می بینیم به حضرت آدم علیه السلام تکلیف شده است.

۴. بهشت موعود در مقابل عمل است و هنوز حضرت آدم علیه السلام عملی را انجام نداده است.

البته باید توجه داشت که این باغ در روی زمین نبوده، بلکه در کرات دیگر بوده است؛ زیرا از آیات قرآن استفاده می شود که در آن جا برای حضرت آدم علیه السلام گرسنگی و مشقات دیگر نبوده است. قرآن در این باره می فرماید:

۱- (۱) . توبه، آیه ۲۱.

۲- (۲) . نورالثقلین، ج۱، ص۶۲؛البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۸۰ ح۲ و ۳؛کلینی، الکافی، ج۳، ص۲۴۷، ح۲.

إِنَّ لَکَ أَلّا تَجُوعَ فِیها وَ لا تَعْری* وَ أَنَّکَ لا تَظْمَؤُا فِیها وَ لا تَضْحی . (۱)

[امّا تو در بهشت راحت هستی! و مزیّتش] برای تو این است که در آن گرسنه و برهنه نخواهی شد و در آن تشنه نمی شوی، و حرارت آفتاب آزارت نمی دهد!

در حالی که زندگی در زمین همراه با مشکلات و گرسنگی و تشنگی است.

دوم: منظور از «شجره» در آیه چیست؟

مفسران احتمالات زیادی داده اند؛ بعضی آن را زندگی دنیا و زحمت های آن دانسته اند. (۲)

فیلسوف معروف «ملاصدرا»، آن را درخت طبیعت می داند (۳) و بعضی هم درخت حسد و بعضی دیگر بوته گندم دانسته اند. (۴) عده ای نیز به پیروی از «تورات» آن را به درخت علم و معرفت تفسیر کرده اند. (۵) در روایتی از علی علیه السلام نقل شده است که درخت کافور بوده است. (۶) البته باید توجه داشت که این درخت، خوراکی نبوده است؛ زیرا همان گونه که در سوره طه آمده است، گرسنگی و تشنگی در آن باغ برای آدم وجود نداشت.

۱- (۱) . طه، آیه ۱۱۸ و۱۱۹.

۲- (۲) . المیزان، ج۱، ص ۱۳۰ و۱۴۴.

۳- (۳) . ملاصدرا شیرازی، تفسیرالقرآن الکریم، ج۳، ص ۸۰.

۴- (۴) . المیزان، ج۱، ص۱۴۳. (با توجه به روایات).

۵- (۵) . سید محمود، طالقانی، پرتوی از قرآن، ج۱، ص۱۲۵. که احتمالاً اصل این سخن ریشه در تورات دارد که در سِفر پیدایش باب دوم شماره ۱۸ آمده است: «خداوند به آدم أمر فرمود: از همه درختان باغ بی ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد نخوری؛ زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد».

۶- (۶) . مجمع البیان، ج۱، ص۱۹۵.

پیام های آیه

۱. سکونت آدم و همسرش در بهشت، پس از سجده فرشتگان بوده است؛ (۱)

۲. نباید به گناه نزدیک شد؛

۳. انسان نیازمند به قانون و هدایت از سوی حق است؛

۴. انسان موجودی مختار و آزاد است و می تواند از دستورات تخّلف نماید؛

۵. تخلّف از دستور خداوند ظلم محسوب می شود؛ (۲)

۶. احترام به قانون لازم و ضروری است؛ زیرا باید به نواهی و دستورات الهی عمل گردد؛ (۳)

۷. قبل از این که جامعه را از کارهای فاسد نهی کنیم، باید راه های درست را برای آن مشخص کنیم.

* * *

۳۶. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطانُ عَنْها فَأَخْرَجَهُما مِمّا كانا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتاعٌ إِلى حِينٍ .

پس شیطان موجب لغزش آنها شد و آنان را از آن چه در آن بودند (بهشت) خارج ساخت و [در این هنگام] به آنها گفتیم: همگی [به زمین] فرود آیید در حالی که بعضی دشمن دیگری خواهید بود و برای شما تا مدت معینی در زمین قرارگاه و وسیله بهره برداری است.

شیطان دشمن دیرینه انسان

در این جا حضرت آدم علیه السلام خود را در برابر فرمان الهی - درباره خودداری از

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۰۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۰۶.

۳- (۳) . همان.

آن درخت ممنوع – دیـد، ولی شـیطان که سوگنـد یاد کرده بود دست از گمراه کردن حضـرت آدم علیه السـلام و فرزنـدانش برندارد به وسوسه گری مشـغول شد و حضـرت آدم علیه السـلام و حوّا را به لغزش انداخت و از آن چه در آن بودند (بهشت) بیرون کرد.

قرآن می فرمایـد: «به آنها دسـتور دادیم که به زمین فرود آییـد، در حالی که دشـمن یکـدیگر خواهید بود (حضـرت آدم علیه السـلام و حوّا از یک سو و شـیطان از سوی دیگر)» و به آنها فرمود: «برای شـما تا مـدّت معینی در روی زمین قرارگاه و وسـیله بهره برداری است».

شیطان به حضـرت آدم علیه السلام اطمینان داد که اگر از آن درخت بخورد او و همسرش، فرشتگانی خواهند شد که جاویدان در بهشت زندگی خواهند کرد؛ حتّی او قسم یاد کرد که من خیرخواه شما هستم: (۱)

فَوَسْوَسَ لَهُمَـا الشَّیْطـانُ لِیُبْـدِیَ لَهُما ما وُورِیَ عَنْهُما مِنْ سَوْآتِهِما وَ قالَ ما نَهاکُما رَبُّکُما عَنْ هـذِهِ الشَّجَرَهِ إِلاّ أَنْ تَکُونا مَلَکَیْنِ أَوْ تَکُونا مِنَ الْخالِدِینَ * وَ قاسَمَهُما إِنِّی لَکُما لَمِنَ النّاصِحِینَ . (۲)

سپس شـیطان آن دو را وسوسه کرد تـا آن چه را از انـدامشان پنهـان بود، آشـکار سـازد و گفت: «پروردگارتان شـما را از این درخت نهی نکرده، مگر به خاطر این که [اگر از آن بخوریـد] فرشـته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند!» و برای آنها سوگند یاد کرد که من برای شما از خیرخواهانم.

سؤال: گناه حضرت آدم علیه السلام چگونه با عصمت سازگار است؟

چند پاسخ به این پرسش می توان داد:

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۸۵.
۲- (۲) . اعراف، آیات ۲۰- ۲۱.

۱. آن چه حضرت آدم علیه السلام انجام داد «ترک أولی» بود؛ به عبارت دیگر گناه بر دو قسم است:

نخست: گناه مطلق؛ گناهی است که از هر کس سر بزند گناه است، مانند شرک، کفر و...؛

دوّم: گناه نسبی؛ بدین معنا که گاه انجام بعضی از اعمال مباح برای بعضی از افراد شایسته نیست و آنها باید از آن چشم پوشی کننـد و به کـاری مهم تر بپردازنـد، در غیر این صورت ترک أولی کرده انـد. آن چه حضـرت آدم علیه السـلام انجام داد گناه نسبی بود؛ یعنی حضرت آدم علیه السلام نیز سزاوار بود به آن درخت نزدیک نشود.

۲. نهی خداوند، نهی ارشادی است؛ یعنی خداوند آدم علیه السلام را از خاصیت تکوینی آن درخت آگاه کرد که اگر نزدیک آن شونـد به رنـج و سـختی دچار خواهند شد. (۱)ماننـد دسـتور پزشـک که می گویـد: این غـذا را نخور که بیمار می شوی، خداوند نیز به حضرت آدم علیه السلام فرمود: اگر نزدیک این درخت شوی از بهشت بیرون خواهی رفت و به درد و رنج مبتلا خواهی شد.

۳. نهی در این مورد، آزمایشـی بود؛ با توجه به این که حضـرت آدم علیه السلام برای زندگی در زمین آفریده شده بود، نه در بهشت و دوران توقـف او در بهشت یـک دوران آزمایشـی بوده، نه دوران تکلیف؛ لـذا اوامر و نواهی خداونـد در آن جـا تنها برای آشنا ساختن حضرت آدم علیه السلام به مسائل آینده در زمینه واجب و حرام بوده است. (۲)

پیام های آیه

۱. شیطان، انسان را به گناه و معصیت ترغیب می نماید؛

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۳۰. با اندکی تصرف و تلخیص.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۸۸.

۲. شیطان، مانع انسان از ورود به بهشت می شود؛

۳. انسان موجودی اغواپذیر است؛

۴. شیطان انسان دشمن یکدیگر هستند؛ (۱)

۵. پیروی از شیطان باعث سقوط انسان می شود؛ (۲)

۶. در بین انسان، نزاع، خصومت و عداوت وجود دارد؛

۷. زندگی انسان در روی زمین، موقتی است. (۳)

چکیده

۱. خداوند به فرشتگان دستور داد که در مقابل حضرت آدم علیه السلام سجده کنند و به امر الهی تمام فرشتگان به سجده رفتند، مگر ابلیس که از دستور خداوند سرپیچی کرد و به دلیل استکباری که در وجود او بود، حضرت آدم علیه السلام را سجده نکرد و از زمره کافران گردید.

۲. گرچه در آغاز به نظر می رسد مسئله سجده بر حضرت آدم علیه السلام بعد از آزمایش فرشتگان و تعلیم اسماء بوده است، ولی دقّت در آیاتِ دیگر نشان می دهد که این موضوع بلافاصله بعد از آفرینش انسان و تکامل خلقت او و قبل از آزمایش فرشتگان بوده است.

۳. ممکن است در آیه شریف، سجده به معنای «تواضع» باشد و ممکن است منظور، سجده اصطلاحی باشد؛ ولی چون به دستور خود خداوند بوده، حرام نیست.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص ۱۱۰.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۳۷.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۰۸.

۴. بعد از این ماجرا و ماجرای آزمایش فرشتگان، خداوند به حضرت آدم علیه السلام دستور می دهد که با همسرش داخل بهشت شوند و آن جا سکونت کنند و از نعمت های آن بهشت بهره برند، ولی نزدیک به درخت منهیّه نشوند.

۵. روایات زیادی بیانگر آن است که منظور از بهشتی که حضرت آدم علیه السلام و حوا در آن ساکن شدند، باغی دنیایی بوده است. از جمله در روایتی از امام صادق علیه السلام راجع به بهشت حضرت آدم علیه السلام سؤال کردند و آن حضرت پاسخ فرمودند.

۶. آن چه حضرت آدم علیه السلام انجام داد «ترک أولی» بود و به عبارت دیگر، گناه نسبی بوده است؛ بدین معنا که گاهی انجام بعضی از اعمال مباح، برای بعضی از افراد، شایسته نیست و آنها باید از این اعمال چشم پوشی کنند و به کاری مهم تر بپردازند؛ در غیر این صورت ترک أولی کرده اند.

ص:۱۲۸

پرسش ها و تمرین ها

۱. مراد از سجده در آیه وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ چیست؟ توضیح دهید.

۲. بهشتی که در آیه وَ قُلْنا یا آدَمُ اسْکُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّهَ آمده است کدام بهشت بوده است؟ چرا؟

۳. اگر انبیاء علیهم السلام معصوم هستند، چگونه در آیه شریفه به حضرت آدم علیه السلام نسبت لغزش و گناه داده شده است؟

۴. از آیه شریفه: وَ قُلْنا یا آدَمُ اسْکُنْ أَنْتَ وَ زَوْجُکَ الْجَنَّهَ وَ کُلا مِنْها رَغَداً حَیْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هذِهِ الشَّجَرَهَ فَتَکُونا مِنَ الظّالِمِینَ چه پیام هایی را می توان دریافت نمود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. راه و راهنماشناسی، محمد تقی مصباح یزدی؛

۲. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی؛

۳. بحارالانوار، جلدهای ۱۱ و ۳۰ و۸۳، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۴. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی.

۱۱- بازگشت حضرت آدم علیه السلام به سوی خدا

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با توبه حضرت آدم علیه السلام ؛ معنای کلمات؛ معنای توبه الهی؛ پیام های آیات ۳۷- ۳۹.

کلیدواژه ها) آدم، هبوط، توّاب، کلمات، تکذیب.

* * *

۳۷. فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ فَتابَ عَلَیْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ .

سپس آدم از پروردگار خود کلماتی دریافت داشت [و با آنها توبه کرد] و خداوند توبه او را پذیرفت؛ خداوند توبه پذیر و مهربان است.

توبه حضرت آدم علیه السلام

بعد از خروج حضرت آدم علیه السلام از بهشت، او متوجه شد که به خود ستم کرده است؛ چنان که از آن محیط آرام بر اثر فریب شیطان بیرون رانده شد و در محیط مشقّت بار زمین قرار گرفت. حضرت آدم علیه السلام به فکر جبران خطای خویش افتاد و با تمام جان و دل متوجّه پروردگار شد و لطف الهی نیز در این موقع به یاری او شتافت؛ آن چنان که قرآن می فرماید:

«آدم از پروردگار خود کلماتی را دریافت کرد و با آن کلمات توبه نمود و خداوند نیز توبه او را پذیرفت؛ زیرا خداوند توبه پذیر و مهربان است». (۱)

معنای توبه الهی

«توبه» در اصطلاح قرآن به معنای بازگشت از گناه است و این در صورتی است که به انسان گنه کار نسبت داده شود, ولی اگر توبه به خدا نسبت داده شود به معنای «بازگشت به رحمت» است؛ یعنی رحمتی که خداوند به خاطر ارتکاب گناه از انسان سلب کرده بود، پس از بازگشت انسان به اطاعت ازخدا، به او باز می گرداند. به عبارت دیگر، خداوند در حالت عصیانِ بندگان، گویی از آنها روی گردان می شود و هنگامی که خداوند به «توبه» توصیف می شود، مفهومش این است که نظر لطف و رحمت و محبتش را به بنده برمی گرداند.

پیرامون این آیه، پرسشی بدین گونه مطرح شده که:

کلماتی که خداوند به آدم علیه السلام القاء کرد چه بودند؟

در پاسخ به این پرسش سه احتمال داده شده است:

نخست: جملاتی بوده اند که در سوره اعراف به آن اشاره شده است:

قالا رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِینَ . (۲)

گفتند: «پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیان کاران خواهیم بود!».

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۹۵ و۱۹۶.

۲- (۲) . اعراف، آیه ۲۳.

دوم: بعضی گفته اند منظور از کلمات این دعاها بوده اند:

-

اللهم لا إله إلّا أنت سبحانک و بحمدک ربّ أنّی ظلمت نفسی، فاغفر لی، إنّک خیر الغافرین؛

-

اللهمّ لا إله إلّا أنت سبحانک وبحمدک ربّ أنّی ظلمت نفسی فارحمنی، إنّک خیر الراحمین؛

-

اللهمّ لا إله إلّا أنت سبحانک وبحمدک ربّ أنّی ظلمت نفسی، فتب علی إنّک أنت التوّاب الرّحیم.

سوم: مقصود از این کلمات، تعلیم اسماء بهترین مخلوقات، یعنی محمد صلی الله علیه و آله ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام بوده که روایات متعددی در این باره از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. (۱) البته با توجه به این که خداوند حضرت مسیح علیه السلام و تمام موجودات را به عنوان «کلمه الله» معرفی کرده است، بعید به نظر نمی رسد؛ (۲) آن جا که می فرماید:

قُلْ لَوْ کانَ الْبَحْرُ مِداداً لِکَلِماتِ رَبِّی لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ کَلِماتُ رَبِّی وَ لَوْ جِئْنا بِمِثْلِهِ مَدَداً . (۳)

بگو: «اگر دریاها برای [نوشتن] کلمات پروردگارم مرکّب شود، دریاها پایان می گیرد، پیش از آن که کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاها) را کمک آن قرار دهیم!»

و در جای دیگر می فرماید:

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۹۷ - ۱۹۹؛ جلال الدین، سیوطی، درالمنثور، ج۱، ص۱۴۷؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۸۶ ، ح۲؛ نورالثقلین، ج۱، ص۶۷، ح۱۴۳و ۱۴۵و ۱۴۷.

۲- (۲) . جعفر سبحانی، منشور جاوید، ج۱۱، ص۹۲ و۹۳.

۳- (۳) . کهف، آیه ۱۰۹.

إِذْ قالَتِ الْمَلائِکَهُ یا مَرْیَمُ إِنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکِ بِکَلِمَهٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِیحُ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ . (۱)

[به یاد آورید] هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای [وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است در حالی که در این جهان و جهان دیگر، صاحب شخصیّت خواهد بود و از مقرّبان [الهی] است.

پیام های آیه

۱. کلماتی که خداوند به آدم علیه السلام تلقین نمود، بسیار با ارزش بوده اند (نکره آوردن آن دلالت بر عظمت دارد)؛

۲. راه توبه را باید از خداوند آموخت؛ (۲)

۳. خداوند توبه پذیر و مهربان است؛

۴. راه توبه همیشه باز است.

* * *

۳۸. قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْها جَمِیعاً فَإِمّا یَأْتِیَنَّکُمْ مِنِّی هُدیً فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ .

گفتیم همگی از آن [به زمین] فرود آیید. هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد کسانی که از آن پیروی کنند نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند.

۱- (۱) . آل عمران، آیه ۴۵.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص ۲۴۰.

فرود حضرت آدم علیه السلام

هنگامی که خداونـد توبه حضـرت آدم علیه السـلام را پذیرفت، به آدم علیه السـلام و حوا و نسل آنها خطاب کرد که: «از این بهشـت (بـاغ دنیـایی) فرود آییـد»؛ یعنی کـاری را که حضـرت آدم علیه السـلام انجـام داد، اثر تکلیفی (حرمت، حلّیّت، مبـاح، کراهت، استحباب) نداشت، اما اثر وضعی - که خروج از بهشت بود - از بین نرفت و بالأخره آنها از آن باغ خارج شدند. (۱)

علّت و فلسفه تکرار

« اهبِطوا » شاید از این جهت باشد که حضـرت آدم علیه السلام تصور نکند پس از توبه، «هبوط» او به زمین منتفی شده است و در بهشت خواهد ماند؛ یا از این جهت که از اول برای زندگی در زمین آفریده شده بود؛ یا به این دلیل که «هبوط» اثر وضـعی عمل او بوده است و این اثر وضعی با توبه دگرگون نمی شود. (۲)

در ادامه آیه خداوند می فرماید: در آینده هدایت گرانی (پیامبران علیهم السـلام ، امامان علیهم السـلام) برای هدایت فرزندان تو خواهند آمد. کسانی که از آنها (اولیاء علیهم السـلام) متابعت کنند، هیچ اندوه و هراسـی در دنیا و آخرت نخواهند داشت. این که کلمه

« إهبطوا » به صورت جمع آمده است، در حالی که حضرت آدم علیه السلام و حوا دو نفر بیشتر نبودند، شاید به این دلیل باشد که هبوط حضرت آدم علیه السلام و حوا به زمین نتیجه اش این بود که فرزندان آنها نیز در زمین ساکن خواهند شد. (۳)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۹۷. با تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۱۹.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۱۱.

پیام های آیه

۱. نافرمانی از دستورات الهی، مانع ورود انسان به بهشت است؛

۲. گاهی عمل انسان در نسل انسان اثر می گذارد؛

۳. آثار وضعی گناه با توبه برطرف نمی شود؛ (۱)

۴. هدایت گران (اولیاء) باید از سوی خدا معین شوند؛

۵. برای رسیدن به سعادت، نیاز به هدایت الهی است؛

۶. هدایت یافتگان، هیچ هراس و اندوهی ندارند.

* * *

۳۹. وَ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا أُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ .

و کسانی که کافر شوند و آیات ما را تکذیب کنند، اهل دوزخ اند و همیشه در آن خواهند بود.

عاقبت تکذیب کنندگان

در آیه قبل روشن شد، کسانی که از هدایت گران پیروی کنند، هیچ ترس و حزنی ندارند. در این آیه شریفه نیز خداوند می فرماید: «کسانی که کفر ورزیده و آیات ما (انبیاء علیهم السلام) را تکذیب کنند، یاران آتش جهنّم بوده و در آن جاودانه خواهند بود.» بنابراین ارتباط این آیه شریفه با آیه گذشته بسیار واضح و روشن است.

توجه به این نکته لازم است که تکذیب آیات الهی در اثر گناه و معصیت صورت می گیرد و به عبارت دیگر، نتیجه و عاقبت گناه، تکذیب آیات و نشانه های الهی است و نتیجه تکذیب هم خُلود در آتش دوزخ است.

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۴۲.

پیام های آیه

۱. بشارت و انذار، هر دو لازم است؛

۲. بعضی از اعمال، باعث خلود در آتش می شود (مثل تکذیب آیات الهی)؛

۳. انبیاء علیهم السلام و هدایت گران الهی، آیات و نشانه های خدا هستند.

چکیده

۱. پس از ماجرای خروج آدم علیه السلام از بهشت، آن حضرت متوجه شد که به خود ستم کرده و از آن محیط آرام، بر اثر فریب شیطان بیرون رانده شده است؛ از این رو به فکر جبران اشتباه خویش افتاد و با جان دل متوجّه پروردگار گردید.

۲. «توبه» در اصطلاح قرآن به معنای «بازگشت از گناه» است و این در صورتی است که به انسان گناه کار نسبت داده شود؛ ولی اگر توبه به خدا نسبت داده شود، به معنای «بازگشت به رحمت» خواهد بود.

۳. کلماتی که خداوند به حضرت آدم علیه السلام القاء کرد جملاتی بودند که در سوره اعراف به آن اشاره شده است. گروهی بر این عقیده اند که مقصود از اسماء، محمد صلی الله علیه و آله ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستند که روایات متعددی در این باره از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است.

۴. وقتی توبه حضرت آدم علیه السلام پذیرفته شد، به آدم و حوا علیهما السلام و نسل آنها خطاب شد که از بهشت فرود آیید و سرانجام آنها از آن باغ خارج شدند.

۵. علّت و فلسفه تکرار

« اهبِطوا » شاید از این جهت باشد که حضرت آدم علیه السلام تصور نکند که بعد از توبه، «هبوط» او به زمین منتفی شده است و در بهشت خواهد ماند، یا از این جهت که حضرت آدم علیه السلام از اول برای زندگی در زمین آفریده شده بود، یا بدین سبب که «هبوط» اثر وضعی عمل او بوده است و این اثر وضعی با توبه دگرگون نمی شود.

۶. کسانی که کفر ورزیده و آیات الهی (انبیاء علیهم السلام) را تکذیب کنند، یاران آتش جهنّم بوده و در آن جاودانه خواهند بود.

۷. تکذیب آیات الهی در اثر گناه و معصیت صورت می گیرد و به عبارت دیگر، نتیجه گناه، تکذیب آیات و نشانه های الهی است و نتیجه تکذیب هم، خلود در آتش دوزخ است.

ص:۱۳۷

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از «کلمات» در آیه فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ چیست؟ توضیح دهید.

۲. توبه را معنا نموده و توبه الهی را توضیح دهید.

۳. با این که حضرت آدم علیه السلام و حوا دو نفر بوده اند چرا کلمه «اهبطوا» به صورت جمع آمده است؟

۴. علت و فلسفه تکرار «اِهْبِطُوا» در آیه ۳۶ و ۳۸ چیست؟

۵. از آیه شریفه قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْها جَمِیعاً فَإِمّا یَأْتِیَنَّکُمْ مِنِّی هُدیً فَمَنْ تَبِعَ هُدایَ فَلا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ چه نکاتی را می توان دریافت؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، جلدهای۶ و ۱۱، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۲. المیزان، جلد۱، محمد حسین طباطبایی رحمه الله ؛

۳. تفسیر منهج الصادقین، جلد۱، ملا فتح الله کاشانی؛

۴. التبیان فی تفسیر القرآن، جلد۱، محمد بن حسن الطوسی.

۱۲- دستورات خداوند به بنی اسرائیل (۱)

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با عهد و پیمان های خداوند با یهودیان؛ علت نام گذاری یهودیان به بنی اسرائیل؛ صفت سودپرستی یهودیان؛ پیام های آیات ۴۰- ۴۲.

کلیدواژه ها) پیمان، بنی اسرائیل، مصدق، کتمان، فرعون.

* * *

۴۰. یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَوْفُوا بِعَهْدِی أُوفِ بِعَهْدِکُمْ وَ إِیّایَ فَارْهَبُونِ .

ای فرزندان اسرائیل! نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتیم به خاطر بیاورید، و به پیمانی که با من بسته اید وفا کنید تا من به پیمان شما وفا کنم [و در راه انجام وظیفه و عمل به پیمان ها] تنها از من بترسید.

عهد و پیمان های خداوند با بنی اسرائیل

در درس های گذشته با داستان خلافت حضرت آدم علیه السلام در زمین و خارج شدن او از بهشت و هم چنین توبه وی آشنا شدیم و از این داستان یک اصل اساسی روشن شد که در این جهان همیشه دو نیروی مخالف (حق و باطل) در برابر هم قرار دارند؛ آن کس که تابع شیطان شود و راه باطل را انتخاب کند, سرانجامش

دور شدن از بهشت و سعادت و گرفتاری در رنج و درد است و آنها که فرمان پروردگار را بدون اعتنا به وسوسه های شیطان ادامه دهند، آسوده از درد و رنج خواهند زیست. (۱)

از این آیه تا حدود شصت آیه بعد، موضوع سخن تغییر کرده و خداوند خطاب به یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نعمت هایی را که به آنها داده، متذکّر شده و از آنها می خواهد که به یاد این نعمت ها بوده و میثاق هایی را که با خدا بسته اند فراموش نکنند. (۲)

از آن جایی که داستان نجات بنی اسرائیل از چنگال فرعون و خلافت آنها در زمین و سپس فراموش کردن پیمان الهی و گرفتار شدن آنها در رنج و بدبختی، شباهت زیادی به داستان حضرت آدم علیه السلام دارد، خداوند در آیات مورد بحث و آیات بعد، فرازهای مختلفی از زندگی بنی اسرائیل و سرنوشت آنها را بیان می کند. (۳)

در این آیه شریف، خداوند متعال برای بنی اسرائیل، سه دستور مهم و اساسی را بیان می کند:

نخست: نعمت هایی را که به شما داده ام، یاد نمایید؛

دوم: به عهد و پیمان من وفا کنید که اگر به عهد و پیمان من عمل نمودید، من نیز به عهد و پیمان شما وفادار خواهم بود؛

سوم: فقط از من بترسید.

جمله «تنها از من بترسید» تأکیدی بر این است که در راه وفای به عهد الهی

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۲۰۰.
۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص ۱۵۰.
۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۱۵۰.

و اطاعت از فرمان او، از هیچ کس نباید بیم داشت. این انحصار از مقدم شدن کلمه «ایای» بر«فارهبون» فهمیده می شود.

به این نکته باید توجه داشت که یاد نعمت های خداوند، انسان را به معرفت او دعوت می کند و حس شکرگزاری را در انسان برمی انگیزد. سپس توجه به این نکته که این نعمت ها بدون قید و شرط نیستند و در کنار آن خداوند از انسان عهد و پیمانی گرفته و انسان را متوجه تکالیف و مسئولیت هایش می کند و نترسیدن از هیچ کس و هیچ مقامی در راه انجام وظیفه، سبب می شود که انسان همه موانع را در این راه از پیش پای خود برداشته و به عهدهایش وفا کند. (۱)

عهد و پیمان هایی که خداوند با بنی اسرائیل بسته است، در سوره بقره, آیات ۸۳ و۸۴ و هم چنین در سوره مائده, آیه ۱۲ مطرح شده اند.

وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللّهَ وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ ذِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینِ وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ ثُمَّ تَوَلَّیْتُمْ إِلاّ قَلِیلاً مِنْکُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ؛ (۲)

[به یاد آورید] زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم نیک بگویید، نماز را برپا دارید و زکات بدهید. سپس [با این که پیمان بسته بودید] همه شما - جز عده کمی - سرپیچی کردید و [از وفای به پیمان خود] روی گردان شدید.

(به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که:

۱- (۱) . همان، ج۱، ص۲۰۱.
۲- (۲) . بقره، آیه ۸۳.

۱. جز خداوند یگانه را پرستش نکنید؛

۲. نسبت به پدر و مادر نیکی کنید؛

۳. نسبت به یتیمان نیکی کنید؛

۴. نسبت به بینوایان نیکی کنید؛

۵. به مردم سخن نیک بگویید؛

۶. نماز را بر پا دارید؛

۷. زکات بدهید.

وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَکُمْ لا تَسْفِکُونَ دِماءَکُمْ وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ . (۱)

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید. سپس شما اقرار کردید [و بر این پیمان] گواه بودید.

۸. خون یکدیگر را نریزید؛

۹. یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید و شما اقرار کردید [و بر این پیمان] گواه بودید:

وَ لَقَدْ أَخَذَ اللّهُ مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقِیباً وَ قالَ اللّهُ إِنِّی مَعَکُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاهَ وَ آتَیْتُمُ الزَّکاهَ وَ آمَنْتُمْ بِرُسُلِی وَ عَزَّرْتُمُوهُمْ وَ أَقْرَضْتُمُ اللّهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُکَفِّرَنَّ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ وَ لَأُدْخِلَنَّکُمْ جَنّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ فَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذلِکَ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِیلِ . (۲)

خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت. و از آنها، دوازده نقیب [سرپرست] برانگیختیم. و خداوند [به آنها] گفت: «من با شما هستم! اگر نماز را برپا دارید و

۱- (۱) . بقره، آیه ۸۴.

۲- (۲) . مائده، آیه ۱۲.

زکات را بپردازید و به رسولان من ایمان بیاورید و آنها را یاری کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید [در راه او، به نیازمندان کمک کنید]، گناهان شما را می پوشانم [می بخشم] و شما را در باغ هایی از بهشت که نهرها از زیر درختانش جاری است، وارد می کنم. اما هرکس از شما بعد از این کافر شود، از راه راست منحرف گردیده است.

۱۰. به رسولان من ایمان بیاورید؛

۱۱. رسولان مرا یاری دهید؛

۱۲. به خدا قرض الحسنه بدهید.

چرا به یهودیان «بنی اسرائیل» می گویند؟

«اسرائیل» یکی از نام های یعقوب علیه السلام (پدر یوسف علیه السلام) است. درباره نام گذاری یعقوب علیه السلام به این نام، مورخان غیر مسلمان مطالبی گفته اند که با خرافات آمیخته است، (۱) ولی مرحوم طبرسی در مجمع البیان, در این باره می گوید:

اسرائیل همان یعقوب علیه السلام فرزند اسحاق علیه السلام پسر ابراهیم علیه السلام است و «إسر» به معنای «عبد» و «ئیل» به معنای «الله» است و این کلمه مجموعاً معنای «عبدالله» را می دهد. (۲)

پیام های آیه

۱. قوم بنی اسرائیل موظف به پیروی از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله بودند؛ (۳)

۱- (۱) . برخی از نویسندگان مسیحی گفته اند: یعقوب به خاطر ثبات و استقامت و ایمانش «اسرائیل» نامیده شد یا بدین خاطر که با خدا کشتی گرفت و پیروز شد. (تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۴۴. به نقل از قاموس کتاب مقدس، ص۵۳ و ۵۷.)

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۰۴ و ۲۰۵.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۲۱.

۲. باید یاد نعمت های الهی باشیم؛

۳. خداوند با انسان عهد و پیمان بسته است؛

۴. وفا به عهد و پیمان الهی واجب است؛ (۱)

۵. وفای خداوند به عهد خویش، مشروط به پای بندی انسان به عهد الهی است؛

۶. در اجرای فرمان الهی، فقط باید از خداوند هراس داشت.

* * *

۴۱. وَ آمِنُوا بِما أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِما مَعَكُمْ وَ لا تَكُونُوا أَوَّلَ كافِرٍ بِهِ وَ لا تَشْتَرُوا بِآياتِي ثَمَناً قَلِيلاً وَ إِيّايَ فَاتَّقُونِ .

و به آن چه نـازل کرده ام (قرآن) ایمـان بیاوریـد که نشـانه هـای آن با آن چه در کتاب های شـما است کاملاً مطابقت دارد و نخستین کافر به آن نباشـید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشـید [به خاطر درآمدی مختصـر، نشانه های قرآن و پیامبر اسلام را که در کتب شما موجود است پنهان نکنید] و تنها از من [ومخالفت دستور من] بترسید [نه از مردم].

شأن نزول

درباره این آیه شـریفه مفسـران شأن نزولی را نقل کرده اند که: علمای یهود از قبیل کعب ابن اشـرف و...، در هر سال مجالس مهمانی با شـکوهی را برگزار می کردنـد و اگر اوصاف پیامبر صـلی الله علیه و آله را - که در «تورات» آمده بود - برای مردم یهود می گفتنـد، دیگر این مجـالس را از دست می دادنـد؛ لـذا برای این که این منافع مادی را از دست ندهنـد، اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را که در تورات آمده بود، کتمان می کردند.

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۱۳.

به خاطر این کار, آیه شریفه نازل شد و فرمود: «ای علمای یهود! اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را به بهایی ناچیز نفروشید و آنها را برای مردم بیان کنید». (۱)

چهار دستور دیگر به بنی اسرائیل

در این آیه شریفه نیز خداوند دستوراتی را به قوم بنی اسرائیل و علمای آنها داده است که عبارتند از:

چهارم: به قرآن که مصدّق تورات است، ایمان بیاورید؛

پنجم: در ردیف اول کافران قرار نگیرید:

اگر مشرکان و بت پرستان کافر شوند، زیاد عجیب نیست، ولی انکار و کفر شما عجیب است؛ زیرا شما هم از مشرکان با اطلاع تر بوده و هم اهل کتاب هستید و در کتاب های آسمانی شما درباره ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت هایی داده شده است؛

ششم: آیات (نشانه های) مرا به بهایی ناچیز نفروشید؛

هفتم: فقط از من بترسید و جانب تقوا را رعایت نمایید.

یهودیان، آیات خدا را به بهای اندکی می فروختند و به جهت این منافع اندک همه چیز را به فراموشی می سپردند. کسانی هم که تا آن روز از منتظران قیام پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، هنگامی که منافع خود را در خطر دیدند، این بشارت ها را انکار کرده و آیات تورات را تحریف نمودند؛ زیرا در صورت آشنایی مردم با حقیقت، ریاست آنها از بین می رفت.

پیام های آیه

۱. خداوند بنی اسرائیل را دعوت به تصدیق قرآن نموده است؛

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱، ص ۲۱۰؛ نورالثقلین، ج۱، ص۷۳، ح۱۶۴.

۲. نازل کننده قرآن، خداوند است؛ (۱)

۳. قرآن، مصدّق تورات و کتاب های آسمانی گذشته است؛

۴. بنی اسرائیل در کفر ورزیدن به قرآن از دیگران پیش تاز بوده اند؛

۵. انکار و کفر به قرآن از سوی یهودیان، به خاطر رسیدن به متاع دنیا بوده است؛

۶. دنیا و مادیّات در مقابل حق، قلیل و ناچیز می باشند؛

۷. فقط باید از خدا ترسید و تقوای او را رعایت کرد.

* * *

۴۲. وَ لا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْباطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ .

و حق را با باطل نیامیزید و حقیقت را با آن که می دانید کتمان نکنید.

دو دستور دیگر

در ادامه دستوراتی که خداوند به قوم بنی اسرائیل (به خصوص علما و دانشمندان) داده بود، در این آیه شریفه نیز دستورات دیگری را خطاب به آنها بیان می فرماید:

هشتم: حق را با باطل نپوشانید؛

قوم بنی اسرائیل حق را به وسیله باطل می پوشاندند تا مبادا منافع خود را از دست بدهند؛ لذا قرآن خطاب به آنان کرده و آنها را از این کار منع می نماید.

نهم: حق را کتمان نکنید؛ قرآن می فرماید: حق را باید برای مردم بیان کنید، اگر چه گفتن حق به ضرر و زیان شما باشد. و این کتمان حق، زمانی بدتر است که انسان حقیقت را نیز بداند؛ لذا خداوند در پایان آیه می فرماید: شما واقعیت را می دانید، ولی آن را کتمان می نمایید؛ یعنی قوم بنی اسرائیل در حالی که حق را می دانستند آن را کتمان می کردند.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۲۴.

پیام های آیه

۱. نباید چهره حق را تغییر داد و آن را با یکدیگر مخلوط نمود؛ (۱)

۲. کتمان کردن حق, ممنوع است؛ (۲)

۳. یهودیان افرادی هستند که واقعیت را کتمان می کنند؛

۴. کتاب های آسمانی گذشته، در بر دارنده بشارت به حقانیت قرآن بوده است؛

۵. برای بیدار کردن مردم، از وجدان آنها استفاده کنید.

چکیده

۱. در جهان همیشه دو نیروی مختلف (حق و باطل) در برابر هم قرار دارند؛ کسی که تابع شیطان شود سرانجامش گرفتاری در رنج و درد است و آنها که مطیع فرمان پروردگار باشند، آسوده از درد و رنج خواهند زیست.

۲. از آن جا که داستان نجات بنی اسرائیل و خلافت آنها در زمین و سپس فراموش کردن پیمان الهی و گرفتار شدن آنها، شباهت زیادی به داستان حضرت آدم علیه السلام دارد، خداوند فرازهای مختلفی از زندگی بنی اسرائیل و سرنوشت آنها را برای ما بیان می کند.

۳. یاد نعمت های خداوند انسان را به معرفت او دعوت کرده و حس شکرگزاری را در انسان برمی انگیزد. سپس با توجه دادن به این نکته که نعمت ها بدون قید و شرط نیستند، انسان را به تکالیف و مسئولیت هایش هدایت می کند؛ لازمه انجام صحیح این وظایف، نترس بودن است که سبب می شود انسان همه موانع را در این راه از پیش پای خود برداشته و به عهدهای خود وفا نماید.

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۱۶.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۴۹.

۴. «اسـرائیل» یکی از نام های حضـرت یعقوب علیه السلام پدر حضرت یوسف علیه السلام است و حضرت یعقوب علیه السلام نیز فرزند حضـرت اسـحاق علیه السلام پسر حضرت ابراهیم علیه السلام است. «إسر» به معنای «عبد» و «ئیل» به معنای «الله» است و این کلمه در مجموع به معنای «عبدالله» است.

۵. انکـار و کفر یهودیـان عجیب است؛ زیرا اینهـا هم از مشـرکان بااطلاـع تر بـوده و هم اهـل کتـاب هسـتند و در کتـاب هـای آسمانی آنان درباره ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت هایی وجود داشت.

۶. یهودیان آیات خدا را به بهای اندکی می فروختند و به جهت این منافع اندک، همه چیز را به فراموشـی می سپردند. کسانی هم که منتظران قیـام پیـامبر صـلی الله علیه و آله بودنـد، هنگـامی که منـافع خود را در خطر دیدنـد، این بشـارت هـا را انکـار و «تورات» را تحریف نمودند؛ زیرا در صورت آشنایی مردم با حقیقت، ریاست آنها از بین می رفت.

ص:۱۴۸

پرسش ها و تمرین ها

۱. ارتباط داستان حضرت آدم علیه السلام را با داستان بنی اسرائیل توضیح دهید.

۲. چند نمونه از پیمان هایی خداوند با بنی اسرائیل را با توجه به آیات آن توضیح دهید.

۳. چرا «یهودیان» صفات پیامبر صلی الله علیه و آله را - که در «تورات» آمده بود - کتمان می کردند؟

۴. چرا به یهودیان «بنی اسرائیل» گفته می شود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. تفسیر صافی، جلد ۱، فیض کاشانی؛

۲. تفسیر نورالثقلین، علی بن جمعه الحویزی؛

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین الطباطبایی؛

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم البحرانی.

۱۳- دستورات خداوند به بنی اسرائیل (۲)

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با دستورات دیگر خداوند به بنی اسرائیل؛ دعوت عملی مردم؛ استعانت از نماز و روزه در مشکلات؛ پیام های آیات ۴۳ - ۴۶.

کلیدواژه ها) صلوه، صبر، رکوع، تعقّل، ظنّ، خشوع.

* * *

۴۳. وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ وَ ارْکَعُوا مَعَ الرّاکِعِینَ .

و نماز را به پا دارید و زکات را اداکنید و همواره با رکوع کنندگان رکوع نمایید [و نماز را با جماعت بگذارید].

نماز و زکات

در این آیه شریفه نیز سه دستور خطاب به بنی اسرائیل بیان شده است:

دهم: نماز را اقامه کنید؛ یعنی آن را با آداب و شرایط خاص خود به جای آورید و نماز را در جامعه زنده نگاه دارید و هم خود و هم دیگران را به ادای نماز فرابخوانید.

بعضی از مفسران گفته اند: تعبیر به «أقیموا» اشاره به این مطلب است که نباید نماز تنها أوراد و أذکار باشد، بلکه آن را به طور کامل بپادارید که مهم ترین آن

توجه قلبی و تأثیر نماز در روح و قلب انسان است. (۱)

یازدهم: زکات را پرداخت کنید: یعنی با مردم و جامعه خود ارتباط داشته باشید، فقیران و مساکین را فراموش نکنید و آنها را یاری نمایید؛ پرداخت زکات نوعی ارتباط با بینوایان و پیوند فرد با جامعه انسانی است که این امر باعث آبادانی شهرها و رفع فقر از جامعه انسانی خواهد شد.

دوازدهم: همراه با راکعان رکوع کنید؛

در این جا ممکن است سؤالی به ذهن انسان بیاید و آن این که نماز خود دارای رکوع است، پس چرا امر به رکوع را در ذیل آیه آورده است؟ تعبیر یاد شده شاید اشاره به این نکته باشد که نماز یهودیان رکوع نداشته و نمازِ مسلمانان است که یکی از ارکانِ آن رکوع است. به همین دلیل آنها را به نمازی مانند نماز مسلمانان دعوت کرده است. (۲)

پیام های آیه

۱. بنی اسرائیل نیز مکلّف به برپایی نماز بوده اند؛

۲. نماز را باید زنده نگاه داریم؛

۳. لازم است نماز به صورت دسته جمعی و جماعت خوانده شود؛

۴. هم خود و هم دیگران را به نماز وادار کنیم؛

۵. با مردم باید ارتباط داشته باشیم و به فقرا و مستمندان رسیدگی کنیم؛

۶. اقامه نماز باید همراه با دیگران صورت گیرد. (۳)

* * *

۱- (۱) . رضا رشید، تفسیر المنار، ج۲، ص۲۹۳.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۰۹. با تصرف و تلخیص.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۱۷.

۴۴. أَ تَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکَمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ .

آیا مردم را به نیکی [و ایمان به پیامبری که صفات او آشکار در تورات آمده] دعوت می کنید؟ اما خودتان را فراموش می نمایید؟ با این که شما خودتان کتاب [آسمانی] را می خوانید، آیا هیچ فکر نمی کنید؟

فراموشی خود

مرحوم طبرسی پیرامون این آیه می نویسد: «دانشمندان یهود پیش از بعثت، مردم را به ایمان به او دعوت می کردند، ولی هنگام ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله خودشان از ایمان آوردن به او خودداری نموده و حتی به بعضی از بستگان خود توصیه می کردند که به ایمان خود باقی باشند. آیه شریفه نازل شد و آنها را مورد مذمت قرار داد و خطاب به آنها فرمود: «ای علمای یهود! آیا مردم را به ایمان آوردن به پیامبر صلی الله علیه و آله امر می کنید، ولی خودتان را فراموش کرده اید؟» یعنی چرا خودتان به آن حضرت صلی الله علیه و آله ایمان نمی آورید، در حالی که شما «تورات» را تلاوت نموده و با نشانه ها و اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله در تورات آشنا هستید، آیا تعقّل و تدبر نمی کنید». (۱)

در این آیه، خداوند از عملکرد بزرگان قوم بنی اسرائیل انتقاد نمود؛ با این خطاب که چرا مردم را به انجام کارهای نیک مانند اطاعت از خدا و عدم ارتکاب گناه دعوت نموده، ولی خود، اطاعت الهی را انجام نمی دهید و مرتکب انواع گناهان (کتمان حق، تحریف آیات الهی، فساد اخلاقی و...) می شوید؟

دعوت مردم با عمل

یکی از برنامه های اساسی علما و دعوت کنندگان به سوی حق تبلیغ با عمل است؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱، ص۲۱۵.

«کونوا دعاه النّاس بغیر السنتکم ؛ مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید، نه با زبان خود». (۱)

سعدیا گر چه سخن گو و مصالح دانی ز عمل کار برآید به سخن دانی نیست

تأثیر عمیق «دعوت عملی» از آن جهت است که وقتی شنونده بداند که گوینده از دل سخن می گوید و به گفته خود ایمان دارد، گوش جان خود را به روی سخنان او می گشاید و آن گاه که سخن از دل برآید بر دل هم خواهد نشست. (۲)

بزرگی سراسر به گفتار نیست دو صد گفته، چون نیم کردار نیست

در روایت آمده است: یکی از کسانی که در روز قیامت عذابش از همه شدیدتر است کسی است که به عدالت سخن گوید، ولی خود به غیر آن عمل کند. (۳)

نکته مهم این که، اگر چه این آیه در مورد یهودیان و علمای آنها نازل شده است، اما مفهوم آیه عام است و شامل همه علما (حتی علمای اسلام) می شود.

عالمی را که گفتار باشد و بس هر چه گوید نگیرد اندر کس

عالم آنکس بود که بد نکند نه بگوید به خلق و خود نکند

پیام های آیه

۱. مسئولیت عالم بیشتر است؛

۲. انسان نباید خودش را فراموش کند؛

۳. خواندن و تلاوت کتاب آسمانی به تنهایی کافی نیست، بلکه مهم عمل به آن است؛

۴. عمل نکردن به محتوای کتاب آسمانی (دستورات الهی) از نشانه های بی خردی است.

* * *

۱- (۱) . سفینه البحار، ج۶، ص۵۱۵ - ۵۱۷.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۱۵. با تصرف و تلخیص.

۳- (۳) . نور الثقلین، ج۱، ص۷۵.

۴۵. وَ اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ وَ إِنَّها لَکَبِیرَهٌ إِلاّ عَلَی الْخاشِعِینَ .

از صبر و نماز یاری جویید [و با استقامت و کنترل هوس های درونی و توجه به پروردگار نیرو بگیرید] و این کار جز برای خاشعان، گَران است.

کمک از نماز و صبر

در ادامه دستورات خداوند به بنی اسرائیل، دو فرمان دیگر نیز از جانب خدا صادر شده است:

سیزدهم: در مشکلات از «نماز» کمک بگیرید؛

چهاردهم: در مشکلات از «صبر» کمک بگیرید؛

این که مخاطب آیه مسلمانان یا اهل کتاب هستند، میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. جبّایی که یکی از مفسران است، نظر اول را پذیرفته، ولی عده ای دیگر، مخاطب آیه را اهل کتاب دانسته اند؛ اما نظر مرحوم طبرسی این است که مخاطب آیه، عام بوده و هر دو گروه را شامل می شود. (۱)

قرآن برای پیروزی انسان بر امیال و خواسته های نفسانی خود می فرماید: ای علمای یهود! در پیروزی بر مشکلات، از نماز و صبر کمک بگیرید تا بتوانید بر هواهای نفسانی خود غلبه پیدا کنید.

در این که مراد از «صبر» در آیه چیست، سه احتمال وجود دارد:

۱. استقامت؛

۲. روزه؛

۳. معنای جامع و اعم.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱- ۲، ص۲۱۶.

هنگامی که با غمی از غم های دنیا روبه رو می شوید، وضو گرفته، به مسجدبروید و نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ . (۱)

در احادیث اسلامی نیز می خوانیم:

کان علی علیه السلام

إذا أهاله أمر فزع، قام إلی الصلاه، ثم تلی هذه الآیه: وَ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ .. (۲)

این دستور، موضوعی شگفت نیست؛ زیرا انسان هنگام مقابله با حوادث سخت، نیاز به تکیه گاهی دارد که نامحدود و بی انتها باشد. نماز او را با چنین مبدئی پیوند می دهد که با اتکای به آن می تواند روحیه ای مطمئن و آرام داشته و مشکلات را در هم بشکند.

در پایان آیه خداوند می فرماید: نماز فقط برخاشعان سنگین نیست، ولی کسانی که خشوع ندارند و وجودشان را کِبر و غرور گرفته است، نماز خواندن برای آنها مشکل و سخت است.

پیام های آیه

۱. در مشکلات باید از صبر (روزه) و نماز کمک بگیریم؛

۲. نماز و روزه در موفقیت انسان بسیار موثّر است؛

۳. سنگین بودن نماز برای انسان دلیل بر کبر و غرور انسان است. (۳)

* * *

۱- (۱) . همان، ص۲۱۷.

۲- (۲) . الکافی،به نقل از المیزان، ج۱، ص۱۵۴.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۲۱.

۴۶. الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ راجِعُونَ .

آنها که ایمان دارند خدای خود را ملاقات می کنند و به سوی او باز می گردند.

صفات خاشعان

«ظن» گاهی به معنای گمان است و گاهی نیز به معنای یقین می آید. در مقاییس اللّغه آمده است: «الظنّ یدل علی معنیین مختلفین، یقین و شک.» (۱) هم چنین در مصباح المنیر (۲) می خوانیم: «الظنّ من باب «قتل» و هو خلاف الیقین و قد یستعمل بمعنی الیقین».

کلمه «ظن» در این آیه شریفه به معنای یقین است. البته آیه با «ظنِ» به معنای نخست نیز سازگار بوده و در حقیقت نوعی تأکید و مبالغه است بدین معنا که حتی اگر انسان به آن دادگاه الهی ایمان نداشته باشد، گمان به آن نیز کافی است که انسان را از هرگونه خلافی باز دارد. (۳)

در این آیه شریف، خداوند دو صفت را برای افراد خاشع بیان فرموده است:

۱. خاشعان کسانی هستند که یقین به ملاقات با پروردگارشان دارند:

مراد از «لقاءالله» حضور در صحنه قیامت است؛ البته مراد از این ملاقات، حسّی نیست، بلکه منظور مشاهده آثار و جزا و پاداش و نعمت های الهی است یا مقصود شهود باطنی و قلبی می باشد؛ یعنی با چشم دل و حقیقی خدا را دیدن؛ همان طور که از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرمودند: «چیزی که نمی بینم پرستش نمی کنم». سپس فرمود: «چشم های ظاهری او را مشاهده نمی کنند، ولی

۱- (۱) . إبن فارس، مقاییس اللغه، واژه «ظن».
۲- (۲) . فیومی، مصباح المنیر، واژه «ظن».
۳- (۳) . المیزان، ج۱، ص۱۵۴؛ المنار، ج۱، ص۳۰۲؛ روح المعانی، ج۱، ص۲۲۸؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۵۸.

دل ها با حقیقت ایمان، او را درک می کنند». (۱)

۲. خاشعان کسانی هستند که یقین دارند به سوی او برمی گردند و زندگی آنها در دنیا به صورت موقّت است. در ذیل آیه، خداوند متعال پایان زندگی انسان را به سوی خودش دانسته است.

پیام های آیه

۱. اعتقاد به روز قیامت (و حتّی ظنّ به روز قیامت) باعث خشوع انسان می شود؛

۲. انسان در روز قیامت با جزا، پاداش و نعمت های الهی یا با خود خدا (به معنای خودش) ملاقات می کند؛

۳. بازگشت همه انسان ها به سوی خداوند است.

چکیده

۱. مراد از إقامه نماز این است که آن را با آداب و شرایط خاص خود به جای آورند و نماز را در جامعه، زنده نگاه دارند و خود و دیگران را به اقامه نماز فرابخوانند.

۲. پرداخت زکات نوعی ارتباط با بینوایان و پیوند فرد با جامعه انسانی است؛ این امر باعث آبادانی شهرها و رفع فقر از جامعه انسانی خواهد شد.

۳. برنامه اساسی علما و دعوت کنندگان به سوی حق, تبلیغ با عمل است؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام فرمودند: «مردم را با عمل خود به نیکی ها دعوت کنید، نه با زبان خود».

۴. قرآن برای این که انسان بتواند بر امیال و خواسته های نفسانی خود پیروز شود، می فرماید: «برای پیروزی بر مشکلات، از نماز و صبر کمک بگیرید تا بتوانید بر هواهای نفسانی خود غلبه کنید».

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ص۲۵۵. به نقل از نهج البلاغه، کلام ۱۷۹.

۵. در برخی روایات نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام با مشکلی مواجه می شدند از نماز و روزه کمک می گرفتند و سپس این آیه را تلاوت نمودند».

۶. مراد از «لقاءالله» حضور در صحنه قیامت و مشاهده آثار و جزا و پاداش و نعمت های الهی است؛ یا مقصود, شهود باطنی و قلبی می باشد؛ یعنی با چشم دل و حقیقی خدا را دیدن؛ همان گونه که از علی علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند: «چیزی که نمی بینم پرستش نمی کنم.» سپس فرمود: «چشم های ظاهری او را مشاهده نمی کنند، ولی دل ها با حقیقت ایمان, او را درک می کنند».

ص:۱۵۸

پرسش ها و تمرین ها

۱. بـا این که در صـدر آیه وَ أَقِیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ وَ ارْکَعُوا مَعَ الرّاکِعِینَ امر به نماز شـده است و نماز خود دارای رکوع است، چرا در ذیل آیه امر به رکوع گردیده است؟

۲. دعوت عملی چه تأثیری در دیگران دارد؟ توضیح دهید.

۳. خاشعان چه کسانی هستند و چه اوصافی دارند؟

۴. از آیه شریفه الَّذِینَ یَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَیْهِ راجِعُونَ چه نکاتی استفاده می شود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. شأن نزول آیات، محمد جعفر اسلامی؛

۲. اسباب النزول، واحدی نیشابوری؛

۳. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی؛

۴. مجمع البحرین، فخرالدین طریحی؛

۵. مصباح المنیر، احمد بن محمد فیّومی.

ص:۱۵۹

۱۴- دستورات خداوند به بنی اسرائیل (۳)

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با خیال های باطل یهود؛ بعضی از ویژگی های روز قیامت؛ مفهوم واقعی شفاعت؛ پیام های آیات ۴۷-۵۰.

کلیدواژه ها) نعمت، قیامت، شفاعت، غرامت، بدل، جزاء.

* * *

۴۷. يا بَنِي إِسْرائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَ أَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعالَمِينَ .

ای بنی اسرائیل! نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتیم به خاطر بیاورید که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم.

یکی دیگر از دستورات خداوند به بنی اسرائیل عبارت است از:

پانزدهم: به یاد نعمت های من باشید:

خداوند در این آیه شریفه - مانند آیه ۴۰ همین سوره - خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: «ای بنی اسرائیل! به یاد آورید نعمت هایی را که به شما دادم (از هدایت گرفته تا نجات از فرعون) و به یاد آورید که من شما را بر تمام ملت ها برتری و فضیلت دادم.

یادآوری نعمت های الهی باعث می شود که انسان شکر آن نعمت ها را انجام

دهد و کفران نعمت نکند.

شکر نعمت نعمتت افزون کند کفر نعمت از کَفَت بیرون کند

بنی اسرائیل، نژاد برتر

سخن از برتری بنی اسرائیل بر اقوام دیگر, سه بار در قرآن آمده است (بقره، آیه ۴۷ و۱۲۲؛ جاثیه، آیه ۱۶)؛ زیرا خداوند نعمت های فراوانی در اختیار آنها قرار داد، به آنان نعمت نبوت داد، از فرعون نجاتشان بخشید، از رود نیل آنان را عبور داد و در بیابان «تیه» غذاهای نیکو به آنان ارزانی داشت.

مسئله ای که در این جا به ذهن خطور می کند این است که اگر قوم بنی اسرائیل و یهود بهترین مردم و امّت ها بوده اند، پس ادعای آنها که امروزه قوم یهود را به عنوان نژاد برتر مطرح می سازند، صحیح است! پاسخ این سؤال کاملاً روشن است؛ زیرا از دیدگاه قرآن، ملت اسلام و مسلمان ها بهترین امت ها هستند؛ خداوند در سوره مبارکه آل عمران می فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتابِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفاسِقُونَ . (۱)

شما بهترین امتی بودید که به سود انسان ها آفریده شده اند [چه این که] امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب، [به چنین برنامه و آیین درخشانی] ایمان آورند، برای آنها بهتر است! [ولی تنها] عده کمی از آنها با ایمانند و بیشتر آنها فاسق اند [و خارج از اطاعت پروردگار].

از تفسیر این دو آیه در کنار هم می توان دریافت که، قوم بنی اسرائیل در زمان خودشان قوم، نه برتر بوده اند این که بنی اسرائیل بر تمام اقوام، حتی مسلمان ها برتری داشته باشند. از روایاتی که درباره حضرت مریم علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام وارد شده است، نیز این نکته به خوبی روشن می شود؛ چنان که امام صادق علیه السلام و

۱- (۱) . آل عمران، آیه ۱۱۰.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: حضرت مریم علیها السلام بهترین زنان عالم در زمان خود بوده است، اما حضرت زهرا علیها السلام سیده زنان عالم تا روز قیامت است.

پیام های آیه

۱. بنی اسرائیل نیز مخاطب قرآن و موظف به پیروی از آن هستند؛ (۱)

۲. به یاد نعمت های الهی باشیم؛ (۲)

۳. فضیلت دادن امت به دست خداست؛ (۳)

۴. نعمت ها از طرف خداوند است.

* * *

۴۸. وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَهٌ وَ لا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ .

و از آن روز بترسید که کسی جای دیگری مجازات نمی شود و نه شفاعت پذیرفته می شود و نه غرامت و بدل قبول خواهد شد و نه یاری می شوند.

خیال های باطل یهود

در این آیه شریفه بعد از آن که خداوند بعضی از نعمت های خود را - که به بنی اسرائیل داده بود - بیان فرمود، خطاب به آنها می فرماید:

شانزدهم: بترسید از روزی که:

۱. کسی به جای دیگری جزا نمی شود؛

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۳۹.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۵۷.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۲۵.

۲. شفاعتی پذیرفته نمی شود؛

۳. غرامت و بدل قبول نمی شود؛

۴. هیچ کس یاری نمی شود.

این آیه، خط بطلانی بر خیال های باطل یهود می کشد؛ زیرا آنها معتقد بودند که چون نیاکان و اجدادشان از پیامبران خدا بودند، آنها را شفاعت می کنند یا می توانند برای گناهان خود فدیه یا بَدَل تهیه نمایند؛ همان گونه که در این جهان متوسّل به رشوه می شدند. (۱)

شفاعت و قرآن

کلمه «شفاعت» از ریشه «شفع» به معنای جفت گرفته شده و سپس به ضمیمه شدن فرد برتر برای کمک به فرد ضعیف تر، اطلاق گردیده است. این واژه در عرف و شرع به دو معنای متفاوت اطلاق می شود:

نخست: شخص شفیع از موقعیت و نفوذ خود استفاده کرده و نظر شخص صاحب قدرتی را در مورد مجازات زیر دستان خود با استفاده عوض کند.

دوّم: ایجاد دگرگونی در شفاعت شونده؛ یعنی این شخص موجباتی را فراهم می کند که از وضعیت نامطلوب بیرون آمده و به وسیله ارتباط با «شفیع»، خود را در وضع مطلوبی قرار می دهد تا شایسته بخشودگی شود. ایمان به این نوع از

۱- (۱) . در روز قیامت، هیچ چیز برای انسان نفعی ندارد. یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ (شعراء، آیه۸۸)؛لَنْ تَنْفَعَکُمْ أَرْحامُکُمْ وَ لا أَوْلادُکُمْ (ممتحنه، آیه۳)؛یَوْمَ لا یَنْفَعُ الظّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ (غافر، آیه۵۲)؛یَوْمٌ لا بَیْعٌ فِیهِ وَ لا خُلَّهٌ (بقره، آیه۲۵۴) ؛یَوْمَ لا یُغْنِی عَنْهُمْ کَیْدُهُمْ (طور، آیه۴۶)؛فَالْیَوْمَ لا یَمْلِکُ بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ نَفْعاً وَ لا ضَرًّا (سبأ، آیه۴۲)؛فَالْیَوْمَ لا یُؤْخَذُ مِنْکُمْ فِدْیَهٌ (حدید، آیه۱۵).

شفـاعت در واقع یـک مکتب عـالی و تربیتی و نیز وسـیله اصـلاح افراد گناه کار است. این نوع از شـفاعت، در عالم تکوین نیز وجود دارد؛ بـدین معنا که نیروهای قوی تر جهان به نیروهای ضـعیف تر ضـمیمه شده و آنها را در مسـیر هدف های سازنده به پیش می برنـد. آفتـاب می تابـد و باران می بارد و بـذرها را در دل زمین آماده می سازد تا اسـتعدادهای درونی خود را به کار گیرند و بذر از دل خاك سر برآورد و... . (۱)

تمام ایرادهایی که به مسئله شفاعت شده است، مربوط به معنای نخست می باشد.

«شفاعت» از جمله مسائل مهم این آیه شریفه است که مورد بحث قرار گرفته و عده ای از مسلمانان منکر آن شده و عده ای نیز آن را پـذیرفته انـد. ظاهر آیه این است که شـفاعتی در روز قیامت وجود نـدارد؛ اما از آیات دیگر مانند, آیه الکرسـی و... می توان دریافت که در روز قیامت، شفاعت وجود دارد. از جمع بین آیات شفاعت این نکته به دست می آید که در روز رستاخیز هیـچ کس حق شـفاعت نـدارد، مگر آن که خداونـد - تبارك و تعالی - اجازه داده باشد. پس این آیه شـریف، شـفاعت را به طور مطلق نفی نمی کند، بلکه شفاعت بدون اذن خدا را نفی می کند. (۲)

پیام های آیه

۱. روز قیامت، روز تنهایی و بی یاوری است؛ (۳)

۲. در روز قیامت، کسی عذاب دیگری را به عهده نمی گیرد؛

۳. در روز قیامت، منکران قرآن و کافران هیچ راه نجاتی ندارند؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۲۳- ۲۲۶. با تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . برای آگـاهی بیشتر در مورد شـفاعت به بحارالانوار، ج۳، ص۳۰۴- ۳۰۷ و تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۲۳- ۲۴۶، مراجعه نمایید.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۶۰.

۴. در روز قیامت، هیچ کس دیگری را یاری نخواهد کرد؛

۵. گناه کردن به خیال پذیرش شفاعت یا... از خیال های باطل است؛ (۱)

۶. در برابر خرافات و اوهام باید ایستادگی کرد؛ (۲)

۷. در مورد رستاخیز، امیدهای واهی را کنار بگذارید و به افراد و اموال خود دل نبندید؛ (۳)

۸. روز قیامت دارای ویژگی های خاصی است و با دنیا قابل مقایسه نیست.

* * *

۴۹. وَ إِذْ نَجَّيْناكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذابِ يُذَبِّحُونَ أَبْناءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِساءَكُمْ وَ فِي ذلِكُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ .

و [نیز به خاطر بیاورید] آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم که همواره شما را به شدیدترین وجهی آزار می دادند؛ پسران شما را سر می بریدند و زنان شما را [برای کنیزی] زنده نگه می داشتند و در این، آزمایش سختی از سوی پروردگار برای شما بود.

نجات از چنگال فرعونیان

«یسومونکم» در اصل به معنای «جست وجوی چیزی» است و به معنای تحمیل کار بر دیگران نیز آمده است. (۴) این تعبیر حاکی از آن است که فرعونیان بدترین شکنجه ها را به بنی اسرائیل تحمیل می کردند.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۱۴۲.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۲۶.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۲۶۰.

۴- (۴) . المفردات فی غریب القرآن، واژه سام.

بنی اسرائیل در مصر، قومی بیگانه بودند و پس از آمدن حضرت یوسف علیه السلام به مصر، به وجود آمده بودند؛ [لذا قبطی ها که ساکنان اصلی مصر بودند همیشه به آنها با دیده حقارت نگریسته و از آنها بیگاری می کشیدند و کارهای سخت را به دوش آنها می انداختند. چون قوم بنی اسرائیل خود را نژاد برتر می دانست، فرعون از قدرت گرفتن آنها در هراس بود و لذا برای از بین بردن آنها و نابودی نسل آنها دستور داده بود تمام نوزادهای بنی اسرائیل تحت کنترل شدید باشند و پسران آنها را می کشت و دختران آنها را باقی می گذاشت تا به عنوان خدمت کار برای قبطیان کار کنند]. (۱)

در آیات قبل، خداوند خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «نعمت های مرا به یاد آورید». در این آیه شریفه و آیات بعد، خداوند متعال نعمت هایی را که در اختیار قوم بنی اسرائیل قرار داده، برای آنها بازگو نموده و می فرماید: «به یاد آورید آن زمانی که شما را از دست فرعونیان نجات دادم؛ کسانی که شما را مورد بدترین شکنجه ها قرار می دادند, فرزندان پسر شما را ذبح می کردند، ولی دختران و زنان شما را باقی می گذاشتند و این آزمایشی بزرگ از سوی پروردگارتان بود».

آنها با چشم خود می دیدند که پسران بی گناهشان را سربریده و دختران را به کنیزی می برند و خود نیز تحت شکنجه بودند؛ چنان که در سوره ابراهیم به آن اشاره شده است:

وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ اذْکُرُوا نِعْمَهَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ أَنْجاکُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ یَسُومُونَکُمْ سُوءَ الْعَذابِ وَ یُذَبِّحُونَ أَبْناءَکُمْ وَ یَسْتَحْیُونَ نِساءَکُمْ وَ فِی ذلِکُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَظِیمٌ . (۲)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۷۱.

۲- (۲) . ابراهیم، آیه ۶.

و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قومش گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد داشته باشید، زمانی که شما را از [چنگال] آل فرعون رهایی بخشید! همان ها که شما را به بدترین وجهی عذاب می کردند: پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را [برای خدمت کاری] زنده می گذاشتند و در این، آزمایش بزرگی از سوی پروردگارتان برای شما بود!

در مورد واژه «بَلاءٌ» مفسّران احتمالات دیگری نیز بیان کرده اند:

۱. مراد از «بَلاءٌ»، مجازات است؛ زیرا بنی اسرائیل نعمت فراوانی داشتند، ولی کفران نعمت کرده و خداوند آنها را مجازات نمود؛

۲. مراد از کلمه «بَلاءٌ»، نعمت است؛ زیرا نجات از دست فرعون، نعمتی بزرگ محسوب می شود.

پیام های آیه

۱. قوم بنی اسرائیل همیشه در چنگال فرعون گرفتار بودند؛ (۱)

۲. نجات به دست خدا است؛ نَجَّیْناکُمْ ؛

۳. خداوند با ارسال پیامبران، انسان ها را از دست طاغوت نجات می دهد؛

۴. بیان سختی های گذشته، نعمت آزادی را بیشتر روشن می کند؛

۵. گاهی سختی ها و مشکلات نوعی آزمایش هستند (در صورتی که «بلاء» به معنای آزمایش باشد)؛

۶. معمولاً دشمنان برای به ذلّت کشیدن جامعه، نیروهای کارآمد را حذف می کنند.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۴۳.

* * *

۵۰. وَ إِذْ فَرَقْنا بِکُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَیْناکُمْ وَ أَغْرَقْنا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ .

و [به خاطر آورید] هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق ساختیم و شما تماشا می کردید.

غرق شدن آل فرعون

خداوند، داستان نجات بنی اسرائیل و غرق شدن فرعون را در سوره های مختلف بیان نموده است (۱) تا مسلمانان از آن درس عبرت بیاموزند. در این آیه شریفه نیز خداوند، نعمت های دیگری را که به بنی اسرائیل عطا کرده است، بیان می فرماید:

۱. شکافتن دریای نیل؛

۲. نجات بنی اسرائیل از غرق شدن در دریا؛

۳. غرق شدن فرعونیان در مقابل چشمان بنی اسرائیل.

در روایات آمده است: زمانی که حضرت موسی علیه السلام با قوم خود به نیل

رسیدند، خداوند دریا را برای آنها شکافت و آنها به راحتی از رود نیل گذشتند؛ اما زمانی که فرعون و لشکریانش در رود نیل قرار گرفتند، خداوند دریا را به یکدیگر پیوند داد و آنان را غرق نمود و قوم بنی اسرائیل را از دست آنها نجات داد.

نکته قابل توجه در آیه شریفه این است که خداوند پس از بیان نعمت ها می فرماید: «ای قوم بنی اسرائیل! شما غرق شدن فرعون را با چشم خود می دیدید».

آن گذشت از نیل با یاران چو برق وین به خواری گشت در رودابه غرق

ناظران بینند با چشم شهود کان کجا رفت، این کجا ماند از جُحود

۱- (۱) . اعراف، آیه۱۳۶؛ انفال، آیه۵۴؛ إسراء، آیه ۱۰۳؛ شعراء، آیه ۶۳-۶۶؛ زخرف، آیه ۵۵؛ دخان، آیه۱۷.

پیام های آیه

۱. خداوند، حاکم بر عوامل طبیعی است؛ (۱)

۲. پایان شب سیه سفید است؛ (خداوند دریا را برای بنی اسرائیل شکافت و سرانجام پس از مشکلات فراوان، آنها را نجات داد)؛

۳. نجات مسلمانان و هلاکت دشمنان به دست خداست؛ (۲)

۴. انتقام از ستمگر در حضور ستمدیده أمری مطلوب و شایسته است.

چکیده

۱. یادآوری نعمت های الهی باعث می شود که انسان شکر آن نعمت ها را انجام دهد و کفران نعمت نکند.

۲. از دیدگاه قرآن، ملت اسلام بهترین امت ها بوده و قوم بنی اسرائیل در زمان خودشان قوم برتر بوده اند، نه این که آنان بر تمام اقوام، حتی مسلمان ها برتری داشته باشند.

۳. یهودیان معتقد بودند که چون نیاکان و اجدادشان از پیامبران خدا بودند، آنها را شفاعت کرده یا می توانند برای گناهان خود فدیه و یا بَدَل تهیه نمایند، همان گونه که در این جهان متوسّل به رشوه می شدند. قرآن این مسئله را به شدّت ردّ می کند.

۴. منظور از «شفاعت» به معنای صحیح این است که شخص موجباتی را فراهم کند که از یک وضعیت نامطلوب بیرون آمده و به وسیله ارتباط با «شفیع»، خود را در وضع مطلوب قرار دهد تا شایسته بخشودگی شود. ایمان به این نوع از شفاعت,

---

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۴۷.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۶۴.

در واقع یک مکتب عالی و تربیتی و وسیله اصلاح افراد گناه کار است.

۵. در روایات آمده است: زمانی که حضرت موسی علیه السلام با قوم خود به دریای نیل رسیدند خداوند دریا را برای آنها شکافت و آنها به راحتی از رود نیل گذشتند؛ اما زمانی که فرعون و لشکریانش در رود نیل قرار گرفتند، خداوند دریا را به یکدیگر پیوند داد و فرعون و لشکریانش را غرق نمود و قوم بنی اسرائیل را از دست آنها نجات داد؛ درحالی که قوم بنی اسرائیل غرق شدن فرعون را با چشم خود می دیدند.

ص:۱۷۰

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از برتری دادن قوم بنی اسرائیل بر دیگران چیست؟ آیا این همان ادعایی نیست که امروزه یهودیان مطرح می کنند؟ توضیح دهید.

۲. چند ویژگی از ویژگی های روز قیامت که در آیه ۴۸ به آن اشاره شده است را بنویسید.

۳. «شفاعت» را در لغت و اصطلاح معنا نمایید.

۴. بعضی از آیات منکر شفاعت و بعضی دیگر آن را اثبات می نماید؛ راه جمع بین این دو دسته آیات چگونه است؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، جلدهای۷ و ۲۹، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۲. التحقیق - فی کلمات القرآن الکریم، سید حسن المصطفوی؛

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین الطباطبایی؛

۴. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۵. منشور جاوید، جعفر سبحانی.

۱۵- توبه بزرگ

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با بزرگ ترین انحراف بنی اسرائیل؛ معنای فرقان؛ توبه بی سابقه بنی اسرائیل؛ پیام های آیات ۵۱ - ۵۴.

کلیدواژه ها) عجل، شرك، عفو، تورات، فرقان، توبه.

* * *

۵۱. وَ إِذْ واعَدْنا مُوسى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُونَ .

و [به خاطر آورید] هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم (و او به میعادگاه برای گرفتن فرمان های الهی آمد] سپس شما گوساله را [معبود خود] انتخاب نمودید, در حالی که با این کار [به خود] ستم کردید.

بزرگ ترین انحراف (گوساله پرستی)

بعد از هلاکت فرعونیان و نجات بنی اسرائیل، وقت آن رسیده بود تا موسی علیه السلام شریعت خود را ابلاغ نماید. برای این منظور خداوند با موسی علیه السلام وعده گذاشت تا چهل شبانه روز از قوم خود جدا شود و برای مناجات به کوه «طور» برود. در این مدت شخصی به نام «سامری» مجسمه ای از طلا ساخت و به عنوان خدا به مردم معرفی کرد. (۱)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۷۵.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلاً جَسَداً لَهُ خُوارٌ فَقالُوا هذا إِلهُكُمْ وَ إِلهُ مُوسى فَنَسِيَ ؛ (1)

و برای آنان مجسّمه گوساله ای که صدایی همچون صدای گوساله [واقعی] داشت پدید آورد و [به یکدیگر] گفتند: «این خدای شما و خدای موسی است!» و او فراموش کرد [پیمانی را که با خدا بسته بود]!

بدین ترتیب، قوم بنی اسرائیل از اصل توحید منحرف شده و به شرک و گوساله پرستی روی آوردند.

البته در ابتدا موسی علیه السلام مأمور گردید برای گرفتن الواح (تورات) سی شب در کوه طور به مناجات بپردازد، ولی خداوند برای آزمایش مردم، ده شب به شب های گذشته اضافه فرمود.

وَ واعَدْنا مُوسى ثَلاثِينَ لَيْلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قالَ مُوسى لِأَخِيهِ هارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ . (2)

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب [دیگر] تکمیل نمودیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او]، چهل شب تمام شد. و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش. و [آنها] را اصلاح کن! و از روش مفسدان، پیروی نکن!

اکثریت بنی اسرائیل به سامری پیوستند و هارون علیه السلام هر چه سعی کرد آنها را از این انحراف بزرگ بازگرداند، موفق نشد و کار به جایی رسید که حتّی خواستند خود هارون را بکشند. (3)

وقتی حضرت موسی علیه السلام برگشت، دید قوم او گوساله پرست شده اند؛ او بسیار

۱- (۱) . طه، آیه ۸۸.

۲- (۲) . اعراف، آیه ۱۴۲.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۱۵۲-۲۵۴. با تصرف و تلخیص.

ناراحت شد و از برادرش هارون علیه السلام سؤال کرد: این چه وضعی است؟ حضرت هارون علیه السلام جواب داد: «من به آنها گفتم، ولی گوش ندادند و حتی مرا تهدید به قتل کرده و به راه خود ادامه دادند».

از آنجایی که پرستش غیرخدا شرک است، خداوند در پایان آیه، گوساله پرستی را نوعی ظلم دانسته و به بنی اسرائیل خطاب می فرماید: «شما با این کار به خود ظلم کردید».

پیام های آیه

۱. مناجات با پروردگار در شب، دارای اهمیتی خاص است؛ (۱)

۲. در زمانی که رهبر نیست، باید مواظب باشیم تا فرصت طلبان سوء استفاده نکنند؛

۳. دوری رهبر، زمینه ای برای گمراهی و فساد است؛

۴. شرک، نوعی ظلم و ستم به خویشتن است. (۲)

* * *

۵۲. ثُمَّ عَفَوْنا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ .

سپس شما را بعد از آن بخشیدیم، شاید شکر این نعمت را به جا آورید.

عفو الهی

اگر بنی اسرائیل در غیبت حضرت موسی علیه السلام گناهی بزرگ (گوساله پرستی) مرتکب شدند، اما خیلی زود توبه کردند؛ خداوند نیز آنها را عفو نمود و از گناه آنان درگذشت. سؤالی که ممکن است در این جا به ذهن خطور کند این

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص۲۶۷.

است که، خداوند در سوره نساء می فرماید:

إِنَّ اللّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّهِ فَقَدِ افْتَری إِثْماً عَظِیماً . (۱)

خداوند [هرگز] شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را برای هر کس [بخواهد و شایسته بداند] می بخشد. و آن کسی که برای خدا، شریکی قرار دهد، گناه بزرگی مرتکب شده است.

إِنَّ اللّهَ لا یَغْفِرُ أَنْ یُشْرَکَ بِهِ وَ یَغْفِرُ ما دُونَ ذلِکَ لِمَنْ یَشاءُ وَ مَنْ یُشْرِکْ بِاللّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِیداً . (۲)

خداوند، شرک به او را نمی آمرزد [ولی] کمتر از آن را برای هر کس بخواهد [و شایسته بداند] می آمرزد. و هر کس برای خدا همتایی قرار دهد، در گمراهی دوری افتاده است.

از دو آیه مذکور استفاده می شود که شرک قابل بخشش نیست؛ پس چگونه قوم بنی اسرائیل که راه شرک را در پیش گرفتند مورد عفو و رحمت الهی قرار می گیرند؟

در پاسخ باید گفت: بنی اسرائیل پیش از مرگ، اشتباه خودشان را فهمیدند و توبه کردند؛ خداوند نیز آنها را بخشید. آیاتی هم که می گویند شرک، قابل عفو نیست، در جایی است که انسان توبه نکرده باشد و با همان حالت شرک از دنیا برود.

پیام های آیه

۱. خداوند آمرزنده و مهربان است و گناه کاران را در صورت توبه، مورد بخشش خود قرار می دهد؛

۱- (۱) . نساء، آیه ۴۸.

۲- (۲) . نساء، آیه ۱۱۶.

۲. شرک در دنیا قابل جبران است؛

۳. بخشش گناه، مقدمه ای برای شکر الهی است؛ (۱)

۴. باید از خداوند در مقابل بخشیدن گناهان سپاس گزاری کرد.

* * *

۵۳. وَ إِذْ آتَيْنا مُوسَى الْكِتابَ وَ الْفُرْقانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ .

و [نیز به خاطر بیاورید] هنگامی را که به موسی کتاب وسیله تشخیص حق از باطل را دادیم تا هدایت شوید.

تورات و فرقان

در این آیه شریف، خداوند به دو نعمت دیگر که به قوم بنی اسرائیل عطا نموده است اشاره می کند که عبارتند از: تورات و فرقان.

درباره معنای

« فُرْقَانَ » در آیه شریفه دو احتمال داده شده است:

نخست: بعضی گفته اند کلمه فرقان، اشاره به همان تورات است که در این صورت معنای آیه چنین خواهد بود: «ما به موسی علیه السلام کتابی دادیم که فارق بین حق و باطل است»؛

دوم: این که واژه فرقان، اشاره به معجزات نه گانه حضرت موسی علیه السلام است که در سوره های مختلف قرآن به آن اشاره شده است. (۲)

نعمت های الهی منحصر به نعمت های مادی نیستند، بلکه نعمت های معنوی، مانند ارسال رسل و انزال کتب را نیز شامل می شوند. از فراز پایانی آیه شریفه

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۳۵.

۲- (۲) . معجزات حضرت موسی علیه السلام در سوره های بقره، آیات ۵۰؛ ۵۶؛ ۵۷؛ ۶۰؛۷۳ و اعراف، آیات ۱۰۷؛ ۱۰۸؛ ۱۳۰ و ۱۳۳، آمده است.

می توان دریافت که هدف از انزال کتاب های آسمانی و معجزات انبیاء علیهم السلام هدایت بشر است.

پیام های آیه

۱. کتاب های آسمانی گذشته نیز از طرف خداوند است؛

۲. کتاب های آسمانی، جداکننده حق از باطل اند (در صورتی که فرقان به معنای تورات باشد)؛

۳. هدف از انزال کتاب های آسمانی هدایت بشر است؛

۴. هدایت باید از طرف خداوند صورت بگیرد.

* * *

۵۴. وَ إِذْ قالَ مُوسی لِقَوْمِهِ یا قَوْمِ إِنَّکُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَکُمْ بِاتِّخاذِکُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلی بارِئِکُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَکُمْ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ عِنْدَ بارِئِکُمْ فَتابَ عَلَیْکُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ .

و [به یاد آورید] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم! شما با انتخاب گوساله به خود ستم کردید، توبه کنید و به سوی خالق خود بازگردید و خود را به قتل برسانید؛ این کار برای شما در پیش گاه پروردگارتان بهتر است؛» سپس خداوند توبه شما را پذیرفت؛ زیرا او تواب و رحیم است.

گناه و توبه عظیم

همان گونه که در آیه ۵۱ اشاره شد قوم بنی اسرائیل در غیبت حضرت موسی علیه السلام دچار انحراف گردیدند و به جای عبادت خداوند به سوی گوساله پرستی رفتند. زمانی که حضرت موسی علیه السلام از کوه طور فرود آمد و قوم خود را این چنین دید،

آنها را نصیحت و موعظه نمود. بدین ترتیب عده ای از بنی اسرائیل از خواب غفلت بیدار شده و قرار شد توبه نمایند؛ لذا موسی علیه السلام به قوم خود دستور داد در یک شب تاریک، کسانی که گوساله پرستی کرده بودند غسل نموده و کفن پوشیده و شروع به شمشیر زدن مقابل یکدیگر نمایند و این در حقیقت توبه ای بود که می بایست انجام می دادند.

ممکن است سؤال شود: چرا خداوند با آن که مهربان و رحیم است، به قوم بنی اسرائیل دستور فرمود برای توبه کردن یکدیگر را بکشند؟ دقت در عمل بنی اسرائیل، پاسخی کاملاً روشن به این پرسش خواهد بود؛ زیرا انحراف از توحید، گناهی بزرگ است و باید توبه ای که در مقابل آن انجام می شود نیز بزرگ باشد. از طرفی، با این کارِ بنی اسرائیل ممکن بود آیین حضرت موسی علیه السلام به خطر بیفتد؛ لذا باید در مقابل این عمل، قاطعانه ایستاد تا نسل آینده دچار این انحراف بزرگ نگردند. (۱)

پیام های آیه

۱. شرک و انحراف از توحید، گناهی بزرگ است؛ (۲)

۲. انبیاء علیهم السلام باید گمراهی و انحراف مردم را به آنها گوشزد کنند؛

۳. گناه شرک در صورت توبه در دنیا قابل بخشش است؛

۴. حکم مرتد فطری، قتل است؛ (۳)

۵. مرگ همراه با رحمت الهی، بهتر از زندگی در شرک است؛

ص:۱۷۸

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۵۵ و۲۵۶. با تصرف و تلخیص؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۷۶.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۷۲.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۳۷.

۶. خداوند, توبه پذیر و مهربان است؛

۷. اجرای حدود و احکام الهی باید با مهربانی همراه باشد.

چکیده

۱. بزرگ ترین انحراف بنی اسرائیل در طول تاریخ این بود که آنها از اصل توحید منحرف و به شرک و گوساله پرستی روی آوردند؛ چراکه شخصی به نام سامری، بنی اسرائیل را به گوساله پرستی دعوت کرد و اکثریت بنی اسرائیل به او پیوستند.

۲. از آیات استفاده می شود در صورتی که در دنیا از شرک توبه نکند، قابل بخشش نیست؛ ولی اگر انسان قبل از مرگ به اشتباه خود پی ببرد و توبه کند خداوند او را می بخشد. آیاتی هم که می گویند «شرک قابل عفو نیست» مربوط به جایی است که انسان بدون توبه، با همان حالت شرک از دنیا برود.

۳. بعضی گفته اند: «فرقان، اشاره به همان تورات است» که در این صورت معنای آیه چنین می شود: «ما به حضرت موسی علیه السلام کتابی دادیم که فارق بین حق و باطل است». هم چنین ممکن است فرقان اشاره به معجزات نه گانه حضرت موسی علیه السلام باشد که در سوره های مختلف قرآن به آن اشاره شده است.

۴. نعمت های الهی منحصر به نعمت های مادی نیستند؛ بلکه نعمت های معنوی، مانند ارسال رسل و انزال کتب را نیز شامل می شود. از ذیل آیه شریفه نیز می توان دریافت که هدف از انزال کتاب های آسمانی و معجزات انبیاء علیهم السلام هدایت بشر است.

۵. به دلیل گناه بزرگی که بنی اسرائیل انجام داده بودند، توبه آنها بسیار سخت بود. در روایات آمده است که موسی علیه السلام به کسانی که گوساله پرستی

کرده بودند دستور داد غسل کنند و کفن بپوشند و شروع به شمشیر زدن مقابل یکدیگر نمایند. این در حقیقت توبه ای بود که می بایست انجام دهند؛ زیرا انحراف از توحید، گناهی بزرگ است و باید توبه ای که در مقابل آن انجام می شود نیز بزرگ باشد.

پرسش ها و تمرین ها

۱. چه کسی بنی اسرائیل را پس از رفتن حضرت موسی علیه السلام به کوه طور، به انحراف کشاند؟ چگونه؟ توضیح دهید.

۲. در بعضی از آیات آمده است که شرک قابل بخشش نیست؛ پس چگونه خداوند در این آیه بنی اسرائیل را مورد عفو قرار داد؟

۳. مراد از «فرقان» چیست؟ توضیح دهید.

۴. با این که خداوند رحیم است، چگونه به بنی اسرائیل دستور کشتن یکدیگر را داده است؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، جلدهای ۱۳ و ۳۱ و ۳۷ و ۴۲، محمدباقر مجلسی؛

۲. البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم خویی رحمه الله ؛

۳. گناهان کبیره، دستغیب شیرازی؛

۴. خداشناسی، محمد تقی مصباح یزدی.

۱۶- تقاضای عجیب بنی اسرائیل

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با تقاضای عجیب بنی اسرائیل؛ امکان رجعت؛ نعمت های گوناگون خداوند به بنی اسرائیل؛ لجاجت شدید بنی اسرائیل؛ پیام های آیات ۵۵ - ۵۹.

کلیدواژه ها) جهره، رجعت، منّ، سلوی، حطّه، طاعون.

* * *

۵۵. وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نُؤْمِنَ لَکَ حَتّی نَرَی اللّهَ جَهْرَهً فَأَخَذَتْکُمُ الصّاعِقَهُ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ .

و [نیز به خاطر آورید] هنگامی که گفتید: «ای موسی! ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر این که خدا را آشکارا [با چشم خود] ببینیم؛ در همین حال صاعقه شما را گرفت، در حالی که تماشا می کردید.

تقاضای عجیب

این آیه مشتمل بر یکی از بهانه جویی های بنی اسرائیل است که به موسی علیه السلام گفتند: «اگر می خواهی ما به خدای تو ایمان آوریم و سخنان تو را باور کنیم, باید آن خدا را با چشم خود ببینیم و اگر چنین اتفاقی افتاد تو را تصدیق خواهیم کرد». معلوم است که این درخواست از طرف قومی که بارها معجزات الهی و

موسی علیه السلام را دیده اند تقاضایی نابخردانه است؛ لذا گستاخی آنها موجب عذاب الهی گردید و صاعقه ای از آسمان، آنان را دربرگرفت.

از آیات قرآن چنین استفاده می شود که قوم حضرت موسی علیه السلام دو دسته شدند:

دسته اول: عده ای که همراه حضرت موسی علیه السلام آمدند (هفتاد نفر) تا مناجات موسی علیه السلام را بشنوند:

وَ اخْتارَ مُوسی قَوْمَهُ سَبْعِینَ رَجُلاً لِمِیقاتِنا فَلَمّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَهُ قالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَکْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِیّایَ أَ تُهْلِکُنا بِما فَعَلَ السُّفَهاءُ مِنّا إِنْ هِیَ إِلاّ فِتْنَتُکَ تُضِلُّ بِها مَنْ تَشاءُ وَ تَهْدِی مَنْ تَشاءُ أَنْتَ وَلِیُّنا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَیْرُ الْغافِرِینَ . (۱)

موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه ما برگزید و هنگامی که زمین لرزه آنها را فرا گرفت [و هلاک شدند] گفت: «پروردگارا! اگر می خواستی، می توانستی آنها و مرا پیش از این نیز هلاک کنی! آیا ما را به آن چه سفیهانمان انجام داده اند، [مجازات و] هلاک می کنی؟! این، جز آزمایش تو، چیز دیگر نیست که هر کس را بخواهی [و مستحق بدانی]، به وسیله آن گمراه می سازی و هر کس را بخواهی [و شایسته ببینی]، هدایت می کنی! تو ولی مایی؛ پس ما را بیامرز و بر ما رحم کن و تو بهترین آمرزندگانی!»

دسته دوم: عده ای که نزد حضرت هارون علیه السلام در میان قوم خود باقی ماندند.

اما هر دو دسته گمراه شدند؛ زیرا کسانی که همراه حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفته بودند از حضرت موسی علیه السلام خواستند که خدا را به صورت علنی به آنها نشان دهد. در این هنگام عذاب الهی به صورت صاعقه ای با کوه برخورد کرد؛ به طوری که برق خیره کننده و صدای رُعب انگیز و زلزله همراه آن، چنان همگان را در وحشت فرو برد که بی جان روی زمین افتادند.

۱- (۱) . اعراف، آیه ۱۵۵.

فروغ حُسنِ رویت کی تواند دید هر بیدل دلی چون کوه می خواهد که برتابد تجلّی را

تعداد زیادی از دسته دوم نیز که با حضرت هارون علیه السلام مانده بودند، سراغ گوساله پرستی رفتند و منحرف شدند. پیام های آیه

۱. از عاقبت لجاجت و توقعات بی جا باید بترسیم.

۲. قوم بنی اسرائیل قومی لج باز بودند که قصد ایمان آوردن به موسی علیه السلام را نداشتند.

۳. دیدن خداوند با چشم ظاهری امکان پذیر نیست. (۱)

۴. برای گروهی منطق و استدلال کافی است، ولی برای عده ای دیگر قهر و عذاب لازم است. (۲)

* * *

۵۶. ثُمَّ بَعَثْناکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ .

سپس شما را بعد از مرگتان حیات بخشیدیم، شاید شکر نعمت او را به جای آورید.

رجعت به خاطر شکرگزاری

حضرت موسی علیه السلام از این ماجرا ناراحت شد، چون ممکن بود از بین رفتن این هفتاد نفر بهانه بسیار خوبی به دست ماجراجویان بنی اسرائیل بدهد و زندگی را بر او تیره و تار کند؛ لذا حضرت موسی علیه السلام از خداوند درخواست کرد که آنها را دوباره به زندگی برگرداند و این درخواست از سوی خداوند پذیرفته شد.

این آیه شریفه می فرماید: بعد از هلاکت و نابودی، آنها را دوباره زنده کردیم

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۲۷۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۳۹.

و به دنیا برگرداندیم تا شاید روحیه شکرگزاری در آنها زنده شود و شکر خداوند را به جا آورند.

امکان رجعت

این آیه شریفه دلالت روشنی بر امکان رجعت (برگشتن انسان به دنیا بعد از مرگ) و وقوع آن دارد. اما عده ای از اهل سنت مانند آلوسی که عقیده ای به رجعت ندارد، در کتاب روح المعانی این آیه را توجیه کرده و می گوید:

«موت» در این آیه به معنای «بی هوشی» است و هیچ دلیلی برای رجعت نخواهد بود؛ زیرا به هوش آمدن انسان را رجعت نمی نامند. (۱) توجیه دیگر این که موت در آیه شریفه به معنای «جهل و نادانی» است و این هم دلیل بر رجعت نخواهد بود. عده ای نیز می گویند: منظور از

« بَعَثْنَاکُم » خود این افراد نبوده اند، بلکه منظور نسل آنها و فرزندان آنها است؛ به عبارت دیگر مراد آیه شریفه این است که ما نسل و فرزندان شما را جایگزین شما کردیم. (۲)

اما جواب این توجیهات کاملاً واضح و روشن است؛ زیرا معنای اصلی موت، همان مرگ است و معانی دیگر (مانند بی هوشی و جهل) نیاز به قرینه دارند.

پیام های آیه

۱. رجعت در همین دنیا صورت گرفته است، (۳) پس هم امکان دارد و هم واقع شده است؛

۱- (۱) . روح المعانی، ج۱، ص۲۶۳.

۲- (۲) . المنار، ج۱، ص۳۲۲.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۴۰.

۲. فلسفه بعضی از تلخی ها و عذاب های دنیوی، پیدا شدن روحیه شکرگزاری در انسان است.

* * *

۵۷. وَ ظَلَّلْنا عَلَيْكُمُ الْغَمامَ وَ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّباتِ ما رَزَقْناكُمْ وَ ما ظَلَمُونا وَ لكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ .

و ابر را بر شما سایبان ساختیم و با «مَنَّ» [شیره مخصوص و لذیذ درختان] و

« سلْوَى » [مرغان مخصوص، شبیه کبوتر] از شما پذیرایی به عمل آوردیم [و گفتیم] از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی دادیم بخورید. [ولی شما کفران کردید] آنها به ما ستم نکردند، بلکه به خود ستم می نمودند.

نعمت های گوناگون در بیابان

پس از آن که بنی اسرائیل از دریا گذشتند و از چنگال فرعونیان نجات یافتند، در بیابان سینا قرار گرفتند که هم از تابش خورشید و گرمای آن و هم از گرسنگی و تشنگی رنج می بردند و این به خاطر گناهانی بود که انجام می دادند. (۱) خداوند به آنها فرمان داد که به سرزمین مقدس فلسطین وارد شوند؛ اما بنی اسرائیل زیر بار این فرمان نرفته و گفتند: «تا ستمکاران (قوم عمالقه) از آن جا بیرون نروند ما وارد این سرزمین نخواهیم شد.» هم چنین به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «تو و خدایت به جنگ آنها بروید، پس از آن که پیروز شدید ما وارد آن جا خواهیم شد». حضرت موسی علیه السلام از این سخن سخت برآشفت و به پیشگاه خداوند شکایت کرد. سرانجام چنین مقرر گردید که بنی اسرائیل مدت چهل سال در بیابان (صحرای سینا) سرگردان

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص ۱۸۰.

بمانند. گروهی از آنها از کار خود سخت پشیمان شدند و به درگاه خدا روی آوردند و خداوند بار دیگر بنی اسرائیل را مشمول نعمت های خود قرار داد. (۱)

رهروان این بیابان خشک و سوزان، آن هم برای مدتی طولانی، نیاز به غذای کافی دارند. این مشکل را خداوند برای آنها حل کرد و «منّ» و «سلْوَی» (۲) را در اختیار آنان قرار داد، ولی به جای شکرگزاری از این نعمت ها، ناسپاسی کردند. خداوند می فرماید: «آنها به ما ظلم نکردند، بلکه به خودشان ستم کردند».

در معنای «مَنَّ» و

« سلْوَی » (۳) مفسران چند احتمال داده اند:

احتمالات مختلف درباره معنای «مَنَّ»:

۱. شیره درخت؛

۲. مطلق نعمت هایی که به بنی اسرائیل داده شده بود؛

۳. نوعی عسل طبیعی بوده است.

احتمالات مختلف درباره معنای

« سلْوَی » :

۱. نوعی عسل؛

۲. نعمت هایی که باعث آرامش بنی اسرائیل شده است؛

۳. نوعی پرنده مخصوص که شبیه کبوتر بوده است. (۴)

پیام های آیه

۱. خداوند در همه جا می تواند به فریاد انسان برسد؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۶۱.

۲- (۲) . در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که خداوند بر بنی اسرائیل، «منّ» و «سلوی» را بعد از سپیده صبح تا طلوع خورشید نازل می فرمود (مجمع البیان، ج۱، ص۲۴۴).

۳- (۳) . نزول «منّ» و «سلوی» در سوره اعراف، آیه ۱۶۰ و سوره طه، آیه ۸۰ نیز آمده است.

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۲۶۳ و ۲۶۴. با تصرف و تلخیص.

۲. جهان هستی در اختیار خداوند و اراده اوست؛ (۱)

۳. طیّبات روزی خداوند تبارک و تعالی هستند؛

۴. باید از خوردن چیزهای ناپاک و غیرطیب دوری نمود؛

۵. تخلّف از دستورات الهی، ظلم به نفس است؛ (۲)

۶. قوم بنی اسرائیل همیشه مرتکب فساد و ظلم می شوند.

* * *

۵۸. وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هـٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهـا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَداً وَ ادْخُلُوا الْبـابَ سُجَّداً وَ قُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطاياكُمْ وَ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ .

و [به خـاطر بیاوریـد] زمانی را که گفتیم به این قریه [بیت المقـدس] وارد شویـد و از نعمت های فراوان آن هر چه می خواهید بخوریـد، و از در [معبـد بیت المقـدس] بـا خضوع و خشوع وارد گردیـد و بگوییـد: «خداونـدا! گناهـان ما را بریز تا ما شـما را بیامرزیم و به نیکوکاران پاداش بیشتری نیز خواهیم داد».

لجاجت بنی اسرائیل

در این آیه با فراز دیگری از زندگی بنی اسرائیل مواجه می شویم که مربوط به ورود آنها به سرزمین مقدس «فلسطین» است.

بعـد از آن که قرار شـد قوم بنی اسـرائیل پس از چهـل سـال سـرگردانی در بیابـان تیه (صـحرای سـینا) وارد «بیت المقـدس» یا «أریحا» شونـد، خداونـد خطاب به آنها می فرمایـد: وقتی وارد بیت المقـدس شدید هر اندازه که می خواهید از نعمت های من استفاده کنید، اما هنگامی که می خواهید از درِ بیت المقدس وارد آن مکان مقدس

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۶۶.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۴۲.

شوید با حالت تعظیم و خضوع داخل شوید و کلمه «حِطّه» (گناهان ما را بریز) را بر زبان جاری سازید که در این صورت گناهان شما بخشیده خواهد شد و کسانی که نیکوکار باشند، علاوه بر مغفرت، بیشتر نیز به آنها خواهیم بخشید. شاید به همین مناسبت است که یکی از درهای بیت المقدس را به باب «حطّه» نام گذاری کرده اند.

پیام های آیه

۱. بعضی از مکان ها احترام خاصی دارند؛

۲. برای استغفار از گناهان باید بر اساس دستور خداوند عمل نمود؛

۳. پیش از درخواست انجام تکلیف از مردم، باید مسائل رفاهی و معیشت آنان را تدارک دید؛

۴. طلب آمرزش از شما و مغفرت و بخشش از خداوند است؛

۵. استغفار، برای گناه کاران باعث مغفرت و برای غیر آنها باعث ترفیع درجه می شود. (۱)

* * *

۵۹. فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قَوْلاً غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ .

اما افراد ستمگر این سخن را تغییر دادند [و به جای آن جمله استهزاءآمیزی می گفتند]؛ لذا ما بر ستمگران در برابر این نافرمانی، عذابی از آسمان فرستادیم.

سرپیچی از دستور خداوند

ارتباط این آیه شریفه با آیه پیشین کاملاً واضح است؛ زیرا خداوند در آیه گذشته به بنی اسرائیل دستور فرمود هنگام ورود به بیت المقدس کلمه «حِطهٌ» را به زبان

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۴۳.

جاری سازند تا مورد مغفرت و آمرزش الهی قرار گیرند؛ اما در این آیه می فرماید: قوم بنی اسرائیل از دستور خداوند سرپیچی کردند و کلام الهی را تغییر دادند و به جای آن کلمه «حنطه»، یعنی «گندم» را بر زبانشان جاری ساختند. (۱)

سپس خداوند می فرماید: کسانی که این کلمه را تغییر دادند به عذاب آسمانی مبتلا ساختیم؛ چنان که در روایات آمده است، قوم بنی اسرائیل بعد از آن به بیماری طاعون گرفتار شدند.

یکی از عوارض دردناک طاعون آن است که مبتلایان به آن گرفتار اضطراب و بی نظمی در سخن گفتن و راه رفتن می شوند که با معنای ریشه کلمه «رِجْز» نیز کاملاً متناسب است. در فراز پایانی آیه، خداوند به علت عذاب آنها اشاره فرموده و می فرماید: علت عذاب، فسق آنها بوده است؛ این بدان معناست که اگر کسی کلام الهی را تغییر دهد، فاسق خواهد شد. (۲)

پیام های آیه

۱. تغییر دادن احکام الهی ظلم است (۳) و کسانی که کلام الهی را تغییر می دهند ظالم هستند!

۲. تغییر احکام باعث نزول عذاب الهی می شود؛

۳. کیفر و عذاب بعضی از گناهان در همین دنیا ظاهر می شود؛

۴. همه را نباید به یک چشم نگریست؛

۵. ظلم، باعث فسق انسان می شود.

ص:۱۹۰

۱- (۱) . بحارالانوار، ج۱۳، ص۱۷۸؛ الدرالمنثور، ج۱، ص۱۷۳.

۲- (۲) . این داستان در سوره اعراف، آیات ۱۶۱ -۱۶۲ نیز ذکر شده است.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۷۴.

چکیده

۱. حضرت موسی از قوم خود، هفتاد تن از مردان را برای میعادگاه برگزید؛ ولی آنان از موسی درخواست کردند که خدا را به صورت علنی به آنها نشان دهد! در این هنگام صاعقه ای فرود آمده و به کوه برخورد کرد. برق خیره کننده و صدای رُعب انگیز و زلزله همراه آن، همگان را در وحشت فروبرد که بی جان روی زمین افتادند.

۲. آیات قرآن به روشنی دلالت بر امکان رجعت (برگشتن انسان به دنیا بعد از مرگ) و وقوع آن دارد؛ اما عده ای از اهل سنت مانند آلوسی این آیات را توجیه کرده و می گویند: «موت» در این آیات به معنای بی هوشی است.

۳. به دلیل مخالفت بنی اسرائیل با موسی چنین مقرر شد که بنی اسرائیل مدت چهل سال در بیابان (صحرای سینا) سرگردان بمانند. اگرچه خداوند «منّ» و «سلوی» را به عنوان غذا در اختیار آنها قرار داد، ولی آنها به جای شکرگزاری از این نعمت ها، ناسپاسی کردند.

۴. در زمان ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس قرار شد با حالت تعظیم و خضوع وارد شوند و کلمه «حطّه» (گناهان ما را بریز) را بر زبان جاری سازند، ولی بازهم قوم بنی اسرائیل از دستور خداوند سرپیچی کردند و کلام الهی را تغییر داده، به جای آن کلمه «حنطه» یعنی گندم را بر زبانشان جاری ساختند؛ لذا خداوند آنها را به عذاب آسمانی مبتلا ساخت. در روایات آمده است که قوم بنی اسرائیل بعد از آن به بیماری طاعون گرفتار شدند.

۵. تغییر دادن احکام الهی ظلم است و کسانی که کلام الهی را تغییر می دهند، ظالم هستند. هم چنین تغییر احکام الهی باعث نزول عذاب الهی می شود؛

۶. بعضی از گناهان در همین دنیا عذابش ظاهر می شود؛ همان گونه که خداوند قوم بنی اسرائیل را به سبب گناه، به بیماری طاعون مبتلا ساخت.

ص:۱۹۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. درخواست بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام در کوه طور چه بود؟ و عاقبت آن چه شد؟

۲. چگونگی دلالت آیه ثُمَّ بَعَثْناکُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ را بر امکان رجعت بنویسید.

۳. منظور از «منّ» و «سلوی» چیست؟ توضیح دهید.

۴. دستور خداوند به بنی اسرائیل هنگام ورود به بیت المقدس چه بود؟ و آنها چه عکس العملی از خود نشان دادند؟

۵. از آیه فَبَدَّلَ الَّذِینَ ظَلَمُوا قَوْلاً غَیْرَ الَّذِی قِیلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنا عَلَی الَّذِینَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِنَ السَّماءِ بِما کانُوا یَفْسُقُونَ چه پیام هایی استفاده می شود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، جلدهای ۱۱ و ۱۳، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۲. مفاتیح الغیب، جلد ۱و۲، فخر رازی؛

۳. نورالثقلین، جلد۱، علی بن جمعه الحویزی؛

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم البحرانی؛

۵. تفسیر الصافی، فیض کاشانی.

۱۷– جوشیدن چشمه آب در بیابان

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی بـا چگونگی جوشـیدن آب در بیابان برای بنی اسـرائیل؛ تمنای غـذاهای رنگارنگ از موسـی علیه السلام ؛ شأن نزول آیه شصت ودوم؛ صابئان و عقاید آنان؛ پیام های آیات ۶۰ و۶۲.

کلیدواژه ها) فجر، رزق، طعام، غضب، صائبان، قتل.

* * *

۶۰. وَ إِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصاکَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَیْناً قَدْ عَلِمَ کُلُّ أُناسٍ مَشْرَبَهُمْ کُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّهِ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ .

و [به خاطر آورید] زمانی را که موسـی برای قوم خویش طلب آب کرد. به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن، ناگاه دوازده چشـمه آب از آن جوشـید، به طوری که هریک [از طوائف دوازده گانه بنی اسرائیل] چشمه مخصوص خود را می شناخت [و گفتیم] از روزی های الهی بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید و فساد را گسترش ندهید.

معجزه جوشیدن چشمه آب

این آیه مربوط به دورانی است که بنی اسرائیل در بیابان «تیه» گرفتار بودند. بیان

این داستان برای این است که نوعی تسلّی برای پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که آن حضرت بداند یهودیان از نسل همان افرادی هستند که با موسی علیه السلام چنین عمل کردند. (۱) آنها که از تشنگی رنج می بردند نزد پیامبرشان (حضرت موسی علیه السلام) آمدند و از او درخواست آب کردند. به دنبال درخواست مردم، موسی علیه السلام از خداوند برای قومش درخواست آب کرد. خداوند خطاب به موسی علیه السلام فرمود: عصایت را به سنگ بزن. وقتی حضرت موسی علیه السلام عصایش را به سنگ زد، دوازده چشمه از سنگ بیرون آمد و هر قبیله ای از یکی از چشمه ها استفاده می کردند؛ چنان که هر قبیله چشمه خود را می شناخت. خداوند به بنی اسرائیل فرمود: از نعمت های الهی بخورید و از آبی که خداوند به عنوان روزی در اختیارتان قرار داده بنوشید، اما دنبال فساد و گناه نروید و از نعمت های من در راه فساد استفاده نکنید.

عدّه ای از مفسران گفته اند: سنگی که از آن دوازده چشمه بیرون آمد سنگی بوده است که قوم بنی اسرائیل هر کجا می رفتند آن را با خود حمل می کردند و زمانی که نیاز به آب پیدا می نمودند حضرت موسی علیه السلام عصایش را به آن سنگ می زد و چشمه های آب از سنگ بیرون می آمد. این احتمال با ظاهر آیه سازگاری ندارد. عدّه ای نیز گفته اند: این سنگ، صخره ای بود در منطقه ای کوهستانی که مُشرِف بر آن بیابان قرار داشت. تعبیر به «إنبجست» که در سوره اعراف (آیه ۱۶۰) آمده است، نشان می دهد که در ابتدا آب به صورت کم از آن سنگ بیرون آمده و سپس زیاد شده است. (۲)

پیام های آیه

۱. انبیاء علیهم السلام دارای معجزه هستند؛

ص:۱۹۴

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۸۵.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۷۱ - ۲۷۲. با تصرف و تلخیص.

۲. خداوند دعای انبیاء علیهم السلام را اجابت می نماید؛

۳. باید از بروز اختلاف در میان مردم و جامعه جلوگیری کرد (هدف از این تقسیم بندی، جلوگیری از اختلاف بوده است)؛

۴. جیره بندی و تقسیم ارزاق در شرایط کمبود، ضروری است؛ (۱)

۵. در موقع کمبود آب و یا نعمت الهی باید به درگاه خدا دعا و از او طلب نعمت نمود؛

۶. از نعمت های الهی نباید در راه فساد و گناه استفاده کرد؛

۷. برای جلوگیری از فساد باید نعمت های الهی را برای مردم بیان کنیم.

* * *

۶۱. وَ إِذْ قُلْتُمْ یا مُوسی لَنْ نَصْبِرَ عَلی طَعامٍ واحِدٍ فَادْعُ لَنا رَبَّکَ یُخْرِجْ لَنا مِمّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِها وَ قِثّائِها وَ فُومِها وَ عَدَسِها وَ بَصَلِها قالَ أَ تَسْتَبْدِلُونَ الَّذِی هُوَ أَدْنی بِالَّذِی هُوَ خَیْرٌ اهْبِطُوا مِصْراً فَإِنَّ لَکُمْ ما سَأَلْتُمْ وَ ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ وَ الْمَسْکَنَهُ وَ باؤُ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ کانُوا یَکْفُرُونَ بِآیاتِ اللّهِ وَ یَقْتُلُونَ النَّبِیِّینَ بِغَیْرِ الْحَقِّ ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ .

و [نیز به خاطر آورید] زمانی را که گفتید: «ای موسی! هرگز حاضر نیستیم به یک نوع غذا اکتفا کنیم، از خدای خود بخواه که از آن چه از زمین می روید از سبزیجات، خیار، سیر، عدس و پیاز برای ما برویانند»، موسی گفت: «آیا غذای پست تر انتخاب می نمایید [اکنون که چنین است بکوشید از این بیابان] وارد شهری شوید، زیرا هر چه خواستید در آن جا است». خداوند [مهر] ذلت و نیاز بر پیشانی آنها زد و مجدداً گرفتار غضب خداوند شدند؛ چرا که آنها نسبت به

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۱۷۷.

آیات الهی کفر ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناه کار و متجاوز و سرکش بودند.

غذاهای رنگارنگ

در این آیه شریف، خداوند به کفر و ناسپاسی بنی اسرائیل اشاره کرده و می فرماید: به یاد آورید زمانی را که به پیامبرتان حضرت موسی علیه السلام گفتید: ما یک نوع طعام من و سلوی نمی خواهیم و از خدای خود درخواست کن غذاهای دیگری از قبیل سبزیجات، خیار (خیار چنبر)، عدس، سیر و پیاز به ما بدهد. حضرت موسی علیه السلام به آنها فرمود: آیا شما غذاهای پست تر را در مقابل آن چه بهتر است انتخاب می کنید؟

سپس در ادامه آیه خداوند می فرماید: حضرت موسی علیه السلام به آنها فرمود: وارد مصر شوید، (۱) که آن چه درخواست کرده بودید در آن شهر وجود دارد. اما در آن شهر دیگر آزاد نخواهید بود و ذلّت و فقر بر پیشانی شما زده خواهد شد و در آن جا گرفتار غضب الهی خواهید شد.

اما چرا قوم بنی اسرائیل گرفتار غضب الهی شدند؟ خداوند در پایان آیه، پاسخ این سؤال را به روشنی بیان فرموده که علّت غضب خداوند بر آنها عبارت است از:

۱. قوم بنی اسرائیل به آیات الهی کفر ورزیدند؛

۲. مرتکب گناه و عصیان می شدند؛

ص:۱۹۶

۱- (۱) . ممکن است مراد از کلمه «مصر» مطلق شهر باشد، ولی بعضی از مفسران مانند سید قطب احتمال داده که مراد از «مصر» همان کشور مصر است (سید قطب، فی ظلال القرآن، ج۱، ص۷۴ و ۷۵).

۳. انبیای الهی علیهم السلام را به ناحق (۱) به قتل می رساندند؛ (۲)

۴. از حق خودشان تجاوز می کردند. (۳)

پیام های آیه

۱. از تنوع طلبی در جایی که منافات با آزادی انسان داشته باشد باید پرهیز کرد؛ (۴)

۲. بنی اسرائیل افرادی تنوع طلب، بهانه جو، ناسپاس و تجاوزگرند؛ (۵)

۳. قوم یهود، قومی خوار، پست و ذلیل هستند؛

۴. ذلت و بدبختی انسان در سایه کفر و قتل دیگران - به ناحق - عصیان، گناه و نیز تجاوز از حق است؛

۵. بی صبری، باعث محروم شدن از نعمت های معنوی الهی می شود؛

۶. راضی بودن به آن چه خداوند مقدّر فرموده, به مصلحت انسان است؛

۷. انکار آیات الهی، زمینه ای برای خشم و غضب الهی است؛

۸. خداوند مسائل و منافع انسان ها را بهتر از خودشان می داند.

* * *

۱- (۱) . البته تعبیر به «غیر الحق» یک قید توضیحی است؛ زیرا مسلّم است که کشتن انبیاء همیشه ناحق است.

۲- (۲) . از بعضی روایات استفاده می شود که مراد از کشتن پیامبران توسط بنی اسرائیل این بوده است که آنها اسرارپیامبران الهی را منتشر می کردند تا آنها گرفتار جبّاران گردند. (تفسیر صافی، ج۱، ص۱۳۸) و بعضی نیز احتمال داده اند مراد، کشتن شعیب و زکریا و یحیی توسط بنی اسرائیل است و شبیه همین آیه در سوره آل عمران، آیه۱۱۲ آمده است.

۳- (۳) . همان، ص۲۷۶ - ۲۸۱ با تصرف و تلخیص.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۴۸.

۵- (۵) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۲۸۵.

۶۲. إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ الَّذِینَ هادُوا وَ النَّصاری وَ الصّابِئِینَ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ .

کسانی که [به پیامبر اسلام] ایمان آورده اند، و یهود و نصارا و صابئان [پیروان یحیی یا نوح یا ابراهیم] آنها که ایمان به خدا و روز رستاخیز آورده اند و عمل صالح انجام داده اند پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است و هیچ گونه ترس و غمی برای آنها نیست [و هر کدام از پیروان ادیان که در عصر و زمان خود بر طبق وظایف و فرمان الهی عمل کرده اند مأجور و رستگار هستند].

سرگذشت سلمان فارسی (شأن نزول)

سلمان فارسی اهل «جندی شاپور» بود و دوست پسر حاکم بود. روزی با یکدیگر برای صید به صحرا رفتند که ناگاه نگاه آنها به راهبی افتاد که مشغول خواندن «انجیل» بود. آنها از راهب راجع به کتاب مزبور سؤالاتی کردند. او در جواب آنها گفت: «کتابی است که از جانب خداوند نازل شده و...». گفتار راهب در دل آنان اثر گذاشت و پس از تحقیق به دین او گرویدند؛ هم چنین راهب به آنها گفت: «از گوشت گوسفندانی که مردم این سرزمین ذبح می کنند استفاده نکنید».

سلمان و دوستش، از راهب مطالب مذهبی می آموختند. روزی به مناسبت یک جشن عید، حاکم میهمانی بزرگی تشکیل داد و از اشراف و بزرگان هم دعوت کرد؛ ولی پسر حاکم در این جشن شرکت نکرد و اعلام نمود که غذای آنها بر او حرام است.

حاکم، راهب را احضار کرد و دستور داد او را از آن منطقه اخراج کنند. در این هنگام سلمان و دوستش، با راهب ملاقات کرده و قرار دیدار یکدیگر در دیر موصل را گذاشتند. پس از حرکت راهب، سلمان چند روزی منتظر دوست خود

بود، ولی طاقت نیاورده و به تنهایی حرکت کرد.

در دیر موصل، سلمان بسیار عبادت می کرد و راهبی که سرپرست دیر بود او را از عبادت زیاد برحذر داشت... . عالم دیر پس از مدتی به سوی بیت المقدس حرکت کرد و سلمان را نیز با خود برد و در آن جا به سلمان دستور داد تا در جلسه درس علمای مسیحی حضور یابد. روزی عالِم دیر، سلمان را محزون یافت، علت را جویا شد؛ سلمان در پاسخ گفت: تمام خوبی ها نصیب گذشتگان شده که در خدمت پیامبران خدا علیهم السلام بوده اند. عالم دیر به او بشارت داد که: «در همین ایام در میان ملت عرب پیامبری ظهور خواهد کرد که از تمام انبیاء علیهم السلام برتر است» و بعد به نشانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره کرد.

هنگام ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، سلمان خبردار شد و خودش را خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسانید و بعد از شناخت و مطابقت علامت هایی که عالم دیر به آنها اشاره کرده بود به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد.

این جا بود که آیه مورد بحث بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل گردید و اعلام داشت: آنها که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را درک کرده و به او ایمان آوردند و کسانی که در سابق با توجه به اعتقاداتی که داشتند به خدا و روز قیامت ایمان آورده اند مانند یهودیان و مسیحیان و صابئان که در زمان پیامبرشان می زیسته و اعمال صالح نیز انجام داده اند و در همان زمان هم از دنیا رفته و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله را درک نکردند؛ این گروه اهل بهشت خواهند بود و هیچ خوف و حزنی هم نخواهند داشت. (۱)

در واقع این آیه، ردّ ادعای واهی یهود و بنی اسرائیل است که دین خود را برتر دانسته و پیروان ادیان دیگر را گمراه می خواندند و در حقیقت به آنها گوشزد

۱- (۱) . همان، ص۲۸۵ - ۲۸۸. با تصرف و تلخیص.

می کنـد که فرقی بین ادیان الهی نیست و دیگر این که انتساب به یک دین باعث نجات انسان نمی شود، بلکه بایـد این اعتقاد همراه با عمل صالح باشد. (۱)

صابئان کیستند؟

ایـن واژه سه بـار در آیـات قرآن آمـده است (بقره، آیه۶۲؛ مائده، آیه۶۹؛ حج, آیه۱۷)، البته «صابئـان» دارای عقایـد مختلفی بودند که در بعضی از کتاب ها به آن اشاره گردیده است:

۱. فیّومی در مصباح المنیر می گوید: «صابئان طائفه ای بودند که از دین خارج شدند و به دین دیگری ایمان آوردند». (۲)

۲. راغب در کتـاب مفردات می گویـد: «صابئان» جمعیتی از پیروان حضـرت نوح علیه السـلام بودنـد (۳) و ذکر ایـن گروه در میان مؤمنان و ادیان الهی مؤید این مطلب است و این که عده ای می گویند صابئان سـتاره پرست یا مشـرک بوده اند، صـحیح به نظر نمی رسد.

۳. شهرسـتانی در کتـاب الملـل والنحـل می نویسـد، «صـائبه» از «صـبأ»، طـایفه ای هسـتند که از حق و آیین انبیاء علیهم السـلام منحرف گردیدند». (۴)

۴. مولوی مؤلف کتاب «کشاف اصـطلاحات الفنون» گفته است: «صابئان فرقه ای هستند که ملائکه را می پرستیدند و زبور می خواندند و به قبله توجه داشتند»؛ (۵)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۱۹۱.

۲- (۲) . مصباح المنیر، ص۱۲۷.

۳- (۳) . راغب اصفهانی، مفردات، ص۲۸۴، واژه «صبا».

۴- (۴) . شهرستانی، الملل و النحل، ج۱- ۲، ص۳۰۵.

۵- (۵) . المولوی، کشّاف اصطلاحات الفنون، ج۲، ص۸۰۶.

۵. به نظر می رسد «صابئان» پیروان یکی از پیامبران الهی هستند؛ اگر چه در تعیین پیامبری که آنها خود را وابسته به آن می دانند اختلاف است، ولی جمعیت آنها بسیار کم است و رو به انقراض می باشند.

۶. ابواسحاق زجاج می گوید: «صابئین» در قرآن, به معنای خارج شدن از دینی به دین دیگر است. (۱)

۷. فخر رازی آورده است: «صابئین» قومی هستند که می گویند: «مدبّر و خالق این عالم ستارگان هفت گانه هستند». بنابراین آنها ستارگان را می پرستیدند و چون خداوند حضرت ابراهیم علیه السلام را مبعوث فرمود، مردم بر دین صابئین بودند و ابراهیم علیه السلام به حادث بودن ستارگان استدلال نمود. (۲) او در جای دیگر می گوید:

«صابئین» از «صبأ» مشتق شده که به معنای خروج از دینی به دین دیگر است و عرب ها پیامبر اسلام را صابئی نامیدند؛ زیرا او دینی بر خلاف ادیان آنها آورده بود. (۳)

گفته شده هم اکنون هم نزدیک به پنج هزار نفر از آنها در «خوزستان» به سر می برند. (۴)

نکته دیگری که در آیه شریفه ذکر شده، این است که در کنار ایمان، به عمل صالح نیز اشاره شده است؛ یعنی ایمان باید همراه با عمل صالح باشد، وگرنه ایمان بدون عمل ارزشی نخواهد داشت.

پیام های آیه

۱. ادیان آسمانی در اصول با هم شریک هستند؛

۱- (۱) . ابن منظور، لسان العرب، ج۱، ص۱۰۸.
۲- (۲) . فخر رازی، اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین، ص۱۲۶.
۳- (۳) . التفسیر الکبیر، ج۳، ص۱۰۵.
۴- (۴) . همان، ص ۲۹۰- ۲۹۱.

۲. آن چه باعث نجات انسان می شود ایمان، همراه با عمل صالح است؛

۳. ادیان سابق (قبل از اسلام) اگر به دین خود عمل کرده و عمل صالح انجام داده باشند، اهل بهشت هستند؛

۴. رسیدن به پاداش های الهی در سایه ایمان و عمل صالح است.

چکیده

۱. قوم بنی اسرائیل نزد پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام آمده و از او درخواست آب کردند. موسی نیز از خداوند برای قومش آب خواست و خداوند خطاب به موسی فرمود: «عصایت را به سنگ بزن» وقتی موسی علیه السلام عصای خود را به سنگ زد، دوازده چشمه از سنگ بیرون جوشید و هر قبیله ای از یک چشمه استفاده می کرد.

۲. تعبیر به «إنبجست» – که در سوره اعراف آیه ۱۶۰ آمده است – نشان می دهد که در ابتدا آب، به صورت کم از آن سنگ بیرون آمده و سپس زیاد شده است.

۳. بنی اسرائیل به یک نوع غذا

(مَنَّ و سلْوَی) اکتفا نکردند و از موسی علیه السلام خواستند تا از خدای خود درخواست کند که غذاهای دیگری از قبیل سبزیجات، خیار (خیار چنبر)، عدس، سیر و پیاز را در اختیار آنها قرار دهد. حضرت موسی علیه السلام نیز به آنها فرمود: «آیا شما غذاهای پست تر را در مقابل آن چه بهتر است انتخاب می کنید؟»

۴. قوم بنی اسرائیل قومی بودند که به آیات الهی کفر ورزیده و انبیای الهی علیهم السلام را به قتل می رساندند. آنان گناه و عصیان نموده و از حق خود تجاوز می کردند.

۵. «صابئان» دارای عقاید مختلفی بودند که در بعضی از کتاب ها به آن اشاره گردیده است. فیّومی می گوید: «صابئان» طایفه ای بودند که از دین خارج شدند و به دین دیگری ایمان آوردند. راغب نیز می گوید: «صابئان جمعیتی از پیروان

حضـرت نوح علیه السـلام بودنـد و ذکر این گروه در میـان مؤمنـان و ادیان الهی، مؤیـد این مطلب است و این که عـده ای می گویند صابئان ستاره پرست و یا مشرک بوده اند صحیح به نظر نمی رسد».

۶. در کنـار ایمان، به عمل صالـح نیز اشاره شـده است؛ یعنی ایمان بایـد همراه با عمل صالـح باشـد، وگرنه ایمان بـدون عمل، ارزشی نخواهد داشت.

ص:۲۰۳

پرسش ها و تمرین ها

۱. سنگی که حضرت موسی علیه السلام عصای خود را به آن زد، چه سنگی بوده است؟ توضیح دهید.

۲. قوم بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام درخواست چه نوع غذاهایی را داشتند و خداوند درجواب آنها چه فرمود؟

۳. چرا قوم بنی اسرائیل گرفتار غضب الهی شدند؟

۴. عقاید «صابئان» را به صورت مختصر شرح دهید.

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. الملل و النحل، محمد بن عبدالکریم الشهرستانی؛

۲. الملل و النحل، جعفر سبحانی؛

۳. روح المعانی، جلدهای ۱و۲، محمود الآلوسی البغدادی؛

۴. آشنایی با ادیان، حسین توفیقی.

ص:۲۰۴

۱۸– عصیان گران روز شنبه

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی بـا معنـای محکم گرفتن آیات الهی؛ عصـیان گران روز شـنبه؛ ماجرای گاو بنی اسـرائیل؛ پیام های آیات ۶۳ – ۶۸.

کلیدواژه ها) طور، قوّت، میثاق، نکال، فارض، بِکر.

* * *

۶۳. وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَکُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَکُمُ الطُّورَ خُذُوا ما آتَیْناکُمْ بِقُوَّهٍ وَ اذْکُرُوا ما فِیهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ .

و زمـانی که از شـما پیمـان گرفتیم و کوه طور را بالای سـر شـما قرار دادیم [و به شـما گفتیم] آن چه را [از آیات و دسـتورات خداونـد] به شـما داده ایم بـا قـدرت بگیریـد و آن چه را در آن هست به خاطر داشـته باشـید [و به آن عمل کنیـد] تا پرهیزکار شوید.

آیات خدا را با قوت بگیرید

در این آیه به یکی دیگر از معجزات الهی اشـاره شـده که با تهدیـد همراه بوده است. بـدین گونه که خداونـد قطعه ای از کوه طور را در بالای سر آنها (بنی اسرائیل) قرار داد و چون آن را مشاهده کردند با خدا پیمان بستند که به تورات عمل کنند.

بنابراین به آنها خطاب شد که آن چه را به شما داده شده محکم بگیرید و به خاطر داشته باشید، شاید به تقوای الهی برسید؛ اما قوم بنی اسرائیل پیمان حق را شنیدند و باز هم عصیان نموده و به دستورات حضرت موسی علیه السلام عمل نکردند. (۱)

در سوره «اعراف» نیز به داستان قرار گرفتن کوه در بالای سر بنی اسرائیل اشاره شده است:

وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ واقِعٌ بِهِمْ خُذُوا ما آتَيْناكُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا ما فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ . (۲)

و [نیز به خاطر بیاور] هنگامی که کوه را همچون سایبانی بر فراز آنها بلند کردیم، آن چنان که گمان کردند بر آنان فرود می آمد (و در همین حال، از آنها پیمان گرفتیم و گفتیم:) آن چه را [از احکام و دستورها] به شما داده ایم، با قوّت [و جدیت] بگیرید! و آن چه در آن است، به یاد داشته باشید، [و عمل کنید] تا پرهیزکار شوید!

هنگامی که حضرت موسی علیه السلام از کوه طور بازگشت و تورات را همراه خود آورد، یهود به بهانه این که تکالیف مشکلی برای آنها آورده است، نافرمانی کردند؛ لذا خداوند فرشتگان را مأمور کرد تا قطعه عظیمی از کوه طور را بالای سر آنها قرار دهند. (۳)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که مراد از «قوّت»، هم قوت و قدرت بدنی و هم قدرت قلبی است. (۴)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج ۱، ۲۴۳.

۲- (۲) . اعراف، آیه ۱۷۱.

۳- (۳) . این داستان در سوره های بقره آیه ۹۳ و نساء، آیه ۱۵۴ نیز آمده است.

۴- (۴) . نورالثقلین، ج ۱، ص ۸۵.

در این که منظور از کلمه «طور» در آیه چیست، دو احتمال وجود دارد:

۱. مطلق کوه مراد باشد؛ ۲. کوهی که محل وحی بر موسی علیه السلام بوده است. (۱)

پیام های آیه

۱. احکام و آیات الهی را باید با قدرت گرفت؛

۲. بعضی اوقات انجام تهدید برای اجرای احکام الهی لازم است؛

۳. یادآوری احکام الهی زمینه ای برای رسیدن به تقواست. (۲)

* * *

۶۴. ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَلَوْ لا فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخاسِرِينَ .

سپس شما بعد از این جریان روی گردان شدید و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود از زیان کاران بودید.

پیمان شکنی بنی اسرائیل

همان گونه که بنی اسرائیل بارها پیمان شکنی خود را ثابت کرده بودند، این بار نیز همان کارها را تکرار کرده و پیمان خود را شکستند؛ لذا در آیه شریف، خداوند اشاره به اعراض بنی اسرائیل کرده و می فرماید: ای قوم! شما میثاق ها را زیر پا گذاشتید و به هیچ کدام از آنها عمل ننمودید و اگر فضل خدا و رحمت او شامل حال شما نمی شد، همه شما از خاسران و زیان کاران بودید.

پیام های آیه

۱. انسان، معمولاً میثاق ها و پیمان های خود را فراموش می کند؛

۱- (۱) . مفاتیح الغیب، ج۳، ص۱۱۴ و ۱۱۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۵۴.

۲. گاهی خداوند با متخلفان، با فضل و رحمت خود برخورد می کند؛

۳. شکستن پیمان های الهی موجب زیان کارشدن انسان است؛

۴. گناه کاران نباید از رحمت و فضل الهی ناامید باشند؛

۵. اگر لطف و رحمت و فضل الهی نباشد، انسان زیان کار می شود.

* * *

۶۵. وَ لَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِینَ اعْتَدَوْا مِنْکُمْ فِی السَّبْتِ فَقُلْنا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَهً خاسِئِینَ .

به طور قطع حـال کسـانی را از شـما که در روز شـنبه نافرمانی و گناه کردنـد، دانستیـد. ما به آنها گفتیم به صورت بوزینه های طرد شده ای درآیید.

عصیان گران روز شنبه

این آیه شـریفه اشاره به روح عصیان گری قوم بنی اسرائیل دارد و می فرماید: بی گمان دانستید کسانی که روز شنبه از دستور الهی تخلف کردند و با این که خداوند به آنها دسـتور داده بود در روز شـنبه ماهی گیری نکنند - گروهی از آنان که در یک آبادی به نام «إیله» یا «مـدین» در ساحل دریا زندگی می کردند، به عنوان آزمایش دسـتور یافتند در روز شـنبه که روز تعطیلی آنها بود از دریا ماهی نگیرنـد؛ چراکه در روزهای شـنبه ماهی های فراوانی در آب ظاهر می شدنـد - اما این دسـتور الهی را با حیله و نیرنگ زیر پا گذاشـتند. آنها در روز شـنبه، ماهی هایی را که در کنار ساحل جمع می شدند به طرف حوضچه ها - که برای صید ماهی درست کرده بودند - هدایت کرده و روز بعد ماهی ها را صید می کردند. (۱)

خداوند در ادامه آیه می فرماید: ما کسانی را که تخلف کرده بودند به صورت بوزینه

۱- (۱) . این داستان در سوره های مائده، آیه ۶۰؛ اعراف، آیات ۱۶۳ -۱۶۶؛ نساء، آیه ۴۷ نیز آمده است.

و میمون درآوردیم. (۱) درباره معنای «مسخ» در آیه شریفه دو احتمال داده شده است:

نخست: مسخ به معنای تغییر چهره ظاهری آنها و تبدیل شدن جسم آنها به صورت میمون و بوزینه بوده است. چنان که از ظاهر بعضی از روایات می توان دریافت، آنها سه روز پس از مسخ شدن زنده ماندند و سپس از بین رفتند. (۲) هم چنین در روایتی از امام رضا علیه السلام ، دوازده نوع حیوان که اول به صورت انسان بوده و بعد مسخ شده اند نام برده شده است. (۳) در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز از مسخ شدن بعضی از بنی اسرائیل به صورت مارماهی، میمون، خوک و حیوانات دیگر سخن به میان آمده است. (۴)

دوم: مسخ به معنای مسخ باطنی و روحی؛ یعنی روحیه آنها به صورت بوزینه درآمد، نه آن که چهره آنها تغییر کرده باشد. (۵)

نکته دیگر در آیه شریفه آن است که کلمه «قُلْنَا» و «کُونُوا»، اشاره به سرعت عمل می باشد.

پیام های آیه

۱. از چیزهایی که می دانیم باید عبرت بگیریم؛ (۶)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۲۹۷. با تصرف و تلخیص.
۲- (۲) . صدوق، الخصال، ج۲، ص۴۹۳؛ صدوق، علل الشرایع، ج۱، ص۲۲۵ و ۲۲۷؛ بحارالانوار، ج۴۴، ص ۲۷۱.
۳- (۳) . الکافی، ج۶، ص۲۴۶.
۴- (۴) . همان، ج۱، ص۳۶۸.
۵- (۵) . درباره مسخ می توانید به کتاب بحارالانوار، ج۱۴، ص۷۸۷ مراجعه کنید که در آن سیزده نوع حیوان ذکر شده است.
۶- (۶) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۵۷.

۲. چون یهود چهره حق را عوض کردند، خداوند چهره آنها را تغییر داد؛ بنابراین اگر کسی حق را تغییر دهد خداوند او را عذاب خواهد کرد؛

۳. با اراده الهی همه چیز تحقق پیدا خواهد کرد.

* * *

۶۶. فَجَعَلْناها نَکالاً لِما بَیْنَ یَدَیْها وَ ما خَلْفَها وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِینَ .

ما این جریان را مجازات و درس عبرتی برای مردم آن زمان و کسانی که بعد از آنان آمدند، و نیز پند و اندرزی برای پرهیزکاران قرار دادیم.

عبرت آموزی

خداوند می فرماید: ما این عذاب را (مسخ شدن کسانی که از دستور الهی سرپیچی کردند) مایه عبرت انسان های آن زمان که منظره را با چشمان خودشان مشاهده کردند و نیز مایه عبرت برای آیندگان قرار دادیم؛ یعنی نسل امروز هم باید از آن واقعه درس عبرت بگیرد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که منظور از «مابین یدیها»، نسل آن روز و منظور از «ماخلفها» ما مسلمانان هستیم. (۱)

با توجه به این که فقط افرادی از این آیات الهی استفاده می کنند که زمینه تقوا را در خودشان از بین نبرده باشند، خداوند در پایان آیه می فرماید: این داستان را همچون موعظه و نصیحتی برای افراد با تقوا قرار دادیم. از این آیه می توان دریافت که انسان هرچند مؤمن و با تقوا باشد، باز هم نیازمند به موعظه است و کسی نمی تواند خود را بی نیاز از نصیحت بداند.

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱- ۲، ص۲۶۵ و ۲۶۶.

پیام های آیه

۱. تاریخ و سرگذشت امت های گذشته، درس عبرتی برای انسان است؛

۲. اهل تقوا باید از وقایع تاریخی عبرت بگیرند؛

۳. مجازات های الهی هم نوعی درس است؛

۴. امت های گنه کار، گرفتار کیفرهای دنیوی نیز خواهند شد.

چکیده

۱. قوم بنی اسرائیل به دلیل عدم رعایت پیمان های الهی دچار عذاب شدند، به طوری که کوه طور (مطلق جبل) بالای سر آنها قرار گرفت تا شاید از عذاب الهی بترسند و به خدا ایمان آورند. آنها اگرچه پیمان حق را شنیدند، اما باز هم عصیان کردند و به دستورات حضرت موسی علیه السلام عمل ننمودند.

۲. عصیان گری در قوم بنی اسرائیل بسیار زیاد بود و به راحتی از دستورات الهی تخلف می کردند. آنها با این که خداوند آنها دستور داده بود در روز شنبه ماهی گیری نکنند، این دستور الهی را با حیله و نیرنگ زیر پا گذاشتند و ماهی ها را به سوی حوضچه هایی که درست کرده بودند هدایت می کردند و روز بعد ماهی ها را صید می کردند.

۳. ممکن است «مسخ» به معنای تغییر چهره ظاهری آنها و تبدیل شدن جسم آنها به صورت میمون و بوزینه باشد و نیز ممکن است به معنای مسخ باطنی و روحی باشد؛ یعنی روحیه آنها به صورت بوزینه درآمد، نه آن که چهره آنها تغییر کرده باشد.

ص:۲۱۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. از آیه وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَکُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَکُمُ الطُّورَ خُذُوا ما آتَیْناکُمْ بِقُوَّةٍ وَ اذْکُرُوا ما فِیهِ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ چه نکاتی را می توان دریافت؟

۲. داستان عصیان گران روز شنبه را به طور مختصر بنویسید.

۳. مسخ بر چند قسم است؟ و در آیه فَقُلْنا لَهُمْ کُونُوا قِرَدَةً خاسِئِینَ کدام قسم مراد است؟

۴. منظور از جمله بَیْنَ یَدَیْها وَ ما خَلْفَها در آیه فَجَعَلْناها نَکالاً لِما بَیْنَ یَدَیْها وَ ما خَلْفَها وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِینَ چیست؟

۵. ماجرای گاو بنی اسرائیل را به صورت خلاصه شرح دهید.

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. البرهان فی تفسیر القرآن، جلد۱، سید هاشم البحرانی؛

۲. بررسی عقائد و ادیان، مصطفی نورانی؛

۳. آشنایی با ادیان (یهودیت)، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی؛

۴. مفردات راغب، راغب الاصفهانی؛

۵. کتاب العین، خلیل ابن احمد فراهیدی.

ص:۲۱۲

۱۹- داستان گاو بنی اسرائیل

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با ویژگی های گاو بنی اسرائیل، نتیجه گیری از این داستان، قساوت و سنگدلی بنی اسرائیل، پیام های آیات ۶۹ - ۷۴.

کلیدواژه ها) فاقع، لاشیه، رجعت، قساوت، صفراء، حجاره.

* * *

۶۷. وَ إِذْ قالَ مُوسى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قالُوا أَ تَتَّخِذُنا هُزُواً قالَ أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجاهِلِينَ .

[و به خاطر بیاورید] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «خداوند به شما دستور می دهد ماده گاوی را ذبح کنید [و قطعه ای از بدن آن را به مقتولی که قاتل او شناخته نشده بزنید تا زنده شود و قاتل خویش را معرفی کند و غوغا خاموش گردد]»؛ گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟» [موسی گفت] «به خدا پناه می برم از این که از جاهلان باشم».

پیام های آیه

۱. انبیاء علیهم السلام از جانب خودشان سخن نمی گویند؛

۲. قوم بنی اسرائیل، قوم بی ادب، بهانه جو، (۱) بی شعور و لجوج هستند؛

۳. با سؤالات بی جا کار را بر خود مشکل نکنیم؛

۴. تأخیر در امر الهی صحیح نیست، بلکه باید آن را با سرعت انجام داد.

* * *

۶۸. قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنا ما هِیَ قالَ إِنَّهُ یَقُولُ إِنَّها بَقَرَةٌ لا فارِضٌ وَ لا بِکْرٌ عَوانٌ بَیْنَ ذلِکَ فَافْعَلُوا ما تُؤْمَرُونَ .

گفتند: «پس از خدای خود بخواه که برای ما روشن کند این ماده گاو چگونه باشد؟». گفت: خداوند می فرماید: «ماده گاوی که نه پیر و از کار افتاده، و نه بکر و جوان، باشد، بلکه میان این دو باشد» آن چه به شما دستور داده شده (هر چه زودتر) انجام دهید.

ماجرای گاو بنی اسرائیل

یک نفر از بنی اسرائیل به طور مرموزی کشته شد (۲) و قاتل او مشخص نبود؛ به گونه ای که در میان آنان اختلاف به وجود آمده و هر قبیله، آن را به قبیله ای دیگر نسبت می داد.

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۰۱.

۲- (۲) . در میان بنی اسرائیل مرد ثروتمندی زندگی می کرد که پیر شده بود؛ او پسر برادری داشت که تنها وارثش بوده و در مال عموی خود چشم طمع داشت. او عموی خود را کشت و بدن او را سر راه یکی از اسباط بنی اسرائیل که دارای شخصیت بود انداخت و سپس نزد موسی علیه السلام آمد و ادعای خونخواهی کرد، همه خود را ازاین قتل تبرئه می کردند و آن را به دیگری نسبت می دادند، لذا برای رفع نزاع نزد موسی علیه السلام آمدند و از او کسب تکلیف نمودند که حضرت موسی علیه السلام از سوی خدا به آنها دستور داد تا گاوی را ذبح کنند و استخوان آن را به مقتول بزنند تا زنده شده و قاتل خود را معرفی نماید (تفسیر کوثر، ج۱، ص۲۵۴).

عده ای برای قضاوت نزد پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام آمدند، و چون حل این مسئله از طریق عادی ممکن نبود، قرار شد گاوی را ذبح کرده و استخوان آن را به بدن مقتول بزنند تا زنده شود و خودش قاتل را معرفی کند؛ اما قوم یهود در مقابل این حکم الهی ایستادند و به موسی علیه السلام گفتند: «آیا ما را مسخره می کنی؟»؛ حضرت موسی علیه السلام در پاسخ آنها فرمود: «به خدا پناه می برم از این که از انسان های جاهل باشم»؛ یعنی مسخره کردن دیگران از ویژگی های انسان جاهل است و من از آنان نیستم. (۱)

از این آیه شریفه می توان دریافت که عده ای قاتل را می شناختند، ولی برای آن که هویّت او مشخص نشود، شروع به بهانه گیری نمودند که در آیات بعد، خداوند به ایرادهای آنها اشاره فرموده است.

پیام های آیه

۱. اگر احکام الهی با سلیقه و ذوق ما سازگاری نداشت آن را انکار نکنیم؛ (۲)

۲. مسخره کردن دیگران کار انسان های جاهل است؛

۳. پیامبران الهی علیهم السلام از کارهای جاهلانه منزّه و پاک هستند؛

۴. قوم بنی اسرائیل انسان هایی بی ادب و جسور بودند؛

۵. قوم بنی اسرائیل انبیاء علیهم السلام را به دروغ گویی متّهم می ساختند؛

۶. گاهی از مواقع، انبیاء علیهم السلام از راه اعجاز، مسائل را حل می کردند.

* * *

۶۹. قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنا ما لَوْنُها قالَ إِنَّهُ یَقُولُ إِنَّها بَقَرَةٌ صَفْراءُ فاقِعٌ لَوْنُها تَسُرُّ النّاظِرِینَ .

۱- (۱) . امثال القرآن، ص۵۲؛ تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۰۲. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۶۱.

گفتند: «از پروردگار خود بخواه که برای ما روشن سازد چه رنگی داشته باشد؟» گفت: «خداوند می گوید: گاوی باشد زرد یک دست که رنگ آن بینندگان را شاد و مسرور سازد!»

بهانه گیری های بی جا

وقتی بنی اسرائیل متوجّه شدند که کشتن گاو باید انجام گیرد تا قاتل مشخص شود و از طرفی بعضی نیز درصدد بودند که قاتل معرفی شود، شروع به بهانه گیری و سؤالات بی مورد کرده و گفتند: «ای موسی علیه السلام ! از خدای خود بخواه برای ما روشن کند که این گاو چگونه باشد؟» و با این سؤالات کار را بر خودشان مشکل نمودند. (۱) حضرت موسی علیه السلام به آنها فرمود:

خداوند می فرماید: آن گاو باید ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱. پیر نباشد؛ ۲. جوان هم نباشد؛ ۳. میان سال باشد. برای آن که آنها بیش از این حکم الهی را به تأخیر نیاندازند حضرت موسی علیه السلام به آنها فرمود: بعد از روشن شدن خصوصیات گاو، دستور الهی را انجام دهید. (۲)

جمله «از خدایت بخواه» که در خواسته های آنها چندین مرتبه تکرار شده است، دلالت بر یک نوع بی ادبی دارد؛ زیرا آنها تعبیر به «ربّک» می کنند، نه «ربّنا»، در حالی که خدای موسی علیه السلام از خدای آنها جدا نبوده است!؟

۱- (۱) . در روایات آمده است که بنی اسرائیل مأمور به کم ارزش ترین گاو بودند، ولی چون بر خودشان سخت گرفتند، خداوند نیز بر آنها سخت گرفت (مجمع البیان، ج۱، ص۲۷۴).
۲- (۲) . «فارض» به معنای گاو مسنّ است و «عوان» به معنای میان سال می باشد و «فاقع» نیز به معنای زرد خالص است (مفردات راغب، واژه های «فرض» و «عون»).

رنگ گاو

یکی دیگر از سؤال های بی جای بنی اسرائیل از حضرت موسی علیه السلام این بود که از خدای خود بخواهد تا برای آنها روشن کند رنگ این گاو چگونه باشد. حضرت موسی علیه السلام از سوی خداوند ویژگی آن را چنین بیان فرمودند:

نخست: این گاو باید رنگی خالص و یک دست داشته باشد؛ یعنی با هیچ رنگ دیگری مخلوط نباشد؛

دوم: رنگ یاد شده باید سرورآفرین باشد؛ به طوری که وقتی مردم به آن نگاه می کنند شاد و مسرور شوند. این گاو باید کاملاً خوش رنگ و درخشنده باشد؛ آن چنان زیبا که بینندگان را به اعجاب آورد.

پیام های آیه

۱. همان گونه که در آیات مشابه گفته شد، قوم بنی اسرائیل قومی بی ادب و لجوج هستند؛

۲. با سؤالات بی جا مشکل ایجاد نکنیم؛

۳. رنگ ها در روحیه انسان، از نظر روانی تاثیر می گذارد. (۱)

* * *

۷۰. قالُوا ادْعُ لَنا رَبَّکَ یُبَیِّنْ لَنا ما هِیَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشابَهَ عَلَیْنا وَ إِنّا إِنْ شاءَ اللّهُ لَمُهْتَدُونَ .

گفتند: «از خدایت بخواه برای ما روشن کند بالاخره چگونه گاوی باشد؟ زیرا این گاو برای ما مبهم شده! و اگر خدا بخواهد ما هدایت خواهیم شد».

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۶۵.

ایراد دیگر بنی اسرائیل

قوم بنی اسرائیل دوباره به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «از خدایت بخواه که برای ما بیان کند که آیا از این گاو در کارهای کشاورزی مانند شخم زدن و آبیاری کردن استفاده شده باشد یا نه؟».

سپس ادامه دادند که این سؤال ما از این جهت است که گاو برای ما مشتبه شده است و اگر این مسئله برای ما روشن شود گاو را خواهیم کشت و به دستور تو عمل خواهیم کرد.

تذکر: جمله يُبَيِّنْ لَنا در آیه قبل درباره سنّ و سال گاو بوده است و در آیه دوّم درباره کارکردن آن می باشد.

پیام های آیه

۱. همان گونه که بیان شد قوم بنی اسرائیل، قوم بی ادب، لجوج و... هستند؛

۲. در انجام هر کاری «إن شاءالله» بگویید.

* * *

۷۱. قالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّها بَقَرَةٌ لا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَ لا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لا شِيَةَ فِيها قالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوها وَ ما كادُوا يَفْعَلُونَ .

گفت: «خداوند می فرماید: گاوی باشد که برای شخم زدن رام نشده باشد و برای زراعت آبکشی نکند؛ از هر عیبی برکنار و حتی هیچ گونه رنگ دیگری در آن نباشد،» گفتند: «الان حق مطلب را برای ما آوردی!» سپس [چنان گاوی را پیدا کردند] و آن را سر بریدند؛ ولی مایل نبودند این کار را انجام دهند.

ص:۲۱۸

خصوصیات دیگر گاو

خداوند در این آیه، جواب سؤال آنها را - که در آیه قبل اشاره شد - بیان می فرماید که آن گاو باید:

۱. هیچ گونه کاری انجام نداده باشد؛ یعنی در شخم زدن زمین و آبیاری کردن از آن استفاده نشده باشد؛

۲. هیچ گونه عیبی نداشته باشد؛

۳. رنگ آن باید یک دست باشد (رنگارنگ نباشد).

سپس قوم بنی اسرائیل خطاب به موسی علیه السلام گفتند: «اکنون حق را برای ما آوردی». سپس آن گاو را ذبح نمودند در حالی که تمایل به کشتن آن نداشتند.

پیام های آیه

۱. در انجام دستورات الهی، عشق لازم است؛ (۱)

۲. کاری را که برای خدا انجام می دهیم، باید خوب و بهترین باشد؛

۳. با سؤالات بی مورد، تکلیف را بر خودمان مشکل نسازیم؛ زیرا در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: قوم بنی اسرائیل به کمترین گاو أمر شده بودند، ولی چون بر خود سخت گرفتند، خداوند نیز بر آنها کار را مشکل کرد)؛ (۲)

۴. آن چه را که خدا أمر فرموده باید انجام دهیم.

* * *

۷۲. وَ إِذْ قَتَلْتُمْ نَفْساً فَادّارَأْتُمْ فِیها وَ اللّهُ مُخْرِجٌ ما کُنْتُمْ تَکْتُمُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۶۶.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۲۷۴.

و [به خاطر آورید] هنگامی را که فردی را به قتل رساندید، سپس درباره [قاتل] او به نزاع پرداختید و خداوند آن چه را مخفی داشته بودید آشکار می سازد.

معرفی قاتل

خداوند در این آیه به بیان اصل داستان و آن چه که باعث اختلاف و نزاع در بین آنها شده بود، پرداخته و می فرماید:

به یاد آورید آن زمانی را که یک نفر را به قتل رساندید و در مورد قاتل آن اختلاف پیدا کردید؛ در حالی که عده ای از شما قاتل را می شناختید، ولی آن را معرفی نمی کردید. اما من آن چه را شما پنهان کرده اید، آشکار خواهم ساخت و به جامعه معرفی خواهم کرد که این کار نیز انجام شد.

پیام های آیه

۱. اگر کسی به گناه دیگران راضی باشد در گناه او شریک است؛ (۱) زیرا کشتن آن شخص به آنها هم نسبت داده شده است؛

۲. خداوند به اسرار انسان ها آگاه است؛

۳. خداوند مکرها و حیله های انسان را آشکار می سازد.

* * *

۷۳. فَقُلْنا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِها کَذلِکَ یُحْیِ اللّهُ الْمَوْتی وَ یُرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ .

سپس گفتیم: قسمتی از گاو را به مقتول بزنید [تا زنده شود و قاتل را معرفی کند]. خداوند این گونه مردگان را زنده می کند و آیات خود را به شما نشان می دهد، شاید شما درک کنید.

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۶۸.

نتیجه گیری از داستان

انسان باید از برنامه های خود درست و به موقع استفاده کند؛ لذا خداوند به بنی اسرائیل دستور داد بعد از کشتن گاو قسمتی از آن را به بدن مقتول زده تا زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. سپس خداوند از این داستان چنین نتیجه می گیرد که مردگان در روز قیامت به اذن خدا زنده می شوند؛ یعنی ای انسان ها! شک و شبهه ای در معاد و قیامت نداشته باشید؛ زیرا این کار بر خداوند بسیار آسان است و خداوند آیات و نشانه های خود را بدین گونه به مردم نشان می دهد تا در آن تفکّر و تعقّل نمایند.

پیام های آیه

۱. رجعت از نظر قرآن امکان دارد و تحقّق نیز پیدا کرده است؛

۲. این آیه شریفه دلیل خوبی برای معاد و زنده شدن انسان ها پس از مرگ است؛

۳. زنده کردن انسان ها پس از مرگ برای خدا، بسیار آسان است؛

۴. دیدن آیات و نشانه های الهی، مقدمه ای برای تعقل است؛

۵. هدف از نقل داستان در قرآن، ایجاد زمینه درک و تعقّل در انسان است.

* * *

۷۴. ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَ إِنَّ مِنَ الْحِجارَةِ لَما يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ وَ إِنَّ مِنْها لَما يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْماءُ وَ إِنَّ مِنْها لَما يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللّهِ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ .

سپس دل های شما پس از این جریان سخت شد؛ همچون سنگ یا سخت تر! چراکه پاره ای از سنگ ها می شکافد و از آن نهرها جاری می شود و پاره ای از آنها شکاف برمی دارد و آب از آن تراوش می کند، و پاره ای از بیم خدا [از فراز کوه]

به زیر می افتد [اما دل های شما نه از خوف خدا می تپد و نه سرچشمه علم و دانش و عواطف انسانی است] و خداوند از اعمال شما غافل نیست.

قساوت و سنگدلی بنی اسرائیل

قوم بنی اسرائیل به جای آن که در اثر دیدن نشانه ها و آیات الهی بیدار شوند و از این همه آیات درس بگیرند، قساوت قلب پیدا کردند و قلب آنها مانند سنگ سخت شد، بلکه از سنگ هم محکم تر گردید؛ زیرا سنگ هایی که ما مشاهده می کنیم بر سه گونه اند:

نخست: بعضی از سنگ ها شکافته می شوند و از آنها نهر جاری می شود؛

دوم: از بعضی سنگ ها آب خارج می شود؛

سوم: بعضی از سنگ ها از بیم و خشیت الهی فرو می ریزند و این حاکی از آن است که موجودات، دارای شعور و آگاهی هستند.

جمله ذرات زمین و آسمان با تو می گویند روزان و شبان

ما سمیعیم و بصیریم و هُشیم با شما نامحرمان ما خامُشیم

نُطق آب و نُطق خاک و نُطق گِل هست محسوس حواس اهل دل (۱)

در آخرین جمله، خداوند خطاب به قوم بنی اسرائیل می فرماید: خداوند از کارهای انسان غافل نیست و این خود تهدیدی است برای این جمعیت و تمام کسانی که خط آنها را ادامه داده و درصدد مخالفت أوامر الهی هستند. (۲)

پیام های آیه

۱. قوم بنی اسرائیل، قومی سنگدل هستند؛

۱- (۱) . مولوی.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۰۶. با اندکی تصرف و تلخیص.

۲. گناه، معصیت و لجاجت در مقابل أوامر الهی، باعث قساوت قلب انسان می گردد؛

۳. قساوت قلب انسان، گاهی به جایی می رسد که از سنگ بدتر می شود؛

۴. جمادات نیز دارای شعور و آگاهی هستند؛ (۱)

۵. خداوند از اعمال انسان غافل نیست.

چکیده

۱. یک نفر از بنی اسرائیل به طور مرموزی کشته شد و قاتل او مشخص نبود؛ از آن جا که حل این مسئله به روش عادی ممکن نبود، قرار شد گاوی را ذبح کنند و استخوان آن را به بدن مقتول بزنند تا زنده شده و خودش قاتل را معرفی کند؛ اما قوم بنی اسرائیل در مقابل این حکم الهی ایستادند و شروع به بهانه گیری کردند.

۲. جمله «از خدایت بخواه» که در خواسته های آنها چندین بار تکرار شده است، دلالت بر نوعی بی ادبی دارد؛ زیرا آنها تعبیر به «ربّک» می کنند، نه «ربّنا»؛ مگر خدای حضرت موسی علیه السلام از خدای آنها جدا بوده است!؟

۳. یکی دیگر از سؤال های بی مورد بنی اسرائیل این بود که به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «از خدای خود بخواه تا برای ما روشن کند که رنگ این گاو چگونه باشد». حضرت موسی علیه السلام نیز فرمودند: «این گاو باید رنگی خالص و یک دست داشته باشد؛ یعنی هیچ رنگ دیگری در آن وجود نداشته باشد».

۴. پس از مشخص شدن خصوصیات و اوصاف گاو، قوم بنی اسرائیل خطاب به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «اکنون دیگر حق را برای ما آوردی.» سپس آن گاو را ذبح نمودند، در حالی که تمایل به کشتن آن نداشتند.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۲۳.

۵. انسان بایـد از برنامه های خود درست و به موقع اسـتفاده کنـد تا بتواند از آن نتیجه بگیرد؛ لذا خداوند در پایان داسـتان بنی اسـرائیل، نتیجه گیری کرده و می فرماید: «این چنین خداوند مردگان را در روز قیامت زنده می کند تا بندگان را بیدار کرده و آیات و نشانه های خود را به آنها نشان دهد تا در آن تفکّر و تعقّل نمایند».

۶. قوم بنی اسـرائیل به جای آن که در اثر دیـدن نشانه ها و آیات الهی بیـدار شونـد و از این همه آیات درس بگیرنـد، قساوت قلب پیدا کردند و قلب آنها مانند سنگ سخت شد، بلکه از سنگ هم محکم تر گردید.

۷. از این جمله که بعضـی از سـنگ ها از خوف و خشـیت الهی فرو می ریزند, می توان دریافت که موجودات دارای شـعور و آگاهی هستند.

۸. این که خداونـد می فرمایـد: خداونـد از کارهـای انسـان غافـل نیست، خـود تهدیـدی برای تمـام کسـانی است که درصـدد مخالفت أوامر الهی باشند.

ص:۲۲۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. چند صفت از اوصاف و ویژگی های گاو بنی اسرائیل را با توجه به آیات آن شرح دهید.

۲. از آیه کَذلِکَ یُحْیِ اللّهُ الْمَوْتی وَ یُرِیکُمْ آیاتِهِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ چگونه امکان و وقوع رجعت استفاده می شود؟

۳. از داستان گاو بنی اسرائیل چه نتیجه ای گرفته می شود؟

۴. خداوند در آیه وَ إِنَّ مِنَ الْحِجارَهِ لَما یَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهارُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَشَّقَّقُ فَیَخْرُجُ مِنْهُ الْماءُ وَ إِنَّ مِنْها لَما یَهْبِطُ مِنْ خَشْیَهِ اللّهِ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ سنگ ها را به چند دسته تقسیم کرده است؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. تفسیر کوثر، جلد۱، یعقوب جعفری؛

۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی؛

۳. مفاتیح الغیب، جلد۱، فخر رازی؛

۴. روح المعانی، جلد۱، محمود الآلوسی البغدادی.

ص:۲۲۵

۲۰- نقشه های یهود

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی بـا شأن نزول آیه؛ انتظار بی مورد و بیجا از یهود؛ نقشه های یهودیان برای اسـتثمار عوام؛ پیام های آیات ۷۵ - ۷۹.

کلیدواژه ها) نفاق، تحریف، تورات، امّی، امانی.

* * *

۷۵. أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَ قَدْ كانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلامَ اللّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ يَعْلَمُونَ .

آیا انتظار داریـد به [آیین] شـما ایمان بیاورنـد، با این که عـده ای از آنها سـخنان خـدا را می شـنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند.

انتظارهای بی جا و بی مورد

خداوند در این آیه، خطاب به مسـلمانان می فرماید: ای مسلمانان! با این سابقه ای که یهود در پیمان شکنی و... دارد، آیا طمع (۱) و انتظـار داریـد که قوم یهود و بنی اسـرائیل به پیـامبر صـلی الله علیه و آله ایمـان بیاورنـد؛ در حـالی که این گروه، کسـانی هستند که

ص:۲۲۶

۱- (۱) . راغب می گویـد: «طمع» به معنای کشـش نفس به چیزی است که دلخواه انسان باشـد، و در لسان العرب آمـده است: «طمع» به معنای امید و رغبت است.

کلام الهی را می شنیدند و پس از فهم و درک، آن را تحریف می نمودند. بنابراین چگونه شما از آنها انتظار ایمان دارید؟ اگر می بینید آنها تسلیم بیانات پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن نمی شوند، نگران نباشید. اینها فرزندان همان کسانی هستند که به عنوان برگزیدگان قوم همراه حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفتند و سخنان خدا را شنیدند، ولی هنگام برگشت آن را تحریف نمودند.

هم چنین از جمله قَدْ کانَ فَرِیقٌ مِنْهُمْ استفاده می شود که همه آنها اهل تحریف نبودند، بلکه این عمل، تنها کار گروهی بوده که شاید اکثریت یهودیان را تشکیل می دادند. (۱)

پیام های آیه

۱. از دانشمندان تحریف گر نباید انتظار ایمان داشته باشیم؛ (۲)

۲. نباید همه را با یک چشم نگاه کرد (باید خوبان جامعه را هم در نظر داشت)؛

۳. عالمان یهود، تورات را مورد تحریف معنوی قرار می دادند؛ (۳)

۴. تحریف از جانب علما و دانشمندان صورت می گیرد؛

۵. قوم یهود، قومی هستند که واقعیت را تغییر داده و آن را تحریف می کنند؛

۶. تحریف واقعیت، نشانه عدم ایمان به خداوند است؛

۷. خطر علما از دیگران بیشتر است.

* * *

۷۶. وَ إِذا لَقُوا الَّذِینَ آمَنُوا قالُوا آمَنّا وَ إِذا خَلا بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ قالُوا أَ تُحَدِّثُونَهُمْ بِما فَتَحَ اللّهُ عَلَیْکُمْ لِیُحَاجُّوکُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّکُمْ أَ فَلا تَعْقِلُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۱۳.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۰۷.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۲۷.

و هنگامی که مؤمنان را ملاقات می کنند، می گویند «ایمان آوردیم»، ولی هنگامی که با هم خلوت می کنند [بعضی به بعضی دیگر اعتراض می کنند و] می گویند: «چرا مطالبی را که خداوند [درباره صفات پیامبر صلی الله علیه و آله برای شما بیان کرد به مسلمانان بازگو می کنید تا روز رستاخیز] در پیشگاه خدا بر ضد شما به آن استدلال کنند؟ آیا نمی فهمید؟».

نفاق قوم یهود

در این آیه، پرده از روی یک راز پنهانی یهود برداشته شده و حقیقت تلخ دیگری نمایان می شود و آن این که، ساده دلان و پاکدلان از یهود، (۱) هنگام ملاقات با مؤمنان، از تورات، صفات پیامبر صلی الله علیه و آله را برای مسلمانان بیان می کردند؛ اما وقتی سران یهود از این موضوع با خبر می شدند آنها را از این کار منع می کردند و در جلسات سرّی خود، به آنها می گفتند: «چرا اسرار و مطالب تورات را برای مسلمانان می گویید؛ در حالی که خداوند آنها را سبب پیروزی و نصرت شما قرار داده است و اگر این مطالب را برای مسلمانان بازگو کنید آنها علیه شما احتجاج خواهند کرد».

هم چنین احتمال دیگری در تفسیر آیه وجود دارد و آن این که: آیه از منافقان یهود سخن می گوید؛ آنان که در حضور مسلمانان اظهار ایمان می کردند، ولی در غیاب و در جلسات، حتی پاکدلان از یهود را مورد سرزنش قرار می دادند که چرا اسرار کتاب های مقدس را در اختیار مسلمانان قرار می دهند. (۲)

خداوند می فرماید: شما از این گونه افراد چگونه انتظار ایمان دارید؟ آیا در کارهای خود تفکر و تعقل نمی کنید؟

۱- (۱) . این معنا در روایتی از امام محمدباقر علیه السلام نقل گردیده است. (مجمع البیان، ج۱و۲، ص۲۸۶.)

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۱۴ و ۳۱۵.

از این آیه هم چنین می توان دریافت که ایمانِ این گروه منافق درباره خدا آن قدر ضعیف بوده است که او را همچون انسان های عادی به حساب می آوردند و تصوّر کردند که اگر حقیقتی را از خدا کتمان کنند از خداوند نیز مخفی خواهد ماند. (۱)

پیام های آیه

۱. یکی از اوصاف یهود نفاق است؛ (۲)

۲. اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله در «تورات» موجود بوده است؛

۳. عده ای کتمان حق را نشانه خرد و عقل می دانند؛ این نکته در صورتی قابل قبول است که مخاطب، یهودیان باشند؛

۴. علمای یهود بر حق بودن اسلام یقین داشتند؛

۵. بزرگان یهود به قیامت و معاد اعتقاد داشته اند.

* * *

۷۷. أَ وَ لا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللّهَ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ .

آیا اینها نمی دانند خداوند از اسرار درون و برون آنها آگاه است؟

خداوند عالم به اسرار است

این آیه شریفه درصدد توبیخ علمای یهود است که به مردم تأکید می کردند اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را برای دیگران بیان نکنند. خداوند در پاسخ آنها می فرماید: مگر علمای یهود نمی دانند که خداوند از کارهای آنها آگاه است و جلسات مخفیانه ای که برگزار می کنند و هم چنین کلمات آشکار آنها را می داند، پس

۱- (۱) . همان، ص۳۱۵.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۰۹.

چگونه این کار را انجام می دهند؟ درحالی که خداوند اعمال آنها را زیر نظر دارد و گفت وگوهای آنها را می شنود. بنابراین هیچ چیز از خداوند مخفی نخواهد بود.

پیام های آیه

۱. خداوند در قرآن، علمای یهود را به خاطر محدود دانستن علم الهی سرزنش و مذمت کرده است؛ (۱)

۲. یهودیان، فاقد معرفت و شناخت لازم، نسبت به خداوند بودند؛

۳. خداوند، عالم به غیب و شهود است؛ بنابراین مراقب اعمال خود باشیم. (۲)

* * *

۷۸. وَ مِنْهُمْ أُمِّيُّونَ لا يَعْلَمُونَ الْكِتابَ إِلاّ أَمانِيَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاّ يَظُنُّونَ .

و پاره ای از آنها عوامانی هستند که کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند و تنها به پندارهایشان دل بسته اند.

اوهام و خیالات یهود

«امّیون» جمع «امّی» در این جا به معنای درس ناخوانده است؛ یعنی به همان حالتی که از مادر متولد شده اند، باقی مانده و مکتب و استادی ندیده است.

«أمانی» جمع «أمنیه» به معنای آرزوست. در این جا ممکن است اشاره به خیال ها و امتیازات موهومی باشد که یهود برای خود قائل بودند یا اشاره به آیات تحریف شده ای باشد که دانشمندان یهود در اختیار عوام گذاشته بودند.

از آیه شریفه می توان دریافت که یهودیان سه دسته بوده اند:

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۳۳.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۰۹.

نخست: کسانی که معلومات متوسطی داشته و مطالبی از «تورات» بلد بودند، ولی روحیه لجاجت نداشتند و گاه مطالب تورات را هم در اختیار مسلمانان قرار می دادند؛

دوم: عوام و بی سوادان؛ که مطالبی از تورات حفظ کرده و آن را به خاطر آرزوهای واهی و بیهوده تلاوت می کردند, اگر چه معنای آن را نمی فهمیدند. بخشی از آرزوهای آنها عبارت بود از:

۱. بهشت را مختص به خودشان می دانستند؛

۲. عقیده داشتند که اگر هم در روز قیامت، خداوند آنها را به جهنم ببرد، چند روزی بیشتر در آن نخواهند بود؛

۳. خودشان را فرزندان خداوند می پنداشتند؛

۴. خود را از دیگران برتر و والاتر حساب می کردند؛

با توجه به این آمال، خداوند در پایان آیه می فرماید: هیچ یک از آن آرزوها واقعیت ندارند و اینها تنها ظن و گمان آنان است؛

سوّم: علما و دانشمندان؛ که به خوبی «تورات» را می فهمیدند، ولی به خاطر منافع شخصی خود، بعضی از مطالب آن را کتمان می کردند.

پیام های آیه

۱. بی سوادی، زمینه ساز آرزواندیشی است؛ (۱)

۲. در عقاید، نباید از اوهام و خیالات پیروی کرد؛

۳. یهودیان زمان بعثت، متشکّل از عالمانی معاند و عوامی ناآگاه و بی سواد بودند که از کتاب آسمانی خود «تورات» خودشان نیز اطلاعی نداشتند؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۱۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۳۵.

۴. یهود، خود را نژاد برتر می پندارند.

* * *

۷۹. فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتابَ بِأَیْدِیهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللّهِ لِیَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَلِیلًا فَوَیْلٌ لَهُمْ مِمّا کَتَبَتْ أَیْدِیهِمْ وَ وَیْلٌ لَهُمْ مِمّا یَکْسِبُونَ .

وای بر آنها که مطالبی با دست خود می نویسند، سپس می گویند: از طرف خدا است، تا به بهای اندکی آن را بفروشند! وای بر آنها از آن چه با دست خود نوشتند و وای بر آنها از آن چه از این راه به دست می آورند؟

شأن نزول

چنان چه گفته شد، جمعی از دانشمندان یهود، اوصافی را که برای پیامبر صلی الله علیه و آله در «تورات» آمده بود، می دانستند؛ بنابراین هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرد و اوصاف او را مطابق با آن چه در تورات آمده بود دیدند، ترسیدند که در صورت روشن شدن این واقعیت، منافع آنها در خطر قرار گیرد؛ این چنین بود که به خاطر حفظ آن منافع که از عوام به آنها می رسید، این اوصاف را در «تورات» تحریف کرده و آن را تغییر دادند. آنان حتّی به جای آن اوصاف واقعی که در «تورات» آمده بود، اوصافی بر ضدّ آن نوشتند... . (۱)

در این آیه، خداوند روی سخن خود را خطاب به دانشمندان یهود نموده و درباره آنها می فرماید: وای به حال افرادی که با دستان خودشان مطالبی را می نویسند و آن را به خداوند تبارک و تعالی نسبت می دهند تا بدین وسیله منافع خود را حفظ نمایند.

ص:۲۳۲

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۱۶.

در ادامه آیه نیز خداوند می فرماید: وای بر آنها از آن چیزهایی که می نوشتند و وای بر آنها از آن منافعی که از این راه کسب می نمودند.

پیام های آیه

۱. خطر علمای منحرف بسیار بیشتر از دیگران است؛

۲. یکی از انگیزه های تحریف در کلام الهی، منافع شخصی، از قبیل حفظ مقام، ریاست، پول، دنیا و... است؛

۳. پول و منافع مادّی دنیا در مقابل حقیقت، ثمن قلیل و بی ارزشی است؛

۴. انگیزه بدعت گذاران در دین، جلب منافع مادّی است؛

۵. بدترین درآمد و کسب ها، درآمدی است که از راه دین فروشی به دست آید؛

۶. شدیدترین عذاب ها از آن کسانی است که به اعتقادات مردم خیانت کنند. (۱)

چکیده

۱. مسلمانان نباید انتظار داشته باشند که قوم یهود و بنی اسرائیل ایمان بیاورند؛ زیرا این گروه کسانی هستند که کلام الهی را می شنیدند و پس از فهم و درک، آن را تحریف می نمودند؛ بنابراین چگونه باید از آنها انتظار ایمان داشت؟

۲. «امّیون» جمع «امی» در این جا به معنای درس ناخوانده است؛ یعنی به همان حالتی که از مادر متولد شده اند باقی مانده و مکتب و استادی ندیده است. «أمانی» جمع «أمنیه» به معنای آرزوست.

۳. بعضی از یهودیان با خیال های باطل و آرزوهای خود زندگی می کردند. به طور مثال آنها بهشت را مختص به خودشان می دانستند و عقیده داشتند که در

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۷۸.

روز قیامت خداوند اگر آنها را به جهنم ببرد، چند روزی بیشتر در آن نخواهند ماند. آنان خود را فرزندان خداوند دانسته و از دیگران برتر و والاتر می پنداشتند.

۴. جمعی از دانشمندان یهود، از اوصافی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله در «تورات» آمده بود، آگاه بودند. این گروه هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله ظهور کرد و ترسیدند که در صورت روشن شدن این واقعیت، منافع آنها در خطر قرار گیرد؛ لذا برای حفظ این منافع، اوصاف پیامبر را در تورات تغییر داده و حتّی به جای آن اوصافی بر ضدّ آن نوشتند.

۵. بعد از آن که خداوند درباره عوام و بی سوادان یهود فرمود که آنها از ظن و گمان خود پیروی می کنند، به دسته دوم از یهود (دانشمندان) پرداخته و درباره آنها می فرماید: وای به حال آن افرادی که با دستان خود مطالبی را می نویسند و آن را به خداوند تبارک و تعالی نسبت می دهند تا بدین وسیله منافع خود را حفظ کنند.

ص:۲۳۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. شأن نزول آیه أَ فَتَطْمَعُونَ أَنْ یُؤْمِنُوا لَکُمْ وَ قَدْ کانَ فَرِیقٌ مِنْهُمْ یَسْمَعُونَ کَلامَ اللّهِ ثُمَّ یُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ ما عَقَلُوهُ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ را به طور مختصر شرح دهید و نکاتی که از این آیه استفاده می شود را بنویسید.

۲. آیه شریفه أَ وَ لا یَعْلَمُونَ أَنَّ اللّهَ یَعْلَمُ ما یُسِرُّونَ وَ ما یُعْلِنُونَ را با توجه به آیه قبل از آن تفسیر نمایید.

۳. از آیه وَ مِنْهُمْ أُمِّیُّونَ لا یَعْلَمُونَ الْکِتابَ إِلاّ أَمانِیَّ وَ إِنْ هُمْ إِلاّ یَظُنُّونَ استفاده می شود که یهودیان دو دسته بوده اند، آن دو دسته کدامند؟ توضیح دهید.

۴. از آیه شریفه فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ یَکْتُبُونَ الْکِتابَ بِأَیْدِیهِمْ ثُمَّ یَقُولُونَ هذا مِنْ عِنْدِ اللّهِ لِیَشْتَرُوا بِهِ ثَمَناً قَلِیلاً فَوَیْلٌ لَهُمْ مِمّا کَتَبَتْ أَیْدِیهِمْ وَ وَیْلٌ لَهُمْ مِمّا یَکْسِبُونَ چه پیام هایی را می توان استفاده نمود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن الطبرسی؛

۲. معجم المقائیس اللّغه، احمد بن فارس؛

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم البحرانی؛

۴. اصول الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی.

ص:۲۳۵

۲۱- آرزوهای یهود

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با بلند پروازی های یهود؛ نکات آموزنده داستان بنی اسرائیل؛ معنای احاطه خطیئه؛ پیام های آیات ۸۰ - ۸۴.

کلیدواژه ها) إحاطه، خطیئه، نژادپرستی، خالدین، نفس، میثاق.

* * *

۸۰. وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُودَهً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللّهِ عَهْداً فَلَنْ یُخْلِفَ اللّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَی اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ .

و گفتند: هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید! بگو: آیا پیمانی نزد خدا گرفته اید؟! چون خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی ورزد، یا این که چیزی را به خدا نسبت می دهید که به آن علم ندارید؟

بلندپروازی های یهود

این آیه شریفه اشاره دارد به یکی از گفته های یهودیان که همان آرزوهای بی اساس آنهاست. آنها می گفتند: «آتش دوزخ فقط چند روز معین به ما خواهد رسید». این افراد خود را تافته ای جدا بافته می دانستند و مدعی بودند هر کاری که انجام دهند خدا آنها را عذاب نخواهد کرد و اگر هم عذاب شوند، تنها چند

روزی بیشتر نخواهد بود و سرانجام به بهشت خواهند رفت. (۱) در این که مراد از چند روز معین «ایامٌ معدوده» در آیه چیست، دو احتمال وجود دارد:

۱. همان أیّامی است که حضرت موسی علیه السلام برای گرفتن الواح و مناجات به کوه طور رفته بودند و شخصی به نام سامری، قوم یهود را منحرف و آنها را به گوساله پرستی واداشت؛

۲. منظور، روزهای کم و قلیل باشد.

اعتقاد به این برتری، یکی از دلایل روشن خودخواهی و خودپرستی این گروه است. این امتیازطلبی با هیچ منطقی سازگار نیست؛ زیرا هیچ تفاوتی در میان انسان ها از نظر کیفر و پاداش اعمال وجود ندارد. از این رو خداوند در ادامه، خطاب به آنها می فرماید: این سخن شما از دو حال خارج نیست: یا باید عهد و پیمان خاصی از خدا در این زمینه گرفته باشید (که نگرفته اید) یا این که دروغ و تهمتی را به خدا نسبت می دهید. (۲)

پیام های آیه

۱. نژادپرستی ممنوع است؛ (۳)

۲. یهودیان قومی نژادپرست هستند؛ (۴)

۳. یهودیان، معاد و آتش دوزخ را قبول داشتند؛

۴. همه افراد در برابر قانون الهی مساوی اند؛ (۵)

۱- (۱) . شبیه به همین آیه در سوره آل عمران، آیه ۲۴ آمده است.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۲۲.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴- (۴) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۱۲.

۵- (۵) . همان، ۳۱۳.

۵. خداوند با فرد خاصی در مورد بهشت و جهنم پیمان نبسته است؛

۶. در مقابل انحرافات جامعه باید ایستادگی کرد.

نکات آموزنده داستان

از این داستان می توان نتایج بسیار خوبی به دست آورد:

۱. این داستان علاوه بر قدرت بی پایان الهی، دلیلی بر وجود معاد است؛

۲. این داستان, دلالت خوب و واضحی بر رجعت دارد؛

۳. غضب خداوند بر یک گروه، بی دلیل نیست. بی ادبی های بنی اسرائیل در برابر حضرت موسی علیه السلام و اهانت به آن حضرت و... باعث غضب الهی شد؛

۴. سخت گیر نباشیم تا خدا بر ما سخت نگیرد؛

۵. هیچ کار انسان بر خدا مخفی نمی ماند؛

۶. گاهی قلب انسان قساوت پیدا می کند و از سنگ هم محکم تر می شود چنان که هیچ سخن حقی در آن نفوذ نمی یابد؛

۷. دستورات الهی را باید با عشق و علاقه انجام داده و دنبال بهانه جویی و... نبود. (۱)

* * *

۸۱. بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَهً وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ .

آری؛ کسانی که به تحصیل گناه پرداخته و آثار گناه سراسر وجودشان را بپوشاند، آنها اهل آتش اند و جاودانه در آن خواهند بود.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۳۱۰.

خالدین در جهنّم

در این آیه شریف، خداوند جواب کوبنده و قاطعی به این خیال باطل یهودیان داده و یک قانون کلی بیان می فرماید که: هر کسی دنبال گناه باشد و گناه او را احاطه کند، اهل دوزخ است و در آن جاودانه خواهد بود.

از کلمه «کسب» می توان دریافت که انسان در صورتی در جهنّم خالد خواهد بود که گناه را از روی اختیار و اراده انجام داده باشد؛ اما اگر بدون اراده و اختیار گناهی را انجام دهد، اهل دوزخ نیست. (۱)

معنای احاطه خطیئه

گاهی گناه در اثر تکرار در دل و جان انسان تأثیر می گذارد و کاملاً او را احاطه می کند که در این صورت دیگر اهل نجات نخواهد بود.

منظور از «خَطِیئَتُهُ» گناه کبیره و گناهانی است که از روی عمد انجام گرفته و بر قلب و جان انسان تأثیر می گذارند و تمام وجود انسان را به رنگ خود در می آورند. گناهان کوچک نیز اگر چه در آغاز، یک عمل ناچیزند، ولی در اثر تکرار به سرشت انسان تبدیل شده، و شکل ملکه به خود می گیرند. در این هنگام هیچ موعظه ای در وجود انسان اثر نمی گذارد. به عبارت دیگر، افرادی که با گناه خو گرفته اند، مانند کِرم هایی هستند که اطراف خود پیله ای تنیده و سرانجام مدفون می شوند و روشن است که سرنوشت این افراد جز خلود در آتش چیز دیگری نخواهد بود. (۲)

۱- (۱) . بعضی احتمال داده اند که مراد از گناه در این آیه - که باعث خلود انسان در جهنم می شود - شرک است؛ زیرا به عقیده شیعه، خلود در آتش جهنم فقط مخصوص مشرکان است و کسی که عقیده درست داشته باشد در مقابل گناهان عذاب می شود، ولی عاقبت اهل نجات خواهد بود. (تفسیر کوثر، ج ۱، ص ۲۷۱).

۲- (۲) . همان، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

پیام های آیه

۱. کیفر و پاداش، براساس اعمال است، نه آرزوها؛

۲. اگر گناه سراسر وجود انسان را فراگیرد، دیگر انسان اهل نجات نیست؛

۳. گناهانی کیفر دارند که از روی اختیار و عمد انجام شوند؛

۴. بعضی از اعمال، باعث خلود در جهنم خواهد شد.

* * *

۸۲. وَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ أُولئِکَ أَصْحابُ الْجَنَّهِ هُمْ فِیها خالِدُونَ .

و آنها که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند، اهل بهشت اند و همیشه در آن خواهند ماند.

خالدین در بهشت

بعد از آن که خداوند – در آیه قبل – ، خالدین در دوزخ را معرفی کرده، در این آیه شریفه به افراد دارای ایمان و عمل صالح اشاره می کند که آنها به بهشت موعود وارد خواهند شد و همیشه در آن باقی خواهند ماند.

نکته مهم آن است که برای ورود و خلود در بهشت، تنها یک عمل صالح کفایت نمی کند، بلکه باید ایمان انسان همراه با اعمال صالحه باشد.

پیام های آیه

۱. تهدید و بشارت، هر دو لازم اند؛ (۱)

۲. ایمان از عمل صالح جدا نیست؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۸۱.

۲- (۲) . همان.

۳. برای رسیدن به سعادت، انجام اعمال صالح لازم است، نه یک عمل صالح؛

۴. اعمال صالح، باعث خلود در بهشت می شوند.

* * *

۸۳. وَ إِذْ أَخَذْنا مِيثاقَ بَنِي إِسْرائِيلَ لا تَعْبُدُونَ إِلاَّ اللّهَ وَ بِالْوالِدَيْنِ إِحْساناً وَ ذِي الْقُرْبى وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ وَ قُولُوا لِلنّاسِ حُسْناً وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلاّ قَلِيلاً مِنْكُمْ وَ أَنْتُمْ مُعْرِضُونَ .

[و به یاد آورید] زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و به مردم سخن نیک بگویید، نماز را بر پا دارید و زکات بدهید. سپس [از این که پیمان بسته بودید] همه شما جز عده کمی سرپیچی کردید [و از وفای به پیمان خود] روی گردان شدید.

پیمان شکنان یهود

در آیه ۴۰ و۶۳ (درس دوازدهم و هجدهم) نامی از پیمان بنی اسرائیل به میان آمد، ولی به تفصیل مطرح نشد. در این آیات، خداوند موادی از این پیمان را متذکّر می شود که بیشتر آنها اموری است که جزء اصول و قوانین ثابت در همه ادیان آسمانی به شمار می آیند. در این آیه شریفه نیز، بعضی از مفاد این پیمان – که خود بنی اسرائیل شاهد آن بودند و به آن اقرار داشتند – آمده است که عبارتند از:

نخست: توحید و خداپرستی؛

دوم: نیکی به پدر و مادر؛

سوم: نیکی به خویشاوندان؛

چهارم: نیکی به یتیمان؛

پنجم: نیکی به مستمندان؛

ششم: نیکو سخن گفتن با مردم؛

هفتم: به پا داشتن نماز؛

هشتم: پرداخت زکات و حق محرومان؛

خداونـد در پایان آیه یادآور می شود که گروه کمی به این پیمان وفادار ماندنـد و بیشتر مردم از اجرای آن سـرپیچی نمودنـد. (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند با انسان پیمان بسته است؛

۲. مهم ترین میثاق، همان میثاق در توحید عبادت است؛

۳. با مردم باید برخورد خوب داشته باشیم؛

۴. به پدر و مادر احترام بگذاریم؛

۵. به مستمندان رسیدگی کنیم؛

۶. بستگان را فراموش نکنیم؛

۷. ارتباط با خدا و جامعه را فراموش نکنیم.

* * *

۸۴. وَ إِذْ أَخَذْنا مِيثاقَكُمْ لا تَسْفِكُونَ دِماءَكُمْ وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ .

و هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید و شما اقرار کردید [و بر این پیمان] گواه بودید.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۲۸ و ۳۲۹.

میثاق های دیگر خداوند با یهود

در این آیه، برخی دیگر از پیمان های خداوند با بنی اسرائیل ذکر شده است:

نهم: نریختن خون یکدیگر؛

دهم: بیرون نکردن یکدیگر از خانه ها و کاشانه های خود.

جالب این که خداوند در این آیه می فرماید: شما به این پیمان ها اقرار کردید و خودتان شاهد بر آن بودید؛ پس چرا این پیمان را زیر پا می گذارید؟

پیام های آیه

۱. در کارهای مهم تنها سفارش کافی نیست، بلکه پیمان و میثاق لازم است؛ (۱)

۲. امنیت انسان ها از نظر قرآن، اهمیت بسیاری دارد؛

۳. امنیت زندگی و وطن برای افراد، ضروری و لازم است؛

۴. انسان ها به تمام این میثاق ها اقرار کرده اند؛

۵. تمام انسان ها شاهد این پیمان ها و اقرارها بوده اند.

چکیده

۱. یکی از گفته های بی اساس یهودیان این بود که آنها می گفتند: «هرگز آتش دوزخ به ما نمی رسد، مگر چند روزی». احتمالاً ـ منظور همان ایامی است که حضرت موسی علیه السلام برای گرفتن الواح و انجام مناجات به کوه طور رفته بودند و شخصی به نام سامری قوم یهود را منحرف و آنها را به گوساله پرستی دعوت کرد.

۲. اعتقاد به این برتری، یکی از دلایل روشن خودخواهی و خودپرستی این جمعیت است و این امتیازطلبی با هیچ منطقی سازگار نیست؛ زیرا هیچ تفاوتی در

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۸۴.

میان انسان ها از نظر کیفر و پاداش اعمال وجود ندارد.

۳. از واژه «کسب» استفاده می شود که انسان در صورتی در جهنم، جاودان خواهد بود که گناه را از روی اختیار و اراده انجام داده باشد، اما اگر بدون اراده و اختیار گناهی را انجام دهد اهل دوزخ نیست.

۴. منظور از «خَطِیئَتُهُ» گناه کبیره و گناهانی است که از روی عمد انجام می گیرد و بر قلب و جان انسان تأثیر می گذارد و تمام وجود انسان را به رنگ خود درمی آورد.

۵. گناهان کوچک اگرچه در آغاز یک عمل است، ولی در اثر تکرار، تبدیل به سرشت انسان شده و با ادامه و اصرار، شکل ملکه به خود می گیرند و در این هنگام هیچ موعظه ای در وجود انسان اثر نمی گذارد.

۶. افرادی که دارای ایمان و عمل صالح هستند، به بهشت موعود وارد شده و در آن جاودانه خواهند بود. ولی باید توجه داشت که برای ورود و خلود در بهشت، یک عمل صالح کفایت نمی کند، بلکه باید ایمان انسان همراه با اعمال صالحه باشد.

۷. خداوند با قوم بنی اسرائیل عهد و پیمان بسته است؛ ولی گروه اندکی به این پیمان وفادار ماندند و بیشتر آنها از این پیمان ها سرپیچی نمودند.

ص:۲۴۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. چند نمونه از ادعاها و بلند پروازی های یهود را نام ببرید.

۲. نکات آموزنده داستان بنی اسرائیل را به صورت مختصر بیان نمایید.

۳. منظور از «خطیئه» در آیه بَلی مَنْ کَسَبَ سَیِّئَةً وَ أَحاطَتْ بِهِ خَطِیئَتُهُ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ چه نوع گناهانی است؟ توضیح دهید.

۴. پیمان هایی را که خداوند با بنی اسرائیل بسته بود، با توجه به آیات آن نام ببرید.

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۲. تفسیر القرآن الکریم، محمد بن ابراهیم شیرازی (صدرالمتألهین)؛

۳. آموزش عقاید، محمد تقی مصباح یزدی؛

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین الطباطبایی رحمه الله .

۲۲– تبعیض در احکام خدا و دلیل آن

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی با تبعیض در احکام الهی؛ پیمان شـکنی یهودیان؛ آثار کفر به آیات الهی؛ عـدم غفلت خداونـد از اعمال انسان؛ معنای روح القدس؛ پیام های آیات ۸۵ – ۸۸.

کلیدواژه ها) تبعیض، اشتراء، روح القدس، غلف، کفر، خزی.

* * *

۸۵. ثُمَّ أَنْتُمْ هؤُلاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِيقاً مِنْكُمْ مِنْ دِيارِهِمْ تَظاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ إِنْ يَأْتُوكُمْ أُسارى تُفادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْراجُهُمْ أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتابِ وَ تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَما جَزاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذلِكَ مِنْكُمْ إِلاّ خِزْيٌ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ يَوْمَ الْقِيامَةِ يُرَدُّونَ إِلى أَشَدِّ الْعَذابِ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ .

اما این شـما هستیـد که یکـدیگر را به قتل می رسانیـد و جمعی از خودتان را از سـرزمین شان بیرون می کنیـد و در این گناه و تجاوز به یکـدیگر کمـک می کنیـد [و اینهـا همه نقض پیمانی است که با خـدا بسته ایـد] ولی اگر بعضـی از آنها به صورت اسیران نزد شـما آیند، فدیه می دهید و آنها را آزاد می سازید! در حالی که بیرون ساختن آنها بر شـما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان

می آورید و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی که این عمل [تبعیض در میان قوانین و احکام خدا] را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان و بازگشت به شدیدترین عذاب ها در روز رستاخیز، چیز دیگری نخواهد بود و خداوند از اعمال شما غافل نیست.

تبعیض در احکام الهی

در آیه قبل گفته شد، یکی از میثاق های خداوند با بنی اسرائیل، عدم کشتن یکدیگر و عدم تبعید از خانه و وطن شان بود، ولی قوم یهود این دو میثاق را زیر پا گذاشتند و به آن عمل نکردند؛ یعنی قوم بنی اسرائیل یکدیگر را می کشتند و از سرزمین خود اخراج می کردند.

در حکم دیگری از «تورات»، اگر یک یهودی اسیر می شد یهودیان دیگر باید آن را هر طوری که می توانستند از راه فدیه و... آزاد کنند. قوم یهود به این حکم عمل می کردند، ولی بعضی احکام تورات مانند عدم کشتن و عدم تبعید یکدیگر را زیر پا می گذاشتند و به آن کفر می ورزیدند. به عبارت دیگر، یهود به بعضی از آن چه در تورات آمده بود عمل کرده و بعضی دیگر را زیر پا می گذاشتند. (۱)

از این رو خداوند در ادامه آیه می فرماید: جزای کسانی که چنین کاری را انجام دهند، خواری و ذلّت در دنیاست و در روز قیامت نیز، شدیدترین عذاب ها برای آنها خواهد بود.

در پایان آیه، خداوند به عنوان هشدار و تهدید به بندگان خود می فرماید:

۱- (۱) . در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که «کفر» بر پنج وجه است....و الوجه الرابع من الکفر، ترک ما أمر الله عزّوجل به و هو قول الله عزّوجل ...أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْکِتابِ وَ تَکْفُرُونَ بِبَعْضٍ... (الکافی، ج۲، ص۳۹۰).

«خداوند از کارهایی که انجام می دهید, غافل نیست و تمام اعمال شما را زیر نظر دارد». (۱)

پیام های آیه

۱. کشتن دیگران، کشتنِ خود انسان است (ظلم به دیگران، ظلم به خود است)؛

۲. کمک کردن به دیگران در گناه و معصیت, حرام است؛

۳. همان طور که کفر به تمام آیات حرام است، کفر به بعضی از آنها نیز حرام است؛

۴. مخالفت با دستورات الهی باعث خواری و ذلت انسان در دنیا می شود؛

۵. مخالفت با دستورهای الهی باعث شدیدترین عذاب ها در آخرت خواهد بود؛

۶. عذاب های اخروی دارای مراتب مختلف است؛ (۲)

۷. خداوند از اعمال انسان غافل نیست و آنها را زیر نظر دارد.

* * *

۸۶. أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الْحَیاهَ الدُّنْیا بِالْآخِرَهِ فَلا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ .

اینها همان کسانی هستند که آخرت را به زندگی دنیا فروخته اند؛ لذا در مجازات آنها تخفیف داده نمی شود و کسی آنها را یاری نخواهد کرد.

فروش آخرت به دنیا

در این آیه شریف، خداوند با بیان انگیزه کسانی که پیمان الهی را نقض می کردند و به بعضی از کتاب ها (تورات) ایمان آورده و به بعضی آیات آن کفر

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۲۹ - ۳۳۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۵۹.

می ورزیدند، این گروه را شامل کسانی می دانند که زندگانی آخرت را داده و در مقابل، دنیا و منافع مادّی را تحویل گرفته اند؛ به عبارت دیگر این گروه زندگی و منافع مادّی را بر آخرت مقدم داشتند.

در ادامه آیه خداوند می فرماید: در عذاب این گروه تخفیف داده نمی شود و مورد رحمت و نصرت پروردگار قرار نمی گیرند؛ یعنی اینها در عذاب ابدی گرفتار خواهند بود و کسی آنها را یاری نخواهد کرد. (۱)

پیام های آیه

۱. انسان در انتخاب راه آزاد است (اشتَرَوُا: خرید و فروش آزادانه انجام می پذیرد)؛

۲. کسانی که دین فروشی کنند در عذاب ابدی خواهند بود؛

۳. یهودیان برای رسیدن به منافع دنیوی، آخرت را از دست داده اند؛

۴. خداوند کسانی را که دین فروشی کنند یاری و نصرت نخواهد کرد.

* * *

۸۷. وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ وَ قَفَّیْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَیْنا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَکُلَّما جاءَکُمْ رَسُولٌ بِما لا تَهْوی أَنْفُسُکُمُ اسْتَکْبَرْتُمْ فَفَرِیقاً کَذَّبْتُمْ وَ فَرِیقاً تَقْتُلُونَ .

ما به موسی کتاب [تورات] دادیم، و بعد از او پیامبرانی پشت سر یکدیگر فرستادیم و به عیسی بن مریم علیه السلام دلایل روشن بخشیدیم و او را به وسیله روح القدس تأیید نمودیم. آیا هر زمانی پیامبری بر خلاف هوای نفس شما آمد، در برابر او تکبر کردید [و از ایمان آوردن به او خودداری نمودید و به این قناعت نکردید، بلکه] عده ای را تکذیب نموده، جمعی را به قتل رساندید؟!

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳۰.

رسالت پیامبران در اعصار مختلف

در این آیه نیز خداوند خطاب به بنی اسرائیل می فرماید: ما به حضرت موسی علیه السلام کتاب (تورات) عطا نمودیم و بعد از او نیز پیامبرانی را برای شما فرستادیم. در تاریخ آمده است که بعد از حضرت موسی علیه السلام , یازده الی دوازده پیامبر آمده اند که عبارتند از: یوشع بن نون، طالب بن یحنا، حزقیل، الیاس، الیسع، ذوالکفل، داود، اشموئیل، سلیمان، یونس، زکریا، یحیی علیهم السلام .

در ادامه، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: بعد از این پیامبران، حضرت عیسی علیه السلام را همراه با معجزاتی از قبیل زنده کردن مردگان، شفا دادن کور مادرزاد و معالجه بیماری های ناعلاج، فرستادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم. مفسّران درباره معنای روح القدس سه احتمال داده اند:

نخست: انجیل؛

دوم: نیروهای غیبی؛

سوم: جبرئیل علیه السلام ؛ شاهد این سخن آیه ای است که می فرماید: قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّکَ... . (۱)

از میان این سه احتمال، احتمال دوم و سوم مناسب تر است. (۲)

در ادامه آیه خداوند خطاب به یهودی ها می فرماید: هرگاه پیامبرانی برای شما فرستادیم که با هواهای نفسانی شما هماهنگ نبودند عدّه ای را تکذیب کردید و عدّه ای از آنها را به قتل رساندید.

ص:۲۵۰

۱- (۱) . نحل، آیه ۱۰۲ در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که مراد از روح القدس، جبریل است. (نورالثقلین، ج ۱، ص۹۸)

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۳۳۹.

معیار ایمان و تسلیم در برابر حق، جایی نمایان می شود که خلاف میل و هوای نفس انسان باشد، وگرنه هواپرستان بی ایمان نیز، نسبت به احکامی که مطابق با میل و منافع آنها باشد، تسلیم هستند. (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند در هر زمانی حجت هایی را برای مردم می فرستد؛

۲. انبیاء علیهم السلام همیشه مطابق با میل انسان رفتار نمی کنند و نباید این کار را انجام بدهند؛ (۲)

۳. انبیاء علیهم السلام همیشه همراه با معجزه هستند؛

۴. عیسی علیه السلام زاده مریم است، نه فرزند خدا, چنان که مسیحیان اعتقاد دارند؛ (۳)

۵. خداوند یاور انبیاء علیهم السلام است و آنها را به وسیله ملائکه، کتب آسمانی و نیروهای غیبی کمک می کند؛

۶. انبیاء علیهم السلام همیشه در جامعه مخالفانی داشته اند.

* * *

۸۸. وَ قالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللّهُ بِکُفْرِهِمْ فَقَلِیلاً ما یُؤْمِنُونَ .

[و آنها از روی استهزاء] گفتند: دل های ما در غلاف است! [و ما از گفته تو چیزی نمی فهمیم؛ آری همین طور است] خداوند آنها را به سبب کفرشان از رحمت خود دور ساخته [به همین دلیل چیزی را درک نمی کنند] و کمتر ایمان می آورند.

دل های بی خبر و مستور

بنی اسرائیل از روی استهزاء به حضرت موسی علیه السلام گفتند: «علت مخالفت ما با

۱- (۱) . همان، ص۳۳۶.
۲- (۲) . خواسته های بنی اسرائیل در سوره اسراء، آیه ۹۰ - ۹۳ آمده است.
۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۶۶.

دستورات الهی این است که قلب های ما در غلاف (پوشش) قرار گرفته است و چیزی نمی فهمیم». خداوند تبارک و تعالی در جواب آنها می فرماید: این گروه مورد لعن و نفرین خدا قرار گرفتند و به دلیل آن که راه کفر را در پیش گرفتند، توفیق ایمان پیدا نکرده اند؛ از این رو خداوند در پایان آیه می فرماید: فَقَلِيلاً ما يُؤْمِنُونَ ؛ یعنی تعداد بسیار کمی از بنی اسرائیل ایمان می آورند.

در تفسیر جمله فَقَلِيلاً ما يُؤْمِنُونَ دو احتمال می توان مطرح نمود:

نخست: این جمله درباره یهودیانی باشد که پیامبران علیهم السلام را تکذیب یا به قتل می رساندند؛

دوم: ممکن است درباره یهودیان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که در برابر سخنان او یک روش لجوجانه به خود می گرفتند و در برابر تبلیغات پیامبر صلی الله علیه و آله ایستادگی به خرج می دادند، و هر زمانی بهانه ای برای شانه خالی کردن از زیربار دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله می تراشیدند که در این آیه به یکی از سخنان آنها اشاره کرده است که می گفتند: دل های ما در حجاب و غلاف است و آن چه بر ما می خوانی، نمی فهمیم! قرآن نیز این سخن آنها را تأیید نموده و می فرماید: حرف آنها درست است؛ زیرا به واسطه گناه و کفر، قلب آنها در غلاف قرار گرفته است (۱):

وَ قَوْلِهِمْ قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللّهُ عَلَيْها بِكُفْرِهِمْ فَلا يُؤْمِنُونَ إِلاّ قَلِيلاً . (۲)

و به خاطر این که [از روی استهزا] می گفتند: «بر دل های ما پرده افکنده شده و سخنان پیامبر را درک نمی کنیم! [رانده درگاه خدا شدند] آری، خداوند به علّت

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۴۱ و۳۳۷.

۲- (۲) . نساء، آیه ۱۵۵.

کفرشان، بر دل های آنها مهر زده که جز عده کمی [که راه حق می پویند و لجاجت ندارند] ایمان نمی آورند».

پیام های آیه

۱. خداوند هرگز بدون علت، انسان را از رحمت خویش دور نمی سازد؛

۲. کفر (گناه) باعث می شود که قلب انسان در غلاف قرار بگیرد؛

۳. تعداد بسیار کمی از قوم یهود به حق ایمان می آورند.

چکیده

۱. در (تورات) آمده بود که اگر یک یهودی اسیر می شد یهودیان دیگر باید آن را هر طوری که می توانستند از راه فدیه و... آزادکنند. قوم یهود به این حکم عمل می کردند، ولی بعضی احکام تورات مانند عدم کشتن و عدم تبعید یکدیگر را زیر پا می گذاشتند و به آن کفر می ورزیدند.

۲. یهودیان کسانی هستند که زندگانی آخرت را داده و در مقابل، دنیا و منافع مادّی را تحویل گرفته اند. به عبارت دیگر، این گروه زندگی و منافع مادّی را بر آخرت مقدم داشتند؛ لذا در عذاب این گروه تخفیف داده نمی شود و مورد رحمت و نصرت پروردگار قرار نمی گیرند.

۳. در تاریخ آمده است که بعد از حضرت موسی علیه السلام ، یازده الی دوازده پیامبر آمده اند که عبارتند از: یوشع بن نون، طالب بن یحنا، حزقیل، الیاس، الیسع، ذوالکفل، داود، اشموئیل، سلیمان، یونس، زکریا، یحیی علیهم السلام .

۴. درباره معنای روح القدس مفسّران سه احتمال داده اند: نخست: انجیل؛ دوم: نیروهای غیبی؛ سوم: جبرئیل علیه السلام و از میان این سه احتمال، احتمال دوم و سوم مناسب تر است.

ص:۲۵۳

۵. بنی اسرائیل از روی استهزاء به موسی علیه السلام گفتند: «علت مخالفت ما با دستورات الهی این است که قلب های ما در غلاف (پوشش) قرار گرفته است و چیزی نمی فهمیم».

۶. یهودیانی که پیمان الهی را نقض کردند و راه کفر را در پیش گرفتند، مورد لعن و نفرین خداوند قرار گرفته و کسانی که رحمت خدا شامل حال آنها نگردد، توفیق ایمان نیز نخواهند یافت.

ص:۲۵۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. احتمالاتی که مفسران در باره کلمه روح القدس در آیه وَ لَقَدْ آتَیْنا مُوسَی الْکِتابَ وَ قَفَّیْنا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَیْنا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ الْبَیِّناتِ وَ أَیَّدْناهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ . داده اند را نام ببرید و از میان این احتمالات کدام یک مناسب تر است؟

۲. آیه شریفه وَ قالُوا قُلُوبُنا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللّهُ بِکُفْرِهِمْ فَقَلِیلاً ما یُؤْمِنُونَ درباره کدام دسته از یهودیان نازل شده است؟

۳. از آیه أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الْحَیاهَ الدُّنْیا بِالْآخِرَهِ فَلا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ چه نکات و پیام هایی را می توان دریافت؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. تفسیر کوثر، یعقوب جعفری؛

۲. معاد در قرآن، سید محمد حسین حسینی تهرانی؛

۳. راه و راهنماشناسی، محمد تقی مصباح یزدی؛

۴. پیام قرآن، جلد۸، مکارم شیرازی.

ص:۲۵۵

۲۳- معامله زیان آور

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه هشتاد و نه؛ معامله زیان آور یهود؛ تعصب های نژادی یهود؛ پیام های آیات ۸۹ - ۹۲.

کلیدواژه ها) مصدّق، غضب، باؤا، تعصّب، عجل، بیّنات.

* * *

۸۹. وَ لَمّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللّهِ عَلَی الْکافِرِینَ .

و هنگامی که از سوی خداوند، کتابی برای آنها آمد که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند، و پیش از این، به خود نوید پیروزی بر کافران می دادند [که با کمک آن، بر دشمنان پیروز گردند] با این همه، هنگامی که این کتاب و پیامبری که از قبل شناخته بودند نزد آنها آمد، به او کافر شدند؛ لعنت خدا بر کافران باد!

شأن نزول

از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

یهود در کتاب های خویش دیده بودند، هجرت گاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بین دو کوه «عیر» و کوه «احد» خواهد بود. یهودیان برای رسیدن به این مکان, از سرزمین خود بیرون آمده و به جست وجوی سرزمین مهاجرت رسول

اکرم صلی الله علیه و آله پرداختند که در این هنگام به کوهی به نام «حدّاد» رسیدند. پس گفتند: «حدّاد همان احد است»؛ لذا در همان جا توقف کرده و هر گروه در جایی مسکن گزیدند.

آنها در آن ناحیه که نزدیک مدینه بود، ماندند و اموال فراوانی کسب نمودند. این خبر به گوش سلطانی بنام «تُبَّع» رسید. او با آنها جنگید. یهود به قلعه های خویش پناهنده شدند؛ وی آنها را پس از محاصره، امان داد و پس از آن که به حضور سلطان رسیدند، تبّع گفت: «من این ناحیه را پسندیده ام و در آن خواهم ماند.» آنها در پاسخ وی گفتند: «این سرزمین, هجرت گاه پیامبری است که جز او کسی نمی تواند به عنوان ریاست در این جا بماند».

«تُبَّع» گفت: «بنابراین من یک نفر از خاندانم را در این جا قرار خواهم داد تا زمانی که پیامبر موعود صلی الله علیه و آله بیاید، او را یاری کند.» لذا او دو قبیله معروف به اوس و خزرج را در آن مکان ساکن نمود. این دو قبیله، هنگامی که جمعیت فراوانی یافتند، دست تجاوز به اموال یهود دراز نمودند. یهودیان به آنها می گفتند: «زمانی که محمّد صلی الله علیه و آله مبعوث گردد، شما را از سرزمین ما بیرون خواهد کرد!». هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله مبعوث شد، «اوس» و «خزرج» - که به انصار معروف شدند - به او ایمان آوردند، ولی یهودیان وی را انکار نمودند و این است معنای آیه وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا . (۱)

به آن چه کافر شدند

در این آیات نیز سخن از یهود و ماجراهای زندگی آنهاست. یهودیان - همان گونه که در شأن نزول آمده است - با عشق و علاقه ای ویژه برای ایمان به رسول

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱و ۲، ص۳۱۰ و ۳۱۱.

خدا صلی الله علیه و آله ، در سرزمین مدینه سکنی گزیده و با بی صبری در انتظار ظهور آن حضرت بودند؛ ولی هنگامی که از سوی خداوند، قرآن - که موافق نشانه هایی بود که با خود داشتند - به آنها رسید، با این که پیش از این جریان، مژده ظهور این پیامبر صلی الله علیه و آله را می دادند و با ظهور آن حضرت, امید فتح بر دشمنان داشتند، نسبت به او کافر شدند.

آری، گاهی انسان عاشقانه به دنبال حقیقتی می رود، ولی هنگامی که به آن دست یافته و آن را مخالف با منافع شخصی خود می بیند، بر اثر هواپرستی به آن پشت پا می زند و آن را وداع می گوید، بلکه گاه به مخالفت با آن برمی خیزد. (۱)

پیام های آیه

۱. سخنان درست دیگران را باید تصدیق کرد؛

۲. به هر استقبالی اعتماد نکنیم (یهودیان در انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، ولی در عمل کفر پیدا کردند)؛

۳. اهل کتاب، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را کاملاً می شناختند و از آمدن او اطلاع داشتند؛

۴. انقلابی بودن مهم نیست، بلکه انقلابی ماندن مهم است. (۲)

* * *

۹۰. بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِما أَنْزَلَ اللّهُ بَغْياً أَنْ يُنَزِّلَ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلى مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلى غَضَبٍ وَ لِلْكافِرِينَ عَذابٌ مُهِينٌ .

آنها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند و به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود کافر شدند و معترض بودند که چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از

۱- (۱) . همان، ص۳۴۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۹۴؛تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۲۷.

بنـدگانش بخواهـد، آیـات خود را نازل می کنـد؟! از این رو، به خشـمی بعـد از خشـمی [از سوی خـدا] گرفتار شدنـد و برای کافران مجازاتی خوارکننده است.

یهود، گرفتار غضب الهی

در این آیه خداوند می فرماید: یهودیان معامله زیان آوری انجام داده اند. کسانی که برای پیروی از پیامبر موعود صلی الله علیه و آله از سـرزمین های خود کوچ کرده بودند و با مشـکلات فراوان در مدینه مسـکن گزیدند تا به مقصود برسـند، سرانجام در صف منکران و کافران قرار گرفتند! آنها در برابر چه بهای بدی خود را فروختند؟

یهودیان به آن چه خداوند نازل کرده بود - به سـبب حسد - معترض بوده و کافر شدند. گویا انتظار داشتند پیامبر موعود صلی الله علیه و آله از بنی اسـرائیل و از میان خود آنها باشـد و از نزول قرآن بر دیگری ناراحت بودنـد! لذا شـعله های خشم خداوند یکی پس از دیگری آنها را فراگرفت.

منظور از جمله فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ این است که بنی اسـرائیل زمانی که در صـحرای سـینا بودند گرفتار غضب الهی شدند؛ هم چنان که در گذشـته، به خاطر کشـتن پیامبران مورد غضب قرار گرفتند. بازماندگان آنها نیز هنگامی که بعد از ظهور پیامبر صلی الله علیـه و آلـه , روش نیاکـان خـود را ادامه داده و در برابر آن حضـرت صـلی الله علیه و آله به مبـارزه پرداختنـد، دچـار غضب تازه ای شدند؛ لذا خداوند می فرماید: فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ . (۱)

پیام های آیه

۱. فروختن هستی خود در مقابل کفر، معامله بدی است؛ (۲)

ص:۲۵۹

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۴۴ - ۳۴۶.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۹۵.

۲. کفر اهل کتاب نسبت به قرآن، از روی ظلم و ستم بوده است و آنها حقیقت را می دانستند؛

۳. نارضایتی انسان، اثری در حکمت ها و الطاف الهی ندارد؛

۴. کفر به آیات الهی باعث برانگیخته شدن خشم خداوند می گردد؛

۵. برای کافران، عذاب خوارکننده ای وجود خواهد داشت.

* * *

۹۱. وَ إِذا قِیلَ لَهُمْ آمِنُوا بِما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا نُؤْمِنُ بِما أُنْزِلَ عَلَیْنا وَ یَکْفُرُونَ بِما وَراءَهُ وَ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقاً لِما مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِیاءَ اللّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ .

و هنگامی که به آنها گفته شود: «به آن چه خداوند نازل فرموده، ایمان بیاورید!» می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده است.» و به غیر آن، کافر می شوند؛ در حالی که حق است و آیاتی را که بر آنها نازل شده، تصدیق می کند. بگو: «اگر [راست می گویید و به آیاتی که بر خودتان نازل شده] ایمان دارید، پس چرا پیامبران خدا را پیش از این به قتل می رساندید»؟!

تعصب های نژادی یهود

یهود، زحمات و مشکلات زیادی را در راه رسیدن به پیامبر موعود صلی الله علیه و آله متحمل شدند و به سبب حسد یا به این بهانه که این پیامبر صلی الله علیه و آله از بنی اسرائیل نیست و منافع شخصی آنها را به خطر می اندازد، از اطاعت و ایمان به او سرباز زدند.

در این آیه، خداوند به تعصّبات نژادی یهود - که در تمام دنیا به آن معروف اند - اشاره کرده و می فرماید: هنگامی که به آنها گفته شود به آن چه خداوند نازل فرموده ایمان بیاورید، می گویند: «ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده باشد، نه بر اقوام دیگر». آنها نه به «انجیل» ایمان آوردند و نه به

«قرآن»، بلکه تنها جنبه های نژادی و منافع خویش را در نظر می گرفتند. پس از آن خداوند پرده از روی دروغ آنان برداشته و می گوید: اگر بهانه ایمان نیاوردن شما این است که محمد صلی الله علیه و آله از شما نیست، پس چرا به پیامبران خودتان در گذشته ایمان نیاوردید؟ پس چرا آنها را کشتید اگر راست می گویید؟!

به عبارت دیگر اگر پذیرش دستورات الهی مشروط به این باشد که بر خود ما نازل گردد، این در حقیقت شرک است، نه ایمان، کفر است، نه اسلام و قبول چنین دستوراتی هرگز دلیل بر ایمان نخواهد بود. (۱)

پیام های آیه

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله یهودیان را نیز دعوت به اسلام کرده است؛ (۲)

۲. نژاد و قومیت، ملاک حق و باطل نیست (یهودیان می گفتند: ما به پیامبری ایمان می آوریم که از خودمان باشد)؛ (۳)

۳. یهودیان در واقع احکام «تورات» را نیز قبول نداشتند؛

۴. یهودیان عصر بعثت، آسمانی بودن قرآن را قبول داشته اند (۴) و فقط ایراد آنها این بود که چرا بر فردی از بنی اسرائیل نازل نشده است؛

۵. انحصارطلبی ممنوع است (آنها خیال می کردند نبوّت باید در انحصار قوم یهود باشد).

* * *

۹۲. وَ لَقَدْ جاءَکُمْ مُوسی بِالْبَیِّناتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۴۹ و ۳۵۰.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص ۲۸۰.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۹۷.

۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص ۲۸۱.

و [نیز] موسی آن همه معجزات را برای شما آورد و شما پس از [غیبت] او، گوساله را انتخاب کردید، درحالی که ستمگر بودید.

یهود و گوساله پرستی

قرآن برای روشن تر ساختن دروغ و کذب آنها، در این آیه سند دیگری را بر ضد آنها افشا می کند که حضرت موسی علیه السلام برای شما آن همه معجزات و دلایل روشن را آورد، (۱) ولی شما در غیبت حضرت موسی علیه السلام گوساله پرستی را انتخاب کردید و با این کار خود هم به خودتان و هم به نسل های آینده ظلم نمودید. اگر شما راست می گویید و به پیامبر خودتان موسی علیه السلام ایمان دارید، پس این گوساله پرستی بعد از آن همه دلایل روشن توحیدی چه بود؟ این چه ایمانی است که به محض غیبت موسی علیه السلام و رفتن اش به کوه طور، از دل های شما پرواز می کند و کفر و گوساله، جای توحید را می گیرد؟ (۲)

پیام های آیه

۱. یهودیان، قومی پیمان شکن و عصیان گر هستند؛ (۳)

۲. بازگشت به جاهلیت، ظلمی بزرگ به خود و نسل آینده است؛ (۴)

۳. گناه، در نسل انسان هم تأثیر می گذارد؛

۴. گناه، هم ظلم به خود است و هم ظلم به دیگران.

۱- (۱) . ممکن است آیه شریفه اشاره به معجزاتی از قبیل: جاری شدن آب از سنگ, ید بیضاء - تبدیل شدن عصا به اژدها داشته باشد که قبلاً توسط موسی علیه السلام انجام شده بود.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۵۰ و ۳۵۱.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۳۳.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۱۹۸.

چکیده

۱. یهود در کتاب های خویش دیده بود که هجرت گاه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بین کوه «عیر» و کوه «احد» خواهد بود؛ از این رو برای رسیدن به این مکان, از سرزمین خویش بیرون آمدند و به جست وجوی سرزمین مهاجرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله پرداختند. آنان در این میان به کوهی بنام «حدّاد» رسیده، گفتند: «حداد» همان «احد» است و در همان جا متفرق شدند و هر گروهی در محلی مسکن گزیدند.

۲. یهودیان با عشق و علاقه مخصوصی به رسول خدا صلی الله علیه و آله ، در سرزمین مدینه ساکن شده و با بی صبری در انتظار ظهور آن حضرت بودند؛ ولی هنگامی که از سوی خداوند, قرآن برای آنها نازل شد - که موافق نشانه هایی بود که یهود با خود داشتند - نسبت به او کافر شدند.

۳. منظور از جمله فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ این است که: بنی اسرائیل زمانی که در بیابان سینا بودند گرفتار غضب الهی شده و دیگر بار نیز به سبب کشتن پیامبران، مورد خشم قرار گرفتند. با این حال بازماندگان آنها پس از ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله نیز همان روش نیاکان خود را ادامه دادند و در برابر آن حضرت صلی الله علیه و آله به مبارزه پرداختند و این سبب شد که غضب تازه ای آنها را فرا گیرد.

۴. یهودیان می گفتند: ما به چیزی ایمان می آوریم که بر خود ما نازل شده باشد، نه بر اقوام دیگر. آنها نه به «انجیل» ایمان آوردند و نه به «قرآن», بلکه تنها جنبه های نژادی و منافع خویش را در نظر می گرفتند؛ در حالی که اگر پذیرش دستورات الهی مشروط به این باشد که بر خود ما نازل گردد، این در حقیقت شرک است، نه ایمان، و کفر است، نه اسلام؛ پذیرفتن چنین دستوراتی نیز هرگز دلیل ایمان نخواهد بود.

پرسش ها و تمرین ها

۱. شأن نزول آیه وَ لَمّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللّهِ عَلَی الْکافِرِینَ را به اختصار بنویسید.

۲. منظور از جمله فَباؤُ بِغَضَبٍ عَلی غَضَبٍ چیست؟ شرح دهید.

۳. از آیه وَ لَقَدْ جاءَکُمْ مُوسی بِالْبَیِّناتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُونَ چه نکات و پیام هایی استفاده می شود؟

منابع بیشتر جهت تحقیق و پژوهش

۱. شناخت ادیان، جلد ۱و۲، گروه عقاید، واحد تألیف و ترجمه کتاب های درسی؛

۲. یهودیت، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی؛

۳. تفسیر فخر رازی (مفاتیح الغیب)، جلد اول؛

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی.

۲۴- خودپرستی یهود

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با معنای وَ أُشْرِبُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ ؛ گروه از خودراضی؛ اطلاع یهود از اعمال ننگین خود؛ حرص و طمع یهود نسبت به دنیا؛ ملّت بهانه جو؛ پیام های آیات ۹۳ - ۹۶.

کلیدواژه ها) پیمان، اشراب، ایام معدوده، حریص، یهود، نصارا.

* * *

۹۳. وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَکُمْ وَ رَفَعْنا فَوْقَکُمُ الطُّورَ خُذُوا ما آتَیْناکُمْ بِقُوَّهٍ وَ اسْمَعُوا قالُوا سَمِعْنا وَ عَصَیْنا وَ أُشْرِبُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِکُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَما یَأْمُرُکُمْ بِهِ إِیمانُکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ .

و [به یاد آورید] زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم [و گفتیم:] «این دستوراتی را که به شما داده ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!» آنها گفتند: «شنیدیم ولی مخالفت کردیم.» و دل های آنها بر اثر کفرشان، با محبت گوساله آمیخته شد. بگو: «ایمان شما، چه فرمان بدی به شما می دهد، اگر ایمان دارید!».

گوساله پرستی بنی اسرائیل

شبیه این آیه، در درس هجدهم (ذیل آیه ۶۳) بیان گردید. در این جا نیز خداوند

مجدداً به قرار گرفتن کوه طور در بالای سر یهودیان اشاره نموده (۱) و می فرماید: «ما از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان قرار دادیم و به شما گفتیم دستورات ما را محکم بگیرید و درست بشنوید؛ اما آنها گفتند: «شنیدیم ولی مخالفت کردیم».

آری؛ دل های آنها به سبب کفرشان، با محبت گوساله آبیاری شده و شرک و دنیاپرستی - که نمونه آن عشق به گوساله طلایی سامری بود - در تار و پود قلبشان نفوذ کرده و در سراسر وجودشان ریشه دوانده بود. آنان به همین دلیل خدا را فراموش کرده بودند.

شگفتا! این چگونه ایمانی است که هم با کشتن پیامبران خدا علیهم السلام سازگار است، هم گوساله پرستی را اجازه می دهد و هم میثاق های محکم الهی را به دست فراموشی می سپرد؟! اگر شما مؤمنید ایمانتان بد دستوراتی به شما می دهد. (۲)

کلمه «اشراب» با توجه به مفردات راغب، دو معنا دارد:

نخست: اگر از باب «اشربت البعیر» باشد، به این معناست که دو ریسمان را به گردن شتر بستم. بنابراین معنای جمله بالا چنین است: «ریسمانی محکم از علاقه و محبت، قلب آنها را با گوساله ارتباط داده بود».

دوم: اگر از ماده «إشراب» به معنای آبیاری کردن باشد، در این صورت کلمه «حب» در تقدیر خواهد بود و معنای جمله چنین است: «بنی اسرائیل، قلوب خود را با محبت گوساله سامری آبیاری کردند».

۱- (۱) . مسئله قرار گرفتن کوه طور در بالای سر بنی اسرائیل در سوره نساء، آیه ۱۵۴ نیز اشاره شده است.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۵۱.

از تعبیر فوق نکته دیگری را نیز می توان دریافت و آن این که نباید از این کارهای نادرست بنی اسرائیل تعجب کرد؛ زیرا این اعمال، محصول سرزمین قلب آنهاست که با آبِ شرک آبیاری شده و چنین سرزمینی که با چنان آبی سیراب شود، محصولی جز خیانت و قتل پیامبران علیهم السلام و گناه و ظلم نخواهد داشت. (۱)

پیام های آیه

۱. گاهی برای ابلاغ پیام، تهدید لازم است؛

۲. دریافت احکام الهی نیاز به قوت و قدرت دارد؛ (۲)

۳. عشق و علاقه مفرط خطرناک است؛ زیرا زمانی بنی اسرائیل حاضر به پذیرش حقایق نشدند که دل هایشان از محبت به گوساله پر شده بود.

* * *

۹۴. قُلْ إِنْ كانَتْ لَكُمُ الدّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللّهِ خالِصَةً مِنْ دُونِ النّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ .

بگو: «اگر [آن چنان که مدعی هستید] سرای دیگر در نزد خدا، مخصوص شماست، نه سایر مردم، پس اگر راست می گویید آرزوی مرگ کنید!».

خودپرستی یهود

از تاریخ زندگی یهود علاوه بر آیات مختلف قرآن مجید، چنین برمی آید که آنها خود را یک نژاد برتر می دانستند و معتقد بودند گل سر سبد جامعه هستند و بهشت به خاطر آنها آفریده شده است!:

۱- (۱) . همان، ص ۳۵۱.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۰۰.

وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلاّ مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری . (۱)

و آتش جهنم با آنها چندان کاری ندارد!

وَ قالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النّارُ إِلاّ أَیّاماً مَعْدُودَهً . (۲)

آنها فرزندان خدا و دوستان خاص او هستند.

نَحْنُ أَبْناءُ اللّهِ وَ أَحِبّاؤُهُ . (۳)

این پندارهای موهوم از یک سو آنها را به ظلم و جنایت و گناه و طغیان دعوت می کرد و از سوی دیگر به کِبر و خودپسندی و خودبرتر بینی وامی داشت.

خداوند در آیات فوق به آنها پاسخ داده و می گوید:

اگر (آن چنان که شما مدّعی هستید) سرای آخرت نزد خدا مخصوص شما است، نه سایر مردم، پس اگر راست می گویید آرزوی مرگ کنید. آیا میل ندارید به جوار رحمت خدا پناه برید و نعمت های بی پایان بهشت در اختیار شما باشد؟ آیا دوست، آرزوی دیدن محبوب خود را ندارد؟!

یهودیان با گفتن این سخنان می خواستند مسلمانان را نسبت به آئین شان دلسرد کنند، ولی قرآن پرده از روی دروغ و تزویر آنان برمی دارد؛ زیرا آنها به هیچ وجه حاضر به ترک زندگی دنیا نیستند و این خود دلیل محکمی بر کذب آنها است. به راستی اگر انسان چنان ایمانی به سرای آخرت داشته باشد، پس چرا این اندازه به زندگی این جهان دل می بندد و برای وصول به آن مرتکب هزار گونه جنایت شود؟ (۴)

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۱۱.

۲- (۲) . بقره، آیه ۸۰.

۳- (۳) . مائده، آیه ۱۸.

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۵۵ - ۳۵۶.

پیام های آیه

۱. در برابر موهومات باید با صراحت برخورد کرد؛ (۱)

۲. قوم یهود، قومی نژادپرست بوده و خود را برتر از دیگران می دانند؛ (۲)

۳. وجدان، بهترین قاضی است؛

۴. اشتیاق به مرگ، وسیله ای برای شناخت حقایق از موهومات است؛

۵. آخرت مخصوص گروه خاصی نیست.

* * *

۹۵. وَ لَنْ یَتَمَنَّوْهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ وَ اللّهُ عَلِیمٌ بِالظّالِمِینَ .

ولی آنها به خاطر اعمال بـدی که پیش از خود فرسـتاده انـد، هرگز آرزوی مرگ نخواهنـد کرد و خداونـد از سـتمگران آگاه است.

انسان، آگاه به اعمال خود

در این آیه، قرآن اضافه می کند: «یهودیان به خاطر اعمال بدی که پیش از خود فرستادند هرگز تمنّای مرگ نخواهند کرد».

آری، آنها می دانستند در پرونده اعمالشان چه نقطه های سیاه و تاریکی وجود دارد؛ آنان از اعمال زشت و ننگین خود مطّلع بودند؛ خدا نیز از اعمال این ستمگران آگاه است. بنابراین سرای آخرت برای آنها سرای عذاب، شکنجه و رسوایی است و به همین دلیل خواهان آن نیستند. (۳)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۰۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۲۹۲.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۵۵ و ۳۵۶.

پیام های آیه

۱. خیانت کار، همواره هراسناک است؛ (۱)

۲. قوم یهود هیچ گاه به سراغ مرگ نمی رود؛

۳. اعمال انسان قبل از او به پیشگاه خداوند می رسد؛

۴. خود انسان می داند چه اعمالی انجام داده است (اگر می دانستید اعمالتان خوب است، آرزوی مرگ می کردید)؛

۵. خداوند به اعمال انسان آگاه است؛

۶. مدعیان دروغ گو افراد ظالمی هستند.

* * *

۹۶. وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النّاسِ عَلی حَیاهٍ وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا یَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ یُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَهٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ یُعَمَّرَ وَ اللّهُ بَصِیرٌ بِما یَعْمَلُونَ .

و آنها را حریص ترین مردم - حتی حریص تر از مشرکان - بر زندگی [این دنیا، واندوختن ثروت] خواهی یافت [تا آن جا] که هر یک از آنها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آنها بیناست.

یهود، حریص ترین مردم

در این آیه نیز خداوند از حِرص شدید یهودیان به مادیّات اشاره و می فرماید: «تو آنها را حریص ترین مردم بر زندگی دنیا می بینی»؛ حتی آنها از مشرکان نسبت به دنیا حریص تر هستند؛ حریص در اندوختن مال و ثروت، حریص در قبضه کردن

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۰۳.

دنیا، حریص در انحصارطلبی. آنها چنان به دنیا علاقه دارند که هر کدامشان دوست دارد هزار سال عمر کند، ولی این عمر طولانی، آنها را از عذاب خداوند باز نخواهد داشت. اگر آنها گمان کنند که خداوند از اعمالشان آگاه نیست، اشتباه می کنند، خداوند نسبت به اعمال آنها بصیر و بیناست.

پیام های آیه

۱. یهودیان حریص ترین مردم نسبت به زندگی مادّی هستند؛ (۱)

۲. مشرکان اگر چه نسبت به دنیا حرص دارند، ولی حرص یهود بیشتر از آنهاست؛

۳. عمر طولانی، انسان را از عذاب أخروی نجات نمی دهد. آن چه مهم است قرب به خداوند است؛

۴. خداوند به اعمال انسان آگاه و بصیر است.

چکیده

۱. دل های یهودیان به سبب کفرشان، با محبت گوساله آبیاری شده بود. آری، شرک و دنیاپرستی که نمونه آن عشق به گوساله طلایی سامری بود در تار و پود قلبشان نفوذ کرده بود و در سراسر وجودشان ریشه دوانده بود. به همین دلیل بود که خدا را فراموش کرده بودند.

۲. کلمه «إشراب» همان گونه که از مفردات راغب بر می آید دارای دو معناست:

نخست: اگر از باب «اشربت البعیر» باشد، به معنای «ریسمان را به گردن شتر بستم» می باشد. بنابراین معنای جمله این می شود که «ریسمانی محکم از علاقه و محبت، قلب آنها را با گوساله ارتباط داده بود».

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۲۹۷.

دوم: اگر از ماده «إشراب» به معنای آبیاری کردن باشد، در این صورت کلمه «حب» در تقدیر خواهد بود و معنای جمله چنین است: «بنی اسرائیل قلوب خود را با محبت گوساله سامری آبیاری کردند».

۳. از تاریخ زندگی یهود چنین برمی آید که آنها خود را یک نژاد برتر دانسته و معتقد بودند که گل سرسبد جامعه انسانیت هستند، بهشت به خاطر آنها آفریده شده! و آنان فرزندان خدا و دوستان خاص او هستند.

۴. یهودیان می دانستند که در پرونده اعمالشان چه نقطه های سیاه و تاریکی وجود دارد. آنها از اعمال زشت و ننگین خود مطّلع بودند و خدا نیز از اعمال این ستمگران آگاه است. بنابراین سرای آخرت برای آنها سرای عذاب، شکنجه و رسوایی است و به همین دلیل خواهان آن نیستند.

۵. یهودیان، حریص ترین مردم بر زندگی دنیا هستند و حتی از مشرکان نسبت به دنیا حریص ترند: حریص در اندوختن مال و ثروت، حریص در قبضه کردن دنیا و حریص در انحصارطلبی. آنها چنان علاقه به دنیا دارند که هر یک از آنان دوست دارد تا هزار سال عمر کند. درحالی که این عمر طولانی آنها را از عذاب خداوند باز نخواهد داشت.

ص:۲۷۲

پرسش ها و تمرین ها

۱. مراد از عبارت وَ أُشْرِبُوا فِی قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ چیست؟ شرح دهید.

۲. آیه وَ لَنْ یَتَمَنَّوْهُ أَبَداً بِما قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ وَ اللّهُ عَلِیمٌ بِالظّالِمِینَ را به اختصار تفسیر نمایید.

۳. ازآیه وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النّاسِ عَلی حَیاهٍ وَ مِنَ الَّذِینَ أَشْرَکُوا یَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ یُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَهٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ أَنْ یُعَمَّرَ وَ اللّهُ بَصِیرٌ بِما یَعْمَلُونَ چه نکاتی را می توان دریافت؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله ؛

۲. دراسات فی الیهودیّه و المسیحیّه و ادیان الهند، دکتر محمد ضیاء الرحمن الاعظمی؛

۳. تاریخ جامع ادیان، جان بایر ناس، ترجمه علی اصغر حکمت؛

۴. نور الثقلین، علی بن جمعه الحویزی.

ص:۲۷۳

۲۵- جبرئیل و میکائیل صلی الله علیه و آله

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با جبرئیل و میکائیل صلی الله علیه و آله ؛ دشمنی با فرشتگان الهی دشمنی با خداست؛ پیمان شکنان یهود؛ پیام های آیات ۹۷ - ۱۰۱.

کلیدواژه ها) جبریل، میکال، مصدّق، فاسق، بنی نضیر، بنی قریظه.

* * *

۹۷. قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلْبِکَ بِإِذْنِ اللّهِ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنِینَ .

[آنها می گویند: «چون فرشته ای که وحی را بر تو نازل می کند، جبرئیل است و ما با جبرئیل دشمن هستیم، به تو ایمان نمی آوریم!»] بگو: «کسی که دشمن جبرئیل باشد [در حقیقت دشمن خداست] چرا که او به فرمان خدا، قرآن را بر قلب تو نازل کرده است؛ در حالی که کتاب های آسمانی پیشین را تصدیق می کند و هدایت و بشارت از آن مؤمنان است».

شأن نزول

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه آمدند، روزی «عبدالله ابن صوریا» (یکی از علمای یهود) با جمعی از یهودیان فدک نزد ایشان آمده و سؤالات گوناگونی از آن

حضـرت کردنـد و نشانه هایی را که گواه نبوت و رسالت بود، جست وجو نمودند. از جمله گفتند: «ای محمد صـلی الله علیه و آله ! خواب تو چگونه است؟ زیرا به ما اطلاعاتی درباره خواب پیامبر موعود صـلی الله علیه و آله داده شده است». آن حضرت فرمود:

« تنام عینای و قلبی یقظان!: چشم من به خواب می رود، اما قلبم بیـدار است». گفتنـد: «راست گفتی ای محمد صـلی الله علیه و آله !» پس از سؤالات متعـدد دیگر، بن صوریا گفت: «یک سؤال باقی مانده که اگر آن را صـحیح جواب دهی به تو ایمان می آوریم و از تو پیروی خواهیم کرد؛ نام آن فرشته ای که بر تو نازل می شود، چیست؟» فرمود: «جبرئیل علیه السلام است».

ابن صوریـا گفت: «او دشـمن مـاست، دسـتورهای مشـکل دربـاره جهـاد و جنـگ می آورد، امـا میکائیـل علیه السـلام همیشـه دستورهای ساده و راحت آورده؛ اگر فرشته وحی تو میکائیل علیه السلام بود به تو ایمان می آوردیم»! (۱)

ملت بهانه جو

بررسـی شـأن نزول آیه فوق، انسـان را بار دیگر به یاد بهانه جویی های ملت یهود می انـدازد که از زمان حضـرت موسـی علیه السلام تا کنون این برنامه را دنبال کرده اند و برای شانه خالی کردن از زیر بار حق، هر زمان به سراغ بهانه ای می روند.

در این جا تنها بهانه این است که چون جبرئیل علیه السـلام فرشـته وحی است و تکالیف سنگین خدا را ابلاغ می کند، ما ایمان نمی آوریم؛ زیرا ما دشمن او هستیم، ولی اگر فرشته وحی میکائیل علیه السلام بود، ایمان می آوردیم!؟

از اینان بایـد پرسـید، مگر فرشـتگان الهی با یکـدیگر از نظر انجام وظیفه تفاوت دارنـد؟ قرآن در پاسـخ این بهانه جویی ها می فرماید:

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۳۲۵.

«هر کس دشمن جبرئیل علیه السلام باشد (در حقیقت دشمن خداست)؛ چرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است.» در حقیقت در این آیه، سه پاسخ ارائه شده است:

نخست: جبرئیل علیه السلام چیزی از نزد خود نمی آورد؛

دوم: نشانه صدق پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب های پیشین وجود دارد؛ چرا که اوصاف آن حضرت صلی الله علیه و آله مطابق نشانه های تورات است؛

سوم: این که محتوای آن، خود دلیل بر اصالت و حقانیت آن می باشد. (۱)

پیام های آیه

۱. گاهی لجاجت و عناد انسان به قدری زیاد می شود که به فرشتگان نیز سرایت می کند؛

۲. دفاع از افراد پاک لازم است (خداوند در مقابل تهمت ها از جبرئیل علیه السلام حمایت می کند)؛

۳. قرآن، تصدیق کننده «تورات» واقعی است؛

۴. قرآن، هدایت گر اهل ایمان است؛

۵. تأیید «تورات» از سوی قرآن، دلیلی بر بی جا بودن دشمنی یهود با جبرئیل علیه السلام است (۲) (جبرئیل علیه السلام کتابی آورده که تصدیق کننده تورات است، پس چرا با او دشمنی می کنید؟)؛

۶. خداوند به مؤمنان بشارت داده است.

* * *

ص:۲۷۶

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۳۶۰ - ۳۶۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۰۲.

۹۸. مَنْ کانَ عَدُوًّا لِلّهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِیلَ وَ مِیکالَ فَإِنَّ اللّهَ عَدُوٌّ لِلْکافِرِینَ .

کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد [کافر است و] خداوند دشمن کافران است.

دشمنی با مأموران الهی

این آیه موضوع قبل را با تأکید بیشتر همراه با تهدید بیان می کند که «هر کس دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان الهی و جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام باشد، خداوند دشمن اوست.» آیه شریفه به این نکته اشاره دارد که اینها قابل تفکیک نیستند و دشمنی با هر یک دشمنی با بقیه است و جالب این که از آیه می توان دریافت که دشمنی با مأموران الهی موجب کفر است؛ زیرا در پایان آن آمده است که هر کسی دشمنی با آنها (جبرئیل و میکائیل) داشته باشد، خداوند دشمن کافران است.

در کتاب های اسلامی، معمولاً چهار فرشته مقرب خدا را جبرئیل، میکائیل، اسرافیل، عزرائیل علیهم السلام برشمرده اند که از میان آنان جبرئیل علیه السلام از همه برتر است. در منابع یهود نیز از جبرئیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام سخن به میان آمده است؛ از جمله در کتاب دانیال، جبرئیل علیه السلام ، مغلوب کننده رئیس شیاطین، و میکائیل علیه السلام ، حامی قوم اسرائیل معرفی شده اند.

بعضی از محققان می گویند: در منابع یهود چیزی که دلالت بر خصومت جبرئیل علیه السلام با آنها داشته باشد، دیده نشده. این خود مؤید آن است که اظهار عداوت یهودیان معاصر پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به جبرئیل علیه السلام ، بهانه ای بیش نبوده تا به وسیله آن از پذیرش اسلام سر باز زنند؛ چرا که در منابع مذهبی خودشان ریشه ای نداشته است. (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۶۴.

پیام های آیه

۱. ایمان به همه مقدّسات لازم است؛ (۱)

۲. خداوند دشمن کسانی است که با پیامبران و فرشتگان او دشمن هستند؛ (۲)

۳. فرشتگان نزد خداوند دارای مقام و ارزش هستند؛

۴. دشمنی با اولیای خدا (رسولان و فرشتگان)، کفر است؛

۵. بین انبیاء علیهم السلام و فرشتگان، تضادّی وجود ندارد.

* * *

۹۹. وَ لَقَدْ أَنْزَلْنا إِلَیْکَ آیاتٍ بَیِّناتٍ وَ ما یَکْفُرُ بِها إِلَّا الْفاسِقُونَ .

ما نشانه های روشنی برای تو فرستادیم و جز فاسقان کسی به آنها کفر نمی ورزد.

شأن نزول

در مورد این آیه، شأن نزولی از ابن عباس نقل شده است: «عبدالله ابن صوریا» از روی لجاج و عناد به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفت: «تو چیزی که برای ما مفهوم باشد، نیاورده ای و خداوند نشانه روشنی بر تو نازل نکرده تا ما از تو تبعیت کنیم.» این جا بود که آیه فوق نازل شد و صریحاً به او پاسخ گفت. (۳)

آشکار بودن آیات الهی

در آیه مورد بحث، قرآن به این حقیقت اشاره می کند که دلایل کافی و نشانه های روشن در اختیار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار دارد و آنهایی که انکار

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۰۷.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۰۳.

۳- (۳) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۳۲۷.

می کنند در حقیقت، پی به حقّانیّت دعوت او برده و به جهت اغراض خاصی به مخالفت برخاسته اند.

تفکّر در آیات قرآن برای هر انسان پاکدل و حق جویی، روشن کننده راه است. با مطالعه این آیات می توان به صدق دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و عظمت قرآن پی برد؛ ولی این حقیقت را تنها کسانی درک می کنند که قلب آنها بر اثر گناه تاریک نشده باشد. بنابراین جای تعجب نیست که فاسقان و آلودگان به گناه و آنها که از اطاعت فرمان خدا سر باز زده اند هرگز به آن ایمان نیاورند. (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند انبیاء علیهم السلام را با نشانه های روشن می فرستد؛

۲. فسق و گناه زمینه کفر به آیات الهی را فراهم می کند؛ (۲)

۳. انکار قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله ، کفر است.

* * *

۱۰۰. أَ وَ کُلَّما عاهَدُوا عَهْداً نَبَذَهُ فَرِیقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَکْثَرُهُمْ لا یُؤْمِنُونَ .

و آیا چنین نیست که هر بار آنها [یهود] پیمانی [با خدا و پیامبر] بستند، جمعی آن را دور افکندند [و مخالفت کردند.] آری، بیشتر آنان ایمان نمی آورند.

یهود پیمان شکن

در این آیه خداوند به یکی از اوصاف بسیار زشت گروهی از یهود، یعنی پیمان شکنی - که گویا با تاریخ آنها همراه است - اشاره می نماید؛ زیرا هر بار از

ص:۲۷۹

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۶۵ و ۳۶۶.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۰۸؛تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۴۲.

آنان پیمانی گرفته می شد با آن مخالفت می کردند.

خداونـد از آنها در کوه طور پیمان گرفت که به فرمان های «تورات» عمل کننـد، ولی سـرانجام این پیمان را شکسـتند و فرمان خـدا را زیر پـا گذاشـتند. هم چنین از آنهـا پیمـان گرفته بـود که به پیـامبر موعود صـلی الله علیه و آله که بشـارت آمـدنش در «تورات» داده شده بود، ایمان بیاورند که به این پیمان نیز عمل نکردند.

یهود «بنی نضیر» و «بنی قریظه» نیز هنگـام ورود پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله به مـدینه با او پیمان بسـتند که به دشـمنانش کمک نکنند، ولی عاقبت این پیمان را شکستند و در جنگ احزاب، با مشرکان مکه بر ضد اسلام همکاری کردند.

اساساً این شـیوه دیرینه اکثریت یهود است که به عهـد خویش پایبند نیسـتند. هم اکنون نیز به روشـنی می بینیم که هرگاه منافع صهیونیست ها و اسـرائیل غاصب به خطر بیفتـد، تمام عهـدنامه های خصوصـی و جهانی را زیر پا گـذارده و با بهانه های واهی همه را به دست فراموشی می سپارند. (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند با قوم یهود، عهد و پیمان بسته بود؛

۲. قوم یهود، عهدشکن هستند؛

۳. عهدشکنان، مورد توبیخ خداوند هستند؛

۴. همه را نباید با یک چشم نگاه کرد؛ چون در بین افراد بد، گاهی افراد خوب هم پیدا می شوند؛

۵. اکثریت یهود به پیامبران علیهم السلام و کتاب های آسمانی ایمان ندارند.

* * *

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۶۶ - ۳۶۷.

۱۰۱. وَ لَمّا جاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ كِتابَ اللّهِ وَراءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لا يَعْلَمُونَ .

و هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغشان آمد، و با نشانه هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که به آنها کتاب [آسمانی] داده شده بود، کتاب خدا را پشت سر افکندند، گویی هیچ از آن خبر ندارند!!

پیامبر صلی الله علیه و آله ، تصدیق کننده تورات

در این آیه، خداوند تأکید گویاتری روی موضوع پیمان شکنی دارد و می فرماید: «هنگامی که فرستاده ای از سوی خدا به سراغ آنها آمد و با نشانه هایی که نزد آنها بود مطابقت داشت، جمعی از آنان که دارای کتاب بودند کتاب الهی را پشت سر افکندند، چنان که گویی اصلاً از آن خبر ندارند».

تا آن زمان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مبعوث نشده بود علمای یهود، مردم را به آمدن آن حضرت بشارت می دادند و نشانه ها و مشخصات او را برمی شمردند؛ اما هنگامی که ایشان به رسالت مبعوث گشت، آن چنان از محتویات تورات، رخ برتافتند که گویی هرگز آن را ندیده و نخوانده بودند. آری، این است نتیجه خودخواهی و دنیاپرستی؛ چنان که انسانی را که در آغاز از مبلغان سرسخت حق بوده به هنگام رسیدن به آن (دنیا)، در صف دشمنان آشتی ناپذیر قرار می دهد. (۱)

پیام های آیه

۱. محمد صلی الله علیه و آله ، رسولی از طرف خداوند است؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۵۵.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص ۳۱۰.

۲. یهودیان نیز موظّف هستند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان بیاورند؛

۳. علم به تنهایی کافی نیست، بلکه ایمان لازم است؛

۴. دانشمندی که به علم خود عمل نکند مانند جاهلان است؛ (۱)

۵. این آیه نیز پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کننده «تورات» می داند؛

۶. این آیه دلالت دارد که همه را نباید با یک چشم نگریست؛

۷. بین شعار تا عمل فاصله است؛ زیرا این افراد پیش از ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله می گفتند: «اگر آن حضرت صلی الله علیه و آله بیاید به او ایمان خواهند آورد»، ولی هنگامی که آن حضرت صلی الله علیه و آله ظهور کرد، در صف مخالفان قرار گرفتند. (۲)

چکیده

۱. یهود به بهانه این که جبرئیل علیه السلام فرشته وحی پیامبر است و تکالیف سنگین خدا را ابلاغ می کند، از ایمان آوردن به پیامبر خودداری کردند و گفتند: «اگر فرشته وحی میکائیل علیه السلام بود، ایمان می آوردیم؟»

۲. خداوند می فرماید: «دشمنی با مأموران الهی موجب کفر است و هر کسی که دشمنی با آنها داشته باشد، کافر است و خداوند نیز دشمن کافران است».

۳. در منابع یهود نیز از «جبرئیل» علیه السلام و «میکائیل» علیه السلام سخن به میان آمده است، از جمله در کتاب دانیال، «جبرئیل» علیه السلام مغلوب کننده رئیس شیاطین و «میکائیل» علیه السلام حامی قوم اسرائیل معرفی شده است.

۴. تفکّر در آیات قرآن برای هر انسان پاکدل و حق جویی، روشن کننده راه هاست. با مطالعه این آیات می توان به صدق دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۱۰.

عظمت قرآن پی برد. اما این حقیقت را تنها کسانی درک می کنند که قلب شان بر اثر گناه تاریک نشده باشد. بنابراین جای تعجب نیست که فاسقان و آلودگان به گناه و آنها که از اطاعت فرمان خدا سر باز زده اند، هرگز به آن ایمان نمی آورند.

۵. خداوند از یهودیان در کوه طور پیمان گرفت که به فرمان های تورات عمل کنند؛ ولی سرانجام این پیمان را شکستند و فرمان او را زیر پا گذاشتند. هم چنین از آنها پیمان گرفته شده بود که به پیامبر موعود صلی الله علیه و آله که بشارت آمدنش در «تورات» داده شده بود ایمان بیاورند که به این پیمان نیز عمل نکردند.

۶. علمای یهود، مردم را به آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت می دادند و نشانه ها و مشخصات او را برمی شمردند، اما هنگامی که به رسالت مبعوث گشت چنان از محتویات «تورات» رخ برتافتند که گویی هرگز آن را ندیده و نخوانده بودند.

ص:۲۸۳

پرسش ها و تمرین ها

۱. شأن نزول آیه قُلْ مَنْ کانَ عَدُوًّا لِجِبْرِیلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلی قَلْبِکَ بِإِذْنِ اللّهِ مُصَدِّقاً لِما بَیْنَ یَدَیْهِ وَ هُدیً وَ بُشْری لِلْمُؤْمِنِینَ را به صورت مختصر توضیح دهید

۲. در آیه فوق سه پاسخ به یهودیان بهانه جو داده شده است؛ با توجه به آیه، آن سه پاسخ را بنویسید.

۳. از آیه ۹۸ سوره بقره چه پیام ها و نکاتی را می توان دریافت؟

۴. در آیه ۹۹ خداوند به چه حقیقتی اشاره نموده است؟ به طور خلاصه شرح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، جعفر سبحانی؛

۲. اسباب النزول، واحدی نیشابوری،

۳. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، جلد۸؛

۴. منشور جاوید، جعفر سبحانی، جلدهای ۲ و ۳.

۲۶- سلیمان علیه السلام و ساحران بابل

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با ماجرای حضرت سلیمان علیه السلام ساحران بابل؛ ماجرای هاروت و ماروت صلی الله علیه و آله ؛ پیام های آیات ۱۰۲ - ۱۰۳.

کلیدواژه ها) سلیمان، سحر، کفر، هاروت، ماروت، اذن الهی.

* * *

۱۰۲. وَ اتَّبَعُوا ما تَتْلُوا الشَّیاطِینُ عَلی مُلْکِ سُلَیْمانَ وَ ما کَفَرَ سُلَیْمانُ وَ لکِنَّ الشَّیاطِینَ کَفَرُوا یُعَلِّمُونَ النّاسَ السِّحْرَ وَ ما أُنْزِلَ عَلَی الْمَلَکَیْنِ بِبابِلَ هارُوتَ وَ مارُوتَ وَ ما یُعَلِّمانِ مِنْ أَحَدٍ حَتّی یَقُولا إِنَّما نَحْنُ فِتْنَهٌ فَلا تَکْفُرْ فَیَتَعَلَّمُونَ مِنْهُما ما یُفَرِّقُونَ بِهِ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ ما هُمْ بِضارِّینَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلّا بِإِذْنِ اللّهِ وَ یَتَعَلَّمُونَ ما یَضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَراهُ ما لَهُ فِی الْآخِرَهِ مِنْ خَلاقٍ وَ لَبِئْسَ ما شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ .

و [یهود] از آن چه شیاطین در عصر سلیمان بر مردم می خواندند، پیروی کردند. سلیمان هرگز [دست به سحر نیالود و] کافر نشد؛ ولی شیاطین کفر ورزیدند و به مردم سحر آموختند. و [نیز یهود] از آن چه بر دو فرشته بابل «هاروت» و «ماروت»، نازل شد پیروی کردند. [آن دو، راه سحر کردن را، برای آشنایی با طرز ابطال آن، به مردم یاد می دادند. و] به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر این که از

پیش به او می گفتند: «ما وسیله آزمایشیم, کافر نشو! [و از این تعلیمات، سوء استفاده نکن!]» ولی آنها از آن دو فرشته، مطالبی را می آموختند که بتوانند به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند؛ ولی هیچ گاه نمی توانند بدون اجازه خداوند، به انسانی زیان برسانند. آنها قسمت هایی را فرا می گرفتند که به آنان زیان می رسانید و نفعی نمی داد و مسلماً می دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت و چه زشت و ناپسند بود آن چه خود را به آن فروختند، اگر می دانستند!!

سلیمان علیه السلام و ساحران بابل

در زمان حضرت سلیمان علیه السلام گروهی در کشور او به سحر و جادوگری پرداختند. حضرت سلیمان علیه السلام دستور داد تمام نوشته ها و اوراق آنها را جمع آوری کرده و در محل مخصوصی نگه داری کنند. پس از وفات آن حضرت گروهی آنها را بیرون آورده و شروع به اشاعه و تعلیم سحر کردند. برخی نیز از این موقعیت استفاده کرده و گفتند: حضرت سلیمان علیه السلام پیامبر نبود بلکه به کمک همین سحر و جادوگری ها بر کشورش مسلط شد و امور خارق العاده انجام می داد! گروهی از بنی اسرائیل هم از آنها تبعیت کردند و سخت به جادوگری دل بستند، تا آن جا که دست از «تورات» نیز برداشتند.

هنگامی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور کرد و ضمن آیات قرآن اعلام نمود حضرت سلیمان علیه السلام از پیامبران خدا بوده است، بعضی از علمای یهود گفتند: از محمد صلی الله علیه و آله تعجب نمی کنید که می گوید حضرت سلیمان علیه السلام پیامبر است، در صورتی که او ساحر بوده؟ لازمه این گفتار یهود - که تهمت و افترای بزرگی نسبت به این پیامبر الهی محسوب می شد - تکفیر حضرت سلیمان علیه السلام بود؛ زیرا طبق گفته آنان، حضرت سلیمان علیه السلام مرد ساحری بوده که خود را به دروغ

پیامبر خوانده و این عمل موجب کفر است. (۱)

بدین ترتیب آیه مورد بحث یکی دیگر از زشت کاری های یهود را معرفی می کند که پیامبر بزرگ خدا حضرت سلیمان علیه السلام را به سحر و جادوگری متهم ساختند. سپس قرآن اضافه می کند: «حضرت سلیمان علیه السلام هرگز کافر نشد؛ او هرگز به سحر توسّل نجست و از جادوگری برای پیشبرد اهداف خود استفاده نکرد؛ ولی شیاطین کافر شدند و به مردم تعلیم سحر دادند. یهود هم چنین از آن چه بر دو فرشته بابل، هاروت علیه السلام و ماروت علیه السلام نازل گردید پیروی کردند.» آری، آنها از دو سو دست به سوی سحر دراز کردند، یکی از سوی تعلیمات شیاطین در عصر حضرت سلیمان علیه السلام ، و دیگری از سوی تعلیماتی که هاروت علیه السلام و ماروت علیه السلام (دو فرشته خدا) در زمینه ابطال سحر به مردم داده بودند. در حالی که هدف دو فرشته الهی تنها آشنایی مردم به طریق ابطال سحر بود؛ لذا به هیچ کس چیزی یاد نمی دادند، مگر این که قبلاً به او می گفتند: «ما وسیله آزمایش شما هستیم، کافر نشوید! (و از این تعلیمات سوء استفاده نکنید)».

این دو فرشته زمانی به میان مردم آمدند که مردم گرفتار چنگال ساحران بودند. آنها مردم را با روش ابطال سحر ساحران آشنا ساختند؛ ولی سوء استفاده کنندگان، این مطلب را وسیله ای برای اشاعه هرچه بیشتر سحر قرار دادند. آنها هم چنین پیامبر بزرگ الهی، حضرت سلیمان علیه السلام را نیز بدین گونه، متهم به سحر ساختند که، اگر عوامل طبیعی به فرمان او است یا جن و انس از او فرمان می برند، همه مولود سحر است. آری، این است راه و رسم بدکاران که همیشه برای توجیه مکتب خود، بزرگان را متهم به پیروی از آن می کنند.

۱- (۱) . إبن هشام، سیره ابن هشام، ج۲، ص۱۹۲.

البته آن دو فرشته به مردم هشدار داده بودند که این یک نوع آزمایش الهی است و سوء استفاده از این تعلیمات، نوعی کفر است؛ اما مردم به این مطلب توجه نکرده و به کارهایی پرداختند که موجب ضرر و زیان و شکست آنها در این آزمایش الهی شد. سوءاستفاده کنندگان، مطالبی را از آن دو فرشته آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی می انداختند، ولی نمی دانستند که قدرت خداوند ما فوق همه این قدرت هاست و هرگز نمی توانند بدون فرمان خدا به کسی ضرر برسانند.

انجام امور، فقط به إذن خدا

این که ساحران نمی توانستند بدون اذن پروردگار به کسی زیان برسانند، بدین معنا نیست که جبر و اجباری در کار باشد، بلکه این مطلب اشاره به یکی از اصول اساسی توحید است که، همه قدرت ها در این جهان از قدرت پروردگار سرچشمه می گیرد، حتی سوزندگی آتش و...، بی اذن و فرمان خدا رخ نمی دهد:

آن چه دلم خواست نه آن می شود هر چه خدا خواست همان می شود

بنابراین ساحر نمی تواند بر خلاف اراده خدا در عالم آفرینش دخالت کند و خدا را در قلمرو حکومتش محدود نماید، بلکه اینها خواص و آثاری است که خدا در موجودات مختلف قرار داده است که بعضی از آن خوب استفاده می کنند و بعضی بد بهره می گیرند. پیام های آیه

۱. جمع آوری اوراق و کتاب های مضرّ لازم است. (۱) (حضرت سلیمان علیه السلام اوراق مضرّ را جمع آوری نمود)؛

ص:۲۸۸

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۱۴.

۲. برای توجیه کـار خود، دامن بزرگـان را آلوده نسازیـد (یهودیان برای توجیه کار خود به سـلیمان تهمت زده و او را متّهم به سِحر می کردند)؛

۳. خداوند از مقام انبیاء علیهم السلام دفاع می نماید؛

۴. سحر در ردیف کفر است (این که سلیمان علیه السلام کافر نبود، بیانگر کفر بودن سحر است)؛

۵. علم ها همیشه مفید نیستند؛

۶. گاهی علم و دانش وسیله ای برای امتحان است؛

۷. سحر و جادو واقعیت دارد و در زندگی انسان موثّر است؛

۸. کسـانی که از سـحر و جـادو علیه دیگران اسـتفاده نماینـد و آن را وسـیله ای برای کسب و کـار خود قرار دهنـد، از مواهب آخرت محروم خواهند بود؛

۹. هیچ کاری در جهان هستی بدون إذن خدا انجام نمی گیرد؛

۱۰. اگرچه ساحر، سحر می کند، ولی تأثیر آن به اذن خداست؛ یعنی می توان با توکّل بر خدا و دعا از سحر نجات پیدا کرد؛

۱۱. از علم و دانش خود سوء استفاده نکنید و به دیگران ضرر نزنید؛

۱۲. فراگیری سحر برای نفع رسانی به مردم جایز است. (۱)

* * *

۱۰۳. وَ لَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَمَثُوبَهٌ مِنْ عِنْدِ اللّهِ خَیْرٌ لَوْ کانُوا یَعْلَمُونَ .

و اگر آنها ایمان می آوردند و پرهیزکاری پیشه می کردند، پاداشی که نزد خداست، برای آنان بهتر بود، اگر آگاهی داشتند!!

ثواب و پاداش الهی

یهودیان، آگاهانه به سعادت و خوشبختی خود و جامعه ای که به آن تعلق داشتند

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۱۹.

پشت پا زده و در گرداب کفر و گناه غوطه ور شدنـد؛ در حالی که اگر آنها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند پاداشـی که نزد خـدا بود برای آنها، از همه این امور بهتر بود. (۱) از این آیه می توان دریـافت که شایعات، تهمت و افترا خلاف تقوای الهی است؛ آن هم تهمت زدن به پیامبران الهی علیهم السلام !

پیام های آیه

۱. ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه تقوا و مراقبت نیز لازم است؛ (۲)

۲. پاداش الهی، قطعی است (لام تأکید)؛

۳. پاداش های الهی در گِرُوِ ایمان و تقوای الهی است. (۳)

چکیده

۱. پس از وفات حضـرت سـلیمان علیه السـلام گروهی از یهودیان شـروع به اشاعه و تعلیم سـحر کردند و بعضی از آنها از این موقعیت اسـتفاده کرده و گفتند: «حضـرت سلیمان علیه السلام اصلاً پیامبر نبود، بلکه به کمک سحر و جادو بر کشورش مسلط شده بود؛» گروهی نیز از آنها تبعیت کردند و به جادوگری دل بستند، تا آن جا که از «تورات» نیز دست برداشتند.

۲. سوء اسـتفاده کنندگان یهود تا آن جا پیش رفتند که پیامبر بزرگ الهی حضـرت سـلیمان علیه السلام را نیز متهم ساختند که اگر عوامـل طـبیعی بـه فرمـان اوسـت یـا جن و انس از او فرمـان می برنـد، همه مولـود سـحر است! آری، این است راه و رسـم بدکاران که همیشه برای توجیه مکتب خود، بزرگان را متهم به پیروی از آن می کنند.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۳.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۲۵.

۳. ساحران نمی توانستند بدون اذن پروردگار به کسی زیان برسانند. البته این بدان معنا نیست که جبر و اجباری در کار باشد، بلکه اشاره به یکی از اصول اساسی توحید است که همه قدرت ها در این جهان از قدرت پروردگار سرچشمه می گیرد، حتی سوزندگی آتش و برندگی شمشیر.

۴. علم ها همیشه مفید نبوده، بلکه گاهی به ضرر جامعه بوده و گاهی نیز وسیله ای برای امتحان است.

۵. تأثیر هر چیزی – حتی سحر و جادو – به اذن خداست و هیچ چیز بدون إذن الهی تحقق نمی یابد.

۶. یهودیان، آگاهانه به سعادت و خوشبختی خود و جامعه ای که به آن تعلق داشتند پشت پا زده و در گرداب کفر و گناه غوطه ور شدند؛ درحالی که اگر ایمان و تقوا پیشه می کردند، پاداشی نزد خدا از همه این امور برای آنها بهتر بود.

ص:۲۹۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. داستان و ماجرای دو فرشته الهی (هاروت و ماروت صلی الله علیه و آله) را با توجه به آیه آن شرح دهید.

۲. قوم بنی اسرائیل چه نسبتی را به حضرت سلیمان علیه السلام می دادند، و خداوند چه عکس العملی مقابل آنها نشان داد؟

۳. از آیه ۱۰۲ سوره بقره، چه نکات و پیام هایی را می توان دریافت؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله جلد۱؛

۲. البیان تفسیر القرآن، ابوالقاسم خویی رحمه الله ؛

۳. تاریخ انبیاء علیهم السلام ، رسولی محلّاتی؛

۴. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله .

۲۷- جلوگیری از سوءاستفاده دشمن

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه ۱۰۴؛ کینه توزی یهود و مشرکان با مسلمانان؛ هدف نسخ؛ پیام های آیات ۱۰۴ - ۱۰۶.

کلیدواژه ها) راعنا، رحمت، نسخ، انساء، تغییر، تأخیر.

بهانه به دست دشمن ندهید

۱۰۴. یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْکافِرِینَ عَذابٌ أَلِیمٌ .

ای افراد باایمان! [هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید] نگویید: «راعنا» بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» است و دستاویزی برای دشمنان.) و (آن چه به شما دستور داده می شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است.

شأن نزول

«ابن عباس» نقل می کند:

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول سخن گفتن با مسلمانان صدر اسلام بود، گاهی از ایشان می خواستند تا اندکی با تأنّی و شمرده تر سخن بگوید تا بتوانند مطالب را خوب

درک کننـد و سؤالاـت و خواسـته هـای خود را نیز مطرح نماینـد. برای این درخواست, جمله «راعنـا» از ماده «الرّعی» به معنای «مهلت دادن» را به کـار می برنـد. ولی یهود همین کلمه را از مـادّه «الرعونه» که به معنـای «کودنی و حماقت» است، اسـتعمال می کردند.

امام باقر علیه السلام در روایتی فرمودند:

کلمه «راعناً» در زبان عبرانی، نوعی فحش و ناسزا بوده است. (۱)

این آیه، از یک نیرنگ دیگر یهود پرده برمی دارد و مسـلمانان را از آن آگاه می سازد؛ زیرا یهود با استفاده از همان جمله ای که مسـلمانان می گفتند، پیامبر صـلی الله علیه و آله یا مسـلمانان را استهزاء می کردند. این جا بود که آیه فوق نازل شد و برای جلوگیری از این سوءاسـتفاده، به مؤمنان دسـتور داد تا به جای جمله «راعنا»، جمله «أنظرنا» را به کار برند تا دسـتاویز یهود قرار نگیرد و همان مفهوم را هم برساند.

جلوگیری از سوءاستفاده دشمن

با توجّه به آن چه در شأن نزول گفته شد، آیه می گوید: ای کسانی که ایمان آورده اید! (هنگامی که از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضـای مهلت برای درک آیـات قرآن می کنیـد) «راعنـا» نگوییـد، بلکه بگوییـد «انظرنـا» (چرا که همـان مفهوم را دارد و دسـتاویزی برای دشـمن نیسـت) و آن چـه بـه شـما دسـتور داده می شـود بشـنوید، و برای کـافران و اسـتهزاء کننـدگان عـذاب دردناکی است. «ازاین رو خداوند در آیه دیگری خطاب به مسـلمانان می فرماید: اگر آنها می گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم» و کلمه «أنظرنا» را به کار می بردند، برای آنها بهتر بود:

وَ لَوْ أَنَّهُمْ قالُوا سَمِعْنا وَ أَطَعْنا وَ اسْمَعْ وَ انْظُرْنا لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ أَقْوَمَ . (۲)

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۱۱۵، ح۳۰۹.

۲- (۲) . نساء، آیه ۴۶.

از این آیه استفاده می شود که مسلمانان باید در برنامه های خود مراقب باشند که هرگز بهانه به دست دشمن ندهند، حتی از یک جمله کوتاه که ممکن است سوژه ای برای سوء استفاده دشمنان گردد، احتراز جویند. قرآن با صراحت برای جلوگیری از سوء استفاده مخالفان، به مؤمنان توصیه می کند که حتی از گفتن یک کلمه مشترک که ممکن است دشمن از آن معنای دیگری قصد کند و به تضعیف روحیه مؤمنان بپردازد، پرهیز کنند. (۱)

پیام های آیه

۱. مسلمانان باید بازتاب بیرونی سخنان خود را در نظر بگیرند؛

۲. دشمن، تمام حرکات مسلمانان را زیر نظر دارد؛

۳. اسلام به انتخاب واژه های مناسب اهمیت می دهد؛

۴. معلّم باید کلام خود را با تأنّی بیان کند تا شاگردان خوب درک کنند؛

۵. باید در سخن گفتن با دیگران ادب را رعایت نمود؛

۶. اگر از چیزی مردم را نهی می کنیم باید جایگزین مناسب آن را معرفی کنیم؛ (۲)

۷. برای اجرای قوانین، تهدید نیز لازم است؛

۸. کافران در روز قیامت به عذابی دردناک دچار خواهند شد.

* * *

۱۰۵. ما یَوَدُّ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ وَ لاَ الْمُشْرِکِینَ أَنْ یُنَزَّلَ عَلَیْکُمْ مِنْ خَیْرٍ مِنْ رَبِّکُمْ وَ اللّهُ یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشاءُ وَ اللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۸۳ - ۳۸۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۱۹.

کافران اهل کتاب، و [هم چنین] مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل گردد، درحالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می دهد و خداوند، صاحب فضل بزرگ است.

کینه توزی یهود

این آیه نیز پرده از یکی از اوصاف زشت یهود برمی دارد که «کینه توزی و عداوت» مشرکان و اهل کتاب نسبت به مؤمنان و پیامبر صلی الله علیه و آله است. خداوند در این آیه می فرماید: «کافرانِ از اهل کتاب و هم چنین مشرکان دوست ندارند خیر و برکتی از سوی خدا بر شما نازل گردد، [ولی آنها باید بدانند که این تنها آرزویی بیش نیست]؛ زیرا خداوند, رحمت (نبوّت) (۱) و خیر و برکت خویش را به هر کس بخواهد اختصاص می دهد.» و هیچ کس نمی تواند مانع آن گردد.

آری، دشمنان از شدت کینه توزی و حسادت حاضر به دیدن این افتخار و موهبت نبودند که ببینند پیامبری همراه با کتاب آسمانی از سوی خداوند بر آنها مبعوث شود. (۲)

پیام های آیه

۱. اراده قلبی و باطنی دشمنان را باید شناخت؛ (۳)

۲. حسادت دشمنان اثری در الطاف الهی ندارد؛

۳. اهل کتاب و مشرکان، افرادی انحصارطلب هستند؛

ص:۲۹۶

۱- (۱) . در روایتی از علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام نقل شده که مراد از رحمت در این آیه، نبوّت است. (مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۴).

۲- (۲) . همان، ص ۳۸۶.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۲۱.

۴. اهل کتاب و مشرکان، دشمنان کینه توز مسلمانان هستند؛ (۱)

۵. انحصارطلبی ممنوع است و خداوند, فضل خود را به هر کسی که بخواهد می دهد (اگرچه دشمنان می گفتند: هر چه خیر است باید برای ما باشد!).

* * *

۱۰۶. ما نَنْسَخْ مِنْ آیَهٍ أَوْ نُنْسِها نَأْتِ بِخَیْرٍ مِنْها أَوْ مِثْلِها أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ .

هر حکمی را نسخ کنیم و یا نسخ آن را به تأخیر اندازیم، بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم. آیا نمی دانستی که خداوند بر هر چیز توانا است؟!

هدف از نسخ

این آیه در حقیقت پاسخی دیگر به بهانه های یهود عصر پیامبر صلی الله علیه و آله است که می گفتند آن حضرت عقیده به نسخ دارد (زیرا یهود نسخ را قبول ندارد و می گوید: اگر چیزی مصلحت دارد دیگر لغو و نسخ آن معنا ندارد) و گاهی می گفتند: «دین، دینِ یهود است و قبله، قبله یهود؛ لذا پیامبر شما صلی الله علیه و آله به سوی قبله ما (بیت المقدس) نماز می خواند»؛ اما هنگامی که حکم قبله تغییر یافت و طبق آیه ۱۴۴ همین سوره، مسلمانان موظف شدند به سوی کعبه نماز بگذارند، این دستاویز از یهود گرفته شد، آنها بهانه تازه ای را آغاز کرده و گفتند: «اگر قبله اولی صحیح بود، پس دستور دوم چیست؟ و اگر دستور دوم صحیح است اعمال گذشته شما باطل است!». قرآن در این آیات به ایرادهای آنها پاسخ می گوید و قلوب مؤمنان را روشن می سازد که اگر حکمی را نسخ کنیم یا بیان آن را به

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۵۴.

تأخیر بیندازیم، بهتر یا مثل آن را در صلاح و مصلحت خواهیم آورد و خداوند بر همه چیز قادر است؟ (۱)

می دانیم نیازهای انسان گاه با تغییر زمان و شرایط محیط دگرگون می شود و گاه ثابت و برقرار است. یک روز برنامه ای ضامن سعادت اوست؛ ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرایط همان برنامه سدّ راه او باشد.

یک روز دارویی برای بیمار، فوق العاده مفید است و طبیب به آن دستور می دهد، اما روز دیگر به سبب بهبودی نسبی بیمار، ممکن است این دارو حتی زیان بار باشد؛ لذا طبیب دستور قطع آن و جانشین ساختن داروی دیگر را می دهد. هم چنین ممکن است درسی امسال برای دانش آموزی سازنده باشد؛ اما همین درس برای سال آینده بی فایده باشد. معلم آگاه باید برنامه را چنان تنظیم کند که سال به سال دروس مورد نیاز شاگردان تدریس شود.

این مسئله مخصوصاً با توجه به قانون تکامل انسان و جوامع روشن تر می گردد؛ چون در روند تکاملی انسان ها، گاه برنامه ای مفید و سازنده است و گاه زیان بار و لازم التغییر؛ به خصوص در هنگام شروع انقلاب های اجتماعی و عقیدتی، لزوم دگرگونی برنامه ها در مقطع های مختلف زمانی روشن تر به نظر می رسد.

البته نباید فراموش کرد که اصول احکام الهی - که پایه های اساسی را تشکیل می دهند - در همه جا یکسان است و هرگز اصل توحید یا عدالت اجتماعی و صدها حکم مانند آن دگرگون نمی شود، بلکه تغییر در مسائل کوچکتر و دست دوم است. (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۳۸۸ و ۳۸۹.

۲- (۲) . همان، ص۳۹۱.

پیام های آیه

۱. انسان گاهی در شرایطی قرار می گیرد که باید مطابق دستورالعمل ها تغییر کند؛

۲. تغییر احکام، دلیلی بر شکست حکم قبلی نیست، بلکه تغییری حکیمانه است؛ مانند تغییر معلم و کتاب؛ (۱)

۳. به اصل جایگزینی توجه کنید و اگر چیزی را برمی دارید چیز مناسبی را جایگزین آن کنید؛ (۲)

۴. جعل احکام و تغییر آنها فقط به دست خداوند است.

چکیده

۱. ابن عباس نقل می کند: «مسلمانان صدر اسلام هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول سخن گفتن بود از او می خواستند کمی با تأنّی سخن بگوید تا بتوانند مطالب را خوب درک کنند. آنها برای این درخواست جمله «راعنا» که به معنای «مهلت دادن» است را به کار می بردند، ولی یهود کلمه «راعنا» را به معنای «کودنی و حماقت» استعمال می کردند. این اشتراك لفظی، دستاویزی برای یهود شده بود که با استفاده از همان کلمه، پیامبر صلی الله علیه و آله یا مسلمانان را استهزاء کنند. خداوند برای جلوگیری از این سوءاستفاده دستور داد به جای «راعنا» از جمله «انظرنا» استفاده کنند تا دستاویزی برای دشمن لجوج پیدا نشود».

۲. اهل کتاب و هم چنین مشرکان دوست ندارند خیر و برکتی از سوی خدا بر شما نازل گردد، ولی آنها باید بدانند که این تنها آرزویی بیش نیست؛ زیرا

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۲۳.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۵۷.

خداوند رحمت و خیر و برکت خویش را به هر کس بخواهد اختصاص می دهد و هیچ کس نمی تواند مانع آن گردد.

تبلیغات سوء یهود بر ضـد مسـلمانان به حـدّی بود که گاهی به مسـلمانان می گفتنـد: «دین، دین یهود است و قبله، قبله یهود و بـدین جهت پیـامبر شـما صـلی الله علیه و آله به سوی قبله مـا (بیت المقـدس) نماز می خوانـد»؛ اما هنگامی که حکم قبله تغییر یافت، مسلمانان موظف شدند به سوی کعبه نماز بگذارند و این دستاویز از یهود گرفته شد.

۳. حکمت نسـخ یـا تغییر حکم - به خصوص بـا توجه به قـانون تکامـل انسان و جوامع - زمانی روشن تر می شود که در روند تکـاملی انسـان هـا گـاه برنـامه ای مفیـد و سازنـده است و گـاه زیـان بار و لازم التغییر؛ به خصوص هنگام شـروع انقلاب های اجتماعی و عقیـدتی، لزوم دگرگونی برنامه ها در مقطع های مختلف زمانی بیشتر احساس می شود. البته نباید فراموش کرد که اصول احکام الهی - که پایه های اساسی را تشکیل می دهد - در همه جا یکسان است و هرگز تغییر نمی کند.

ص:۳۰۰

پرسش ها و تمرین ها

۱. آیه یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَقُولُوا راعِنا وَ قُولُوا انْظُرْنا... را تفسیر کنید و پیام ها و نکاتی که از آن استفاده می شود را بنویسید.

۲. هدف از نسخ چیست؟ آیا نسخ یک مسئله ضروری و لازم است؟ توضیح دهید.

۳. از آیه ۱۰۵ سوره بقره چه نکات آموزنده ای را می توان برداشت نمود؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. اسباب النزول، محمدباقر حجتی؛

۲. اسباب النزول، واحدی نیشابوری؛

۳. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی؛

۴. علوم قرآنی، محمد هادی معرفت رحمه الله ؛

۵. درسنامه علوم قرآنی سطح۲، حسین جوان آراسته.

۲۸- بهانه جویی برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با مالکیت خداوند نسبت به آسمان ها و زمین؛ بهانه های بی اساس یهود؛ حسودان لجوج؛ دستورات سازنده خداوند به مؤمنان؛ پیام های آیات ۱۰۷ - ۱۱۰.

کلیدواژه ها) ملک، ولی، کفر، ایمان، عفو، صفح.

* * *

۱۰۷. أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّهَ لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ .

آیا نمی دانستی که حکومت آسمان ها و زمین، از آنِ خداست؟! [و حق دارد هر گونه تغییر و تبدیلی در احکام خود طبق مصالح بدهد؟!] و جز خدا، ولی و یاوری برای شما نیست [و اوست که مصلحت شما را می داند و تعیین می کند].

حاکمیت خداوند

خداوند حق دارد طبق مصالح، هرگونه تغییر و تبدیلی در احکام خود ایجاد کند و او نسبت به مصالح بندگانش از همه آگاه تر و بصیرتر است.

در واقع جمله اول این آیه لَهُ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ اشاره به حاکمیت خدا

در احکام و قادر بودن او بر تشخیص همه مصالح بندگان است؛ بنابراین نباید مؤمنان به حرف های نابه جای افراد مغرض که در مسئله نسخ احکام تردید می کنند، گوش فرا دهند.

جمله دوم ما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لا نَصِيرٍ هشداری است به آنها که تکیه گاهی غیر از خدا انتخاب می کنند؛ چراکه در جهان تکیه گاه واقعی خداست. (۱)

پیام های آیه

۱. حاکمیت مطلق آسمان و زمین به دست خداوند است؛ (۲)

۲. جهان آفرینش دارای آسمان های متعدد است؛

۳. نباید غیر خدا را ولی و سرپرست خود قرار داد.

* * *

۱۰۸. أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْئَلُوا رَسُولَكُمْ كَما سُئِلَ مُوسى مِنْ قَبْلُ وَ مَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمانِ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبِيلِ .

آیا می خواهید از پیامبر خود، همان تقاضای [نامعقولی را] بکنید که پیش از این، از موسی کردند؟! [و با این بهانه جویی ها، از ایمان آوردن سر باز زدند]. کسی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم (عقل و فطرت) گمراه شده است.

شأن نزول

در کتاب های تفسیر، شأن نزول هایی برای این آیه ذکر شده است که از نظر نتیجه تقریباً با هم یکسان هستند:

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۳۸۹.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۲۵.

نخست: از ابن عباس نقل شده که وهب بن زید و رافع بن حرمله نزد رسول خد صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: از سوی خدا نامه ای برای ما بیاور تا آن را بخوانیم و سپس ایمان بیاوریم! یا نهرهایی برای ما جاری فرما تا از تو پیروی کنیم!

دوّم: بعضی دیگر گفته اند: گروهی از اعراب از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همان تقاضایی را کردند که یهود از حضرت موسی علیه السلام داشتند؛ گفتند: خدا را آشکارا به ما نشان ده تا با چشم خود ببینیم و ایمان بیاوریم!

سوّم: بعضی دیگر نوشته اند که آنها از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضا کردند برای آنان بتی از درخت مخصوص «ذات أنواط» قرار دهد تا آن را پرستش کنند؛ همان گونه که جاهلان بنی اسرائیل به موسی علیه السلام گفتند: اِجْعَلْ لَنا إِلهاً كَما لَهُمْ آلِهَةٌ ؛ «برای ما بتی قرار ده، همان گونه که بت پرستان دارند»! در این هنگام آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ گفت. (۱)

بهانه جویی برخی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

گرچه این آیه خطاب به یهود نیست، بلکه مخاطب آن گروهی از مسلمانان ضعیف الایمان یا مشرکانند، ولی - چنان که خواهیم دید - بی ارتباط به سرگذشت یهود نمی باشد. شاید پس از ماجرای تغییر قبله بود که جمعی از مسلمانان و مشرکان بر اثر وسوسه یهود، تقاضاهای بی مورد و نابه جایی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کردند که نمونه های آن ذکر شد. خداوند بزرگ آنها را از چنین پرسش هایی نهی کرده, می فرماید:

«آیا شما می خواهید از پیامبرتان همان تقاضاهایی را بکنید که قبلًا از حضرت موسی علیه السلام کردند؟» (و با این بهانه جویی ها شانه از زیر بار ایمان خالی کنید).

ص:۳۰۴

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۳۵۱؛ الواحدی النیشابوری، اسباب النزول، ص۲۲.

از آن جـا که این کـار، نوعی مبادله «ایمان» با «کفر» است، خداونـد در پایان آیه می فرمایـد: «کسـی که کفر را به جای ایمان بپذیرد، از راه مستقیم گمراه شده است».

اشتباه نشود! اسلام هرگز از پرسش های علمی و سؤالات منطقی و هم چنین تقاضای معجزه - برای پی بردن به حقّانیّت دعوت پیامبر صـلی الله علیه و آله - جلوگیری نمی کنـد؛ چرا که راه درک و فهم و ایمان همین ها است. ولی گروهی بودند که برای نرفتن زیر بار دعوت پیامبر صـلی الله علیه و آله سؤالات بی اساس و معجزات اقتراحی را بهانه قرار می دادنـد و با این که پیامبر صلی الله علیه و آله به انـدازه کـافی دلیـل و معجزه در اختیارشـان قرار داده بود، هر یـک که از راه می رسـید، پیشـنهاد خـارق عـادت جدیـدی می کرد؛ حـال آن که می دانیم اعجـاز و خـارق عـادات، بـازیچه این و آن نیست و به مقـداری لازم است که اطمینان به صدق گفته های پیامبر صـلی الله علیه و آله ایجاد کند؛ وگرنه پیامبر صلی الله علیه و آله یک خارق العاده گر نیست که گوشه ای بنشیند و هر کس بیاید و پیشنهاد معجزه ای مطابق میل و سلیقه خویش کند. (۱)

پیام های آیه

۱. درخواست های نامعقول از رهبران الهی، انسان را به کفر و گمراهی سوق می دهد؛ (۲)

۲. پاسخ گویی به هوس های هر فردی لازم نیست؛

۳. کفرورزی بعد از ایمان به خدا، انحراف از صراط مستقیم است؛

۴. پیامبران الهی، تحت تأثیر درخواست های نابجای مردم قرار نمی گیرند؛

۵. بعضی از سؤالات بی مورد، باعث کفر انسان می گردد.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۳۹۶ و ۳۹۷.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص۳۵۸.

* * *

۱۰۹. وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمانِكُمْ كُفّاراً حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتّى يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ .

بسیاری از اهل کتاب، از روی حسد - که در وجود آنها ریشه دوانده - آرزو می کردند شما را بعد از اسلام و ایمان، به حال کفر بازگردانند، با این که حق برای آنها کاملاً روشن شده است. شما آنها را مورد بخشش قرار داده و گذشت نمایید تا خداوند فرمان خودش (فرمان جهاد) را بفرستد؛ خداوند بر هر چیزی تواناست.

حسودان لجوج

بسیاری از اهل کتاب - از یهود و نصارا - در مدینه، هنگامی که با پیشرفت روزافزون اسلام و مسلمانان روبه رو شدند به آنها حسد ورزیدند و همیشه آرزو داشتند مسلمانان دست از اسلام بردارند و به آنها بپیوندند؛ در حالی که این افراد، حق را شناخته و حقّانیت اسلام را هم درک کرده بودند, ولی به خاطر منافع شخصی، آن را نادیده می گرفتند و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود. (۱)

در این جا قرآن به مسلمانان دستور می دهد که در برابر این تلاش های انحرافی و ویرانگر، آنها را عفو کنید و گذشت نمایید تا خدا فرمان خودش را بفرستد.

این در واقع یک دستور تاکتیکی است که به مسلمانان داده شده که در برابر فشار شدید دشمن در آن شرایط خاص، از سلاح عفو و گذشت استفاده کنند و به ساختن خویشتن و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند.

منظور از فرمان خدا در این جا به گفته بسیاری از مفسران، فرمان جهاد است که در آن هنگام هنوز نازل نشده بود؛ شاید به این علت که هنوز آمادگی

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۳۲۲.

همه جانبه برای این فرمان نداشتند؛ بنابراین بسیاری معتقدند که این آیه، به وسیله آیات جهاد - که بعداً به آن اشاره خواهد شد - نسخ شده است. اما تعبیر به نسخ شاید در این جا درست نباشد؛ چرا که «نسخ» آن است که حکمی ظاهراً به صورت نامحدود تشریع گردد، اما در باطن موقت باشد؛ ولی حکم عفو و گذشت در آیه مورد بحث، در شکل محدود بیان شده است؛ محدود به زمانی که فرمان الهی دائر به جهاد نیامده است. (۱)

پیام های آیه

۱. در برخورد با دشمن نیز باید انصاف را رعایت کرد؛ (۲)

۲. حسادتِ کفار چنان است که حتی بعد از علم و آگاهی هم دست بردار نیستند؛

۳. دشمن شناس باشید، ولی در مبارزه با او عجله نکنید؛ (۳)

۴. همه جا نباید با خشونت رفتار کرد، بلکه گاهی مدارا و عفو لازم است؛

۵. برخورد با دشمن باید مرحله به مرحله صورت گیرد؛ (۴)

۶. آرزوی یهود و نصارا این است که مسلمانان دست از دین خود بردارند؛

۷. دستور خداوند بر مدارا کردن با اهل کتاب به جهت ناتوانی خداوند بر یاری مسلمانان نیست؛ زیرا او بر هر کاری قادر است؛

۸. گاهی عفو، نشان ضعف نیست؛ زیرا خداوند بر انجام هر کاری تواناست. (۵)

* * *

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۳۹۸ -۳۹۹.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص۲۲۸.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۶۱.

۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص۳۴۵.

۵- (۵) . تفسیر نور، ج ۱، ص۲۲۹.

۱۱۰. وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ وَ ما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكَمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللّهِ إِنَّ اللّهَ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ .

و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هر کار خیری را که برای خود از پیش می فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت؛ خداوند به اعمال شما بیناست.

رابطه با خدا و مردم

برای رسیدن به پیروزی باید خود را در دو جهت تقویت کنیم:

۱. نماز، که رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می کند؛

۲. زکات، که رابطه میان انسان و جامعه است.

سپس مسلمانان را تشویق می کند که هر کار خیری را انجام دهند و تصور نکنند کارهایی که انجام داده و اموالی را که در راه خدا انفاق می کنند از بین می رود؛ نه، آن چه از نیکی ها که انسان از پیش می فرستد، همه آنها را نزد خدا خواهد یافت و او به طور دقیق می داند کدام عمل را به خاطر او انجام داده و کدام عمل برای غیر او صورت گرفته است. (۱)

پیام های آیه

۱. ارتباط با خدا از ارتباط با مردم جدا نیست؛ (۲)

۲. آن چه شما برای خود انجام می دهید نزد خدا محفوظ است و آن را خواهید یافت؛

۳. مقدار کمک مهمّ نیست، بلکه آن چه مهم است این است که خیر باشد؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۴۰۰.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص ۲۳۰؛ تفسیر کوثر، ج۱، ص۳۲۴.

۴. اعمال انسان قبل از خود انسان وارد قیامت می شود؛

۵. انجام کارهای خیر به نفع خود انسان است؛

۶. اقامه نماز و پرداخت زکات، بهترین توشه برای قیامت است؛

۷. اعمال انسان در روز قیامت، تجسّم پیدا می کند؛ (۱)

۸. خداوند به اعمال انسان آگاه و بصیر است؛ پس باید مراقب اعمال خود باشیم.

چکیده

۱. خداوند طبق مصالح, حقِ هرگونه تغییر و تبدیلی در احکامش دارد و او نسبت به مصالح بندگانش از همه آگاه تر و بصیرتر است.

۲. پس از ماجرای تغییر قبله، جمعی از مسلمانان و مشرکان بر اثر وسوسه یهود، تقاضاهای بی موردی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کردند که خداوند آنها را از چنین پرسش هایی نهی کرد و فرمود: «آیا شما می خواهید از پیامبرتان همان تقاضاهایی را بکنید که قبلاً از حضرت موسی علیه السلام کردند؟» البته اسلام هرگز از پرسش های علمی برای پی بردن به حقّانیّت دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله جلوگیری نمی کند؛ زیرا راه درک و فهم و ایمان از طریق همین سؤالات است.

۳. بسیاری از اهل کتاب – مخصوصاً یهود – اصرار داشتند که مؤمنان نیز از ایمانشان بازگردند و انگیزه آنان در این امر چیزی جز حسد نبود. در این جا قرآن به مسلمانان دستور می دهد که در برابر این تلاش های انحرافی و ویرانگر، فعلاً آنها را عفو کنید تا خدا فرمان خویش را بفرستد و این در واقع دستوری تاکتیکی برای مسلمانان بود.

۴. مسلمانان در برابر فشار شدید دشمن در آن شرایط خاص باید از سلاح

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۴۹.

عفو و گذشت استفاده کنند و به ساختن خویشتن و جامعه اسلامی بپردازند و در انتظار فرمان خدا باشند.

۵. در برخورد با دشـمن هم بایـد انصاف را رعایت کرد و در همه جا نباید با خشونت رفتار کرد، بلکه گاهی مدارا و عفو لازم است، اگرچه به صورت موقت باشد.

۶. نماز، رابطه محکمی میان انسان و خدا ایجاد می کند و زکات، رمز همبسـتگی های اجتماعی است و هر دو برای پیروزی بر دشمن لازم است.

۷. انسان نبایـد تصور کنـد کارهای نیکی که انجام می دهـد یا اموالی که در راه خـدا انفاق می کنـد، از بین می رود، بلکه آن چه از نیکی ها از پیش می فرستد آنها را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهد یافت.

ص:۳۱۰

پرسش ها و تمرین ها

۱. آیه أَ لَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللّهَ لَهُ مُلْکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما لَکُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصِیرٍ از دو جمله اساسی تشکیل شده است و هر یک اشاره به مطلبی خاص دارند؛ آن دو مطلب کدام است؟ توضیح دهید.

۲. آیه ۱۰۸ سوره بقره را تفسیر کرده و نکات و پیام هایی که از آن استفاده می شود را بیان نمایید.

۳. در آیه ۱۱۰، دو دستور مهم و سازنده برای مؤمنان وجود دارد؛ هر یک را به صورت مستقل شرح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله ، جلد۱؛

۲. ایمان و کفر از کتاب بحارالانوار، علامه مجلسی، ترجمه عزیزالله عطاردی؛

۳. آداب الصلوه، امام خمینی رحمه الله ؛

۴. نماز از دیدگاه قرآن، حسین موسوی راد؛

۵. منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی.

۲۹- انحصارطلبان بهشت

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با کسانی که بهشت را منحصر به خود می دانند؛ ادعاهای بدون دلیل یهود؛ تضادهای ناشی از انحصارطلبی؛ شأن نزول آیه ۱۱۳؛ پیام های آیات ۱۱۱ - ۱۱۳.

کلیدواژه ها) هود، نصارا، امانی، تسلیم، محسن، حکومت.

* * *

۱۱۱. وَ قالُوا لَنْ یَدْخُلَ الْجَنَّهَ إِلاّ مَنْ کانَ هُوداً أَوْ نَصاری تِلْکَ أَمانِیُّهُمْ قُلْ هاتُوا بُرْهانَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ صادِقِینَ .

آنها گفتند: «هیچ کس، جز یهود یا نصارا، هرگز داخل بهشت نخواهد شد.» این آرزوی آنهاست! بگو: «اگر راست می گویید، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید!».

انحصارطلبان بهشت

«هود» همان یهود است که یاء آن حذف شده است و «نصارا» جمع «نصرانی»، تابعان حضرت مسیح علیه السلام می باشند که به شهر «ناصره», شهر حضرت مسیح علیه السلام نسبت داده شده اند.

در این آیه اشاره به یکی دیگر از ادعاهای پوچ گروهی از یهودیان و

مسیحیان شده است که می گفتند: «هیچ کس جز یهود و نصارا داخل بهشت نخواهد شد.» سپس خداوند به آنها پاسخ داده و می فرماید: «این تنها آرزویی بیش نیست و آنها هرگز به آرزوی خود نخواهند رسید».

آن گاه خداوند خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید:

«به آنها بگو! هر ادّعایی، دلیلی می خواهد؛ چنانچه در این ادعا صادق هستید، دلیل خود را بیاورید».

«امانی» جمع «امنیه» به معنای آرزویی است که انسان به آن نمی رسد.

البته مدعیان اهل کتاب یک آرزو بیشتر نداشتند و آن انحصار بهشت به خودشان بود، ولی از آن جا که این آرزو سرچشمه آرزوهای دیگر و دارای شاخ و برگ های دیگری است، به صورت جمع (امانی) ذکر شده است. (۱)

بنابراین آیه فوق، از یهود و نصارا برای اثبات عقیده باطلی که داشتند درخواست برهان می کند و این نکته را به همه مسلمانان می آموزد که زیر بار سخنان بی دلیل نروند و هر کس ادعایی کرد، از او مطالبه دلیل کنند تا بدین وسیله تقلیدهای کورکورانه شکسته شده و تفکر منطقی بر جامعه حاکم گردد.

پیام های آیه

۱. یهودیان و مسیحیان، بهشت را مخصوص خود و دیگران را از آن محروم می دانند؛ (۲)

۲. عقاید اهل کتاب آمیخته با خیالات واهی و سست است؛

۳. عقاید و باورهای دینی باید همراه با دلیل و برهان باشد؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۰۲ و ۴۰۳.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۵۱.

۴. ادعای بدون دلیل، محکوم است؛ (۱)

۵. یهود و نصارا خود را نژاد برتر می دانند. (۲)

* * *

۱۱۲. بَلی مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ .

آری، کسی که روی خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است؛ نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می شوند. (بنابراین، بهشت خدا در انحصار هیچ گروهی نیست).

تسلیم در برابر خدا

این آیه پس از اثبات این واقعیت که آنها (یهودیان) هیچ دلیلی بر این ادّعا (انحصاری بودن بهشت) ندارند و تنها خیالی است که در سر می پرورانند، معیار اصلی و اساسی ورود در بهشت را به صورت یک قانون کلی بیان کرده و می فرماید: کسی که در برابر خداوند تسلیم گردد و نیکوکار باشد، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است. چنین کسانی نه ترسی خواهند داشت و نه غمگین می شوند. به عبارت دیگر، ایمان به خدا باعث اطمینان و آرامش روان انسان می گردد.

بهشت و پاداش خداوند در انحصار هیچ طایفه ای نیست، بلکه از آنِ کسانی است که واجد دو شرط باشند:

۱. تسلیم محض در مقابل فرمان حق و تبعیض در احکام الهی را ترک کنند؛

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۶۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۳۱.

یعنی چنان نباشد که هر دستوری موافق منافعشان است، بپذیرند و هر چه مخالف آن باشد پشت سر اندازند.

۲. آثار این ایمان در عمل آنها به صورت انجام کار نیک منعکس گردد. در حقیقت قرآن با این بیان مسئله، نژادپرستی و تعصب های نابه جا را به طور کلّی نفی کرده و سعادت و خوشبختی را از انحصار طایفه خاصی بیرون می آورد و بدین ترتیب معیار رستگاری را که ایمان و عمل صالح است، مشخص می سازد.

پیام های آیه

۱. برای ورود به بهشت، به جای خیال و آرزو، ایمان و عمل صالح لازم است؛ (۱)

۲. پاداش های الهی برای کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا باشند و کارهای خود را با اخلاص انجام دهند؛

۳. از جمله «و هو محسن» فهمیده می شود که باید نیکوکاری سیره و روش انسان باشد؛ زیرا این واژه به صورت اسم فاعل آمده است که دلالت بر استمرار دارد؛

۴. قیامت، مکانی است هراسناک و اندوهناک. (۲)

* * *

۱۱۳. وَ قالَتِ الْیَهُودُ لَیْسَتِ النَّصاری عَلی شَیْ ءٍ وَ قالَتِ النَّصاری لَیْسَتِ الْیَهُودُ عَلی شَیْ ءٍ وَ هُمْ یَتْلُونَ الْکِتابَ کَذلِکَ قالَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللّهُ یَحْکُمُ بَیْنَهُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ فِیما کانُوا فِیهِ یَخْتَلِفُونَ .

یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی [نزد خدا] ندارند»، و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند [و بر باطل اند]» در حالی که هر دو دسته، کتاب

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۳۲.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۵۵.

آسمانی را می خوانند [و باید از این گونه تعصب ها برکنار باشند] افراد نادان [دیگر، همچون مشرکان] نیز، سخنی همانند سخن آنها داشتند! خداوند، روز قیامت، درباره آن چه در آن اختلاف داشتند، داوری می کند.

شأن نزول

جمعی از مفسران از ابن عباس چنین نقل کرده اند: هنگامی که گروهی از مسیحیان «نجران» خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند، عده ای از علمای یهود نیز در آن جا حضور یافتند که بین آنها و مسیحیان در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله ، نزاع و مشاجره صورت گرفت. رافع بن حرمله (یکی از یهودیان) رو به جمعیت مسیحیان کرد و گفت: «آیین شما پایه و اساسی ندارد» و نبوت عیسی علیه السلام و کتاب «انجیل» را انکار کرد. مردی از مسیحیان نجران نیز عین این جمله را در پاسخ آن یهودی تکرار نمود و گفت: «آیین یهود پایه و اساسی ندارد». در این هنگام آیه فوق نازل شد و هر دو دسته را به خاطر گفتار نادرستشان ملامت نمود. (۱)

تضادهای ناشی از انحصارطلبی

لازمه سخن یهود و نصارا در دانستنِ بهشت برای خود, این است که هر یک مذهب دیگری را نفی نماید؛ لذا این آیه می فرماید: یهودیان گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی نزد خدا ندارند» و مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند و بر باطل اند.» آنها این سخنان را در حالی می گویند که کتاب آسمانی را می خوانند.

مشرکان نادان نیز همان چیزی را می گفتند که اینها (یهودیان و مسیحیان) می گفتند؛ با این که اینها اهل کتابند و آنها بت پرست.

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۳۵۸.

قرآن سرچشمه اصلی تعصّب را، جهل و نادانی معرفی کرده است؛ زیرا افراد نادان همواره در محیط زندگی خود محصور بوده و غیر آن را قبول ندارند و به آیینی که از کودکی با آن آشنا شده اند - هر چند خرافی و بی اساس باشد - سخت دل می بندند و غیر آن را منکر می شوند. خداوند در پایان آیه به داوری بین آنها در قیامت اشاره کرده است. (1)

فردا که پیش گاه حقیقت شود پدید شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد

پیام های آیه ۱. تعصب بی جا و انحصارطلبی بدون دلیل ممنوع است؛ (2)

۲. دشمنان، خودشان یکدیگر را قبول ندارند؛

۳. در جایی که تعصّب در کار باشد، جاهل و عالم فرقی ندارد (3) (کسانی که اهل کتاب بودند با کسانی که جاهل بودند یک حرف می زدند)؛

۴. مشرکان افرادی جاهل هستند؛ (4)

۵. حاکم اصلی در روز قیامت خداوند است؛

۶. قیامت، صحنه داوری بین امت هاست.

چکیده

۱. یکی دیگر از ادعاهای پوچ و نابه جای گروهی از یهودیان و مسیحیان این بود که می گفتند: «هیچ کس جز یهود و نصارا داخل بهشت نخواهد شد.» ولی خداوند

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۰۶ و ۴۰۷.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۳۴.
۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص ۳۷۰.
۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۵۷.

پاسخ محکمی به آنها داده و می فرماید: «این تنها آرزویی بیش نیست و آنها هرگز به آرزوی خود نخواهند رسید».

۲. معیار اصلی و اساسی ورود به بهشت این است که انسان در برابر خداوند تسلیم گردد و نیکوکار باشد. در این صورت پاداش آنها نزد پروردگارشان ثابت است و چنین کسانی نه ترسی خواهند داشت و نه غمگین می شوند.

۳. در حقیقت، قرآن با بیان مسئله ایمان و عمل صالح، نژادپرستی و تعصب های نابه جا را به طور کلی نفی کرده و سعادت و خوشبختی را از انحصار طایفه خاصی بیرون می آورد و معیار رستگاری را - که ایمان و عمل صالح است - مشخص می سازد.

۴. یهودیان می گفتند: «مسیحیان هیچ موقعیتی نزد خدا ندارند»؛ مسیحیان نیز گفتند: «یهودیان هیچ موقعیتی ندارند و بر باطل اند». آنها این سخنان را در حالی می گفتند که کتاب آسمانی را می خوانند؛ کتابی که می تواند راه گشای آنها در این مسائل باشد. این درحالی است که این گونه سخنان سرچشمه ای جز تعصب و عناد و لجاج ندارد.

۵. سرچشمه اصلی تعصب، جهل و نادانی است؛ چرا که افراد نادان همواره در محیط زندگی خود محصورند و غیرِ آن را قبول ندارند. آنها به آیینی که از کودکی با آن آشنا شده اند - هر چند خرافی و بی اساس باشد - سخت دل بسته و غیر آن را منکر می شوند.

۶. خداوند به مسلمانان دلگرمی می دهد که اگر پیروان این مذاهب به مبارزه با آنها برخاسته اند و آیین آنها را نفی می کنند، هرگز نگران نباشند، چون آنها خودشان را هم قبول ندارند.

ص:۳۱۸

پرسش ها و تمرین ها

۱. آیه۱۱۱ سوره بقره را به صورت مختصر تفسیر کرده و پیام هایی که از این آیه استفاده می شود را بنویسید.

۲. بر اساس آیه ۱۱۲ سوره بقره، خداوند معیار اصلی ورود به بهشت را چه چیزی می داند؟ توضیح دهید.

۳. شأن نزول آیه ۱۱۳ سوره بقره را بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

قلب سلیم، دستغیب شیرازی؛

اسباب النزول، واحدی نیشابوری؛

بهشتیان و دوزخیان در آیینه قرآن، آصف هاشمی؛

شناخت ادیان, جلدهای۱و۲، واحد تألیف و ترجمه کتاب های درسی, گروه عقاید.

۳۰- ستمکارترین مردم

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه ۱۱۴ - ۱۱۵؛ ظالم ترین مردم؛ راه های تخریب مساجد توسط دشمنان؛ پیام های آیات ۱۱۴ - ۱۱۵.

کلیدواژه ها) مسجد، تخریب، خزی، بیت المقدس، وجه الله.

* * *

۱۱۴. وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَساجِدَ اللّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعى فِي خَرابِها أُولئِكَ ما كانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوها إِلاّ خائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَهِ عَذابٌ عَظِيمٌ .

کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرده و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت وارد این (کانون های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا [فقط] رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم [الهی]!!

شأن نزول

برای این آیه چند شأن نزول گفته شده است:

۱. از ابن عباس نقل شده که این آیه در مورد «فطلوس رومی» و یاران مسیحی او نازل شده است. آنها با بنی اسرائیل جنگیدند و «تورات» را آتش زدند و

فرزندان آنها را به اسارت گرفتند و «بیت المقدس» را ویران ساختند. مرحوم طبرسی در مجمع البیان از ابن عباس نقل می کند که این کوشش در تخریب و نابودی بیت المقدس هم چنان ادامه داشت تا زمانی که به دست مسلمانان فتح شد.

۲. در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز می خوانیم که این آیه در مورد «قریش» نازل گردید و مربوط به زمانی است که از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به شهر مکّه و مسجدالحرام جلوگیری می کردند.

۳. بعضی شأن نزول دیگری برای آیه گفته اند که منظور، مکان هایی است که مسلمانان در مکه برای نماز داشتند و مشرکان پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را ویران کردند. (۱)

ستمکارترین مردم

بررسی شأن نزول ها نشان می دهد که روی سخن در آیه، خطاب به هر سه گروه یهود، نصارا و مشرکان است؛ هر چند بحث های آیات گذشته، بیشتر به یهود اشاره دارد. یهود با ایجاد وسوسه در مسئله تغییر قبله، کوشیدند تا مسلمانان به سمت بیت المقدس نماز بخوانند، تا با این کار هم بر آنها برتری داشته باشند و هم «مسجدالحرام» و «کعبه» را از رونق بیندازند. مشرکان مکه نیز با منع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان از زیارت خانه خدا، عملاً به سوی خرابی این بنای الهی گام برمی داشتند. هم چنین مسیحیان نیز با تصرف «بیت المقدس» و ایجاد وضع ناهنجاری در آن، در تخریب آن می کوشیدند.

قرآن در برابر این سه گروه و تمام کسانی که در راهی مشابه آنها گام برمی دارند، می گوید: «چه کسی ستمکارتر است از آنها که از بردن نام خدا در

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص ۳۶۰ - ۳۶۱.

مساجد الهی جلوگیری می کنند و سعی در ویرانی آنها دارند؟» چه ستمی از این بالاتر که در تخریب پایگاه های توحید بکوشند و مردم را از یاد حق باز دارند و شرك و فساد را در جامعه گسترش دهند؛ لذا باید مسلمانان طوری برخورد کنند که آنها با ترس و وحشت وارد این اماکن شوند.

یعنی مسلمانان و موحدان جهان باید آن چنان محکم بایستند که دست این ستمگران از این اماکن مقدس کوتاه شده و کسی از آنان نتواند آشکارا و بدون ترس و وحشت وارد این مکان های مقدس شود.

در پایان آیه، مجازات دنیا و آخرت این ستمکاران را با تعبیر تکان دهنده ای بیان کرده و می گوید: «برای آنها در دنیا، رسوایی و در آخرت، عذاب عظیم خواهد بود». (۱)

پیام های آیه

۱. مساجد، سنگر مبارزه با کفر می باشند؛ (۲)

۲. مساجدی مورد حمایت هستند که در آن یاد خدا زنده شود؛

۳. خرابی مسجد، فقط با بیل و کلنگ نیست، بلکه هر برنامه ای که مسجد را از رونق بیندازد جزء خرابی مسجد محسوب می شود؛

۴. مساجد باید به گونه ای باشند که موجب ترس و وحشت دشمنان شوند؛

۵. کسانی که با مقدّسات دینی مبارزه کنند، در دنیا خوار و ذلیل و در قیامت عذاب عظیمی خواهند داشت؛ (۳)

ص:۳۲۲

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۰۸ - ۴۰۹.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۳۶.
۳- (۳) . همان.

۶. دشمن از زیبایی و در و دیوار مسجد نمی ترسد، بلکه از ذکر و نام الهی در این مساجد وحشت دارد؛

۷. دشمنان سعی دارند تا از ورود مسلمانان به مساجد جلوگیری کنند؛

۸. غفلت از یاد خدا در محل عبادت، امری ناپسند است.

* * *

۱۱۵. وَ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ إِنَّ اللّهَ واسِعٌ عَلِیمٌ .

مشرق و مغرب، از آن خداست! و به هر سو رو کنید، خدا آنجاست! خداوند بی نیاز و داناست!

شأن نزول

در شأن نزول این آیه نیز روایات مختلفی بیان شده است:

نخست: ابن عباس می گوید: این آیه مربوط به تغییر قبله است. زمانی که قبله مسلمانان از «بیت المقدس» به «کعبه» تغییر یافت، یهود در مقام انکار بر آمدند و به مسلمانان ایراد کردند که مگر می شود قبله را تغییر داد؟ در این هنگام آیه نازل شد و به آنها پاسخ داد که شرق و غرب جهان از آن خدا است.

دوّم: در روایت دیگری می خوانیم که این آیه در مورد نماز مستحبی نازل شده است که هرگاه انسان سوار وسیله نقلیه ای باشد، به هر سو که برود - هر چند پشت به قبله باشد - می تواند نماز مستحبی بخواند. (۱)

سوّم: بعضی نیز از جابر نقل کرده اند که، پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از مسلمانان را به یکی از میدان های جنگ فرستاد؛ شب هنگام که تاریکی همه جا را فرا گرفت،

۱- (۱) . عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص۵۶؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص۱۴۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص۳۶۳.

نتوانستند قبله را بشناسند و هر گروهی به سویی نماز خواندند؛ هنگام طلوع آفتاب دیدند همگی به غیر جانب قبله نماز گذارده اند؛ درباره این موضوع از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند و آیه بالا نازل شد و به آنها اعلام کرد که نمازهایشان در چنین حالتی صحیح بوده است (البته این حکم، شرایطی دارد که در کتب فقهی آمده است).

هیچ مانعی ندارد که همه شأن نزول های بیان شده برای آیه، ثابت باشد و آیه نیز هم ناظر به مسئله تغییر قبله باشد, هم خواندن نماز نافله بر مرکب و هم نماز واجب به هنگام نشناختن قبله. از این گذشته، اصولاً هیچ آیه ای اختصاص به شأن نزول خود ندارد و مفهوم آن باید به صورت یک حکم کلّی در نظر گرفته شود.

مشرق و مغرب، ملک خدا!

در آیه گذشته، سخن از ستمگرانی بود که مانع مساجد الهی می شدند و در تخریب آن می کوشیدند. این آیه دنباله همان سخن است؛ چنان که می گوید: «مشرق و مغرب از آن خدا است و به هر طرف رو کنید خدا آن جا است».

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم، کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم (۱)

چنین نیست که اگر شما را از رفتن به مساجد و پایگاه های توحید باز دارند، راه بندگی خدا بسته شود؛ خیر، بلکه شرق و غرب این جهان به ذات پاک او تعلق دارد. منظور از مشرق و مغرب در آیه فوق، اشاره به دو سمت خاص نیست، بلکه این تعبیر کنایه از تمام جهات است. شاید هم تکیه بر خصوص

۱- (۱) . بابا طاهر.

شرق و غرب به خاطر این باشد که انسان، نخستین جهتی را که می شناسد این دو جهت است و بقیه جهات به وسیله مشرق و مغرب شناخته می شود. (۱)

پیام های آیه

۱. تمام جهان هستی از آن خداوند است؛

۲. مشرق و مغرب هدف نیستند، بلکه آن چه مهم است «وجه الله» است.

۳. هیچ مکانی فاقد حضور خداوند سبحان نیست؛ (۲)

۴. در هر جای از زمین می توان به خدا توجه کرد و در عبادت خداوند، جهت خاصی شرط نیست؛

۵. خداوند از همه چیز بی نیاز است.

چکیده

۱. یهود، با ایجاد وسوسه در مسئله تغییر قبله کوشیدند تا «مسجدالحرام» و «کعبه» را از رونق بیندازند. مشرکان مکه نیز با منع پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان از زیارت خانه خدا، عملاً به سوی خرابی این بنای الهی گام برمی داشتند. هم چنین مسیحیان، با گرفتن «بیت المقدس» و ایجاد یک وضعیت ناهنجار در آن، چنان که از ابن عباس نقل شد، در تخریب آن کوشیدند.

۲. قرآن در برابر این سه گروه و تمام کسانی که در راهی مشابه آنها گام برمی دارند، می گوید: «چه کسی ستمکارتر از کسانی است که از بردن نام خدا در مساجد الهی جلوگیری می کنند و سعی در ویرانی آنها دارند».

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۱۴ و ۴۱۵.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۶۶؛ تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳. به این ترتیب، قرآن این مانع شدن را ستمی بزرگ و عاملان آن را ستمکارترین مردم معرفی می کند. به راستی، چه ستمی از این بالا-تر که در تخریب پایگاه های توحید بکوشند و مردم را از یاد حق بازدارند و شرک و فساد را در جامعه گسترش دهند.

۴. بعضی از جابر چنین نقل کرده اند که، پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از مسلمانان را به یکی از میدان های جنگ فرستاد. آنان هنگام شب که تاریکی همه جا را فرا گرفت، نتوانستند قبله را بشناسند و هر گروه به سویی نماز خواندند و هنگام طلوع آفتاب دیدند که همگی به غیر جانب قبله نماز گذارده اند. وقتی درباره این مسئله از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند، آیه وَ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ فَأَیْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللّهِ إِنَّ اللّهَ واسِعٌ عَلِیمٌ نازل شد و به آنها اعلام کرد که نمازهایشان در چنین حالتی صحیح بوده است.

۵. منظور از مشرق و مغرب، اشاره به دو سمت خاص نیست، بلکه این تعبیر کنایه از تمام جهات است. شاید تکیه بر خصوص شرق و غرب بدین خاطر باشد که انسان، نخستین جهتی را که می شناسد این دو جهت است.

ص:۳۲۶

پرسش ها و تمرین ها

۱. طبق آیه ۱۱۴ سوره بقره، ستم کارترین مردم چه کسانی هستند؟ وظیفه مسلمانان در برابر این گروه چیست؟

۲. نکات و پیام هایی را که از آیه ۱۱۴ می توان دریافت، بیان نمایید.

۳. منظور از جمله وَ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ چیست؟ بر اساس روایت جابر این آیه در مورد چه گروهی نازل شده است؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. مجمع البیان، فضل بن حسن الطبرسی؛

۲. الهدی إلی دین المصطفی، محمدجواد بلاغی؛

۳. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی؛

۴. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی.

۳۱- خرافات یهود، نصارا و مشرکان

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با بهانه جویی های یهود و نصارا و مشرکان؛ معنای بدیع؛ وظیفه پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل درخواست های مردم؛ شأن نزول آیه ۱۲۰؛ پیام های آیات ۱۱۶ - ۱۲۰.

کلیدواژه ها) عزیر، بدیع، مبشّر، منذر، هوی، قبله.

* * *

۱۱۶. وَ قالُوا اتَّخَذَ اللّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ بَلْ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ کُلٌّ لَهُ قانِتُونَ .

و [یهود، نصارا و مشرکان] گفتند: «خداوند، فرزندی برای خود انتخاب کرده است»! - منزه است او - بلکه آن چه در آسمان ها و زمین است از آن اوست و همه در برابر او خاضع اند!

خرافات یهود و نصارا و مشرکان

مرحوم طبرسی می گوید: این آیه در مورد مسیحیان است که مسیح علیه السلام را فرزند خدا می دانستند. و عده ای هم گفته اند: درباره مشرکان است که فرشتگان را دختران الهی می دانستند. (۱) یهودیان نیز اعتقاد داشتند «عُزیر» فرزند

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱، ص۳۶۵.

خداوند است. هر سه طایفه معتقد بودند که خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است.

در سوره توبه می خوانیم:

وَ قالَتِ الْیَهُودُ عُزَیْرٌ ابْنُ اللّهِ وَ قالَتِ النَّصاری الْمَسِیحُ ابْنُ اللّهِ ذلِکَ قَوْلُهُمْ بِأَفْواهِهِمْ یُضاهِؤُنَ قَوْلَ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قاتَلَهُمُ اللّهُ أَنّی یُؤْفَکُونَ . (۱)

یهود گفتند: عزیر پسر خدا است و نصارا گفتند: مسیح علیه السلام فرزند خدا است. این سخنی است که با زبان خود می گویند که همانند گفتار کافران پیشین است؛ خدا آنها را بکشد، چگونه دروغ می گویند؟!

در سوره یونس نیز درباره مشرکان می خوانیم:

قالُوا اتَّخَذَ اللّهُ وَلَداً سُبْحانَهُ هُوَ الْغَنِیُّ . (۲)

گفتند: خداوند برای خود فرزندی انتخاب کرده است؛ منزه است او؛ از همه چیز بی نیاز است.

خداوند بعد از ردّ سخن نامعقول آنها، اظهار می دارد که آن چه در آسمان و زمین وجود دارد تحت مالکیت اوست و همه در برابر او خاضع هستند و هیچ نیازی به فرزند ندارد. (۳)

پیام های آیه

۱. خداوند را با خود مقایسه نکنیم (ما نیاز به فرزند داریم، ولی خداوند ندارد)؛ (۴)

۱- (۱) . توبه، ۳۰.

۲- (۲) . یونس، آیه ۶۸. شبیه این آیات در سوره نساء، آیه ۱۷۱ و سوره مریم، آیه ۸۸ آمده است.

۳- (۳) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۳۳۳.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص ۲۴۰.

۲. خداوند کمبودی ندارد تا بخواهند از راه فرزند آن را جبران نماید؛ (۱) زیرا آسمان و زمین برای خداست؛

۳. همه موجودات عالم در مقابل خداوند، تسلیم هستند؛

۴. شناخت یهودیان از خداوند یک شناخت باطل و ضعیف است؛

۵. جهان هستی دارای آسمان های متعدد می باشد؛ (۲)

۶. خداوند بر جهان هستی مالکیت و فرمانروایی مطلق دارد.

* * *

۱۱۷. بَدِيعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِذا قَضى أَمْراً فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ .

هستی بخش آسمان ها و زمین اوست! و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می گوید: «موجود باش» و آن، فوراً موجود می شود.

تخلّف ناپذیری وعده الهی

او نه تنها مالک همه موجودات عالم هستی و کائنات است، بلکه ایجاد کننده همه آسمان ها و زمین است. امام باقر علیه السلام در معنای «بدیع السماوات» فرمودند: «خداوند تمام اشیاء را با علم خود آفرید، بدون این که سابقاً مشابهی داشته باشند». (۳)

خداوند «بدیع» است؛ یعنی بدون نقشه قبلی و احتیاج به وجود مادّه، همه آنها را ابداع فرموده است. او چه نیازی به فرزند دارد، در حالی که هرگاه فرمان وجود چیزی را صادر کند به او می گوید: «موجود باش،» و آن شیء فوراً موجود می شود. (۴)

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۷۷.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۶۹.

۳- (۳) . نورالثقلین، ج۱، ص۱۱۹، ح ۳۲۸.

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۱۷ و ۴۱۸.

پیام های آیه

۱. خداوند مبتکر آسمان و زمین است و آنها را بدون سابقه قبلی ایجاد کرده است؛

۲. خداوند قدرت دارد در یک لحظه تمام هستی را ایجاد کند؛

۳. اراده الهی بر خلقت یک شیء نیازی به وسایل و... ندارد. (۱)

* * *

۱۱۸. وَ قالَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ لَوْ لا یُکَلِّمُنَا اللّهُ أَوْ تَأْتِینا آیَهٌ کَذلِکَ قالَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَیَّنَّا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یُوقِنُونَ .

افراد ناآگاه گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید یا چرا آیه و نشانه ای برای خود ما نمی آید؟!» پیشینیان آنها نیز، همین گونه سخن می گفتند؛ دل ها و افکارشان مشابه یکدیگر است، ولی ما [به اندازه کافی] آیات و نشانه ها را برای اهل یقین [و حقیقت جویان] روشن ساخته ایم.

چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟!

به تناسب بهانه جویی های یهود در نخستین آیات فوق، در این آیه به بررسی سخن گروه دیگری از بهانه جویان می پردازیم که به ظاهر همان مشرکان عرب بودند. آنها می گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید و چرا آیه و نشانه ای بر خود ما نازل نمی شود؟» قرآن در پاسخ به این ادعاهای لجوجانه و خودخواهانه می گوید: «پیشینیان آنها نیز همین گونه سخن می گفتند؛ دل ها و افکارشان مشابه است، ولی ما آیات و نشانه ها را (به مقدار کافی) برای آنها که حقیقت جو و اهل یقین هستند روشن ساختیم.

اگر به راستی منظور آنها درک حقیقت و واقعیت است، همین آیات که بر

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۷۱.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل کردیم، نشانه روشنی بر صدق گفتار اوست؛ چه لزومی دارد که بر هر یک از افراد به طور مستقیم و مستقل آیاتی نازل شود؟ چه معنا دارد که اصرار کنیم خدا مستقیماً با خود ما سخن بگوید؟! همانند این سخن را در سوره مدّثّر نیز می خوانیم:

بَلْ یُرِیدُ کُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ یُؤْتی صُحُفاً مُنَشَّرَةً . (۱)

هر یک از آنها انتظار دارند اوراق متعددی از آیات بر آنها نازل شود.

پیام های آیه

۱. شناخت یهودیان نسبت به خداوند بسیار ضعیف و جاهلانه است؛

۲. انتظار سخن گفتن خداوند با مردم، انتظاری برخاسته از جهالت و نادانی است؛

۳. جهل، منشأ توقعات نابه جا و نامعقول است؛

۴. سنّت الهی، بیان دلیل و اتمام حجت است، نه پاسخ به تمایلات مردم؛

۵. آیات قرآن نشانه روشن بر حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

۶. قلوب دشمنان یکی است و با هم مشابهت دارد (همه یک حرف را می زنند).

* * *

۱۱۹. إِنّا أَرْسَلْناکَ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَ نَذِیراً وَ لا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحابِ الْجَحِیمِ .

ما تو را به حق، برای بشارت و بیم دادن فرستادیم و تو مسئول [گمراهی] دوزخیان [پس از ابلاغ رسالت] نیستی!

مبشّر و منذر

این آیه، به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب کرده و وظیفه او را در برابر درخواست معجزات

۱- (۱) . مدثر، آیه ۵۲.

اقتراحی و بهانه جویی های دیگر مشخص می کند: «ما تو را به حق برای بشارت و انذار مردم جهان فرستادیم».

تو وظیفه داری دستورات ما را برای همه مردم بیان کنی، معجزات را به آنها نشان دهی و حقایق را با منطق، تبیین نمایی و این دعوت باید همراه با تشویق نیکوکاران و بیم دادن بدکاران باشد. چنانچه گروهی از آنها پس از انجام این رسالت ایمان نیاوردند، تو مسئول گمراهی دوزخیان نیستی.

گر نیاید به گوشِ رغبت کَس بر رسولان پیام باشد و بَس (۱)

پیام های آیه

۱. محمد صلی الله علیه و آله فرستاده ای از سوی خداوند است؛ (۲)

۲. بشارت و تهدید، هر دو در کنار هم لازم است؛ (۳)

۳. رهبران الهی مأمور انجام وظیفه هستند و ضامن نتیجه و منحرف شدن مردم نیستند؛ (۴)

۴. فرجام و عاقبت کفر، دوزخ خواهد بود.

* * *

۱۲۰. وَ لَنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لاَ النَّصاری حَتّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَی اللّهِ هُوَ الْهُدی وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ بَعْدَ الَّذِی جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ ما لَکَ مِنَ اللّهِ مِنْ وَلِیٍّ وَ لا نَصِیرٍ .

۱- (۱) . سعدی.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۳۷۶.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۴۵.

۴- (۴) . تفسیر قرآن مهر، ج ۱، ص ۳۸۱.

هرگز یهود و نصارا از تو راضی نخواهند شد، [تا به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و] از آیین [تحریف یافته] آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس های آنان پیروی کنی، بعد از آن که آگاه شده ای، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود.

شأن نزول

در شأن نزول این آیه، از ابن عباس چنین نقل شده که، یهودیان مدینه و مسیحیان نجران انتظار داشتند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره در قبله از آنها پیروی کند؛ از این رو هنگامی که خداوند قبله مسلمانان را از بیت المقدس به سوی کعبه تغییر داد آنها از پیامبر صلی الله علیه و آله مأیوس شدند. در این بین شاید بعضی از طوایف مسلمانان ایراد می گرفتند که نباید کاری کرد که باعث رنجش یهودیان و مسیحیان را درپی داشته باشد.

این جا بود که آیه فوق نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد: این گروه از یهود و نصارا نه با هماهنگی در قبله و نه با چیز دیگر، از تو راضی نخواهند شد، جز این که آنها را بپذیری.

بعضی دیگر گفته اند، پیامبر صلی الله علیه و آله اصرار فراوان داشت که این دو گروه را از هم راضی کند تا شاید اسلام را بپذیرند؛ لذا این آیه نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد که آنها به هیچ قیمت راضی نخواهند شد، جز به پیروی از آیین آنها. (۱)

یهود، همواره لجوج

این آیه در برابر گمراهان لجوج به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب کرده و می فرماید: اصراری

۱- (۱) . مفاتیح الغیب، ج۴، ص۳۵؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج۱، ص۳۱۵ و ۳۱۶.

بر جلب رضـایت یهود و نصـارا نداشـته بـاش؛ چراکه آنهـا هرگز از تو راضـی نخواهنـد شـد، مگر آن که به طور کامل تسـلیم خواسـته های آنها و پیرو آیین آنها شوی. تو فقط وظیفه داری به آنها بگویی که هدایت، تنها هدایت الهی است؛ هدایتی که با خرافات و افکار منحط افراد نادان آمیخته نشده است؛ آری، از چنین هدایت خالصی باید پیروی کرد.

سپس در ادامه می افزاید: اگر تو تسلیم تعصب ها، هوس ها و افکار کوتاه آنها شوی، پس از آن که در پرتو وحی الهی حقایق برای تو روشن شده، هیچ سرپرست و یاوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود. (۱)

پیام های آیه

۱. دشمن (یهودیان و مسیحیان) فقط به سقوط کامل و محو مکتب رضایت خواهد داد؛ (۲)

۲. مداهنه و سستی با دشمن ممنوع است و باید قاطعانه مقابل آنها ایستاد؛

۳. پیروی از تمایلات دشمن، باعث قطع الطاف الهی خواهد شد؛

۴. هر راهی غیر از هدایت الهی، گمراهی و انحراف است؛ (۳)

۵. پیامبر صلی الله علیه و آله حق تبعیت از یهود و نصارا را ندارد؛

۶. مسئولیت عالِم بیشتر از جاهل است.

چکیده

۱. این عقیده خرافی که خداوند دارای فرزندی است، هم مورد قبول مسیحیان،

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۲۸ و ۴۲۹.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۴۷.

۳- (۳) . همان، ۲۴۸.

هم گروهی از یهود و هم مشرکان است. هر سه طایفه معتقد بودند که خداوند فرزندی برای خود انتخاب کرده است.

۲. خداوند نه تنها مالك همه موجودات عالم هستی است، بلکه ایجاد کننده آسمان ها و زمین است.

۳. خداونـد بـدیع است؛ یعنی بـدون نقشه قبلی و بـدون احتیـاج به وجود مـادّه، همه آنها را ابـداع فرموده است. او چه نیازی به فرزنـد دارد، درحالی که هرگاه فرمان وجود چیزی را صادر کنـد به او می گویـد: «موجود باش» و آن شـیء فوراً به وجود می آید.

۴. گروه دیگری از بهانه جویان که همان مشرکان بودند، می گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید و چرا نشانه ای بر خود ما نـازل نمی شود؟ قرآن در پاسخ این ادعاهـای لجوجانه می گویـد: «پیشـینیان آنها نیز چنین سـخنانی داشـتند و افکارشان مشابه است؛ ولی ما آیات و نشانه ها را [به مقدار کافی] برای آنها که حقیقت جو و اهل یقین هستند، روشن ساختیم».

۵. خداوند روی سـخن خود را متوجه پیامبر صـلی الله علیه و آله نموده و وظیفه او را در برابر درخواست ها و بهانه جویی های دیگر مشـخص می کند که تو وظیفه داری دستورات ما را برای همه مردم بیان کنی، معجزات را به آنها نشان دهی و حقایق را با منطق تبیین نمایی؛ اما اگر گروهی از آنها پس از انجام این رسالت ایمان نیاوردند، تو مسئول گمراهی دوزخیان نیستی.

۶. خداونـد در برابر گمراهان لجوج، به پیامبر صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «یهود و نصارا هرگز از تو راضـی نخواهند شد، مگر این که به طور کامـل تسـلیم خواسـته هـا و پیرو آیین آنها شوی؛ هـدایت، تنها هـدایت الهی است؛ آری، از چنین هـدایت خالصی باید پیروی کرد.

ص:۳۳۶

پرسش ها و تمرین ها

۱. کدام گروه قائل به فرزند داشتن خداوند هستند و این نکته را از چه آیاتی می توان دریافت؟

۲. بدیع بودن خداوند به چه معنایی است؟ توضیح دهید.

۳. آیه شریفه ۱۱۹ سوره بقره را به صورت مختصر تفسیر نمایید.

۴. شأن نزول آیه ۱۲۰ سوره بقره را بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. یهودیت، عبدالرحیم سلیمانی اردستانی؛

۳. راه و راهنماشناسی، محمد تقی مصباح یزدی؛

۴. تاریخ جامع ادیان، جان بایرناس، ترجمه علی اصغر حکمت.

ص:۳۳۷

۳۲- امامت، اوج افتخار ابراهیم علیه السلام

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با حق تلاوت کتاب؛ نعمت های خداوند به بنی اسرائیل؛ بعضی از ویژگی های روز قیامت؛ امامت ابراهیم علیه السلام ؛ پیام های آیات ۱۲۱ - ۱۲۴.

کلیدواژه ها) بنی اسرائیل، نعمت، عدل، شفاعه، ابراهیم، امام، عهد.

* * *

۱۲۱. اَلَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ أُولئِکَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ مَنْ یَکْفُرْ بِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ

کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده ایم [یهود و نصارا] آن را چنان که شایسته آن است می خوانند؛ آنها به پیامبر اسلام ایمان می آورند و کسانی که به او کافر شوند، زیان کارند.

شأن نزول

بعضی از مفسّران معتقدند که این آیه درباره افرادی است که با جعفر بن ابی طالب علیه السلام از حبشه آمدند و از کسانی بودند که در آن جا به او پیوستند نازل شد. آنها چهل نفر بودند، سی و دو نفر اهل حبشه و هشت نفر از راهبان شام که «بُحیرا» همان راهب معروف نیز جزء آنان بود. برخی دیگر نیز معتقدند که آیه

درباره افرادی از یهود، مانند عبداللّه بن سـلام، سـعید بن عمرو، تمام بن یهودا و امثال آنها نازل شده که اسلام را پذیرفتند و به راستی مؤمن شدند. (۱)

از آن جا که جمعی از حق طلبان یهود و نصارا، دعوت پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله را لبیک گفتند، قرآن پس از سرزنش گروه پیشین، از اینها به نیکی یاد می کند و می گوید: کسانی که کتاب آسمانی را به آنها دادیم و از روی دقت آن را تلاوت کرده و حق تلاوت اش را - که تفکر وانـدیشه و سـپس عمل است - ادا کردند، به پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله ایمان می آورند.

آنان که ایمان آوردند کسانی هستند که به راستی، حق تلاوت کتاب آسمانی خویش را به جا آوردند و همان سبب هدایتشان شد؛ چرا که بشارت های ظهور پیامبر موعود صـلی الله علیه و آله را که در آن کتاب ها خوانده بودند، بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله منطبق دیده و تسـلیم شدند و خدا هم از آنها تقدیر کرده است. امّا کسانی که نسبت به آن کافر شدند در حقیقت به خودشان ظلم کردند و آنها همان زیان کاران هستند. (۲)

پیام های آیه

۱. رعایت انصاف، حتی در مقابل مخالفان نیز لازم است؛ (۳)

۲. پیروان حقیقی تورات و انجیل به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان می آورند؛ (۴)

۳. فقط خواندن قرآن ملاک نیست، بلکه باید حق تلاوت را که ایمان و عمل است به جا آورد؛

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۳۷۴؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج۱، ص۳۱۹ و ۳۲۰.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۲۹ و ۴۳۰.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۴۹.
۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۸۳.

۴. «تورات» و «انجیل» حاوی بشارت به پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

۵. منفعت دائمی و حقیقی انسان, مرهون ایمان به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله است.

* * *

۱۲۲. یا بَنِی إِسْرائِیلَ اذْکُرُوا نِعْمَتِیَ الَّتِی أَنْعَمْتُ عَلَیْکُمْ وَ أَنِّی فَضَّلْتُکُمْ عَلَی الْعالَمِینَ .

ای بنی اسرائیل! نعمت مرا که به شما ارزانی داشتم، به یاد آورید! و [نیز به خاطر آورید] که من شما را بر جهانیان برتری بخشیدم!

تأکید مجدد بر ذکر نعمت الهی

در آیه ۴۷ سوره بقره (درس چهاردهم)، مطالبی شبیه به این آیه گذشت؛ اما این جا بار دیگر خداوند روی سخن را به بنی اسرائیل کرده و نعمت های خویش را بر آنها می شمرد؛ به خصوص برتری و فضیلتی را که برای آنها نسبت به مردم زمانشان قائل شده، یادآوری می کند. چنان که می فرماید: «ای بنی اسرائیل! به خاطر بیاورید نعمت هایی را که به شما ارزانی داشتم و نیز به خاطر بیاورید که من شما را بر جهانیان (بر تمام مردمی که در آن زمان زندگی می کردند) برتری بخشیدم». (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند قوم بنی اسرائیل را از نعمت های زیادی بهره مند ساخته بود؛

۲. به یاد نعمت های الهی باشیم؛

۳. فضیلت دادن امّت، به دست خداوند است؛

۴. همه نعمت ها از سوی خداوند است.

* * *

۱- (۱) . همان، ص۴۳۳.

۱۲۳. وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزِی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا تَنْفَعُها شَفاعَهٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُونَ .

از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود و شفاعت، او را سود نمی دهد و [از هیچ سویی] یاری نمی شوند!

تنهایی انسان در روز رستاخیز

چنان که در شرح آیه درس چهاردهم نیز بیان شد، از آن جا که هیچ نعمتی بدون مسئولیت نخواهد بود، خداوند در برابر بخشیدن هر موهبتی، تکلیف و تعهدی بر دوش انسان می گذارد. در این آیه خداوند هشدار می دهد که، بترسید از روزی که هیچ کس به جای دیگری جزا نمی بیند و چیزی به عنوان غرامت یا فدیه که بلاگردان آنها باشد، پذیرفته نمی شود و هیچ شفاعتی (جز به اذن پروردگار) او را سود نمی دهد. و اگر گمان می کنید کسی در آن جا جز خدا می تواند به انسان کمک کند، اشتباه است؛ چرا که هیچ کس در آن جا یاری نمی شود.

بنابراین تمام راه های نجات که در این دنیا به آن متوسّل می شوید، بسته اند و تنها یک راه باز است و آن، راه ایمان و عمل صالح و توبه از گناهان و اصلاح نمودن خویش است. (۱)

پیام های آیه

۱. در برابر خرافات و اوهام باید ایستادگی کرد؛

۲. قیامت، روزی پرخطر است که برای مصونیت از آن باید وسایلی مهم و کارساز را تدارک دید؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۳۳ - ۴۳۴.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۸۸۰۳.

۳. در روز قیامت، کلیه سبب ها قطع خواهند شد؛

۴. روز قیامت دارای ویژگی های خاصی است و با دنیا قابل مقایسه نیست.

* * *

۱۲۴. وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ رَبُّهُ بِکَلِماتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قالَ إِنِّی جاعِلُکَ لِلنّاسِ إِماماً قالَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِی قالَ لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ .

[به خاطر آورید] هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزموده و او به خوبی از عهده این آزمایش ها برآمد. خداوند به او فرمود: «من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم!» ابراهیم عرض کرد: «از دودمان من نیز امامانی قرار بده!»؛ خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی رسد! [و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقام اند]».

امامت، اوج افتخار ابراهیم علیه السلام

از این آیه به بعد، سخن از حضرت ابراهیم علیه السلام ، پیامبر بزرگ خدا و قهرمان توحید و نیز بنای خانه کعبه و اهمیت این کانون بزرگ توحید و عبادت است که ضمن هجده آیه بیان شده است. هدف از بیان این آیات در واقع عبارتند از:

۱. مسلمانان بدانند کعبه از یادگارهای ابراهیم علیه السلام پیامبر بت شکن است و اگر امروز مشرکان و بت پرستان آن را تبدیل به بت خانه کرده اند، یک آلودگی سطحی است و چیزی از ارزش و مقام کعبه نمی کاهد؛

۲. یهود و نصارا که ادعا می کردند ما وارثان ابراهیم علیه السلام و آیین او هستیم تا چه حد از آیین ابراهیم بیگانه اند؛

۳. با وجود آن که مشرکان مدعی پیوندی ناگسستنی بین خود و ابراهیم علیه السلام بودند، اما برنامه آنها هیچ ارتباطی با برنامه این پیامبر بزرگ بت شکن نداشت.

این آیه ابتدا می گوید: «به خاطر بیاورید هنگامی را که خداوند ابراهیم علیه السلام را با وسایل گوناگون آزمود و او از عهده آزمایش به خوبی برآمد».

مهم ترین فرازهای زندگی ابراهیم علیه السلام ، آزمایش های بزرگ او و پیروزی هایش در آنهاست. آزمایش هایی که عظمت مقام و شخصیت ابراهیم علیه السلام را کاملاً مشخص ساخت و ارزش وجود او را آشکار نمود.

هنگامی که ابراهیم علیه السلام از عهده این آزمایش ها برآمد، خداوند فرمود: «من تو را امام و رهبر و پیشوای مردم قرار دادم».

ابراهیم علیه السلام تقاضا کرد که از نسل من نیز امامانی قرار ده تا این رشته نبوت و امامت قطع نشود و قائم به شخص من نباشد. اما خداوند در پاسخ او فرمود: «پیمان من - یعنی مقام امامت - هرگز به ظالمان نخواهد رسید».

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که آن حضرت در ذیل آیه فوق فرمودند: «کسی که بت پرستیده باشد، نمی تواند امام باشد». (۱)

امام رضا علیه السلام فرمودند: «جمله لا یَنالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ امامت هر ستمگری را تا روز قیامت مردود دانسته و امامت را در انسان های پاک قرار داده است». (۲)

از بررسی آیات قرآن می توان فهمید که مقصود از «کلمات»، یک سلسله وظایف سنگین و مشکل بوده که خدا بر دوش ابراهیم علیه السلام گذارده بود و این پیامبر مخلص علیه السلام همه آنها را به عالی ترین وجه انجام داد. این دستورات عبارت بودند از:

نخست: بردن فرزند به قربانگاه و آمادگی جدی برای قربانی او به فرمان خدا!

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۱۲۱.

۲- (۲) . صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۶، ح۳۱.

دوم: بردن زن و فرزند و گذاشتن آنها در سرزمین خشک و بی آب مکّه؛ در جایی که حتی یک نفر سکونت نداشت!

سوم: قیام در برابر بت پرستان بابل، شکستن بت ها، دفاع بسیار شجاعانه در آن محاکمه تاریخی و قرار گرفتن در دل آتش. به راستی هر یک از آنها آزمایشی بسیار سنگین و مشکل بود، اما او با قدرت و نیروی ایمان از عهده همه آنها بر آمد و اثبات کرد که شایستگی مقام امامت را دارد. (۱)

پیام های آیه

۱. آزمایش یکی از سنت های الهی است؛ (۲)

۲. هدف از آزمایش ابراهیم علیه السلام پرورش و تربیت او بوده است؛

۳. امام علیه السلام فقط باید از سوی خداوند مشخص شود (۳) (امامت یک عهد الهی است)؛

۴. موفقیت ابراهیم علیه السلام در آزمون ها باعث شایستگی او برای مقام امامت گردید؛ (۴)

۵. ستمکاران شایستگی رسیدن به مقام امامت را ندارند؛ (۵)

۶. منشأ امامت وراثت نیست، بلکه داشتن لیاقت، ملاک است؛ (۶)

۷. عصمت از شرایط امامت است (هر کس سابقه شرک و ظلم داشته باشد، لیاقت امامت را ندارد).

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۳۵ - ۴۳۹.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۵۳.
۳- (۳) . همان.
۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۹۱۰۳.
۵- (۵) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۹۳.
۶- (۶) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۵۳.

چکیده

۱. از آن جا که جمعی از حق طلبان یهود و نصارا، دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را لبیک گفتند و این آیین را پذیرفتند، قرآن - پس از سرزنش گروهی که ایمان نیاوردند - از اینها به نیکی یاد می کند و می فرماید: کسانی که کتاب آسمانی را به آنها دادیم و به دقت آن را تلاوت کرده و به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آوردند، کسانی بودند که به راستی، حق تلاوت کتاب آسمانی خویش را به جا آوردند و همان سبب هدایتشان شد.

۲. خداوند برای دومین بار روی سخن خود را به بنی اسرائیل کرده و نعمت های خویش را بر آنها می شمرد؛ به خصوص برتری و فضیلتی را که خداوند برای آنها نسبت به مردم زمانشان قائل شده، یادآوری می کند.

۳. خداوند در برابر بخشیدن هر موهبتی، تکلیف و تعهدی نیز بر دوش انسان می گذارد؛ لذا می فرماید: بترسید از آن روزی که هیچ کس به جای دیگری جزا نمی بیند و چیزی به عنوان غرامت یا فدیه پذیرفته نمی شود و هیچ شفاعتی (جز به اذن پروردگار) او را سود نمی دهد؛ و تمام راه های نجات که در این دنیا به آن متوسّل می شوید، بسته است و تنها یک راه باز است که همان راه ایمان و عمل صالح است.

۴. آیه وَ إِذِ ابْتَلی إِبْراهِیمَ... از مهم ترین فرازهای زندگی ابراهیم علیه السلام ، یعنی آزمایش های بزرگ او و پیروزی اش در صحنه آزمایش ها سخن می گوید؛

آزمایش هایی که عظمت مقام و شخصیت ابراهیم علیه السلام را کاملاً مشخص ساخت و ارزش وجود او را آشکار نمود.

۵. ابراهیم علیه السلام از خداوند تقاضا کرد که از دودمان من نیز امامانی قرار ده، تا این رشته نبوت و امامت قطع نشود و قائم به شخص من نباشد؛ اما خداوند در پاسخ او فرمود: «پیمان من - یعنی مقام امامت - هرگز به ظالمان نخواهد رسید».

ص:۳۴۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. آیه شریفه اَلَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَتْلُونَهُ حَقَّ تِلاوَتِهِ... در مورد چه کسانی نازل شده است؟

۲. مقصود از «کلمات» در آیه شریفه ۱۲۴ سوره بقره چیست؟ موارد آن را بنویسید.

۳. چرا خداوند پس از سخن گفتن با بنی اسرائیل، مسئله حضرت ابراهیم علیه السلام را مطرح نموده است؟ هدف خداوند از ذکر این موضوع چیست؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. سرّالابتلاء، هارون یحیی؛

۲. حیاه ابراهیم، محمود شلبی؛

۳. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۴. منشور جاوید، جعفر سبحانی.

۳۳- درخواست های ابراهیم علیه السلام (۱)

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی با معنای مقام ابراهیم علیه السـلام ؛ معنای طهارت و پاکیزگی خانه خدا؛ خواسـته های ابراهیم علیه السلام از خداوند؛ بنای خانه کعبه؛ پیام های آیات ۱۲۵ - ۱۲۷.

کلیدواژه ها) مقام ابراهیم، مصلّی، طهارت، بیت، امنیت، رزق.

* * *

۱۲۵. وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثابَةً لِلنّاسِ وَ أَمْناً وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهِدْنا إِلى إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ أَنْ طَهِّرا بَيْتِيَ لِلطّائِفِينَ وَ الْعاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ .

و [به خاطر بیاورید] هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و [برای تجدید خاطره،] از مقـام ابراهیـم، عبـادت گـاهی برای خـود انتخـاب کنیـد! و مـا بـه ابراهیـم و اسـماعیل امر کردیم که: «خـانه مرا برای طـواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه دارید!»

عظمت خانه خدا

خداونـد پس از اشاره به مقام والای ابراهیم علیه السـلام - در آیه گذشـته - به بیان عظمت خانه کعبه که به دست ابراهیم علیه السلام ساخته و آماده شد، پرداخته و می فرماید: «به

خاطر بیاورید هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و توجه مردم قرار دادیم». (۱)

خانه کعبه، مرکزی برای موحّدان بود که همه ساله به سوی آن رو می آورند و نه تنها از نظر جسمانی، بلکه از نظر روحانی نیز به توحید و فطرت نخستین بازمی گشتند؛ ازاین رو به «مثابه» معرفی شده است و این در حقیقت، اجابت یکی از درخواست هایی است که ابراهیم علیه السلام از خداوند داشت.

سپس خداوند در ادامه آیه می فرماید: «از مقام ابراهیم علیه السلام نمازگاهی برای خود انتخاب کنید». در این که منظور از مقام ابراهیم علیه السلام چیست، دیدگاه های متفاوتی از سوی مفسران بیان شده است:

۱. بعضی گفته اند: تمام حج، مقام ابراهیم علیه السلام است؛

۲. برخی مقام ابراهیم علیه السلام را به معنای «عرفه»، «مشعر الحرام» و «جمرات سه گانه» دانسته اند؛

۳. بعضی گفته اند: تمام حرمِ مکه، «مقام» محسوب می شود.

ولی ظاهر آیه - همان گونه که در روایات اسلامی آمده است (۲) و نیز، بسیاری از مفسران گفته اند - اشاره به همان مقام معروف ابراهیم علیه السلام دارد که محلی در نزدیکی خانه کعبه بوده و حُجاج پس از انجام طواف در کنار آن نماز طواف به جا می آورند؛ نه سنگی که حضرت ابراهیم علیه السلام روی آن قدم گذاشته و أثر آن باقی

۱- (۱) . «مثابه» در اصل از ماده «ثوب» به معنای بازگشت چیزی به حالت نخستین است. از آن جا که خانه کعبه، مرکزی بود برای موحدان که همه ساله به سوی آن رو می آوردند، نه تنها از نظر جسمانی، که از نظر روحانی نیز بازگشت به توحید و فطرت نخستین می کردند، از این رو به «مثابه» معرفی شده است و از آن جا که خانه انسان که مرکز بازگشت همیشگی اوست، محل آرامش و آسایش است، در معنای کلمه مثابه، یک نوع آرامش و آسایش نهفته است.

۲- (۲) . بحارالانوار، ج۹۶، ص۲۴۱؛ تفسیر عیاشی، ج۱، ص۵۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۵، ص۱۴۰، ح۱۳۵؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص۳۲۷.

مانده است. (۱) بنابراین منظور از «مصلّی» نیز محل نماز است.

سپس با اشاره به پیمانی که از ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام درباره طهارت خانه کعبه گرفته است، می فرماید: «ما به ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان (نمازگزاران) پاکیزه دارید».

منظور از طهارت چیست ؟

بعضی گفته اند:

۱. طهارت از وجود بت هاست؛

۲. طهارت از آلودگی های ظاهری مراد است؛

۳. طهارت در این جا به معنای خلوص نیّت در هنگام بنای این خانه توحید است.

باید اذعان نمود که دلیلی وجود ندارد تا ما مفهوم طهارت را در این جا محدود کنیم. بنابراین می توان گفت منظور از طهارت، پاک ساختن ظاهری و معنوی این خانه توحید از هر گونه آلودگی است. البته در بعضی از روایات می خوانیم که این آیه تعبیر به پاک سازی از مشرکان است (۲) و در بعضی دیگر به شستشوی بدن و پاکیزگی از آلودگی ها اشاره شده است. (۳)

پیام های آیه

۱. ایجاد امنیت برای زائران خانه خدا ضروری است؛

۲. خانه خدا و بیت الله پناهگاه مردم است؛

۱- (۱) . المنار، ج۱، ص۴۶۱ و ۴۶۲ و ج۴، ص۱۳.

۲- (۲) . علی بن ابراهیم قمّی، تفسیر قمّی، ج۱، ص۵۹.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۴۷- ۴۴۹.

۳. مکان های مقدس و خانه خدا باید همیشه پاک و طاهر باشند؛ (۱)

۴. حضرت ابراهیم علیه السلام نزد خداوند دارای مقام و عظمت است؛ (۲)

۵. خدمت کردن در مکان های عبادی، عملی شایسته است؛ (۳) زیرا ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام از خادمان کعبه بوده اند؛

۶. خانه خدا مکانی برای طواف، اعتکاف، رکوع و سجود است.

* * *

۱۲۶. وَ إِذْ قالَ إِبْراهِیمُ رَبِّ اجْعَلْ هذا بَلَداً آمِناً وَ ارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَراتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ قالَ وَ مَنْ کَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِیلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلی عَذابِ النّارِ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ .

و [به یاد آورید] هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را - آنها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات [گوناگون]، روزی ده!» [ابراهیم گفت] «ما دعای تو را اجابت کردیم و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم [اما به آنها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد]؛ سپس آنها را به عذاب آتش می کشانیم و چه بد سرانجامی دارند».

خواسته های ابراهیم علیه السلام

در این آیه، حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگار خویش، دو درخواست مهم برای ساکنان این سرزمین مقدس می کند که به یکی از آنها در آیه قبل نیز اشاره شد:

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۵۷.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۳۹۸.

۳- (۳) . همان.

نخست: عرض کرد «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده». که این دعای ابراهیم علیه السلام به اجابت رسید و خداوند این سرزمین مقدس را کانونی امن و امان قرار داد؛

دوّم: این که اهل این سرزمین را (البته آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند) از ثمرات گوناگون روزی دهد.

ابراهیم علیه السلام ، نخست تقاضای «امنیت» و سپس درخواست «مواهب اقتصادی» می کند. این اشاره است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشور حکم فرما نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم، ممکن نیست!.

در این که منظور از ثمرات چیست؟ مفسران نظرات مختلفی را بیان کرده اند، ولی ظاهراً «ثمرات»، معنایی وسیع دارد که هر گونه نعمت مادی و معنوی را شامل می شود. به هر حال خداوند در پاسخ این تقاضای ابراهیم علیه السلام فرمود: «آنها که راه کفر را پوییده اند بهره کمی (از این ثمرات) خواهند داشت (و به طور کامل آنها را محروم نخواهم کرد!) ولی در سرای آخرت، رحمت و نجاتی برای آنها نیست». (۱)

پیام های آیه

۱. بهره مندی از نعمت الهی زمانی لذت بخش است که در کنار آن امنیت وجود داشته باشد؛ (۲)

۲. انبیای الهی علیهم السلام به مسائل مادی مردم نیز توجه داشتند؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۲.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۵۷.

۳. ایمان به خدا و روز قیامت از ارکان اصلی مکتب انبیاء علیهم السلام است؛ (۱)

۴. تأمین امنیت و رفاه مردم از وظایف پیشوایان دینی است؛

۵. کفّار نیز باید از روزی الهی بهره مند گردند (لذا دعای ابراهیم علیه السلام درباره محرومیت کفار مکه مستجاب نشد)؛

۶. بهره مندی کفّار از مواهب الهی، موقّت و زودگذر است؛ (۲)

۷. در دعا کردن، دیگران را فراموش نکنیم؛ (۳)

۸. جهنّم، جایگاهی نامیمون و شوم است. (۴)

* * *

۱۲۷. وَ إِذْ یَرْفَعُ إِبْراهِیمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَیْتِ وَ إِسْماعِیلُ رَبَّنا تَقَبَّلْ مِنّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ .

و [نیز به یاد آورید] هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های خانه (کعبه) را بالا می بردند، [و می گفتند]: «پروردگارا! از ما بپذیر که تو شنوا و دانایی!

ابراهیم و خانه کعبه

از آیات مختلف قرآن، احادیث و متون تاریخ اسلامی، به خوبی می توان دریافت که خانه کعبه پیش از حضرت ابراهیم علیه السلام ، - حتی پیش از زمان آدم علیه السلام - بر پا شده بود؛ (۵) این بدان معناست که ابراهیم علیه السلام نخستین بنیان گذار کعبه نبوده است.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۰۳.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۰۵.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۳۹۸.

۴- (۴) . همان.

۵- (۵) . آل عمران، آیه ۹۶؛ ابراهیم، آیه۳۷؛ نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

ولی رشید رضا در المنار با این مطلب مخالفت کرده و می گوید: بنیان گذار «کعبه», ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام بوده اند؛ (۱) درحالی که این حرف با ظاهر آیات و روایات ناسازگار است. اما آیه مورد بحث گواهی می دهد زمانی که ابراهیم علیه السلام با فرزند شیرخوارش حضرت اسماعیل علیه السلام و همسرش هاجر به سرزمین مکه آمدند، اثری از خانه کعبه وجود داشته است؛ زیرا می فرماید: ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام در حالی که پایه های خانه کعبه را بالا بردند، گفتند: «خدایا! این کار را از ما بپذیر».

کوتاه سخن این که: آیات قرآن و روایات، تأیید می کنند که خانه کعبه ابتدا به دست آدم علیه السلام ساخته شد و سپس در طوفان نوح علیه السلام فرو ریخت و آن گاه دوباره به دست ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام تجدید بنا گردید. (۲)

پیام های آیه

۱. بنای کعبه به دستور خداوند صورت گرفته است؛

۲. فقط خداوند دعای بندگان را اجابت می کند؛

۳. در مسیر اهداف الهی، کار نیز عبادت است؛

۴. فقط انجام کار مهم نیست، بلکه قبول آن نیز اهمیت دارد؛ (۳)

۵. خداوند شنوا و داناست (مراقب اعمال خود باشید).

ص:۳۵۳

۱- (۱) . المنار، ج۱، ص۳۷۷.
۲- (۲) . کنز العمّال، ج۱۲، ص۲۱۳، ح۳۴۷۱۸؛ ابوالولید محمد بن عبدالله. الأزرقی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، أخبار مکّه و ما جاء فیها من الآثار، ج۱، ص۳۲.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۶۰؛ تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۴۰۰.

چکیده

۱. از آن جا که خانه کعبه، مرکزی برای موحدان بوده که همه ساله به سوی آن رو می آوردند، نه تنها از نظر جسمانی که از نظر روحانی نیز این عمل آنان بازگشت به توحید و فطرت نخستین بود؛ از این رو به عنوان «مثابه» معرفی شده است.

۲. در این که منظور از مقام ابراهیم علیه السلام چیست، دیدگاه های گوناگونی از سوی مفسران ارائه شده است: ۱. بعضی گفته اند: مراد همان مقام ابراهیم علیه السلام است که در نزدیکی کعبه قرار گرفته است؛ ۲. بعضی مقام ابراهیم علیه السلام را به معنای «عرفه»، «مشعر الحرام» و «جمرات سه گانه» می دانند؛ ۳. بعضی گفته اند: تمام حرمِ مکه، مقام محسوب می شود.

۳. منظور از طهارت خانه خدا، طهارت از وجود بت ها و طهارت از آلودگی های ظاهری و نیز طهارت به معنای خلوص نیت در هنگام بنای این خانه توحید است.

۴. ابراهیم علیه السلام از پروردگار برای ساکنان این سرزمین مقدس، دو درخواست مهم می کند: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده» که این دعای ابراهیم علیه السلام به اجابت رسید و خداوند این سرزمین مقدس را کانونی امن و امان قرار داد. دیگر این که اهل این سرزمین را - البته آنها که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده اند - از ثمرات گوناگون روزی دهد.

۵. از آیات مختلف قرآن، احادیث و متون تاریخ اسلامی به خوبی می توان دریافت که خانه کعبه پیش از ابراهیم علیه السلام حتی از زمان آدم علیه السلام بر پا شده بود و

زمانی که ابراهیم علیه السلام با فرزند شیرخوارش اسماعیل علیه السلام و همسرش هاجر به سرزمین مکه آمدند، اثری از خانه کعبه وجود داشته است. روایات نیز، این تاریخچه معروف را تأیید می کند که خانه کعبه ابتدا به دست آدم علیه السلام ساخته شد و سپس در طوفان نوح علیه السلام فرو ریخت و آن گاه دوباره به دست ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام تجدید بنا گردید.

ص:۳۵۵

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از مقام ابراهیم علیه السلام در آیه وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِیمَ مُصَلًّی چیست؟ نظرات مختلف را بیان نمایید.

۲. منظور از طاهر ساختن بیت در آیه عَهِدْنا إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ أَنْ طَهِّرا بَیْتِیَ چیست؟ توضیح دهید.

۳. بعضی از درخواست های حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند را که در آیه ۱۲۶ و ۱۲۷ سوره بقره آمده است، توضیح دهید.

۴. از آیه ۱۲۷ سوره بقره چه نکاتی را می توان دریافت؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. تفسیر آیات حج، محمد فاکر میبدی؛

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان؛

۳. حج و عمره در قرآن و روایات، محمدی ری شهری؛

۴. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی.

۳۴- درخواست های ابراهیم علیه السلام (۲)

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با بعضی دیگر از درخواست های ابراهیم علیه السلام ؛ اهداف رسالت؛ نمونه بودن ابراهیم علیه السلام ؛ تسلیم بودن ابراهیم علیه السلام ؛ پیام های آیات۱۲۸- ۱۳۱.

کلیدواژه ها) تسلیم، بعثت، تلاوت، تزکیه، کتاب، حکمت.

* * *

۱۲۸. رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَیْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّیَّتِنا أُمَّهً مُسْلِمَهً لَکَ وَ أَرِنا مَناسِکَنا وَ تُبْ عَلَیْنا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ .

پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده! و از دودمان ما، امتی که تسلیم فرمانت باشند، به وجود آور! و طرز عبادتمان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر که تو توبه پذیر و مهربانی!

درخواست های ابراهیم علیه السلام

به مانند درس گذشته در این درس نیز با بعضی دیگر از خواسته های حضرت ابراهیم علیه السلام آشنا خواهیم شد.

در این آیه حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش اسماعیل علیه السلام ، چهار درخواست مهم از خداوند دارند که این تقاضاها به هنگام اشتغال به تجدید بنای خانه کعبه

ص:۳۵۷

صورت گرفته است و جامع تمام نیازمندی های زندگی مادی و معنوی است؛ به گونه ای انسان را کاملًا با عظمت این دو پیامبر بزرگ آشنا می سازد؛ این در خواست ها عبارتند از:

نخست: پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خودت قرار ده؛

دوم: از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر فرمان خود قرار ده؛

سوم: شیوه عبادت خودت را به ما نشان ده تا بتوانیم آن گونه که شایسته مقام توست تو را عبادت کنیم؛

چهارم: توبه ما را بپذیر و رحمتت را متوجه ما گردان؛ زیرا تو توّاب و رحیم هستی.

پیام های آیه

۱. تسلیم در برابر خداوند، مقام والایی دارد؛

۲. توجه به فرزندان و نسل نیز لازم و ضروری است؛ (۱)

۳. راه و روش بندگی را باید از خداوند آموخت؛ (۲)

پیر را بگزین که بی پیر این سفر هست بس پر آفت و خوف و خطر (۳)

۴. تسلیم در برابر خداوند دارای مراتب و درجات است (با این که آن دو در برابر خدا تسلیم بودند، ولی باز از خدا می خواهند آنها را تسلیم خدا قرار دهد)؛ (۴)

۵. خداوند، توّاب و رحیم است.

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۶۲.

۲- (۲) . همان.

۳- (۳) . مولوی.

۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۱۳.

* * *

۱۲۹. رَبَّنا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِکَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ يُزَکِّيهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ .

«پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان برانگیز تا آیات تو را بر آنان بخواند، و آنها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند؛ زیرا تو توانا و حکیمی [و بر این کار، قادری]!».

اهداف بعثت انبیاء علیهم السلام

این آیه اشاره به پنجمین درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام و فرزندش می کند که می فرماید:

پنجم: پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخواند، کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و آنها را پاکیزه نماید.

در آیات فوق، سه هدف برای بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بیان شده است:

۱. تلاوت آیات خداوند بر مردم؛ این جمله اشاره به بیدار ساختن اندیشه ها در پرتو آیاتی است که از مجرای وحی بر قلب پیامبر نازل می شوند؛

۲. تعلیم کتاب و حکمت؛

۳. تربیت و تزکیه.

تفاوت «کتاب» و«حکمت» ممکن است در این جهت باشد که کتاب، اشاره به کتاب های آسمانی است، اما حکمت، شامل علوم، دانش ها، اسرار و علل و نتایج احکام است که از سوی پیامبر، تعلیم می شود.

موضوع دیگری که در این رابطه لازم به یادآوری است این که، نیمی از شخصیت ما را «خرد» تشکیل می دهد و نیمی دیگر را «غرایز و امیال». به همین دلیل ما به همان اندازه که به «تعلیم» نیاز داریم، به «تربیت» هم نیازمندیم؛ یعنی

هم خرد ما بایـد تکامل یابـد و هم غرایز درونی ما به سوی هـدف صـحیحی رهبری شونـد؛ لذا پیامبران علیهم السـلام هم معلم هستند، هم مربی، هم آموزش دهنده اند و هم پرورش دهنده. (۱)

پیام های آیه

۱. نیاز به رهبران آسمانی یکی از نیازهای اصلی و دائمی است؛ (۲)

۲. یکی از کارهای اساسی انبیاء تلاوت آیات الهی برای مردم و تعلیم حکمت و تزکیه آنان است؛

۳. خداوند شکست ناپذیر و کارهای او حکیمانه است.

* * *

۱۳۰. وَ مَنْ یَرْغَبُ عَنْ مِلَّهِ إِبْراهِیمَ إِلاّ مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدِ اصْطَفَیْناهُ فِی الدُّنْیا وَ إِنَّهُ فِی الْآخِرَهِ لَمِنَ الصّالِحِینَ .

جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، [با آن پاکی و درخشندگی،] روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم و او در جهان دیگر، از صالحان است.

ابراهیم علیه السلام انسان نمونه

در آیات گذشته ابعادی از شخصیت حضرت ابراهیم علیه السلام ارائه گردید و بعضی از خدمات آن حضرت و نیز بخش قابل توجهی از خواسته ها و تقاضاهای ایشان که جامع جنبه های مادی و معنوی بود، مورد بررسی قرار گرفت. از مجموع این

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۵۶.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۴۰۳.

بحث ها به خوبی می توان دریافت که این پیامبر بزرگ می تواند الگویی برای همه حق طلبان جهان باشد و مکتب او به عنوان یک مکتب انسان ساز مورد استفاده همگان قرار گیرد.

بر همین اساس خداوند در آیه مورد بحث می فرماید: «چه کسی جز افرادی که خود را به سفاهت افکنده اند از آیین پاک ابراهیم علیه السلام روی گردان خواهند شد؟»

آیا این سفاهت نیست که انسان، آیینی با این پاکی و درخشندگی را رها نموده و در بیراهه های شرک، کفر و فساد گام نهد؟ آیینی که با روح و فطرت انسان آشنا و سازگار است و با عقل و خرد هماهنگ، آیینی را که هم آخرت در آن است و هم دنیا، رها کرده و به سراغ برنامه هایی برود که دشمن خرد و مخالف فطرت و تباه کننده دین و دنیای انسان است؟

ما ابراهیم علیه السلام را (به خاطر این امتیازات بزرگش) برگزیدیم و او در جهان دیگر از صالحان است. آری، ابراهیم علیه السلام برگزیده خدا و سرسلسله صالحان است و به همین دلیل باید «اسوه» و «الگو» باشد. (۱)

پیام های آیه

۱. در منطق قرآن سفیه به کسی می گویند که مکتب و راه حق را نادیده بگیرد؛ (۲)

۲. ابراهیم علیه السلام از برگزیدگان و بندگان خالص الهی است؛ (۳)

۳. آیین ابراهیم علیه السلام ، پایه و اساس دین اسلام است؛

۴. روی گردانی از اسلام، سفاهت و نادانی است؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۵۹ و ۴۶۰.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۶۵.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۱۹.

۵. امام و پیامبر را باید خداوند معین نماید؛

۶. ابراهیم علیه السلام در آخرت از صالحان است.

* * *

۱۳۱. إِذْ قالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعالَمِینَ .

در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: «اسلام بیاور!» [و در برابر حق، تسلیم باش! او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت و] گفت: «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم».

مقام تسلیم ابراهیم علیه السلام

این آیه به عنوان تأکید، به یکی دیگر از ویژگی های برگزیده ابراهیم علیه السلام که در واقع ریشه صفات دیگر اوست، اشاره نموده و می فرماید:

«به خاطر بیاورید هنگامی را که پروردگار به ابراهیم علیه السلام گفت: «در برابر فرمان من تسلیم باش؛» او گفت: «در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم».

آری، ابراهیم علیه السلام آن مرد فداکار و ایثارگر، هنگامی ندای فطرت را از درون خود شنید که به محض دریافت فرمان تسلیم از جانب پروردگار، تسلیم کامل خدا گردید. ابراهیم علیه السلام با فکر و درک خود می یابد و می بیند که ستارگان و ماه و خورشید همه غروب و افول دارند و محکوم قوانین آفرینشند؛ لذا می گوید: «اینها خدای من نیستند». (۱)

در آیات گذشته نیز ملاحظه شد که ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام پس از ساختن خانه کعبه، نخستین تقاضایی که پس از درخواست قبولی اعمال شان، از خدا کردند، این بود که آنها به راستی تسلیم فرمان او باشند و از نسل آنها نیز امتی مسلم بپاخیزد.

۱- (۱) . إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ حَنِیفاً وَ ما أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ .

در حقیقت، نخستین گام برای ایجاد ارزش در انسان، مسئله خلوص و پاکی است؛ از این روست که وقتی ابراهیم علیه السلام خود را تنها تسلیم فرمان حق کرد، محبوب خدا شد و خداوند نیز او را برگزید و او و مکتب اش را معرفی نمود.

همه کارهای حضرت ابراهیم علیه السلام ، از آغاز زندگی تا پایان، کم نظیر بودند: مبارزه پی گیر با بت پرستان و ستاره پرستان و در دلِ آتش قرار گرفتن اش که حتی دشمن سرسختش نمرود را تحت تأثیر قرار داد، بی اختیار گفت: من اتخذ إلها فلیتّخذ إلها مثل اله ابراهیم ؛ «اگر کسی بخواهد خدایی برگزیند، باید مثل خدای ابراهیم علیه السلام را انتخاب کند». (۱)

هم چنین آوردن همسر و فرزند شیرخوار خود در بیابانی خشک و سوزان، بنای خانه کعبه و نیز بردن فرزند جوانش به قربانگاه، هر کدام نمونه ای از کارهای با عظمت حضرت ابراهیم علیه السلام است.

پیام های آیه

۱. مقامات الهی بدون دلیل به کسی داده نمی شوند؛ یعنی اگر ابراهیم علیه السلام به عنوان نبی و امام انتخاب می شود، به خاطر روحیه تسلیم اوست؛ (۲)

۲. خداوند ربّ و پرورش دهنده همه جهانیان است؛

۳. چنان چه بخواهیم در آخرت جزء صالحان باشیم باید تسلیم اراده خداوند شویم.

چکیده

۱. بعضی دیگر از درخواست های ابراهیم علیه السلام از خداوند عبارتند از: نخست:

ص:۳۶۳

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۳، ص۴۳۹.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۶۶.

پروردگارا! ما را تسلیم خود فرما؛ دوم: از دودمان ما نیز امتی مسلمان و تسلیم در برابر خودت قرار ده؛ سوم: شیوه عبادت خودت را به ما نشان ده، تا بتوانیم تو را آن گونه که شایسته مقام توست عبادت کنیم؛ چهارم: توبه ما را بپذیر و رحمتت را شامل حال ما گردان؛ زیرا تو توّاب و رحیم هستی؛ پنجم: پروردگارا! در میان آنها پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آنها بخواند، کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و آنها را پاکیزه نماید.

۲. هدف از بعثت انبیاء عبارت است از: الف) تلاوت آیات خداوند بر مردم؛ ب) تعلیم کتاب و حکمت؛ ج) تربیت و تزکیه.

۳. تفاوت «کتاب» و«حکمت» ممکن است در این باشد که کتاب، اشاره به کتاب های آسمانی است، اما حکمت، علوم و دانش ها، اسرار و علل و نیز نتایج احکام است که از سوی پیامبر، تعلیم می شود.

۴. یکی از ویژگی ها و صفات برگزیده ابراهیم علیه السلام که در واقع ریشه صفات دیگر او می باشد، تسلیم محض بودن اوست. هنگامی که پروردگار به او گفت: «در برابر فرمان من تسلیم باش» او گفت: «در برابر پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» حضرت ابراهیم علیه السلام با فکر خویش در می یابد که ستارگان و ماه و خورشید همه غروب و افول دارند و محکوم قوانین آفرینش اند؛ لذا می گوید: «اینها خدای من نیستند».

۵. همه کارهای ابراهیم علیه السلام از آغاز زندگی تا پایان، کم نظیر بودند: مبارزه پی گیر با بت پرستان و ستاره پرستان و در دلِ آتش قرار گرفتن اش که حتی دشمن سرسختی مانند نمرود را تحت تأثیر قرار داد, وقتی بی اختیار گفت: من اتخذ إلها فلیتّخذ إلها مثل اله ابراهیم ؛ اگر کسی بخواهد خدایی انتخاب کند باید خدایی همچون خدای ابراهیم علیه السلام برگزیند.

پرسش ها و تمرین ها

۱. درخواست های حضرت ابراهیم علیه السـلام که در آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره بقره آمـده است، هر یک از این خواسـته ها را جداگانه نام ببرید.

۲. از آیه ۱۳۰ سوره بقره، چه نکات و پیام هایی را می توان دریافت؟

۳. از آیه ۱۳۰ سوره بقره، چه مقامی را می توان برای حضرت ابراهیم علیه السلام اثبات نمود؟ توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. حیاه ابراهیم، محمود شلبی؛

۳. منشور جاوید، جعفر سبحانی؛

۴. حیاه اسماعیل، محمود شلبی؛

۵. انسان و ایمان، مرتضی مطهری.

ص:۳۶۵

۳۵- وصیت ابراهیم علیه السلام به فرزندان

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با سفارش ابراهیم علیه السلام به فرزندانش؛ شأن نزول آیه ۱۳۳ - ۱۳۵؛ دین داران خالص؛ پیام های آیات ۱۳۲ - ۱۳۵.

کلیدواژه ها) وصیّت، یعقوب، مسلم، عبادت، کسب، حنیف.

* * *

۱۳۲. وَ وَصّى بِها إِبْراهِيمُ بَنِيهِ وَ يَعْقُوبُ يا بَنِيَّ إِنَّ اللّهَ اصْطَفى لَكُمُ الدِّينَ فَلا تَمُوتُنَّ إِلاّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ .

و ابراهیم و یعقوب [در واپسین لحظات عمر،] فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند [و هر کدام به فرزندان خویش گفتند:] «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید!».

وصیت ابراهیم علیه السلام

وصیت ابراهیم علیه السلام در واپسین روزهای زندگی به فرزندان خود، نمونه و عالی بود. در این آیه آمده است که ابراهیم علیه السلام و یعقوب علیه السلام فرزندان خود را در آخرین لحظات عمر به این آیین پاک توحیدی وصیت نموده و هر کدام به

فرزندان خود گفتند: «فرزندان من! خداوند این آیین توحید را برای شما برگزیده است؛ بنابراین جز بر این آیین رهسپار نشوید و جز با قلبی مملو از ایمان و تسلیم، جهان را وداع نگویید».

قرآن بـا بیـان وصیت ابراهیم علیه السـلام گویا می خواهـد این حقیقت را بازگو کنـد که شـما انسان ها، نه تنها مسئول امروز فرزنـدانتان، بلکه مسئول آینـده آنهـا نیز هستیـد؛ از این رو نبایـد هنگـام چشم بسـتن از این جهـان، تنهـا نگران زنـدگی مادی فرزندانتان بعد از مرگ باشید، بلکه باید به فکر زندگی معنوی آنها نیز بود.

علاوه بر حضـرت ابراهیم علیه السـلام ، فرزنـدزاده اش یعقوب نیز همین روش را از جدّ خود (ابراهیم علیه السـلام) آموخت و در واپسـین لحظات عمر خود، به فرزنـدانش وصـیّت کرد که رمز پیروزی، موفقیت و سـعادت در یک جمله کوتاه، «تسـلیم در برابر حق» خلاصه می شود.

ذکر یعقوب علیه السـلام از میان همه پیامبران علیهم السـلام در این جا، شایـد برای این هدف باشد تا به یهود و نصارا - که هر یک خود را به نوعی به یعقوب علیه السـلام ارتباط می دادند - بفهماند که این آیین شرک آلود شما و این عدم تسلیم خالص در برابر حق که برنامه شما را تشکیل می دهد، با روش کسی که خود را به او پیوند می دهید، سازگار نیست. (۱)

پیام های آیه

۱. در وصیت نباید تنها به فکر مسائل مادی باشیم، بلکه به فکر عقاید نسل آینده نیز باید بود؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۶۲.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۴۰۹.

۲. دین و توحید را خداوند برای ما انتخاب نموده است؛

۳. آیین ابراهیم علیه السلام ، دین برگزیده الهی است؛ (۱)

۴. حُسن عاقبت و مسلمان ماندن، بسیار مهم است؛ (۲)

۵. راه حق، همان راه تسلیم در برابر خداوند است؛ (۳)

۶. ریشه و اساس ادیان الهی، تسلیم در برابر خداوند است.

* * *

۱۳۳. أَمْ كُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قالَ لِبَنِيهِ ما تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِی قالُوا نَعْبُدُ إِلهَکَ وَ إِلهَ آبائِکَ إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ إِلهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ .

آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟! در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می پرستید؟» گفتند: «خدای تو و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق؛ خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم».

شأن نزول

گروهی از یهود معتقد بودند که یعقوب علیه السلام هنگام مرگ، فرزندان خویش را به دینی که هم اکنون یهود به آن اعتقاد دارند (با تمام تحریفاتش) توصیه کرد؛ خداوند نیز در رد عقیده آنان این آیه را نازل فرمود. (۴)

چنان که در شأن نزول آیه آمده است و از ظاهر خود آیه نیز برمی آید که جمعی

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۲۳.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، همان.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۶۷.

۴- (۴) . تفسیر ابو الفتوح رازی، ج۱، ص۳۴۴.

از منکران اسلام، مطلب نادرستی را به یعقوب علیه السلام پیامبر خدا نسبت می دادند - این مطلب ظاهراً همان بوده که در شأن نزول آمده است - قرآن کریم برای ردّ این ادعای بی دلیل می گوید: مگر شما هنگام مرگ یعقوب علیه السلام ، حاضر بودید که چنان توصیه ای را به فرزندانش کرد؟ آری، آن چه شما به او نسبت می دهید درست نیست، بلکه در آن هنگام از فرزندان خود پرسید: «بعد از من چه چیز را می پرستید؟» آنها در پاسخ گفتند: «خدای تو و خدای پدرانت إبْراهیم و إسْماعیل و إسْحاق را می پرستیم: خداوند یگانه یکتا را عبادت می کنیم و در برابر فرمان او تسلیم هستیم».

آری، یعقوب علیه السلام توصیه ای جز به توحید و تسلیم در برابر فرمان حق نکرد؛ زیرا این امر، ریشه پذیرش همه برنامه های الهی است.

این نکته نیز قابل توجّه است که حضرت اسماعیل علیه السلام ، پدر یا جدّ یعقوب علیه السلام نبود، بلکه عموی او بود؛ حال آن که در آیه مورد بحث، کلمه «آباء» (جمع أب) به کار رفته است. از این جا روشن می شود که در لغت عرب گاهی واژه «أب» به عمو اطلاق می شود؛ از این رو باید گفت، چنان چه این واژه در مورد «آزر» در قرآن به کار رفته، مانع از آن نیست که آزر عموی ابراهیم علیه السلام باشد، نه پدرش. (۱)

پیام های آیه

۱. گناه را نباید توجیه کرد (یهودیان برای توجیه انحراف و گناه خود، به حضرت یعقوب علیه السلام نسبت دروغ می دادند)؛ (۲)

۲. توصیه یعقوب علیه السلام به فرزندانش بر بقاء بر دین یهود، از ادّعاهای دروغین یهود است؛ (۳)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۴۶۳- ۴۶۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص۲۶۹.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص۴۱۳.

۳. پدر باید بر آینده دینی فرزندان خود نظارت داشته و از اعتقادات آنها پرسش کند؛ (۱)

۴. فرزندان یعقوب علیه السلام همه موحّد و یکتاپرست بودند؛

۵. بیان مطلب باید از روی علم و آگاهی باشد؛

۶. بیشترین وصیت انبیاء علیهم السلام ، سفارش به توحید بوده است.

* * *

۱۳۴. تِلْکَ أُمَّهٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما کَسَبَتْ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمّا کانُوا یَعْمَلُونَ .

آنها امتی بودند که درگذشتند. اعمال آنان، مربوط به خودشان بود و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست و شما هیچ گاه مسئول اعمال آنها نخواهید بود.

هر کس مسئول اعمال خویش است

پس از بیان آیین ابراهیم علیه السلام و سفارش او و یعقوب علیه السلام به آن، خداوند حقیقتی را بیان می کند که بسیار مهم است؛ این که گذشتگان هر چه بودند، گذشتند و شما نباید خوبی های آنها را به حساب خود بگذارید؛ زیرا کار آنها نفعی برای شما ندارد. (۲)

گویا این آیه پاسخ به یکی از اشتباهات یهودیان است؛ چرا که آنها بسیار روی نیاکان و افتخارات و عظمت شان در پیش گاه خدا تکیه می کردند و گمان شان این بود که اگر خودشان هم آلوده باشند، در پرتو چنین نیاکانی اهل نجات خواهند بود.

قرآن می گوید: «اعمال آنها مربوط به خودشان است و اعمال شما نیز مربوط به خود شماست و شما هرگز مسئول اعمال آنها نخواهید بود.» بنابراین به جای این که تمام فکر خود را مصروف به تحقیق، مباهات و افتخار نسبت به نیاکان

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص ۴۱۰.

۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص ۳۶۰.

خود کنید در اصلاح عقیده و عمل خویش بکوشید. (۱) چنان که علی علیه السلام می فرماید: «شرافت و بزرگی به همت های عالی و بلند بستگی دارد، نه به استخوان های پوسیده نیاکان و گذشتگان. (۲)

هر که را بنگری ز دشمن و دوست قیمت او به قدر همت اوست

پیام های آیه

۱. تکیه بر اجداد و نیاکان و مباهات به آنها صحیح نیست؛ (۳)

۲. آینده هر کسی در گرو اعمال خود اوست؛

۳. خداوند در رسیدگی به اعمال انسان در قیامت، عادل است.

* * *

۱۳۵. وَ قالُوا کُونُوا هُوداً أَوْ نَصاری تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً وَ ما کانَ مِنَ الْمُشْرِکِینَ .

[اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید، تا هدایت یابید!»؛ بگو: « [این آیین های تحریف شده هرگز نمی تواند موجب هدایت گردد]، بلکه از آیین خالص ابراهیم پیروی کنید! و او هرگز از مشرکان نبود!».

شأن نزول

در شأن نزول این آیه و دو آیه بعد از ابن عباس چنین نقل شده است: عبدالله بن صوریا، کعب ابن اشرف، مالك بن ضیف، و چند نفر از علمای یهود و مسیحیان نجران، با مسلمانان بحث و گفت وگو داشتند؛ هر یک از این دو گروه خود را

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۶۵.
۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۴۱۱؛ به نقل از غُرر الحِکَم.
۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص ۲۷۰.

اولی و سزاوارتر به آیین حق می دانست و دیگری را نفی می کرد. یهودیان می گفتند: «موسی علیه السلام پیامبر ما، از همه پیامبران برتر است و کتاب ما تورات، بهترین کتاب هاست.» عین همین ادعا را نیز مسیحیان داشتند که: «مسیح علیه السلام ، بهترین راهنما و انجیل، برترین کتاب های آسمانی است». هر یک از پیروان این دو مذهب، مسلمانان را به مذهب خویش دعوت می کردند. در این هنگام آیات فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد که: «تنها ما بر حقیم!» (۱)

خودپرستی و خودمحوری معمولاً سبب می شود که انسان حق را در خودش منحصر دانسته و دیگران را باطل بشمرد و سعی کند تا دیگران را به رنگ خود در آورد؛ چنان که قرآن می گوید: «اهل کتاب گفتند: «یهودی یا مسیحی شوید تا هدایت یابید».

خداوند در پاسخ آنها می فرماید: «بگو آیین های تحریف یافته هرگز نمی تواند موجب هدایت بشر گردد؛ پیرو خالص ابراهیم علیه السلام گردید تا هدایت شوید.» دینداران خالص کسانی هستند که پیرو آیین توحیدی خالص باشند؛ توحیدی که هیچ گونه با شرک درنیامیزد.

اسلام به ما می آموزد که میان پیامبران خدا علیه السلام تفرقه نیفکنیم و به آیین همه آنها احترام بگذاریم؛ چرا که اصول آیین حق در همه جا یکی است و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام نیز پیرو آیین توحیدی و خالص - از شرک - ابراهیم علیه السلام بودند؛ اگرچه آیین آنها به وسیله پیروان نادان تحریف شد و به شرک آمیخته گشت. البته این سخن منافات با این ندارد که امروز باید در انجام وظائف خود پیرو آخرین آیین آسمانی، یعنی اسلام باشیم که برای این زمان از سوی خدا نازل شده است. (۲)

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱- ۲، ص۴۰۲ و ۴۰۳.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۶۷- ۴۶۸.

پیام های آیه

۱. انحصارطلبی ممنوع است (یهود و نصارا، هدایت را مخصوص خودشان می دانستند)؛ (۱)

۲. یهود و نصارا علیه مسلمانان با هم متحد هستند؛

۳. ابراهیم علیه السلام موحد بوده و همیشه از باطل گریزان بوده است. (۲)

چکیده

۱. وصیت و سفارشی ابراهیم علیه السلام در لحظات پایانی عمر به فرزندانش، نمونه و عالی بود؛ زیرا فرمود: «فرزندان من! خداوند این آیین توحید را برای شما برگزیده است؛ بنابراین جز بر این آیین رهسپار نشوید و جز با قلبی مملو از ایمان و تسلیم، جهان را وداع نگویید».

۲. قرآن با بیان وصیت ابراهیم علیه السلام می خواهد این حقیقت را بازگو کند که شما انسان ها تنها مسئول امروز فرزندانتان نیستید، بلکه مسئول آینده آنها نیز می باشید؛ تنها به هنگام چشم بستن از جهان، نگران زندگی مادی فرزندانتان بعد از مرگ نباشید، بلکه به فکر زندگی معنوی آنها نیز باشید.

۳. جمعی از یهود معتقد بودند که یعقوب علیه السلام هنگام مرگ، فرزندان خویش را به دینی که هم اکنون یهود به آن اعتقاد دارند (با تمام تحریفاتش) توصیه کرد. اما خداوند این عقیده را ردّ نموده و می فرماید: «مگر شما به هنگامی که مرگ یعقوب علیه السلام فرا رسید حاضر بودید، که چنان توصیه ای را به فرزندانش کرد؟».

۴. حضرت اسماعیل علیه السلام پدر یا جدّ یعقوب علیه السلام نبود، بلکه عموی او بود؛

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۳۳.

حال آن که در آیه مورد بحث کلمه «آباء» جمع «أب» به کار رفته است. از این جا روشن می شود که در لغت عرب گاهی کلمه «أب» به عمو اطلاق می شود؛ از این رو استفاده از این واژه در مورد «آزر» در قرآن، مانع از آن نیست که آزر عموی ابراهیم علیه السلام باشد، نه پدرش.

۵. آیین های تحریف یافته هرگز نمی توانند موجب هدایت بشر شوند و باید پیرو خالص ابراهیم علیه السلام شوید تا هدایت یابید.

۶. دین داران خالص کسانی هستند که پیرو آیین توحیدی خالص باشند؛ توحیدی که به هیچ وجه با شرک آمیخته نگردد.

ص:۳۷۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. با این که یعقوب علیه السلام از فرزندان ابراهیم علیه السلام است و کلمه «بنیه» آن را شامل می شود، علت ذکر نام یعقوب علیه السلام در آیه ۱۳۲، آن هم به صورت مستقل چیست؟

۲. نکاتی که از آیه ۱۳۳ سوره بقره استفاده می شود را به صورت مختصر بیان کنید.

۳. شأن نزول آیه ۱۳۵ سوره بقره را به طور مختصر بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. اسباب النزول، واحدی نیشابوری؛

۲. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی؛

۳. انسان و ایمان، مرتضی مطهری؛

۴. تاریخ انبیاء، هاشم رسولی محلّاتی.

۳۶- رنگ خدایی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با وحدت اهداف انبیای الهی علیهم السلام ؛ عدم دخالت مسائل نژادی و قبیله ای در مذهب؛ رنگ خدایی؛ پیام های آیات ۱۳۶- ۱۳۹.

کلیدواژه ها) اسباط، شقاق، صبغه، تعمید، محاجّه، اخلاص.

* * *

۱۳۶. قُولُوا آمَنّا بِاللّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْنا وَ ما أُنْزِلَ إِلی إِبْراهِیمَ وَ إِسْماعِیلَ وَ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطِ وَ ما أُوتِیَ مُوسی وَ عِیسی وَ ما أُوتِیَ النَّبِیُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لا نُفَرِّقُ بَیْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ .

بگویید: «ما به خدا ایمان آورده ایم و به آن چه بر ما نازل شده و آن چه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران از فرزندان او نازل گردید، و [هم چنین] آن چه به موسی و عیسی و پیامبران [دیگر] از سوی پروردگار داده شده است؛ و در میان هیچ یک از آنها جدایی قائل نمی شویم و در برابر فرمان خدا تسلیم هستیم [و تعصبات نژادی و اغراض شخصی، سبب نمی شود که بعضی را بپذیریم و بعضی را رها کنیم]».

ایمان به تمام انبیاء علیهم السلام

این آیه به مسلمانان دستور می دهد که به مخالفان خود بگویند: ما به خدا ایمان

آورده ایم، و به آن چه از سوی او بر ما نازل شده و به آن چه بر ابراهیم، اسماعیل صلی الله علیه و آله ، اسحاق علیه السلام ، یعقوب علیه السلام و پیامبران اسباط علیهم السلام (۱) بنی اسرائیل نازل گردید و هم چنین به آن چه به موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام و پیامبران دیگر از ناحیه پروردگارشان داده شده، ایمان داریم. ما هیچ فرقی میان آنها نمی گذاریم و در برابر فرمان حق تسلیم هستیم. خودمحوری ها و تعصبات نژادی هرگز سبب نمی شود که ما بعضی را بپذیریم و بعضی را نفی کنیم. آنها همه معلمان الهی بودند که در دوره های مختلف به راهنمایی انسان ها پرداختند و هدف همه آنها هدایت بشر در پرتو توحید خالص و حق و عدالت بود؛ هر چند هر یک از آنها در مقطع خاص زمانی خود، وظایف و ویژگی های خاصی داشتند. (۲)

پیام های آیه

۱. مسلمانان باید به همه انبیاء علیهم السلام و کتاب های آسمانی ایمان داشته باشند؛ (۳)

۲. کفر به بعضی از انبیاء علیهم السلام کفر به همه آنهاست؛

۳. بین انبیاء علیهم السلام هیچ تفاوتی در اصول وجود ندارد؛

۱- (۱) . «سبط» (بر وزن حفظ) و «سَبَط» و انبساط در اصل به معنای گسترش و توسعه چیزی به آسانی و راحتی است؛ و گاهی به درخت نیز «سَبَط» گفته می شود؛ زیرا شاخه های آن به راحتی گسترده می شود. فرزندان و شاخه های یک فامیل را به خاطر گسترشی که در نسل پیدا می شود «سبط» و «اسباط» می گویند. منظور از اسباط تیره ها و قبایل بنی اسرائیل یا فرزندانی هستند که از اولاد دوازده گانه یعقوب به وجود آمدند و چون در میان آنها پیامبرانی وجود داشته اند، آیه بالا آنها را جزو کسانی می شمارد که آیات خدا بر آنها نازل گردیده است. بنابراین منظور، قبایل بنی اسرائیل یا قبایل فرزندان یعقوب است که پیامبرانی داشتند، نه خود فرزندان یعقوب، تا گفته شود همه آنها صلاحیت پیامبری نداشتند؛ چرا که آنها درباره برادر خود مرتکب گناه شدند.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۶۸ و ۴۶۹.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۷۳.

۴. یهود و نصارا به برخی از انبیای الهی علیهم السلام ایمان داشتند.

* * *

۱۳۷. فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ ما آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّما هُمْ فِی شِقاقٍ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ .

اگر آنها نیز به مانند آن چه شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند و خداوند، شر آنها را از تو دفع می کند و او شنونده و داناست.

هدایت در سایه ایمان

در این آیه خداوند می فرماید: «اگر آنها به همین اموری که شما ایمان آورده اید ایمان بیاورند، هدایت یافته اند و اگر سرپیچی کنند، از حق جدا شده اند». اگر آنها مسائل نژادی و قبیلگی و مانند آن را در مذهب دخالت نداده و همه پیامبران الهی علیهم السلام را بدون استثنا به رسمیت بشناسند، هدایت یافته خواهند بود، در غیر این صورت، حق را رها نموده، و سراغ باطل رفته اند. (۱)

چنان که بعضی از مفسران گفته اند: پس از نزول آیه قبل و ذکر حضرت مسیح علیه السلام در ردیف سایر پیامبران علیهم السلام ، جمعی از مسیحیان گفتند: «ما این سخن را نمی پذیریم؛ عیسی علیه السلام همچون سایر پیامبران علیهم السلام نبود، او پسر خدا بود!» در این جا آیه مورد بحث نازل شد و به آنها هشدار داد که در گمراهی و کفر و شقاق هستند. (۲)

۱- (۱) . کلمه «شقاق» در اصل به معنای شکاف و منازعه و جنگ است و در این جا بعضی آن را به «کفر» تفسیر کرده اند و برخی به گمراهی و گاه نیز به جدایی از حق و توجّه به باطل و همه اینها در واقع به یک حقیقت بازمی گردد.
۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۴۰۶.

در پایان آیه نیز خداوند به مسلمانان دلگرمی می دهد که از توطئه های دشمنان نهراسند، زیرا او دفع شر آنها را از شما می کند و او شنونده و دانا و از توطئه های آنها آگاه است. (۱)

پیام های آیه

۱. رسیدن به هدایت در گروِ ایمان به خداست؛

۲. قبول نکردن اسلام، پس از آگاهی، نشانه ستیزه جویی است؛

۳. مسلمانان الگویی برای همه افراد هستند؛

۴. خداوند کفایت امور، مسلمانان را خواهد کرد؛

۵. خداوند به همه امور، سمیع و علیم است.

* * *

۱۳۸. صِبْغَةَ اللّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عابِدُونَ .

رنگ خدایی [بپذیرید! رنگ ایمان و توحید و اسلام] و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می کنیم.

رنگ خدایی

به دنبال دعوت خداوند - که در آیات قبلی، از عموم پیروان ادیان شده بود - به تبعیّت از برنامه های همه انبیاء علیهم السلام ، در این آیه، به همه آنان (پیروان ادیان) فرمان می دهد که تنها رنگ خدایی را بپذیرند که همان رنگ اسلام و ایمان و توحید خالص است. آن گاه می فرماید: چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟ ما تنها او را می پرستیم.» بدین ترتیب، قرآن فرمان می دهد که همه، رنگ های نژادی و قبیلگی

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۶۹.

و سایر رنگ های تفرقه انداز را از میان بردارند و به رنگ الهی در آیند.

برخی مفسران نوشته اند، در میان مسیحیان متداول بود هنگامی که فرزندان خود را غسل «تعمید» می دادند، گاه ادویه مخصوص و زرد رنگی به آب افزوده و می گفتند: «این غسل - مخصوصاً با این رنگ خاص - باعث تطهیر نوزاد از گناه ذاتی که از آدم به ارث برده است، می شود قرآن بر این منطق بی اساس، خط بطلان می کشد و می گوید: بهتر این است که به جای رنگ ظاهر و رنگ های خرافاتی و تفرقه انگیز، رنگ حقیقت و خدایی را بپذیرید تا روح و جانتان از هر آلودگی پاک گردد.

راستی چه تعبیر زیبا و لطیفی است؟ اگر مردم رنگ خدایی، یعنی رنگ وحدت، عظمت، پاکی و پرهیزکاری، رنگ عدالت، مساوات، برادری و برابری و رنگ توحید و اخلاص را بپذیرند، می توانند در پرتو آن، همه نزاع ها و کشمکش ها را از میان بردارند.

رنگ او بَر کن مثال او شوی در جهان عکس جمال او شوی

در احادیث متعددی از امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه آمده است که: مقصود از صِبْغَةَ اللّهِ آیین پاک اسلام است. (۱)

پیام های آیه

۱. بهترین و زیباترین رنگ ها، رنگ الهی است؛ (۲)

۲. اهل ایمان از شرک به خدا پاک و منزّه هستند؛

۳. اهل ایمان، تنها خداوند را عبادت می کنند.

* * *

ص:۳۸۰

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۱۳۲.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۷۶؛تفسیر قرآن مهر، ج۱، ص۴۱۸.

۱۳۹. قُلْ أَ تُحَاجُّونَنا فِي اللّهِ وَ هُوَ رَبُّنا وَ رَبُّكَمْ وَ لَنا أَعْمالُنا وَ لَكَمْ أَعْمالُكَمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ .

بگو: «آیا درباره خداوند با ما محاجّه می کنید؟! درحالی که او، پروردگار ما و شماست و اعمال ما از آن ما، و اعمال شما از آن شماست و ما او را با اخلاص پرستش می کنیم، [و موحد خالصیم]».

عمل هر کسی به خودش باز می گردد

یهودیان و پیروان آیین های دیگر، گاه با مسلمانان به محاجّه و گفت وگو برمی خاستند و می گفتند:

۱. تمام پیامبران علیهم السلام از میان ما برخاسته و دین ما قدیمی ترین ادیان و کتاب ما کهن ترین کتاب های آسمانی است؛ اگر محمد صلی الله علیه و آله نیز پیامبر بود، باید از میان ما مبعوث شده باشد!

۲. نژاد ما نسبت به نژاد عرب، برای پذیرش ایمان و وحی آماده تر است؛ چرا که آنها بت پرست بوده اند و ما نبودیم؛

۳. ما فرزندان خدا بوده و بهشت در انحصار ماست.

قرآن در این آیه و آیات پس از آن، خط بطلان بر همه این پندارها کشیده و به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: به آنها بگو آیا درباره خداوند با ما گفت وگو می کنید؟ درحالی که او پروردگار ما و پروردگار شما است. پروردگار در انحصار هیچ نژاد و قبیله ای نیست؛ او پروردگار همه جهانیان و همه عالم هستی است و بدانید که ما در گروِ اعمال خویش هستیم و شما هم در گروِ اعمال خود. برای هیچ کس امتیازی جز در پرتو اعمالش نخواهد بود؛ با این تفاوت که ما با

اخلاص او را پرستش می کنیم و موحد خالصیم (اما بسیاری از شما توحید را به شرک آلوده کرده اید). (۱)

پیام های آیه

۱. در مشترکات نباید محاجّه نمود؛

۲. خداوند، ربّ همه است؛

۳. اعمال هر کسی برای خود اوست؛

۴. باید خداوند را خالصانه عبادت نمود.

چکیده

۱. خداوند به مسلمانان دستور می دهد که به مخالفان خود بگویند: ما به خدا و آن چه از سوی او بر ما نازل شده و به آن چه بر ابراهیم علیه السلام ، اسماعیل علیه السلام ، اسحاق علیه السلام ، یعقوب علیه السلام و پیامبران اسباط علیهم السلام (بنی اسرائیل) فرستاده شده و نیز به آن چه به موسی علیه السلام ، عیسی علیه السلام و پیامبران دیگر فرو فرستاده شده، ایمان داریم.

۲. تعصب های نژادی هرگز نباید موجب پذیرش بعضی انبیاء علیهم السلام و نفی بعضی دیگر شود؛ آنها معلمان الهی بودند که در دوره های مختلف به راهنمایی انسان ها پرداختند و هدف همه آنها، هدایت بشر در پرتو توحید خالص و حق و عدالت بوده است.

۳. بعضی از مفسران گفته اند که پس از ذکر حضرت مسیح علیه السلام در ردیف سایر پیامبران علیهم السلام , جمعی از مسیحیان گفتند: عیسی علیه السلام همچون سایر پیامبران علیهم السلام نبود؛ او پسر خدا بود! خداوند به آنها هشدار داد که این افراد در گمراهی و کفر و شقاق هستند.

ص:۳۸۲

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۷۵.

۴. به دنبـال دعوت خداونـد - که در آیـات سـابق، از عموم پیروان ادیـان شـده بود - به تبعیت از برنـامه هـای همه انبیاء علیهم السلام در این آیه، به همه آنها فرمان می دهد که تنها رنگ خدایی را بپذیرید که همان رنگ ایمان و توحید خالص است.

۵. قرآن فرمان می دهد که همه، رنگ های نژادی و قبیلگی و سایر رنگ های تفرقه انگیز را از میان بردارند و همگی به رنگ الهی در آیند.

۶. میـان مسـیحیان معمول بود که فرزنـدان خود را غسل «تعمیـد» می دادنـد؛ گاه ادویه مخصوص زرد رنگی به آب اضافه می کردنـد و می گفتنـد: «این غسـل - مخصوصاً با این رنگ خاص - باعث تطهیر نوزاد از گناه ذاتی که آدم به ارث برده است، می شود».

پرسش ها و تمرین ها

۱. منظور از «اسباط» در آیه ۱۳۶ سوره مبارکه بقره، چیست؟ شرح دهید.

۲. بر اساس روایات، منظور از «صبغه الله» در آیه ۱۳۸ سوره بقره را به صورت مختصر بیان نمایید.

۳. چه نکاتی را از آیه ۱۳۹ سوره بقره می توان استفاده کرد؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. قلب سلیم، عبدالحسین دستغیب شیرازی؛

۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۳. شناخت ادیان، واحد تألیف و ترجمه کتاب های درسی, گروه عقاید؛

۴. منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی.

ص:۳۸۴

۳۷- ماجرای تغییر قبله

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با ظالم ترین افراد؛ ماجرای تغییر قبله؛ پیام های آیات ۱۴۰- ۱۴۲.

کلیدواژه ها) تعصب، کتمان، قبله، مشرق، مغرب، بیت المقدس.

* * *

۱۴۰. أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْراهِيمَ وَ إِسْماعِيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْباطَ كانُوا هُوداً أَوْ نَصارى قُلْ أَ أَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللّهُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللّهِ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ .

یا می گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، یهودی یا نصرانی بودند»؟! بگو: «شما بهتر می دانید یا خدا؟! [و با این که می دانید آنها یهودی یا نصرانی نبودند، چرا حقیقت را کتمان می کنید؟]» و چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که گواهی و شهادت الهی را که نزد اوست، کتمان می کند؟! و خدا از اعمال شما غافل نیست.

تهمت یهود به ابراهیم و یعقوب

یهود، آیین ابراهیم علیه السلام ، اسماعیل علیه السلام ، اسحاق علیه السلام ، یعقوب علیه السلام و نوادگان او را، آیین

یهودی می دانستند و می گفتند: «همگی آنها یهودی یا نصرانی بوده اند». خداوند در جواب می فرماید: «آیا شما بهتر می دانید یا خدا؟!» خدا بهتر می داند که آنها، نه یهودی بودند و نه نصرانی. شما هم کم و بیش می دانید که بسیاری از این پیامبران علیهم السلام ، قبل از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به جهان گام نهاده اند، و اگر هم ندانید، باز دادن چنین نسبتی به آنها بدون اطلاع، تهمت، گناه و کتمان حقیقت است و چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که شهادت الهی را که نزد اوست کتمان کند؟ اما بدانید خدا از اعمال شما غافل نیست.

شگفت این که، انسان گاه به خاطر لجاجت و تعصب، مسلّمات تاریخ را انکار می کند! آنها پیامبرانی همچون ابراهیم علیه السلام ، اسحاق علیه السلام ، یعقوب علیه السلام را که پیش از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به دنیا آمدند و از جهان رفتند، از پیروان موسی علیه السلام یا مسیح علیه السلام می شمارند و واقعیتی به این روشنی را کتمان می کنند؛ واقعیتی که با سرنوشت مردم و دین و ایمان آنها سر و کار دارد. به همین دلیل قرآن آنها را ستمکارترین افراد معرفی کرده است؛ زیرا هیچ ستمی بالاتر از این نیست که گروهی، آگاهانه حقایق را کتمان نموده و مردم را در بیراهه ها سرگردان سازند. (۱)

پیام های آیه

۱. تعصب و جهالت، گاه به جایی می رسد که انسان واقعیت را انکار می کند (این گروه می گفتند: ابراهیم علیه السلام ، یهودی و یا نصرانی است؛ یعنی حاضر بودند به خاطر تعصب، به انبیاء علیهم السلام تهمت بزنند)؛

۲. یهودیان، حقیقت تاریخ را تحریف می کردند؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۷۵ و ۴۷۶.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۴۶.

۳. کتمان شهادت، یکی از بزرگترین ظلم هاست؛

۴. خداوند لحظه ای از اعمال ما غافل نیست.

* * *

۱۴۱. تِلْکَ أُمَّهٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما کَسَبَتْ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمّا کانُوا یَعْمَلُونَ .

[به هر حال] آنها امتی بودند که درگذشتند؛ آن چه کردند، برای خودشان انجام دادند و آن چه هم شما انجام داده اید، برای خودتان است و شما مسئول اعمال آنها نیستید.

عمل امّت های گذشته

در این آیه به گونه ای دیگر به یهودیان پاسخ داده شده است: بر فرض درست بودن همه ادعاهای شما، آنها گروهی بودند که درگذشتند و پرونده اعمالشان بسته شد و دورانشان سپری گشت. اعمال آنان متعلق به خودشان است و شما هم مسئول اعمال خویش هستید و هیچ گونه مسئولیتی در برابر اعمال آنها ندارید.

یک ملت زنده باید به اعمال خویش متّکی باشد، نه به تاریخ گذشته خویش؛ هم چنین یک انسان، باید به فضیلت های خود تکیه کند؛ چرا که از فضل پدر تو را چیزی حاصل نمی شود، هر چند که فاضل باشد! (۱)

پیام های آیه

۱. هر فرد یا امّتی، مسئول اعمال خویش است؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۷۶.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۰.

۲. در عمل یا کسب خوشبختی نباید به اعمال گذشتگان تکیه نمود؛

۳. خداوند در رسیدگی به اعمال انسان ها عادل است. (۱)

* * *

۱۴۲. سَیَقُولُ السُّفَهاءُ مِنَ النّاسِ ما وَلاّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِی کانُوا عَلَیْها قُلْ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ یَهْدِی مَنْ یَشاءُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ .

به زودی سبک مغزان از مردم می گویند: «چه چیز آنها [مسلمانان] را از قبله ای که بر آن بودند، بازگردانید؟!» بگو «مشرق و مغرب، از آن خداست؛ او هر که را بخواهد به راه راست هدایت می کند».

ماجرای تغییر قبله

این آیه و چند آیه دیگر، به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام که سبب ایجاد موجی عظیم در میان مردم شد، اشاره دارد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه و ۱۹ ماه بعد از هجرت در مدینه، به امر خدا به سوی «بیت المقدس» نماز می خواند؛ (۲) ولی بعد از آن، قبله تغییر یافت و مسلمانان مأمور شدند به سوی «کعبه» نماز بگذارند.

در مدتی که مسلمانان رو به سوی بیت المقدس عبادت می کردند، مورد سرزنش یهود قرار داشتند؛ زیرا بیت المقدس در اصل قبله یهود بود. آنها به مسلمانان می گفتند: «اینان از خود استقلال ندارند و به سوی قبله ما نماز می خوانند، و این دلیل آن است که ما برحقّیم».

این گفت وگوها برای پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان ناگوار بود؛ زیرا آنها از یک سو

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۵۰.

۲- (۲) . نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۴۱۷؛ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۸۴۳.

مطیع فرمان خـدا بودند و از سوی دیگر طعنه های یهود به آنها، قطع نمی شد؛ برای همین پیامبر صـلی الله علیه و آله شب ها به گستره آسمان می نگریست، گویی در انتظار وحی الهی بود.

مـدتی از این انتظار گذشت، تا این که فرمان تغییر قبله صادر شد و در حالی که پیامبر صـلی الله علیه و آله دو رکعت نماز ظهر را در مسـجد «بنی سالم» به سوی بیت المقدس خوانده بود، جبرئیل صـلی الله علیه و آله مأمور شد بازوی آن حضرت را بگیرد و روی او را به سوی کعبه برگرداند.

یهود از این ماجرا سـخت برآشـفتند و به شـیوه دیرینه خود به بهانه جویی پرداختنـد. آنها قبلًا می گفتنـد: «ما بهتر از مسـلمانان هستیم؛ چرا که آنها از نظر قبله استقلال ندارند و پیرو ما هستند»؛ اما همین که دستور تغییر قبله از سوی خدا صادر شد، زبان به اعتراض گشودند، چنان که قرآن در این آیه می گوید:

به زودی بعضـی از مردم سـبک مغز (۱) می گوینـد: «چه چیز آنها (مسـلمانان) را از قبله ای که بر آن بودنـد برگردانیـد؟» چرا اینهـا از قبله پیـامبران پیشـین علیهم السـلام اعراض نمودنـد؟ اگر قبله اول صـحیح بـود این تغییر چه معنـایی دارد؟ و اگر دومی صحیح است، چرا سیزده سال و چند ماه به سوی بیت المقدس نماز خواندید؟!

خداوند به پیامبرش صـلی الله علیه و آله دستور می دهد: «به آنها بگو شرق و غرب عالم از آن خداست؛ هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند».

این دلیلی قاطع و روشن در برابر بهانه جویان بود که بیت المقـدس، کعبه و همه جا ملک خـداست؛ اصـلًا خـدا خانه و مکانی ندارد، مهم آن است که تسلیم

۱- (۱) . «سـفهاء» جمع «سـفیه» در اصـل به معنـای کسـی است که بـدنش سـبک باشـد و به آسـانی جـابه جـا شـود. عرب به افسارهای سـبک وزن حیوانات که به هر طرف حرکت می کنـد «سـفیه» می گویـد؛ ولی این کلمه به تدریـج به معنای «سـبک مغز» به کار رفته و به صورت معنای اصلی در آمده است؛ خواه این سبک مغزی در امور دینی باشد یا دنیوی.

فرمان او باشید و هرجا که خدا دستور دهد به سوی آن نماز بخوانند، مقدس و محترم است و هیچ مکانی بدون عنایت او دارای شرافت ذاتی نیست. تغییر قبله نیز در حقیقت مراحل مختلف آزمایش و تکامل است و هر یک مصداقی از هدایت الهی است. اوست که انسان ها را به صراط مستقیم رهنمون می شود. (۱)

پیام های آیه

۱. در فرهنگ قرآن به کسانی که به احکام الهی اعتراض می کنند، سفیه گفته می شود؛ (۲)

۲. مسلمانان باید توطئه ها و شایعات دشمنان را پیش بینی کنند؛

۳. مالک جهان هستی، خداوند است؛

۴. خداوند هر کسی را که بخواهد به راه راست هدایت می کند. (۳)

چکیده

۱. گاهی انسان از روی لجاجت و تعصب، مسلّمات تاریخ را انکار می کند؛ به گونه ای که پیامبرانی همچون ابراهیم علیه السلام ، اسحاق علیه السلام و یعقوب علیه السلام را که پیش از موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به دنیا آمدند و از جهان رفتند، از پیروان موسی علیه السلام یا مسیح علیه السلام می شمارد و واقعیتی را که با سرنوشت مردم و دین و ایمان آنها سر و کار دارد، منکر می شود؛ به همین دلیل قرآن آنها (یهود) را ستمکارترین افراد معرفی کرده است.

۲. یک ملت زنده باید به اعمال خویش متّکی باشد، نه به تاریخ گذشته خود، هم چنان که باید به فضیلت های خود تکیه کند؛ چراکه از فضل پدر تو را

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۷۹- ۴۸۱.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۸۲.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۵۳.

چیزی حاصل نمی شود؛ هر چند پدرت فاضل باشد!

۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مدت سیزده سال پس از بعثت (در مکه) و چند ماه بعد از هجرت (در مدینه) به امر خدا به سوی «بیت المقدس» نماز می خواند؛ ولی پس از آن، قبله تغییر یافت و مسلمانان مأمور شدند به سوی «کعبه» نماز بگذارند.

۴. در این مدت، مسلمانان مورد سرزنش یهود قرار داشتند؛ چرا که بیت المقدس در اصل قبله یهود بود. آنها به مسلمانان می گفتند: «شما از خود استقلال ندارید و به سوی قبله ما نماز می خوانید و این دلیل برحق بودن ماست».

۵. یهود از ماجرای تغییر قبله سخت ناراحت شدند و طبق شیوه دیرینه خود به بهانه جویی پرداختند. آنها پیش تر می گفتند: «ما بهتر از مسلمانان هستیم؛ چرا که آنها از نظر قبله استقلال ندارند و پیرو ما هستند؛ اما همین که دستور تغییر قبله از سوی خدا صادر شد، زبان به اعتراض گشودند.

۶. خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله دستور می دهد: به یهودیان بگو شرق و غرب عالم از آن خداست و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند.

ص:۳۹۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. از آیه ۱۴۰ سوره بقره چه نکاتی را می توان دریافت؟

۲. آیه تِلْکَ أُمَّهٌ قَدْ خَلَتْ لَها ما کَسَبَتْ وَ لَکُمْ ما کَسَبْتُمْ وَ لا تُسْئَلُونَ عَمّا کانُوا یَعْمَلُونَ را تفسیر نمایید.

۳. جمله قُلْ لِلّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ را بر اساس «تفسیر نمونه» توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. تفسیر آیات حج، محمد فاکر میبدی؛

۲. حیاه ابراهیم، محمود شلبی؛

۳. حج در قرآن و روایات، محمدی ری شهری؛

۴. الهدی إلی دین المصطفی صلی الله علیه و آله ، محمدجواد بلاغی.

۳۸- قبله میانه

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با فلسفه و اسرار تغییر قبله؛ گواه بودن امت اسلام؛ انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به تغییر قبله؛ عدم غفلت خداوند از اعمال انسان؛ پیام های آیات ۱۴۳- ۱۴۴.

کلیدواژه ها) امّت، وسط، شهید، اعتدال، مسجدالحرام، کعبه.

* * *

۱۴۳. وَ کَذلِکَ جَعَلْناکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ وَ یَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً وَ ما جَعَلْنَا الْقِبْلَهَ الَّتِی کُنْتَ عَلَیْها إِلاّ لِنَعْلَمَ مَنْ یَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ یَنْقَلِبُ عَلی عَقِبَیْهِ وَ إِنْ کانَتْ لَکَبِیرَهً إِلاّ عَلَی الَّذِینَ هَدَی اللّهُ وَ ما کانَ اللّهُ لِیُضِیعَ إِیمانَکُمْ إِنَّ اللّهَ بِالنّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ .

همان گونه [که قبله شما، یک قبله میانه است] شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط] تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است. و ما آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می کنند، از آنها که به جاهلیت بازمی گردند، مشخص شوند. مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آنها را هدایت کرده، دشوار بود. [این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله سابق، صحیح بوده است] و

خدا هرگز ایمان [نماز] شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.

امت وسط و معتدل

در این آیه تا حدودی به فلسفه و اسرار تغییر قبله اشاره شده است؛ نخست می گوید: «همان گونه (که قبله شما یک قبله میانه است) شما را نیز یک امت میانه قرار دادیم؛ امتی که از هر نظر در حد اعتدال باشد، نه کندرو و نه تندرو، نه در حد افراط و نه تفریط.

چرا قبله مسلمانان، قبله میانه است ؟

مسیحیان تقریباً به سمت مشرق می ایستادند؛ زیرا بیشتر ملت های مسیحی در کشورهای غربی زندگی می کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد عیسی علیه السلام - که در بیت المقدس بود (۱) - ناچار بودند به سمت مشرق بایستند؛ لذا جهت مشرق، قبله آنان محسوب می شد. ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و... به سر می بردند، به سوی بیت المقدس که برای آنان تقریباً در سمت غرب بود، می ایستادند و به این ترتیب نقطه غرب، قبله آنان بود. اما «کعبه» که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، یک خط میانه محسوب می شد.

تمام این مطالب را می توان از جمله «و کذلک» دریافت؛ هر چند مفسران، در تفسیر این جمله احتمالات دیگری داده اند که قابل بحث است. در هر حال، گویا قرآن می خواهد رابطه ای میان همه برنامه های اسلامی بیان کند؛ بدین معنا که

۱- (۱) . بعضی محل تولد حضرت عیسی علیه السلام را «بیت اللحم» و یا «ناصره» دانسته اند.

نه تنهـا قبله مسـلمانان یـک قبله میانه است، بلکه تمام برنامه هایشان از این ویژگی برخوردار است. سـپس در ادامه می افزایـد: هدف این بود که شما گواه بر مردم باشید و پیامبر صلی الله علیه و آله هم گواه بر شما باشد.

گواه بودن امت اسلام

تعبیر به «گواه بودن» امت اسـلامی بر مردم جهان و هم چنین «گواه بودن» پیامبر صـلی الله علیه و آله نسبت به مسلمانان، ممکن است اشاره به اسوه و الگو بودن، باشـد؛ چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می کنند؛ یعنی شـما با داشتن این عقاید و تعلیمات، امتی نمونه هستید؛ همان طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در میان شما فردی نمونه است. شما با عمـل و برنامه خود گواهی می دهیـد که یک انسان می توانـد هم مرد دین باشـد و هم مرد دنیا؛ یعنی در عین اجتماعی بودن, جنبه هـای معنوی و روحانی خود را کاملا حفظ کنـد. شـما با این عقایـد و برنامه ها گواهی می دهیـد که دین و علم، و دنیا و آخرت، نه تنها تضادّی با هم ندارند، بلکه یکی در خدمت دیگری است.

قرآن، در ادامه به یکی دیگر از اسـرار تغییر قبله اشـاره کرده می گویـد: مـا آن قبله ای را که قبلاً بر آن بودی (بیت المقـدس) تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از رسول خدا صـلی الله علیه و آله پیروی می کنند از آنها که به جاهلیت بر می گردند، باز شناخته شوند.

سپس اضـافه می کنـد: این کار جز برای کسانی که خداونـد هـدایت شان کرده، دشوار بود؛ زیرا تا هـدایت الهی نباشـد، روح تسـلیم مطلق در برابر فرمان خداوند نیز فراهم نمی شود. مهم این است که انسان چنان تسلیم باشد که حتّی در اجرای این گونه فرمان ها احساس سنگینی و سختی نکند، بلکه چون از سوی خداست، در کامش شیرین تر از عسل باشد.

ص:۳۹۵

از آن جا که دشمنان وسوسه گر یا دوستان نادان، فکر می کردند با تغییر قبله ممکن است اعمال و عبادات سابق ما باطل باشد و اجر آن بر باد رود، خداوند در آخر آیه اضافه می کند: خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی کند؛ زیرا خداوند نسبت به همه مردم رحیم و مهربان است.

دستورهای او همچون نسخه های طبیب است: یک روز این نسخه نجات بخش است و روزی نسخه دیگر؛ هر کدام در جای خود نیکو است و ضامن سعادت و تکامل. بنابراین تغییر قبله نباید هیچ گونه نگرانی برای شما نسبت به نمازها و عبادات گذشته یا آینده ایجاد نماید، که همه آنها صحیح بوده و هست. (۱)

پیام های آیه

۱. مسلمانان باید یک امّت معتدل و میانه رو باشند؛ (۲)

۲. اولیای الهی علیهم السلام بر اعمال ما نظارت دارند؛

۳. آزمایش، یک سنت قطعی الهی است و خداوند گاهی با تغییر احکام، انسان را آزمایش می کند؛ (۳)

۴. مقام تسلیم برای افراد عادی سنگین است و کسانی به این مقام می رسند که هدایت خاص الهی شامل حال آنها شده باشد؛

۵. خداوند، اعمال انسان را ضایع نمی کند؛

۶. خداوند نسبت به انسان مهربان است.

* * *

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۸۲- ۴۸۵.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۲۸.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۸۶.

۱۴۴. قَدْ نَری تَقَلُّبَ وَجْهِکَ فِی السَّماءِ فَلَنُوَلِّیَنَّکَ قِبْلَةً تَرْضاها فَوَلِّ وَجْهَکَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَیْثُ ما کُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَکَمْ شَطْرَهُ وَ إِنَّ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ لَیَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا یَعْمَلُونَ .

نگاه های انتظارآمیز، تو را به سوی آسمان [برای تعیین قبله نهایی] می بینیم! اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن خشنود باشی، باز می گردانیم. پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن! و هرجا باشید، روی خود را به سوی آن بگردانید! و کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده، به خوبی می دانند این فرمانِ حقی است که از سوی پروردگارشان صادر شده [و در کتابهای خود خوانده اند که پیغمبر اسلام، به سوی دو قبله، نماز می خواند]. و خداوند از اعمال آنها [در مخفی داشتن این آیات] غافل نیست!

همه، رو به سوی کعبه

اشاره شد که «بیت المقدس»، قبله نخستین و موقّت مسلمانان بود؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله انتظار می کشید که فرمان تغییر قبله صادر شود. به خصوص این که یهود پس از ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند و مسلمانان را سرزنش می کردند که «اینها استقلالی از خود ندارند؛ اینها پیش از آن که ما به آنها یاد دهیم، از امر قبله چیزی نمی دانستند!، قبول قبله ما دلیل بر قبول مذهب ماست». (۱)

این آیه به فرمان تغییر قبله اشاره می کند و می فرماید: ما نگاه های انتظارآمیز تو را به آسمان (مرکز نزول وحی) می بینیم؛ اکنون تو را به سوی قبله ای که از آن راضی خواهی بود باز می گردانیم. هم اکنون صورت خود را به سوی

۱- (۱) . من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص۱۷۸، ح۳.

مسجدالحرام و خانه کعبه بازگردان. نه تنها در مدینه، بلکه هر جا باشید، روی خود را به سوی مسجدالحرام کنید.

تغییر قبله در حال نماز ظهر بوده است و در یک لحظه حساس و چشم گیر انجام گرفت: پیک وحی، بازوان پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفته و از بیت المقدس به سوی کعبه برگردانید، و فوراً مسلمانان صفوف خود را تغییر دادند؛ حتی در روایتی آمده است که زن ها جای خود را به مردان و مردان جای خود را به زنان دادند (باید توجه داشت که بیت المقدس تقریباً در سمت شمال بود، در حالی که کعبه درست در سمت جنوب قرار داشت).

جالب این که تغییر قبله به عنوان یکی از نشانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، در کتب پیشین ذکر شده بود؛ زیرا آنها خوانده بودند که او به سوی دو قبله نماز می خواند؛ لذا آیه بالا- پس از این فرمان (تغییر قبله) اضافه می کند: «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده است، می دانند این فرمان حقی از سوی پروردگارشان است».

اضافه بر این، همین امر که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تحت تأثیر عادات محیط خود قرار نگرفت و کعبه را - که مرکز بت ها و مورد علاقه عموم عرب بود - در آغاز کنار گذاشت و قبله یک اقلیت محدود را به رسمیت شناخت، دلیلی بر صدق او و الهی بودن برنامه هایش به شمار می رفت.

قرآن در پایان می افزاید: «خداوند از اعمال آنها غافل نیست»؛ یعنی آنها به جای این که تغییر قبله را به عنوان یک نشانه صدق - که در کتاب های پیشین آمده - معرفی کنند، آن را کتمان کرده و به عکس روی آن جنجال به راه انداختند؛ خدا هم از اعمال و نیّات این گروه آگاه است. (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص ۴۹۰- ۴۹۲.

پیام های آیه

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله منتظر تغییر قبله بوده است (گویا از این امر اطلاع داشته است)؛

۲. خداوند به رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت می دهد؛

۳. اهل کتاب اگر چه منکر حق هستند، ولی حقیقت را می دانند؛

۴. تغییر قبله و احکام الهی به دست خداوند است؛

۵. خداوند از اعمال انسان, غافل نیست. (۱)

چکیده

۱. قبله مسلمانان یک قبله حدّ وسط است؛ زیرا مسیحیان تقریباً به سمت مشرق می ایستادند؛ چرا که بیشتر ملت ها مسیحی در کشورهای غربی زندگی می کردند و برای ایستادن به سوی محل تولد عیسی علیه السلام ، ناچار بودند به سمت مشرق بایستند. ولی یهود که بیشتر در شامات و بابل و... به سر می بردند رو به سوی بیت المقدس که تقریباً در سمت غرب آنان بود، می ایستادند و به این ترتیب، نقطه غرب، قبله آنان بود؛ اما «کعبه» که نسبت به مسلمانان آن روز (مسلمانان مدینه) در سمت جنوب و میان مشرق و مغرب قرار داشت، یک خط میانه محسوب می شد.

۲. «گواه بودن» امت اسلامی بر مردم جهان و هم چنین «گواه بودن» پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مسلمانان، ممکن است اشاره به اسوه و الگو بودن باشد؛ چرا که گواهان و شاهدان را همیشه از میان افراد نمونه انتخاب می کنند.

۳. از آنجایی که دشمنان وسوسه گر یا دوستان نادان، فکر می کردند با تغییر قبله ممکن است اعمال و عبادات سابق مسلمانان باطل باشد، خداوند می فرماید:

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص ۳۰.

«خدا هرگز ایمان (نماز) شما را ضایع نمی گرداند؛ زیرا خداوند نسبت به همه مردم رحیم و مهربان است».

تغییر قبله به عنوان یکی از نشانه های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، در کتاب های پیشین ذکر شده بود و آنها می دانستند که این پیامبر به سوی دو قبله نماز می خواند؛ لذا خداوند می فرماید: «کسانی که کتاب آسمانی به آنها داده شده است، می دانند این فرمان حقی از سوی پروردگارشان است».

۴. خداوند از اعمال انسان غافل نیست؛ یعنی آنها به جای این که این تغییر قبله را نشانه صدق او - که در کتاب های پیشین آمده - معرفی کنند، کتمان کرده و روی آن جنجال نمودند؛ خدا هم از اعمال و هم از نیّات این گروه، آگاه است.

ص:۴۰۰

پرسش ها و تمرین ها

۱. چگونه قبله مسلمانان یک قبله میانه است؟ توضیح دهید.

۲. چگونگی گواه بودن امت اسلامی و پیامبر صلی الله علیه و آله را بر مردم جهان شرح دهید.

۳. چگونگی تغییر قبله را به صورت مختصر بنویسید.

۴. نکاتی که از آیه ۱۴۴ سوره بقره می توان دریافت، بیان نمایید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. صهبای حج، عبدالله جوادی آملی؛

۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان؛

۳. تاریخ و آثار اسلامی، اصغر قاندان؛

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله .

۳۹- عدم رضایت کفار از مسلمانان

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با عدم رضایت کفّار از مسلمانان؛ شناخت کفّار نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله ؛ دلداری دادن پیامبر صلی الله علیه و آله در تغییر قبله؛ پیام های آیات ۱۴۵ - ۱۴۸.

کلیدواژه ها) تبعیّت، اهل کتاب، کتمان، خیرات، برّ، قدیر.

* * *

۱۴۵. وَ لَئِنْ أَتَیْتَ الَّذِینَ أُوتُوا الْکِتابَ بِکُلِّ آیَهٍ ما تَبِعُوا قِبْلَتَکَ وَ ما أَنْتَ بِتابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَ ما بَعْضُهُمْ بِتابِعٍ قِبْلَهَ بَعْضٍ وَ لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْواءَهُمْ مِنْ بَعْدِ ما جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّکَ إِذاً لَمِنَ الظّالِمِینَ .

سوگند که اگر برای [این گروه از] اهل کتاب، هرگونه آیه [و نشانه و دلیلی] بیاوری، از قبله تو پیروی نخواهند کرد و تو نیز، هیچ گاه از قبله آنان، پیروی نخواهی نمود. [آنها نباید تصور کنند که بار دیگر، تغییر قبله امکان پذیر است!] و حتی هیچ یک از آنها، پیروی از قبله دیگری نخواهد کرد! و اگر تو پس از این آگاهی، از هوس های آنها متابعت کنی، بی گمان از ستمگران خواهی بود!

پیروی نکردن اهل کتاب از قبله

اهل کتاب می دانستند که تغییر قبله از «بیت المقدس» به سوی «کعبه»، از جمله

نشانه های حقّانیّت اوست؛ زیرا در کتاب های خود خوانده بودند که پیامبر موعود صلی الله علیه و آله به سوی دو قبله نماز می خوانـد، ولی «تعصب» نگـذاشت که آنهـا حق را بپذیرنـد؛ چون این افراد، پیشـاپیش موضع خود را مشـخص کرده انـد و افکار چنین کسانی را به هیـچ وجهی نمی توان تغییر داد؛ لـذا قرآن با قاطعیت می گوید: «سوگند که اگر هرگونه آیه، نشانه و دلیلی برای [این گروه از] اهل کتاب بیاوری از قبله تو پیروی نخواهنـد کرد.» و در ادامه می گوید: تو نیز هرگز تابع قبله آنها نخواهی شد و اگر آنها تصور می کنند که با این غوغاها بار دیگر قبله مسـلمانان تغییر خواهد کرد در اشتباه اند. این تعبیر در واقع یکی از راه های پایان دادن به جنجال های مخالفان است؛ بدین صورت که انسان با قاطعیت بایستد و نشان دهد با این سر و صداها، در مسیر خود هیچ گونه دگرگونی ایجاد نخواهد کرد.

سپس قرآن می افزاید: و آنها نیز آن چنان در عقیده خود متعصب هستند که هیچ یک از آنان پیرو قبله دیگری نیست، نه یهود از قبله نصارا پیروی می کننـد و نه نصارا از قبله یهود. هم چنین در این آیه، خداوند برای تأکید و قاطعیّت بیشتر به پیامبر صـلی الله علیه و آله اخطار می کند که اگر پس از این آگاهی که از ناحیه خدا به تو رسـیده، تسـلیم هوس های آنان شوی و از آنان پیروی کنی، مسلّما از ستمگران خواهی بود.

در قرآن همانـنـد این گونه خطاب ها که به صورت قضایای شـرطیه است، درباره پیامبر صـلی الله علیه و آله به تکرار دیـده می شود و هدف آن در واقع، سه چیز است:

۱. این که همگان بدانند در قوانین الهی هیچ گونه تبعیض و تفاوتی میان مردم نیست و حتی پیامبران علیهم السـلام نیز مشمول این قوانین هستند؛

۲. سایر مردم مراقب مسئولیت های خویش باشـند و بدانند جایی که پیامبر صـلی الله علیه و آله چنین است، هرگز نباید تسـلیم تمایلات انحرافی دشمنان و جار و جنجال های آنها شوند؛

۳. روشن شود که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اختیار هیچ گونه تغییر و دگرگونی در احکام خدا را ندارد؛ بلکه او هم بنده ای است که مطیع پروردگار است. (۱)

پیام های آیه

۱. اهل کتاب و دشمن به هیچ وجه حاضر به پذیرش حق نمی شوند؛

۲. مسلمانان نباید تابع دشمنان شوند؛

۳. هیچ یک از یهود و نصارا قبله دیگری را نخواهند پذیرفت؛ (۲)

۴. پیامبران نباید تابع هواها و جنجال های دشمنان قرارگیرند؛

۵. پیروی از قوانین و هواهای نفسانی ظلم است. (۳)

* * *

۱۴۶. اَلَّذِینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ وَ إِنَّ فَرِیقاً مِنْهُمْ لَیَکْتُمُونَ الْحَقَّ وَ هُمْ یَعْلَمُونَ .

کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده ایم، او [پیامبر] را همچون فرزندان خود می شناسند [ولی] جمعی از آنان، حق را آگاهانه کتمان می کنند!

شناخت اهل کتاب از پیامبر صلی الله علیه و آله

دانشمندان یهود و نصارا نشانه های پیامبر صلی الله علیه و آله را در کتاب های خود خوانده بودند و او را به خوبی، همچون فرزندان خود می شناختند. «عبدالله بن سلام» که از بزرگان یهود بود و بعد مسلمان گردید، می گوید: «من محمد صلی الله علیه و آله را از فرزندم بهتر

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۹۶ - ۴۹۸.
۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۶۸.
۳- (۳) . همان. ص۴۶۹.

می شناسم، چون نشانه های روشن او را در کتاب ها خوانده بودم و شک نداشتم که او همان پیامبر موعود است.» (۱) ولی گروهی از آنان سعی داشتند آگاهانه حق را کتمان کنند. البّته گروهی از آنها نیز با مشاهده این نشانه های روشن، اسلام را پذیرفتند.

این آیه پرده از حقیقت جالبی برمی دارد و آن این که، بیان صفات جسمی و روحی و ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتاب های پیشین به قدری زنده و روشن بوده است که ترسیم کاملی از او در اذهان کسانی که با آن کتاب ها سر و کار داشته اند، می نمود. (۲)

آیا کسی می تواند احتمال دهد که در آن کتاب ها هیچ نام و نشانی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نبوده، ولی پیامبر صلی الله علیه و آله با این صراحت در مقابل آنها بگوید: تمام صفات من در کتب شما موجود است؟ آیا اگر چنین بود همه دانشمندان اهل کتاب به مبارزه شدید و صریح ضدّ او بر نمی خاستند؟ آیا ممکن بود حتی یک نفر از علمای آنان در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تسلیم شود؟! پس این گونه آیات خود دلیل بر صدق و حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد. (۳)

پیام های آیه

۱. علم به تنهایی کافی نیست، بلکه روح حقیقت طلبی لازم است؛ (۴)

۲. «تورات» و «انجیل» به بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نوید داده بود؛ (۵)

۱- (۱) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۳۸۲.

۲- (۲) . تفسیر قمی، ج۱، ص۳۳.

۳- (۳) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۴۹۹ و ۵۰۰.

۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۹۲.

۵- (۵) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۷۱.

۳. حق را نباید کتمان نمود [(۱)](#) (یهودیان حق را می دانستند، ولی آن را کتمان می کردند)؛

۴. همه را نباید با یک چشم نگاه کرد.

* * *

۱۴۷. اَلْحَقُّ مِنْ رَبِّکَ فَلا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ .

این [فرمان تغییر قبله] حکمِ حقی از طرف پروردگار توست، بنابراین، هرگز از تردیدکنندگان در آن مباش!

از تردیدکنندگان مباش

این آیه نیز با تأکید بحث های گذشته پیرامون تغییر قبله - و به طور کلی-، احکام اسلام می فرماید: «این فرمان حقی است از سوی پروردگار تو و هرگز از تردیدکنندگان نباش». خداوند با این جمله پیامبر را دلداری می دهد و تأکید می کند که در برابر سم پاشی های دشمنان، ذره ای تردید - چه در مسئله تغییر قبله و چه در غیر آن - به خود راه ندهد؛ هر چند دشمنان تمام نیروهای خود را در این راه بسیج کنند.

اگرچه مخاطب این سخن شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی همان گونه که در آیات گذشته نیز گفتیم، در واقع همه مردم مورد خطاب می باشند؛ وگرنه مسلم است پیامبری که از طریق شهود با وحی سروکار دارد، هیچ گاه شک و تردیدی به خود راه نمی دهد، چرا که وحی برای او جنبه حسی و عین الیقینی دارد.

پیام های آیه

۱. در دستور و فرمان های الهی نباید تردید داشته باشیم؛ [(۲)](#)

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۳۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۲۹۴.

۲. احکام و معارفی حق است که از جانب خداوند صادر شده باشد؛ (۱)

۳. رهبر اسلامی باید قاطعیت داشته و در کار خود تردید نداشته باشد.

* * *

۱۴۸. وَ لِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيها فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ أَيْنَ ما تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ .

هر طایفه ای قبله ای دارد که خداونـد آن را تعیین کرده است [بنـابراین، زیاد درباره قبله گفت وگو نکنیـد! و به جای آن] در نیکی ها و اعمال خیر بر یکدیگر سبقت جویید! هر جا باشید، خداوند همه شما را [برای پاداش و کیفر در برابر اعمال نیک و بد، در روز رستاخیز] حاضر می کند؛ زیرا او بر هر کاری تواناست.

هر امّتی قبله ای دارد

به دنبال گفت وگوها و جنجال هایی که یهودیان درباره تغییر قبله به راه انداخته بودند، خداوند به آنها گوشزد می کند که هر گروه و طایفه ای، قبله ای دارد که خداوند آن را تعیین کرده است. در طول تاریخ انبیاء علیهم السلام قبله های مختلفی بوده و تغییر آن چیز عجیبی نیست. قبله هماننـد اصـول دین نیست که تغییرناپـذیر بـوده و یـا همچـون امـور تکـوینی نیست که تخلّف ناپـذیر باشـد. بنـابراین از گفت وگوی زیـاد دربـاره قبله خودداری نموده و به جـای آن در اعمـال خیر و نیکی هـا بر یکـدیگر سبقت جویید. به جای آن که تمام وقت خود را صرف گفت وگو در این مسئله فرعی کنید - که هیچ نفعی برای شما ندارد - به سـراغ خوبی هـا و پـاکی ها رفته و در انجام کارهای نیک از یکـدیگر سـبقت گیریـد؛ زیرا معیار ارزش وجودی شـما، عمل پاک و نیک شماست.

این مضمون شبیه مطلبی است که در آیه ۱۷۷بیان شده است:

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۷۳.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلّوا وُجوهَكَمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِكَهِ وَ الْكِتابِ وَ النَّبِيِّينَ . (۱)

نیکوکاری این نیست که روی خود را به سوی شرق و غرب کنید؛ بلکه این است که به خدا و روز جزا و فرشتگان و پیامبران علیهم السلام ایمان داشته باشید [و با الهام از ایمان راسخ اعمال صالح انجام دهید].

سپس با هشدار به خرده گیران، و تشویق نیکوکاران می فرماید: هر جا باشید خداوند همه شما را حاضر خواهد کرد، چنین نیست که عده ای مشغول انجام بهترین کارها باشند و گروهی دیگر جز سم پاشی، تخریب و اخلال، کار دیگری نکنند و هر دو با هم یکسان باشند و حساب و کتاب و جزایی در کار نباشد. مسلم بدانید چنان روزی در پیش است و به همه حساب ها رسیدگی می شود و این کار از قدرت خداوند بعید نیست؛ زیرا خداوند بر هر کاری قادر و تواناست. (۲)

پیام های آیه

۱. به بحث های بیهوده نپردازید و توجه شما به انجام کارهای خیر باشد؛ (۳)

۲. هر امتی قبله ای داشته است و قبله، مخصوص مسلمانان و یهودیان نیست؛

۳. در روز قیامت، خداوند همه را در یک جا جمع خواهد کرد؛ (۴)

۴. صحنه قیامت یکی از مظاهر قدرت الهی است؛

۵. خداوند بر هر کاری تواناست.

۱- (۱) . بقره، آیه ۱۷۷.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۰۱ و ۵۰۲.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۲۹۵.

۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۴۷۷.

چکیده

۱. اهل کتاب می دانستند تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه، از جمله نشانه های حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ زیرا در کتاب های خود خوانده بودند که پیامبر موعود صلی الله علیه و آله به سوی دو قبله نماز می خواند، ولی تعصب ها نگذاشت که آنها حق را بپذیرند.

۲. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: اگر هرگونه آیه، نشانه و دلیلی برای [این گروه از] اهل کتاب بیاوری، باز هم از قبله تو پیروی نخواهند کرد؛ چراکه روح حقیقت جویی در آنها مرده است و تو نیز هرگز تابع قبله آنها نخواهی شد.

۳. هدف الهی از مخاطب قراردادن پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن است سه چیز باشد: الف) همگان بدانند در قوانین الهی هیچ گونه تبعیض و تفاوتی نیست وپیامبران علیهم السلام نیز مشمول این قوانین هستند؛ ب) سایر مردم حساب خودرابرسند و بدانند جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله چنین است، آنها هرگز نباید تسلیم تمایلات انحرافی دشمنان و جار و جنجال های آنها شوند؛ ج) روشن گردد که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از خود، اختیار هیچ گونه تغییر و دگرگونی در احکام خدا را ندارد.

۴. علمای اهل کتاب, پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را همچون فرزندان خود می شناسند و نام و نشان و مشخصات او را در کتاب های مذهبی خود خوانده اند. صفات جسمی، روحی و ویژگی های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در کتب پیشین، به قدری زنده و روشن بوده است که ترسیم کاملی از او، در اذهان کسانی که با آن کتاب ها سر و کار داشته اند, نقش بسته بود.

ص:۴۰۹

۵. در طول تاریخ، برای انبیاء علیهم السلام قبله های مختلفی بوده و تغییر آن چیز عجیبی نیست؛ چراکه قبله همانند اصول دین نیست که تغییرناپذیر باشد؛ بنابراین زیاد درباره قبله گفت وگو نکنید و به جای آن در اعمال خیر و نیکی ها بر یکدیگر سبقت جویید.

ص:۴۱۰

پرسش ها و تمرین ها

۱. علت خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله (با این که تمام مؤمنان مراد هستند) چیست؟ توضیح دهید.

۲. از آیه ۱۴۵ سوره بقره چه نکات و پیام هایی را می توان به دست آورد؟

۳. نکاتی که از آیه ۱۴۷ سوره بقره استفاده می شود را بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. الهدی إلی دین المصطفی صلی الله علیه و آله ، محمدجواد بلاغی رحمه الله ؛

۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۳. نسخ در قرآن، عزت الله مولایی نیا؛

۴. مفاتیح الغیب، فخر رازی.

ص:۴۱۱

۴۰- اهداف تغییر قبله

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با کعبه قبله مسلمانان؛ کوتاه شدن زبان منافقان؛ پیام های آیات ۱۴۹-۱۵۰.

کلیدواژه ها) وجه، شطر، مسجدالحرام، قبله، نعمت، کعبه.

* * *

۱۴۹. وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ إِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَ مَا اللّهُ بِغافِلٍ عَمّا تَعْمَلُونَ .

از هر جا [و از هر شهر و نقطه ای] خارج شدی، [به هنگام نماز] روی خود را به جانب «مسجدالحرام» کن! این دستور حقی از سوی پروردگار توست! و خداوند از آن چه انجام می دهید، غافل نیست!

کعبه، قبله مسلمانان

این آیه نیز هم چنان، مسئله تغییر قبله و پی آمدهای آن را دنبال می کند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله چنین فرمان می دهد: «از هر جا (از هر شهر و دیار) خارج شدی (به هنگام نماز) روی خود را به جانب مسجدالحرام کن. این فرمان، دستور حقی است که از سوی پروردگارت آمده است.» سپس برای تهدید توطئه گران و

هشدار به مؤمنان می گوید: «خداوند از آن چه انجام می دهید، غافل نیست».

این تأکیدات پی درپی که در آیه بعد نیز دنبال خواهد شد، همگی بیانگر این حقیقت اند که مسئله تغییر قبله و نسخ حکم سابق، برای گروهی از تازه مسلمانان نیز گران و سنگین بوده، همان گونه که برای دشمنان لجوج، دستاویزی برای سم پاشی قرار گرفته است.

در این جا و به طور کلی در همه تحوّلات و انقلاب های تکاملی، آن چه که می تواند به گفت وگوها پایان دهد و تردیدها و شک ها را بزداید، همان قاطعیت و صراحت و تأکیدهای متوالی و کوبنده است. در این مواقع حساس اگر رهبر با لحنی قاطع و کوبنده و غیرقابل تغییر، موضع خود را مشخص کند، دوستان را مصمم تر و دشمنان را برای همیشه مأیوس خواهد ساخت. این نکته در قرآن به وضوح و تکرار دیده می شود.

این تکرارها و تأکیدها، در حقیقت تکرار محض نیستند، بلکه دستورات تازه ای نیز به همراه دارند؛ از جمله این که، در آیات گذشته، تکلیف مسلمانان در ارتباط با مسئله قبله - نسبت به شهری که در آن زندگی می کردند, مشخص شده بود؛ اما این آیه و آیه بعد، حکم نمازگزاران را به هنگام مسافرت در هر نقطه و هر دیار روشن می سازد.

پیام های آیه

۱. در هر شهر و کشوری که باشید، باید به سوی کعبه نماز بخوانید؛

۲. موضوعات مهم و اساسی را باید تکرار نمود؛

۳. خداوند شما را تحت نظر دارد (۱) و نسبت به اعمال انسان غافل نیست.

* * *

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۳۹.

۱۵۰. وَ مِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَ حَيْثُ ما كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكَمْ شَطْرَهُ لِئَلّا يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَيْكَمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِي وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ .

و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید تا مردم، جز ظالمان [که دست از لجاجت برنمی دارند], دلیلی بر ضدّ شما نداشته باشند؛ [زیرا از نشانه های پیامبر که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او به سوی دو قبله نماز می خواند] از آنها نترسید! و [تنها] از من بترسید! [این تغییر قبله، به خاطر آن بود که] نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید!

تغییر قبله و اتمام نعمت الهی

این آیه، حکم عمومی توجه به «مسجدالحرام» را در هر مکان و هر نقطه ای بیان می کند که: «از هر جا خارج شدی، هنگام نماز، روی خود را متوجه مسجدالحرام کن».

اگرچه روی سخن در این جمله با پیامبر صلی الله علیه و آله است, ولی بی گمان منظور، عموم نمازگزاران هستند؛ از این رو در جمله بعد برای تأکید و تصریح اضافه می کند: «هر جا که هستید، روی خود را به سوی مسجدالحرام کنید».

در این آیه به سه نکته مهم اشاره می شود:

۱. تغییر قبله برای کوتاه شدن زبان مخالفان صورت گرفت تا آنها حجتی بر ضد شما نداشته باشند؛ زیرا اگر این تغییر صورت نمی گرفت، از یک سو زبان یهود به روی مسلمانان باز می شد و می گفتند: «ما در کتب خود خوانده ایم که نشانه پیامبر موعود صلی الله علیه و آله این است که به سوی دو قبله نماز می خواند و این نشانه

در محمد صلی الله علیه و آله نیست»؛ و از سوی دیگر، مشرکان ایراد می کردند که: «او مدعی است برای احیای آیین ابراهیم علیه السلام آمده، پس چرا خانه کعبه را که پایه گذار آن ابراهیم علیه السلام است، فراموش نموده است؛ اما حکم تغییر قبله موقت به قبله دایمی، زبان هر دو گروه را بست.

۲. از آن جا که یاد کردن از این گروه لجوج با نام «ستمگر»، ممکن بود در مسلمانان ایجاد وحشت کند، خداوند می گوید: «از آنها هرگز نترسید و تنها از من بترسید».

یکی از اصول کلی و اساسی تربیت توحیدی و اسلامی آن است که از هیچ چیز و هیچ کس جز خدا نباید بیمناک بود. تنها ترس از خدا (یا صحیح تر ترس از نافرمانی او) شعار هر مسلمان با ایمان است و اگر این اصل بر روح و جان آنها پرتوافکن شود، هرگز شکست نخواهند خورد.

۳. تکمیل نعمت، آخرین هدف برای تغییر قبله می باشد؛ از این رو خداوند می فرماید: «این به خاطر آن بود که شما را تکامل بخشیده، از قید تعصب رهایی داده و نعمت خود را بر شما تمام کنم تا هدایت شوید».

تغییر قبله در حقیقت نوعی تربیت، تکامل و نعمت برای مسلمانان بود تا با انضباط اسلامی آشنا شوند و از تقلید و تعصب رهایی یابند؛ زیرا خداوند در آغاز برای جدا کردن صفوف مسلمانان از بت پرستان دستور داد به سوی بیت المقدس نماز بخوانند تا موضع آنان در برابر مشرکان مشخص گردد؛ اما پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و هم زمان با تشکیل حکومت اسلامی، دستور توجه به سوی کعبه (قدیمی ترین خانه توحید) صادر شد و به این ترتیب یک مرحله از تکامل جامعه اسلامی تحقق یافت. (۱)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۰۶ - ۵۰۹.

پیام های آیه

۱. کعبه، قبله تمام مسلمانان است و همه باید به سوی آن نماز بخوانند؛ (۱)

۲. مسلمانان باید از هر کاری که بهانه به دست دشمن می دهد پرهیز کنند؛

۳. تعیین یک قبله مخصوص برای مسلمانان، اتمام نعمت الهی است؛

۴. تعیین قبله و نماز به سوی آن، زمینه ای برای هدایت مؤمنان است؛

۵. تعیین کعبه به عنوان قبله، باعث روشن شدن حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛

۶. اهل ایمان نباید از دشمن هراسی داشته باشند.

چکیده

۱. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می کند که هنگام نماز، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن که این فرمان، دستور حقّی از سوی پروردگارت است.

۲. تأکیدات پی درپی در مورد تغییر قبله، بیانگر این حقیقت است که مسئله تغییر قبله و نسخ حکم سابق، برای گروهی از تازه مسلمانان نیز گران و سنگین بوده، همان گونه که برای دشمنان لجوج، دستاویزی برای سم پاشی بوده است. در حقیقت این تکرار و تأکیدها، دستورات تازه ای به همراه دارد؛ از جمله این که تکلیف مسلمانان در ارتباط با مسئله قبله, نسبت به شهری که در آن زندگی می کردند, مشخص می شود.

۳. اگرچه در تغییر قبله، روی سخن به پیامبر صلی الله علیه و آله است، ولی بی گمان منظور، عموم نمازگزاران هستند.

۴. یکی از اصول کلّی و اساسی تربیت توحیدی و اسلامی این است که از هیچ چیز و هیچ کس جز خدا نباید ترسید؛ تنها ترس از

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۰۰.

خدا [یا صحیح تر ترس از نافرمانی او] شعار هر مسلمان با ایمان است و اگر این اصل بر روح و جان آنها پرتوافکن شود، هرگز شکست نخواهند خورد.

۵. آخرین هدف تغییر قبله، تکمیل نعمت خداوند است؛ زیرا تغییر قبله نوعی نعمت برای مسلمانان بود تا با انضباط اسلامی آشنا شده و از تقلید و تعصب رهایی یابند.

۶. هم زمان با تشکیل حکومت اسلامی، دستور توجه به سوی کعبه (قدیمی ترین خانه توحید) صادر شد و به این ترتیب یک مرحله از تکامل جامعه اسلامی تحقق یافت.

ص:۴۱۷

پرسش ها و تمرین ها

۱. علت تأکیدات پی درپی خداوند نسبت به تغییر قبله چیست؟ توضیح دهید.

۲. علت های تغییر قبله را بر اساس آیه ۱۵۰ سوره بقره بیان نمایید.

۳. هدف از تغییر قبله مسلمانان، از بیت المقدس به سوی کعبه را توضیح دهید.

۴. از آیه ۱۴۹ و ۱۵۰ سوره بقره چه نکاتی را می توان دریافت.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، جمع آوری توسط قاضی عسگر؛

۲. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، جعفر سبحانی؛

۳. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی رحمه الله ؛

۴. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله .

ص:۴۱۸

۴۱- اهداف و برنامه های رسول الله صلی الله علیه و آله

اشاره

اهـداف آموزشـی) آشـنایی بـا برنامه های رسول الله صـلی الله علیه و آله ؛ فرق بین کتاب و حکمت؛ معنای اسـتعانت از صبر و نماز؛ شاخه های صبر؛ شأن نزول آیه ۱۵۴؛ پیام های آیات ۱۵۱ - ۱۵۴.

کلیدواژه ها) تزکیه، تعلیم، کتاب، حکمت، صبر، صلاه.

* * *

۱۵۱. کَما أَرْسَلْنا فِیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ یَتْلُوا عَلَیْکُمْ آیاتِنا وَ یُزَکِّیکُمْ وَ یُعَلِّمُکُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ یُعَلِّمُکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَعْلَمُونَ .

همان گونه [که با تغییر قبله، نعمت خود را بر شما کامل کردیم] رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و شما را پاک کند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آن چه را نمی دانستید به شما یاد دهد.

برنامه های رسول الله صلی الله علیه و آله

در درس گذشـته روشن شـد که یکی از دلایـل تغییر قبله، تکمیل نعمت خداونـد بر مردم و هـدایت آنان است. این آیه با بیان کلمه «کما»، به این حقیقت اشاره می کند که تغییر قبله، تنها نعمت خدا بر شما نبود، بلکه خداوند نعمت های معنوی

دیگری نیز به شما داده است؛ همان گونه که رسولی در میان شما از نوع خودتان فرستاد و این نیز یکی از نعمت های الهی است.

درباره کلمه «منکم» دو احتمال وجود دارد:

۱. اشاره به این معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله از نوع بشر است و تنها بشر می تواند مربّی، رهبر و سرمشق انسان ها بوده و از دردها و نیازهای او آگاه باشد، که این خود نعمت بزرگی است؛

۲. منظور این است که او از نژاد شما و هموطن شماست؛ زیرا عرب های جاهلی بر اثر تعصب شدید نژادی ممکن نبود زیر بار پیامبری از غیر نژاد خود بروند، که به این مطلب در سوره شعراء نیز اشاره شده است. (۱)

قرآن پس از ذکر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله ، به چهار نعمت دیگر که از برکت این پیامبر صلی الله علیه و آله عاید مسلمانان شده است اشاره می کند. این نعمت ها در حقیقت هدف بعثت را تشکیل می دهند که عبارتند از:

نخست: آیات ما را بر شما می خواند؛ (۲)

دوم: شما را پرورش می دهد؛ (۳)

۱- (۱) . وَ لَوْ نَزَّلْناهُ عَلی بَعْضِ الْأَعْجَمِینَ فَقَرَأَهُ عَلَیْهِمْ ما کانُوا بِهِ مُؤْمِنِینَ : «اگر ما قرآن را بر مردی از غیر عرب نازل می کردیم و بر آنها می خواند، هرگز به او ایمان نمی آوردند» شعراء، آیه ۱۹۸.

۲- (۲) . «یتلوا» از ماده «تلاوت» به معنای پی درپی درآوردن است؛ لذا هنگامی که عباراتی پی درپی (و روی نظام صحیح) خوانده شود از آن تعبیر به «تلاوت» می کنند؛ یعنی پیامبر، سخنان خدا را روی نظام صحیح و مناسبی، به صورت پی درپی بر شما می خواند تا قلوبتان را آماده پذیرش معانی آن کند؛ پس تلاوت منظم و حساب شده پیامبر صلی الله علیه و آله ، برای ایجاد آمادگی در برابر تعلیم و تربیت است.

۳- (۳) . «تزکیه» در اصل (چنان که راغب در مفردات می گوید) به معنای افزودن و نمو دادن است؛ یعنی او با کمک گرفتن از آیات خدا بر کمالات معنوی و مادی شما می افزاید و روحتان را نمو می دهد؛ گل های فضیلت را بر شاخسار وجودتان آشکار می سازد و انواع صفات زشت را که در عصر جاهلیت، جامعه شما را فرا گرفته بود از بین می برد.

سوم: کتاب و حکمت به شما می آموزد؛

چهارم: آن چه را که نمی دانستید به شما تعلیم می دهد.

گرچه این موضوع در جمله قبل که تعلیم کتاب و حکمت است وجود داشته، ولی قرآن مخصوصاً آن را جدا ذکر کرده است تا بفهماند اگر پیامبران علیهم السلام نبودند بسیاری از علوم برای همیشه از شما مخفی بود. آنها تنها رهبر اخلاقی و اجتماعی نبودند، بلکه پیشوای علمی نیز بودند که بدون رهبری آنها علوم انسانی رشد نمی کرد. (۱)

فرق میان کتاب و حکمت

۱. ممکن است کلمه «کتاب»، اشاره به آیات قرآن و وحی الهی باشد که به صورت اعجاز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است، ولی «حکمت»، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و تعلیمات او باشد که «سنت» نام دارد؛

۲. ممکن است «کتاب»، اشاره به اصل دستورات و «حکمت»، اشاره به اسرار، فلسفه ها، علل و نتایج آن باشد؛

۳. بعضی از مفسران نیز احتمال داده اند که «حکمت»، اشاره به حالت و ملکه ای است که از تعلیمات کتاب حاصل می شود و با داشتن آن انسان می تواند هر کاری را به جای خود انجام دهد؛ (۲)

اما بهتر آن است که گفته شود حکمت، دارای معنای وسیعی است که همه مصادیق را شامل شده و انحصار آن در یک مفهوم، وجهی ندارد.

پیام های آیه

۱. محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداوند است؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۱۳.

۲- (۲) . سید قطب، فی ظلال القرآن، ج۱، ص۱.

۲. محمد صلی الله علیه و آله پیامبری برانگیخته شده از میان مردم و از جنس آنهاست؛ (۱)

۳. تلاوت آیات الهی، تزکیه نفس و تعلیم کتاب و حکمت، از وظایف انبیاء علیهم السلام است؛

۴. انبیاء علیهم السلام نه تنها رهبران دینی، بلکه رهبران علمی جامعه نیز هستند. (۲)

* * *

۱۵۲. فَاذْكُرُونِی أَذْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِی وَ لا تَكْفُرُونِ .

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم! و شکر مرا گویید و [در برابر نعمت هایم] کفران نکنید!

خدا را یاد کنید

در آیه قبل سخن از نعمت وجود پیامبر صلی الله علیه و آله بود که خداوند بر مسلمانان عنایت کرد و این نعمت را در اختیار آنها قرار داد. در این آیه خداوند به مردم اعلام می کند که الآن دیگر نوبت شماست که گامی به سوی حق بردارید. شما باید شکر این نعمت های بزرگ را به جا آورید و با بهره گیری صحیح از این نعمت ها، حق شکر او را ادا نمایید.

شکر نعمت نعمتت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

بدیهی است جمله «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» تنها یادآوری زبانی نیست، بلکه اشاره به یک اصل تربیتی و تکوینی است؛ یعنی به یاد ذات پاکی که سرچشمه تمام خوبی ها و نیکی هاست باشید و به این وسیله روح و جان خود را پاک و روشن سازید و آماده پذیرش رحمت پروردگار گردید. همان گونه که منظور از شکرگزاری و عدم کفران یک مسئله تشریفاتی و گفتن با زبان نیست، بلکه منظور

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۸۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۰۳.

آن است که هر نعمتی را درست در جای خود مصرف کنید و در راه همان هدفی که برای آن آفریده شده، به کار گیرید تا مایه فزونی رحمت و نعمت خدا گردد. (۱)

مفسران در معنای فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ تفسیرهای مختلفی ذکر کرده اند که فخر رازی در کتاب تفسیر خود، ده قول آورده است. (۲)

در روایتی امام صادق علیه السلام فرمودند: «نوع سوم از کفر، کفران نعمت های الهی است» و آن گاه این آیه را تلاوت نمودند. (۳)

پیام های آیه

۱. اگر به یاد خدا باشیم، خدا نیز به یاد ماست؛

۲. باید شکر نعمت های الهی را به جا آوریم؛

۳. کفران نعمت های الهی درست نیست؛

۴. ممکن است مراد از ذکر و یاد الهی، نماز باشد: وَ أَقِمِ الصَّلاهَ لِذِکْرِی که در این صورت باعث آرامش دل ها و قلب نیز هست أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ .

* * *

۱۵۳. یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِینَ .

ای افرادی که ایمان آورده اید! از صبر [و استقامت] و نماز، کمک بگیرید! [زیرا] خداوند با صابران است.

استعانت از صبر و نماز

در درس سیزدهم، ذیل آیه ۴۵ مقداری در این زمینه بحث شد. در این آیه نیز از

۱- (۱) . همان، ص۵۱۳ و۵۱۴.
۲- (۲) . مفاتیح الغیب، ج۴، ص۱۴۴.
۳- (۳) . نورالثقلین، ج۱، ص ۱۴۰، ح ۴۳۰.

صبر و پایـداری سـخن به میان آمـده و می فرمایـد: «ای کسانی که ایمان آورده ایـد! از صبر و نماز کمک بگیرید» و با این دو نیرو به جنگ مشکلات و حوادث سخت بروید که پیروزی از آن شما است؛ زیرا خداوند با صابران است.

بایـد توجه داشت که «صبر» هرگز به معنای تحمّل بدبختی ها و تن دادن به ذلّت و تسـلیم در برابر عوامل شـکست نیست؛ بلکه صبر و شکیبایی به معنای پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و حادثه ای است.

بسیاری از علمای اخلاق برای «صبر», سه گونه ذکر کرده اند:

۱. صبر بر اطاعت: مقاومت در برابر مشکلاتی که در راه طاعت وجود دارد؛

۲. صبر بر معصیت: ایستادگی در برابر انگیزه های گناه و شهوات سرکش و طغیانگر؛

۳. صبر بر مصیبت: پایداری در برابر حوادث ناگوار.

در قرآن مجیـد حدود هفتاد بار از «صبر»، سـخن به میان آمده است. کمتر موضوعی را می توان در قرآن یافت که مانند «صبر» تکرار شده و مورد تأکید قرار گرفته باشد و بیش از ده مورد از آن به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص دارد. (۱)

علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

«و علیکم بالصبر، فإنّ الصبر من الإیمان، کالرأس من الجسد، ولا خیر فی جسد لا رأس معه، و لا فی إیمان لا صبر معه ؛ (۲)

بر شـما باد به صبر؛ به درستی که صبر نسبت به ایمان، مانند سر نسبت به جسد است و بهره ای در جسد بدون سر نیست و بهره ای در ایمان بدون صبر هم وجود ندارد».

۱- (۱) . همان، ج۱، ص۵۱۸.

۲- (۲) . نهج البلاغه،کلمات قصار، شماره ۸۲.

موضوع دیگری که در این آیه به عنوان یک تکیه گاه مهم در کنار صبر، معرفی شده، «صلوه» است؛ لذا در احادیث اسلامی می خوانیم:

کان علی علیه السلام إذا أهاله أمر فزع، قام إلی الصلاه، ثم تلی هذه الآیه: اِسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ... . (۱)

هر گاه مشکلی برای علی علیه السلام پیش می آمد به نماز می ایستاد و سپس این آیه را تلاوت می کرد: اِسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلاهِ... .

از این موضوع هرگز نباید تعجب کرد؛ زیرا هنگامی که انسان مقابل حوادث سخت و مشکلات طاقت فرسا قرار می گیرد، نیاز به تکیه گاهی دارد که از هر جهت نامحدود و بی انتها باشد. نماز او را با چنین مبدئی مربوط می سازد و با اتکای بر آن می تواند با روحی مطمئن و آرام، امواج سهمگین مشکلات را در هم بشکند.

بنابراین آیه فوق در حقیقت به دو اصل توصیه می کند؛ یکی مسئله خودیاری و اتکای به نفس که به عنوان صبر از آن یاد شده است و دیگری اتکای به خداوند که نماز، مظهر آن است.

ممکن است مراد از صبر در این آیه، «روزه» باشد، (۲) همان طور که در ذیل آیه ۴۵ گذشت.

پیام های آیه

۱. در مشکلات، ارتباط با خدا را فراموش نکنیم؛

۲. در مشکلات از «روزه» کمک بگیریم (در صورتی که مراد از صبر، روزه باشد)؛

۳. مقابل مشکلات زندگی باید صبور باشیم؛

۱- (۱) . المیزان، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- (۲) . نورالثقلین، ج ۱، ص ۷۶.

۴. خداوند با صابران است و به آنها کمک می کند.

* * *

۱۵۴. وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ یُقْتَلُ فِی سَبِیلِ اللّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْیاءٌ وَ لکِنْ لا تَشْعُرُونَ .

و به آنها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند؛ ولی شما نمی فهمید!

شأن نزول

برخی از مفسران از قول ابن عباس، در شأن نزول این آیه گفته اند: این آیه درباره کشته شدگان جنگ بدر نازل گردید؛ آنها چهارده تن بودند: شش نفر از مهاجران و هشت نفر از انصار. پس از پایان جنگ عده ای گفتند که فلان کس مُرد. در این هنگام آیه فوق نازل شد و با صراحت، آنها را از اطلاق کلمه «میت» بر شهیدان نهی کرد. (۱)

شهیدان زنده اند

در این آیه سخن از حیات جاویدان شهیدان است که پیوند نزدیکی با استقامت و صبرشان دارد؛ لذا خداوند می فرماید: «هرگز به کسانی که در راه خدا کشته می شوند مرده نگویید، بلکه آنها زنده هستند؛ ولی شما درک نمی کنید!».

اصولاً در هر نهضتی، گروهی راحت طلب و ترسو خود را کنار می کِشند و علاوه بر این که خودشان کاری انجام نمی دهند، سعی در دلسرد کردن دیگران دارند و در حوادث ناگوار، اظهار تأسّف می کنند؛ غافل از این که هیچ هدف مقدس و گران بهایی بدون دادن قربانی یا قربانی ها به دست نیامده و این یکی از سنت های این جهان است. (۲)

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱-۲، ص۴۳۳.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۲۰.

گروهی از مردم در آغاز اسلام، هرگاه یکی از مسلمانان در میدان جهاد به افتخار شهادت نائل می آمد، می گفتند فلانی مرد! و با اظهار تأسف از مردنش، دیگران را مضطرب می ساختند. خداوند در پاسخ این گفته ها پرده از روی یک حقیقت بزرگ برمی دارد و با صراحت می گوید: شما حق ندارید کسانی را که در راه خدا جان می دهند، مرده بخوانید؛ آنها زنده اند (زنده جاویدان) و از روزی های معنوی در پیشگاه خدا بهره می گیرند؛ با یکدیگر سخن می گویند و از سرنوشت پربارشان کاملاً خشنودند.

بعضی «حیات» را در آیه به معنای «هدایت» و «مرگ» را به معنای «گمراهی» دانسته اند و گفته اند: معنای آیه این است که هر کس کشته شد، نگویید گمراه است. با توجه به آن چه در تفسیر اول گفتیم، روشن می شود که این احتمال قابل قبول نیست. (۱)

پیام های آیه

۱. کسانی که در راه خدا به شهادت رسیده اند، زنده هستند؛

۲. جهاد در راه خدا دارای ارزش ویژه است؛

۳. حیات و زنده بودن واقعی شهدا قابل درک برای ما نیست؛

۴. روح انسان بعد از مرگ باقی است و از بین نمی رود. (۲)

چکیده

۱. خداوند بعد از ذکر وجود پیامبر صلی الله علیه و آله , به چهار نعمت دیگر که از برکت این

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۲۲.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۰۸.

پیامبر صـلی الله علیه و آله ، عاید مسلمانان شده است، اشاره می کند. این نعمت ها در حقیقت هدف بعثت را تشکیل می دهد که عبارتند از: نخست: آیات ما را بر شـما می خواند؛ دوم: شـما را پرورش می دهد؛ سوم: کتاب و حکمت به شما می آموزد؛ چهارم: آن چه را که شما نمی دانستید به شما تعلیم می دهد.

۲. ممکن است مراد از «حکمت» سـخنان پیامبر صـلی الله علیه و آله و تعلیمات او باشد که «سنت» نام دارد و ممکن است اشاره به اسـرار، فلسـفه ها، و علل و نتایـج آن باشـد. بعضـی از مفسـران نیز احتمال داده انـد که «حکمت»، اشاره به حالت و ملکه ای باشـد که از تعلیمات کتاب حاصل می شود و انسان با داشـتن آن می تواند هر کاری را به جای خود انجام دهد؛ ولی ظاهر آن است که حکمت، دارای معنای عامی است که همه مصادیق را شامل شده و انحصار آن در یک مفهوم وجهی ندارد.

۳. مراد از یـاد الهی، تنهـا یـادآوری بـا زبـان نیست، بلکه اشـاره به یک اصل تربیتی و تکوینی است؛ بـدین معنا که با یادکردن ذات پـاکی هـا - که سرچشـمه تمـام خوبی هـا و نیکی هـا است - روح و جـان خود را پاک و روشن سازیـد و آماده پـذیرش رحمت پروردگار گردیـد. همان گونه که منظور از «شـکرگزاری و عـدم کفران» یک مسـئله، تشـریفاتی برخورد کردن و تنها گفتن زبانی نیست، بلکه منظور آن است که هر نعمتی را در جای خود به درستی مصـرف کنیـد و در راه همان هدفی که برای آن آفریده شده، به کار گیرید تا مایه فزونی رحمت و نعمت خدا گردد.

۴. بایـد توجه داشت که «صبر» هرگز به معنـای تحمـل بـدبختی ها و تن دادن به ذلّت و تسـلیم در برابر عوامل شـکست نیست، بلکه صبر و شکیبایی به معنای پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و هر حادثه ای است.

پرسش ها و تمرین ها

۱. در معنای کلمه «منکم» در آیه کَما أَرْسَلْنا فِیکُمْ رَسُولاً مِنْکُمْ چند احتمال داده شده است؟ توضیح دهید.

۲. اهداف بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را نام ببرید.

۳. فرق میان «کتاب» و «حکمت» را بیان نمایید.

۴. معنای جمله فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ را توضیح دهید.

۵. انواع و شاخه های صبر را بیان کنید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. پیام قرآن، جلدهای ۸ و ۹، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. شهید و شهادت، مرتضی مطهری رحمه الله ؛

۳. نماز از دیدگاه قرآن، حسین موسوی راد؛

۴. آداب الصلاه، امام خمینی رحمه الله ؛

۵. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، حسن حسن زاده آملی.

ص:۴۲۹

۴۲- جهان، صحنه آزمایش الهی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با اهداف آزمایش الهی؛ اوصاف صابران؛ شأن نزول آیه ۱۵۸ - ۱۵۹؛ ممنوع بودن کتمان حق؛ توبه و مغفرت الهی؛ توّاب بودن خداوند؛ پیام های آیات ۱۵۵ - ۱۶۰.

کلیدواژه ها) آزمایش، صابران، صفا، مروه، جُناح، رحیم، توبه.

* * *

۱۵۵. وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ وَ بَشِّرِ الصّابِرِینَ .

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال ها و جان ها و میوه ها، آزمایش می کنیم و بشارت ده به استقامت کنند گان!

جهان، صحنه آزمایش

این آیه به مسئله آزمایش - به طور کلی - و چهره های گوناگون آن اشاره می کند و می فرماید: «به یقین، همه شما را با اموری همچون ترس و گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم.» اما پیروزی در این امتحانات جز در سایه مقاومت و پایداری ممکن نیست؛ لذا در پایان آیه خداوند به صابران،

بشارت به بهشت و مغفرت داده است؛ (۱) زیرا آنها هستند که از عهده این آزمایش های سخت به خوبی برآمده و موفق می گردند.

نظام زندگی، نظام تکامل و پرورش است؛ پس همه مردم، از پیامبران تا دیگران، باید طبق این قانون عمومی آزموده شوند تا استعدادهایشان شکوفا شود. (۲)

عاشقان را غذا بلا باشد عاشقی بی بلا کجا باشد

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره این آیه به «ابن مسعود» فرمودند: «مراد از» صابرون «در آیه کسانی هستند که بر اطاعت الهی صبر نموده و از معصیت او دوری می کنند». (۳)

پیام های آیه

۱. همه بندگان الهی بدون استثنا آزمایش می شوند؛

۲. آزمایش بندگان یکی از سنت های الهی است؛ (۴)

۳. وسایل آزمایش متنوع است؛ (۵)

۴. گاهی کم شدن محصولات یا پیداشدن خوف و... به خاطر آزمایش الهی است؛

۵. بشارت الهی برای کسانی است که صبر نموده و در این آزمایش ها موفق شوند.

* * *

۱۵۶. اَلَّذِینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ قالُوا إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ .

آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می رسد، می گویند: «ما از آنِ خداییم و به سوی او باز می گردیم!»

۱- (۱) . نورالثقلین، ج۱، ص۱۴۳، ح۴۴۹.
۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۵۱.
۳- (۳) . بحارالانوار، ج۷۴، ص۹۳، ح۱.
۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۴۹۴؛تفسیر نور، ج۱، ص۳۱۰.
۵- (۵) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۵۲.

صابران کیانند؟

صابران کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها می رسد می گویند ما از آنِ خدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. توجه به این واقعیت که همه از او هستیم، این درس را به ما می دهد که از زوال نعمت ها هرگز ناراحت نشویم و توجه به این واقعیت که همه به سوی او باز می گردیم، به ما اعلام می کند که این جا سرای جاویدان نیست؛ زوال نعمت ها و کمبود مواهب و یا کثرت وفور آنها، همه زودگذر است و همه اینها وسیله ای برای پیمودن مراحل تکامل است. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند به امّت من چیزی داده که به هیچ کسی نداده است؛ این که در هنگام مصیبت جمله: إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ را می گویند. (۲)

پیام های آیه

۱. در هنگام برخورد با مصیبت نباید خدا را فراموش کنیم؛

۲. همه از خدا هستیم و به سوی او نیز باز می گردیم؛ (۳)

۳. شعار صابران إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ است. (۴)

* * *

۱۵۷. أُولئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ رَحْمَهٌ وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ .

اینها، کسانی هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هدایت یافتگان هستند!

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۲۵.
۲- (۲) . درالمنثور، ج۱، ص۳۷۷.
۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۵۴.
۴- (۴) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۱۳.

صلوات الهی

این آیه، الطاف بزرگ الهی را برای صابران و سخت کوشان که از عهده این امتحانات بزرگ برآمده اند، بیان می کند و می فرماید: «صابران کسانی هستند که لطف و رحمت خدا و درود الهی بر آنهاست».

بعضی از مفسران اهل سنت گفته اند: «منظور از صلوات در این جا، انواع تکریم و پیروزی ها و ترفیع مقام نزد خدا و بندگان است.» از ابن عباس نیز چنین نقل شده است که: «منظور از آن، آمرزش گناهان می باشد». (۱)

روشن است که «صلوات» مفهوم وسیعی دارد که هم این امور و هم سایر رحمت ها و نعمت های الهی را شامل می شود. این الطاف و رحمت های الهی، به انسان نیرویی می بخشد تا در این راه پرخوف و خطر گرفتار اشتباه و انحراف نشود؛ به همین دلیل خداوند در پایان آیه می فرماید: «و این افراد کسانی هستند که هدایت یافته اند».

هدف از آزمایش الهی

معمولاً ـ آزمایش برای این است که از میزان جهل و نادانی خود بکاهیم؛ این درحالی است که علم خداوند به همه چیز احاطه دارد و از اسرار درون و برون همه کس و همه چیز آگاه است و غیب آسمان و زمین را می داند. پس خداوند چرا امتحان می کند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: مفهوم آزمایش و امتحان در مورد خداوند، تفاوت بسیاری با آزمایش های ما دارد؛ آزمایش های ما معمولاً برای شناخت و

۱- (۱) . المنار، ج۲، ص۴۰.

رفع ابهام و جهل است؛ اما آزمایش الهی برای ظهور و بروز استعدادها و در واقع برای «پرورش و تربیت» انسان است. در حقیقت خداوند برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته انسان و پرورش دادن بندگان، آنان را می آزماید، نه برای این که به وضعیت بندگان آشنا شده یا چیز مجهولی برای او کشف شود. (۱) هدف دیگر آزمایش الهی، «اتمام حجت» است تا افراد در روز قیامت، حجتی علیه خدا نداشته باشند و نگویند اگر ما را امتحان می کردی ما نیز از عهده آن برمی آمدیم. (۲)

پیام های آیه

۱. خداوند بر صابران درود می فرستد؛

۲. صابران، مشمول رحمت الهی هستند؛

۳. فقط صابران افرادی هدایت یافته اند.

* * *

۱۵۸. إِنَّ الصَّفا وَ الْمَرْوَهَ مِنْ شَعائِرِ اللّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَإِنَّ اللّهَ شاکِرٌ عَلِیمٌ .

«صفا» و «مروه» از شعائر [و نشانه های] خداست! بنابراین کسانی که حج خانه خدا یا عمره انجام می دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند [و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی رویّه مشرکان که بت هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیّت این دو مکان مقدّس نمی کاهد!] و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند [در برابر عمل او] شکرگزار، و[از افعال وی] آگاه است.

۱- (۱) . برای آشنایی بیشتر با آزمایش الهی و اهداف آن به تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۲۷ - ۵۳۵ مراجعه نمایید.
۲- (۲) . تفسیر کوثر، ج۱، ص۴۰۶.

شأن نزول

یکی از اعمال و مناسکی که زمان جاهلیت در مراسم حج انجام می شد، «سعی» میان دو کوه معروف «صفا» و «مروه» بود. در بسیاری از روایات - که از طرق شیعه و اهل تسنن نقل شده - چنین می خوانیم که: در عصر جاهلیت، مشرکان در بالای کوه «صفا» بتی به نام «إساف» و بر کوه «مروه» بت دیگری به نام «نائله» گذاشته بودند و به هنگام سعی، آن دو بت را برای تبرک، با دست خود مسح می کردند. مسلمانان به خاطر این موضوع، از انجام سعی میان صفا و مروه کراهت داشتند و فکر می کردند در این شرایط، سعی صفا و مروه کار صحیحی نیست؛ لذا آیه فوق نازل شد و به آنها اعلام داشت که صفا و مروه از شعائر (۱) خداوند است و اگر مردم نادان آن عمل (سعی) را آلوده کرده اند دلیل بر این نیست که مسلمانان فریضه «سعی» را ترک کنند.

عدم تأثیر اعمال جاهلان در کارهای مثبت

این آیه با توجه به شرایط خاص روانی که در شأن نزول گفته شد، به مسلمانان خبر می دهد که «صفا» و «مروه» از شعائر و نشانه های خداست و کسی که حج خانه خدا یا عمره (۲) را به جا آورد، جُناح (۳) و گناهی بر او نیست که بین این دو کوه

ص:۴۳۵

۱- (۱) . «شعائر» جمع «شعیره» به معنای علامت است و «شعائر اللّه» علامت هایی است که انسان را به یاد خدا می اندازد و خاطره ای از خاطرات مقدس را در نظرها تجدید می کند.

۲- (۲) . «اعتمر» از ماده «عمره» در اصل به معنای قسمت های اضافی است که به ساختمان ملحق می کنند و باعث تکامل آن می شود؛ اما در اصطلاح شرع، به اعمال مخصوصی گفته می شود که بر مراسم حج افزوده می گردد (و گاهی نیز به طور جداگانه تحت نام «عمره مفرده» انجام می گیرد.

۳- (۳) . «جناح» در اصل به معنای تمایل به یک سمت است، و از آن جا که گناه، انسان را از حق منحرف و متمایل می کند به آن جناح گفته می شود.

طواف کند. هرگز نباید اعمال بی رویه مشرکان - که این شعائر الهی را با بت ها آلوده کرده بودند - از اهمیت این دو مکان مقدس بکاهد.

خداوند در برابر اطاعت و انجام کار نیک، از اعمال بندگان به وسیله پاداش نیک تشکر خواهد کرد.

صفا و مروه، درس خداشناسی است. و به انسان ها می آموزد که تکبّر را رها کرده و در کنار هم حرکت کنند، صفا و مروه، حضور در صحنه تاریخ است. (۱)

باید توجه داشت که تعبیر به «شاکر» در مورد پروردگار، تعبیر لطیفی است که از نهایت احترام خداوند به اعمال نیک انسان ها حکایت می کند؛ جایی که خدا در برابر اعمال بندگان شکرگزار باشد، تکلیف آنها در برابر یکدیگر و در برابر خداوند, معلوم است.

پیام های آیه

۱. صفا و مروه از شعائر الهی است؛

۲. صفا و مروه کلاس خداشناسی و اخلاق اند و انسان را به یاد خدا می اندازند؛

۳. اگر مراکز الهی توسط گروهی با خرافات آلوده گردید، نباید از آن مراکز دست کشید؛ (۲)

۴. خداوند به عبادت بندگان آگاه است و از آنها تشکّر می کند.

* * *

۱۵۹. إِنَّ الَّذِینَ یَکْتُمُونَ ما أَنْزَلْنا مِنَ الْبَیِّناتِ وَ الْهُدی مِنْ بَعْدِ ما بَیَّنّاهُ لِلنّاسِ فِی الْکِتابِ أُولئِکَ یَلْعَنُهُمُ اللّهُ وَ یَلْعَنُهُمُ اللاّعِنُونَ .

کسانی که دلایل روشن و وسیله هدایتی را که نازل کرده ایم - بعد از آن که در

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۱۷.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۵۷.

کتاب برای مردم بیان نمودیم - کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند و همه لعن کنندگان نیز، آنها را لعن می کنند.

شأن نزول

جلال الدین سیوطی در اسباب النزول از قول ابن عباس می نویسد:

چند نفر از مسلمانان مانند: معاذ بن جبل، سعد بن معاذ، خارجه بن زید سؤالاتی از دانشمندان یهود پیرامون مطالبی از «تورات» (که ارتباط با ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله است) کردند. اما وقتی واقع مطلب را کتمان کردند این آیه درباره آنها نازل شد». (۱)

عده ای دیگر از مفسران گفته اند، آیه فوق درباره یهود و نصارا نازل شده که رسالت پیامبر را کتمان می نمودند؛ درحالی که در «تورات» و «انجیل» به این مسئله اشاره شده بود. (۲)

کتمان حق، ممنوع!

گرچه روی سخن در این آیه - طبق شأن نزول - با علمای یهود است، ولی این معنا هرگز مفهوم آیه را که بیانگر حکمی کلّی و عمومی درباره کتمان کنندگان حق است، محدود نخواهد کرد.

آیه شریفه، این افراد را با شدیدترین لحنی مورد سرزنش قرار داده و می فرماید: «کسانی که بینات و دلایل روشن و وسایل هدایت (۳) را که نازل کرده ایم

ص:۴۳۷

۱- (۱) . جلال الدین سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، ص۲۲.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱، ص۴۴۱.

۳- (۳) . «بینات» و «هدی»، در آیه معنای وسیعی دارد که همه وسایل هدایت و دلایل روشن که مایه آگاهی و بیداری و نجات مردم است را در بر می گیرد.

بعـد از بیان آن در کتاب آسـمانی، از مردم کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می کند (نه فقط خدا) بلکه همه لعنت کنندگان نیز آنها را لعن می کنند».

«کتمان حق» عملی است که خشم همه طرفداران حق را برمی انگیزد. چه خیانتی از این بالاتر که دانشـمندان، آیات خدا را که امانت های اوست، به خاطر منافع شخصی خویش کتمان کنند و مردم را به گمراهی بکشانند.

کلمه «یلعن» که به جهت تأکیـد، دو مرتبه در آیه ذکر شـده و فعل مضارع است، دلالت بر اسـتمرار دارد؛ لـذا معنای آیه چنین می شـود: «لعن و نفرین برای همیشه متـوجه کسـانی است که حقـایق را کتمـان می کننـد و این شدیـدترین مجـازاتی است که ممکن است برای یک انسان تعیین گردد».

پیام های آیه

۱. کسانی که حق را کتمان کنند، مورد لعن الهی قرار می گیرند؛

۲. علمای یهود و نصارا، نشانه های حقانیت پیامبر صلی الله علیه و آله را کتمان می کردند؛ (۱)

۳. کتمان حق، از گناهان بزرگ است؛ (۲)

۴. در قرآن کریم، هر چیزی که به هدایت انسان مربوط می شود، وجود دارد.

* * *

۱۶۰. إِلاَّ الَّذِينَ تابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُوا فَأُولئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوّابُ الرَّحِيمُ .

مگر آنهـا که توبه و بـازگشت کردنـد، و [اعمال بـد خود را، با اعمال نیک] اصـلاح نمودنـد، [و آن چه را کتمان کرده بودند آشکار ساختند] من توبه آنها را می پذیرم که من توّاب و رحیمم.

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۰۸.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۵۹.

مأیوس نبودن از رحمت حق

قرآن به عنوان یک کتاب هدایت، هیچ گاه روزنه امید و راه بازگشت را به روی مردم نمی بندد و آنها را هر قدر هم که آلوده به گناه باشند از رحمت خدا مأیوس نمی کند. این آیه، راه نجات و جبران در برابر این گناه بزرگ (کتمان حق) را چنین بیان می فرماید: اگر آنها توبه کنند و به سوی خدا بازگردند و در مقام جبران و اصلاح اعمال خود برآیند و حقایقی را که پنهان کرده بودند برای مردم آشکار سازند، مورد مغفرت و رحمت خداوند قرار می گیرند؛ زیرا خداوند توّاب و مهربان است.

جمله أَنَا التَّوّابُ الرَّحِیمُ دلالت بر کمال محبت و مهربانی پروردگار نسبت به توبه کاران دارد. خداوند می فرماید: اگر آنها بازگردند من هم بازمی گردم، آنها بازگشت به اطاعت و بندگی کنند و حق را برملا سازند، من نیز بازگشت به رحمت می کنم و مواهبی را که قطع کرده بودم دوباره به آنها می بخشم.

بی گمان، کتمان حق منحصر به کتمان آیات خدا و نشانه های نبوت نیست؛ بلکه اخفای هر چیزی که مردم را می تواند به واقعیتی برساند، در مفهوم وسیع این کلمه وجود دارد. کلمه «توّاب» صیغه مبالغه است و به معنای کسی است که بسیار بازگشت کننده است. این تعبیر آن چنان روح امید را در انسان می دمد که پرده های یأس و نومیدی را از آسمانِ جانِ او به کلی کنار می زند؛ به خصوص این که با کلمه «رحیم» - که اشاره به رحمت ویژه پروردگار است - همراه شده است. واژه «توّاب» به این حقیقت نیز اشاره دارد که اگر وسوسه های شیطانی انسان را فریب داد و توبه خود را شکست، باز هم درهای توبه به روی او بسته نخواهد شد, بلکه باید دوباره توبه کند و به سوی خدا بازگردد و حق را بر ملا

سازد؛ چرا که خدا بسیار بازگشت کننده است و هرگز نباید از عفو و رحمت او مأیوس گشت.

پیام های آیه

۱. راه توبه و بازگشت به سوی خدا برای گناه کاران باز است؛ (۱)

۲. توبه باید مناسب با گناه انسان باشد (چون این افراد، حق را کتمان می کردند، توبه آنها این است که آن چه را کتمان کرده اند، بیان نمایند)؛

۳. خداوند توبه پذیر و مهربان است.

چکیده

۱. در حقیقت، خداوند برای شکوفا کردن استعدادهای نهفته و پرورش دادن بندگان آنان را می آزماید، نه برای این که به وضعیت بندگان علم پیدا کند یا چیز مجهولی برای او کشف گردد.

۲. «صفا» و «مروه» از شعائر و نشانه های خداست و کسی که حج خانه خدا یا عمره را به جا آورد، جُناح و گناهی بر او نیست که بین این دو کوه طواف کند. هرگز نباید اعمال بی رویه مشرکان که این شعائر الهی را با بت ها آلوده کرده بودند از اهمیت این دو مکان مقدس بکاهد.

۳. تعبیر به «شاکر» در مورد پروردگار، تعبیر لطیفی است که بیانگر نهایت احترام خداوند به اعمال نیک انسان ها است. جایی که خداوند در برابر اعمال بندگان شکرگزار باشد، تکلیف آنها در برابر یکدیگر و در برابر خداوند معلوم است.

۴. «کتمان حق» عملی است که خشم همه طرفداران حق را برمی انگیزد؛ چه

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۶۱.

خیانتی از این بالاتر که دانشمندان، آیات خدا را که امانت های اوست به خاطر منافع شخصی خویش کتمان کنند و مردم را به گمراهی بکشانند.

۵. کتمـان حق منحصـر به کتمـان آیات خـدا و نشانه های نبوت نیست؛ بلکه اخفای هر چیزی که می توانـد مردم را به واقعیتی برساند، در مفهوم وسیع این کلمه وجود دارد.

۶. کلمه «توّاب» صیغه مبالغه بوده و به معنای کسی است که بسیار بازگشت کننده می باشد. این تعبیر آن چنان روح امید را در انسان می دمـد که پرده های یأس و نومیـدی را از آسـمانِ جانِ او به کلی کنار می زنـد؛ به خصوص این که با کلمه «رحیم» - که اشاره به رحمت ویژه پروردگار است - همراه شده است.

ص:۴۴۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. آیه اَلَّذِینَ إِذا أَصابَتْهُمْ مُصِیبَهٌ قالُوا إِنّا لِلّهِ وَ إِنّا إِلَیْهِ راجِعُونَ را تفسیر کنید.

۲. هدف خداوند از آزمایش بندگان چیست؟ توضیح دهید.

۳. شأن نزول آیه ۱۵۸ را بنویسید.

۴. چرا در آیه ۱۵۸ از خداوند به عنوان «شاکر» یاد شده است؟ توضیح دهید.

۵. چرا کتمان کنندگان حق، مورد لعن خداوند و فرشتگان الهی قرار می گیرند؟

۶. معنا و مفهوم «توّاب» بودن خداوند را شرح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. سرّ الابتلاء، هارون یحیی؛

۲. اسباب النزول، واحدی نیشابوری؛

۳. میزان الحکمه، محمدی ری شهری؛

۴. حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، جمع آوری توسط قاضی عسگر؛

۵. قلب سلیم، عبدالحسین دستغیب شیرازی رحمه الله .

ص:۴۴۲

۴۳- نشانه ها و آیات الهی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با معنای لعن؛ یکتایی خداوند؛ نشانه ها و آیات الهی؛ پیام های آیات ۱۶۱ - ۱۶۴.

کلیدواژه ها) کفر، لعن، خُلود، آسمان، زمین، کِشتی، آیات.

* * *

۱۶۱. إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ماتُوا وَ هُمْ کُفّارٌ أُولئِکَ عَلَیْهِمْ لَعْنَهُ اللّهِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ النّاسِ أَجْمَعِینَ .

کسانی که کافر شدند، و در حالِ کفر از دنیا رفتند، لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود!

مرگ در حال کفر

هر کس به حال کفر و دشمنی با حق از دنیا برود، هیچ گونه راه نجاتی برای او نیست؛ زیرا سعادت و بدبختی انسان در جهان دیگر، نتیجه مستقیم اندوخته هایی است که از این جهان با خود می برد.

کسی که بال و پر خود را با آتش کفر و دشمنی با حق سوزانده است، در آن جهان قدرت پرواز نخواهد داشت و سقوطش در «درکات دوزخ» حتمی است و

چون عالَم دیگر جای تحصیل وسیله نیست، برای همیشه در چنین وضعی خواهد ماند؛ مانند کسی که بر اثر جنایت و هوس بازی، از روی علم و عمد چشم های خود را از دست بدهد، باید تا پایان عمر، نابینا بماند. بدیهی است این سرنوشت, مخصوص کافرانی است که از روی علم و عمد، راه کفر و دشمنی با حق را بپیمایند.

این آیه می فرماید: «کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنها خواهد بود.» این گروه نیز همانند کتمان کنندگان حق، گرفتار لعن خدا، فرشتگان و مردم می شوند.

لعن چیست ؟

«لعن» به معنای طرد و دور ساختنی است که آمیخته با خشم و غضب باشد؛ بنابراین «لعن» از سوی خدا یعنی، دور ساختن انسان از رحمت خویش و تمام مواهب و برکاتی که از سوی او به بندگان می رسد. این که بعضی از بزرگان اهل لغت گفته اند «لعن» در آخرت به معنای عذاب و عقوبت و در دنیا، سلب توفیق است، در واقع، نوعی بیان مصداق می باشد، نه این که مفهوم «لعن» به این دو موضوع منحصر باشد.

واژه «لاعنون» (لعن کنندگان) معنای وسیعی دارد که نه تنها فرشتگان و مؤمنان را شامل می شود، بلکه علاوه بر آن، هر موجودی که با زبان حال یا قال، سخنی می گوید را نیز در بَر می گیرد.

پیام های آیه

۱. اگر کسی در حالت کفر از دنیا برود، راه بازگشتی نخواهد داشت؛ (۱)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص۳۲۳؛تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص۶۳.

۲. کفّار، مورد لعن خداوند هستند؛

۳. فرشتگان و مردمان مؤمن، کافران را لعنت می کنند.

* * *

۱۶۲. خالِدِینَ فِیها لا یُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَ لا هُمْ یُنْظَرُونَ .

همیشه در آن [لعن و دوری از رحمت پروردگار] باقی می مانند، نه در عذاب آنان تخفیف داده می شود، و نه مهلتی خواهند داشت!

خلود در عذاب جهنّم

بعضی از اعمال باعث می شوند که جایگاه انسان همیشه در بهشت و یا جهنم باشد. یکی از اعمالی که موجب خلود در آتش جهنّم می شود «کفر» است که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است. قرآن می فرماید: نه تنها کفار، جاودانه در لعنت الهی و لعنت فرشتگان و مردم خواهند بود، بلکه در روز قیامت هم در عذاب آنها تخفیف داده نخواهد شد و خداوند نظر رحمت بر آنها نخواهد کرد؛ زیرا این افراد تا آخر عمر بر کفر، اصرار ورزیده اند و طبعاً راه بازگشتی برای آنها باقی نمی ماند.

پیام های آیه

۱. کافران در جهنم، خالد (جاوید) بوده و برای همیشه به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود؛ (۱)

۲. در عذاب کافران، هیچ تخفیفی وجود ندارد؛

۳. خداوند در روز قیامت به کافران توجّه نمی کند.

* * *

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۱۳.

۱۶۳. وَ إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلاّ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ .

و خدای شما، خداوند یگانه ای است که غیر از او معبودی نیست! اوست بخشنده و مهربان [و دارای رحمت عام و خاصّ]!

معبود بی شریک

از ابن عباس نقل شده است که کفار قریش به پیامبر گفتند: «خداوند را برای ما توصیف کن»؛ خداوند نیز این آیه و سوره توحید را نازل فرمود. (۱)

این آیه، یگانگی خداوند را به طوری که هرگونه انحراف و شرک را نفی می کند، بیان نموده است. گاهی اوقات به موجوداتی برخورد می کنیم که ممکن است در یک یا چند صفت مخصوص به خود، منحصر به فرد و یکتا باشند؛ اما خداوند در ذات، در صفات و در افعال یکتاست. یکتایی خداوند به لحاظ عقلی قابل تعدّد نیست. او یکتایی است ازلی و ابدی که حوادث در یگانگی او اثر نمی کنند؛ یکتایی او هم در ذهن است و هم در بیرون ذهن. به عبارت روشن تر، او در یکتایی خود هم یکتاست!

اصل توحید به همه مشکلات پایان می دهد؛ زیرا کسی که فقط به یکتایی او ایمان دارد و معبود واقعی را خداوند دانسته و هیچ کس را شایسته عبادت نمی داند، از گرفتاری ها در امان است. آری، خدایی که از یک سو رحمت عامش همگان را فرا گرفته و از دیگر سو برای مؤمنان رحمت ویژه ای قرار داده، شایسته عبودیت است، نه آنها (خدایان) که سراسر نیاز وجودشان احتیاج است.

پیام های آیه

۱. معبود حقیقی همه انسان ها فقط خداوند است؛ (۲)

۱- (۱) . مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۴۴۵.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۵۱۵.

۲. هیچ معبودی جز خداوند وجود ندارد؛

۳. خداوند، رحمان و رحیم است؛

۴. رحمانیت و رحیمیت خداوند دلیل بر پرستش اوست. (۱)

* * *

۱۶۴. إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما یَنْفَعُ النّاسَ وَ ما أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ السَّماءِ مِنْ ماءٍ فَأَحْیا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ بَثَّ فِیها مِنْ کُلِّ دابَّهٍ وَ تَصْرِیفِ الرِّیاحِ وَ السَّحابِ الْمُسَخَّرِ بَیْنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لَآیاتٍ لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ .

در آفرینش آسمان ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده و انواع جنبندگان را در آن گسترده و(هم چنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای مردمی که عقل دارند و می اندیشند!

نشانه ها و آیات الهی

اشاره

همان طور که در آیه قبل سخن از توحید پروردگار به میان آمد، در این آیه نیز توحید و یگانگی ذات پاک او می شود.

باید به این نکته توجه داشت که در همه جا «نظم و انسجام» دلیل بر وجود علم و دانش بوده و «هماهنگی» دلیلی بر وحدت و یگانگی است. ما به هنگام برخورد با مظاهر نظم در جهان هستی از یک سو، و هماهنگی و وحدت عمل این دستگاه های منظم از سوی دیگر، متوجه مبدأ علم و قدرت

۱- (۱) . همان.

یگانه و یکتایی می شویم که این همه آوازه ها از او است.

هنگامی که چشم را با ساختمان ویژه و ظریفش بررسی می کنیم می فهمیم که طبیعت بی شعور و کور و کر محال است بتواند مبدأ چنین اثر بدیعی باشد، و هنگامی که همکاری و هماهنگی چشم را با کل بدن انسان و هماهنگی یک انسان را با سایر انسان ها و هماهنگی کل جامعه انسانیت را با مجموعه نظام هستی در نظر می گیریم، درک خواهیم کرد که همه اینها از یک جا سرچشمه گرفته و همه، آثار قدرت ذات پاک الهی است.

در این آیه به شش مورد از آثار نظم در جهان هستی که هر کدام نشانه ای از آن مبدأ بزرگ است، اشاره می شود:

۱- آفرینش آسمان و زمین

آفرینش آسمان پرشکوه، و هزاران هزار ستاره ثابت و سیار که در یک شب تاریک و پرستاره با چشمک زدن های پرمعنای خود با ما سخن می گویند یا در پشت تلسکوپ های عظیم، خود را به ما نشان می دهند، و آفرینش زمین با انواع مظاهر حیات و زندگی که در چهره های بسیار متنوع و در لباس صدها هزار نوع گیاه و حیوان، جلوه گر شده، همه از نشانه های ذات پاک او و آیینه های درخشان قدرت و علم و یگانگی او هستند.

۲- رفت و آمد شب و روز

آری، این دگرگونی شب و روز و آمد و رفت روشنایی و تاریکی با نظمی خاص - که دائماً از یکی کاسته و بر دیگری افزوده می شود، و به کمک آن فصول چهارگانه به وجود می آید، و درختان و گیاهان و موجودات زنده، مراحل تکاملی

خود را در پرتو این تغییرات تدریجی، گام به گام طی می کنند-، از دیگر نشانه های ذات و صفات متعالی خداوند هستند.

۳- حرکت کشتی ها

انسان به وسیله کشتی های بزرگ و کوچک، پهنه اقیانوس ها را در می نوردد و به نقاط مختلف زمین برای انجام مقاصد خود سفر می کند. پیدایش کشتی های جدید و غول پیکر امروزی، به مراتب بر عظمت این نعمت عظیم خدا افزوده است؛ چرا که هنوز مهم ترین وسیله نقلیه بشر، کشتی های غول پیکری هستند که گاهی به اندازه یک شهر وسعت دارند و در آن، میدان ها و مراکز تفریح و زمین بازی و حتی بازار وجود دارد.

۴- نزول باران از آسمان

خداوند به وسیله بارش باران، زمین های مرده را زنده کرده و انواع جنبندگان را در آن گسترده است. دانه های حیات بخش باران و قطرات پرطراوت و با برکت این آب تصفیه شده طبیعی، به هر جایی که فرو می ریزد، زندگی و حیات می بخشد و برکت و آبادی و نعمت را همراه خود به ارمغان می آورد. این آب که با نظام خاصی نازل می شود و آن همه موجودات و جنبندگانی که از این مایع، جان می گیرند، همگی پیام آور قدرت و عظمت او هستند.

۵- وزش منظم بادها

بادها نه تنها بر دریاها می وزند و کشتی ها را حرکت می دهند، بلکه سطح خشکی ها، کوه ها، دره ها و جلگه ها را نیز جولان گاه خود قرار داده اند. گاه گرده های نر را بر قسمت های ماده گیاهان می افشانند و به تلقیح و باروری

آنهاکمک می کنند و انواع میوه ها را به ما هدیه می کنند و بذرهای گوناگون رامی گسترانند.

۶- ابرهای معلّق میان زمین و آسمان

ابرهـای متراکمی که بالاـی سـر ما در گردش انـد و میلیاردها تن آب را بر خلاف قانون جاذبه، در میان زمین و آسـمان، معلق نگاه داشـته و از نقطه ای به نقطه دیگر می برنـد- بی آنکه کمترین خطری ایجاد کننـد - نشانه ای دیگر از عظمت خالق جهان هستند.

آری، اینها همگی نشانه ای بر ذات پاک اوست؛ اما برای مردمی که عقل دارند و می اندیشـند، نه برای بی خبرانِ سبک مغز و چشم داران بی بصیرت و گوش داران ناشنوا!

پیام های آیه

۱. شناخت طبیعت (آسمان و زمین، و....) از راه های خداشناسی است؛ (۱)

۲. خالق زمین و آسمان و... خداوند است؛

۳. آسمان مبدأ پیدایش آب های موجود در زمین است؛

۴. حیات زمین به آب و گیاه است؛

۵. جهان آفرینش دارای آسمان های متعدد است؛

۶. نعمت هایی که در اختیار انسان است در صورت تعقّل و تفکّر وی را به خدا رهنمون می سازند.

چکیده

۱. هر کس در حال کفر و دشمنی با حق از دنیا برود، هیچ راه نجاتی برای او

۱- (۱) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۲۶.

نیست؛ زیرا سعادت و بدبختی جهان دیگر نتیجه مستقیم اندوخته هایی است که انسان از این جهان با خود می برد.

۲. «لعن» در اصل به معنای طرد و دور ساختنی است که آمیخته با خشم و غضب باشد؛ بنابراین «لعن» از سوی خداوند یعنی، دور ساختن انسان از رحمت خویش و از تمام مواهب و برکاتی که از سوی او به بندگان می رسد.

۳. اصل توحید به همه بدبختی ها پایان می دهد؛ زیرا کسی که فقط به یکتایی او ایمان داشته، معبود واقعی را خداوند می داند و هیچ کس را شایسته عبادت نمی داند از گرفتاری ها در امان است.

۴. آفرینش آسمان پرشکوه و آفرینش زمین با انواع مظاهر حیات و زندگی که در لباس صدها هزار نوع گیاه و حیوان، جلوه گر شده، دگرگونی شب و روز، درختان و گیاهان و موجودات زنده، ابرهای متراکم که میلیاردها تن آب را بر خلاف قانون جاذبه، میان زمین و آسمان معلق نگاه داشته و آنها را - بی آن که کمترین خطری ایجاد کنند - از نقطه ای به نقطه دیگر می برند، دانه های حیات بخش باران و قطرات پرطراوت آب که با نظمی خاص فرو می ریزد و آن همه موجودات و جنبندگانی که از این مایع، جان می گیرند، برای انسان های دارای عقل و اندیشه، نشانه ای بر ذات پاک او و آیینه ای درخشان از قدرت و علم و یگانگی او هستند.

ص:۴۵۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. چرا برای شخصی که کافر از دنیا می رود، هیچ راه نجاتی وجود ندارد؟

۲. مفهوم «لعن» چیست؟ «لعن» خداوند و ملائکه به چه معنایی است؟

۳. نمونه هایی از نظم نظام آفرینش که در آیه ۱۶۴ به آن اشاره شده است را توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. گناهان کبیره، شهید عبدالحسین دستغیب شیرازی رحمه الله ؛

۲. نهج البلاغه، محمد دشتی؛

۳. پژوهش در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی؛

۴. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله .

ص:۴۵۲

۴۴- گام های شیطان

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با معنای بیزاری از پیشوایان کفر؛ شأن نزول آیه ۱۶۸؛ معنای خطوات و گام های شیطان؛ پیام های آیات ۱۶۵ - ۱۶۸.

کلیدواژه ها) انداد، معبود، خطوات، شیطان، اسباب، حسرت.

* * *

۱۶۵. وَ مِنَ النّاسِ مَنْ یَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللّهِ أَنْداداً یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللّهِ وَ الَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّهِ وَ لَوْ یَرَی الَّذِینَ ظَلَمُوا إِذْ یَرَوْنَ الْعَذابَ أَنَّ الْقُوَّهَ لِلّهِ جَمِیعاً وَ أَنَّ اللّهَ شَدِیدُ الْعَذابِ .

بعضی از مردم، معبودهایی غیر از خداوند برای خود انتخاب می کنند و آنها را همچون خدا دوست می دارند؛ امّا آنها که ایمان دارند، عشق شان به خدا، [از مشرکان نسبت به معبودهاشان] شدیدتر است. و آنها که ستم کردند [و معبودی غیر خدا برگزیدند] هنگامی که عذاب [الهی] را مشاهده کنند، خواهند دانست که تمامِ قدرت، از آنِ خداست و خدا دارای مجازات شدید است [نه معبودهای خیالی که از آنها می هراسند].

بیزاری پیشوایان کفر از پیروانِ خود!

در آیات قبل، سخن از دلایل وجود خدا و اثبات یگانگی او از طریق نظام

آفرینش بود. در این آیه و آیات بعد، روی سخن متوجه کسانی است که از این دلایل روشن و قاطع چشم پوشیده و در راه شرک و بت پرستی گام نهاده اند؛ کسانی که در مقابل معبودان پوشالی سر تعظیم فرود آورده و به آنها عشق می ورزند؛ عشقی که تنها شایسته خداوند است.

خداوند در این آیه می فرماید: بعضی از مردم معبودهایی غیر از خدا را به عنوان «أنداد» (۱) انتخاب می کنند؛ آنها بت ها را فقط به عنوان معبود خود انتخاب نکرده اند، بلکه آن چنان به آنها عشق می ورزند که گویی به خدا عشق می ورزند؛ اما کسانی که به خدا ایمان آورده اند عشق و علاقه بیشتری به او دارند؛ چرا که آنها مردمی اندیشمند و دانا هستند و هرگز ذات پاک او را که منبع همه کمالات است، رها نمی کنند. هر میل و محبتی در برابر عشق خدادر نظرشان بی ارزش و ناچیز است و اصلاً غیر او را شایسته عشق و محبت نمی بینند.

به طور کلی، عشق حقیقی معطوف به نوعی از کمال است. انسان هرگز عاشق عدم و کمبودها نمی شود، بلکه همواره دنبال هستی و کمال می گردد؛ به همین دلیل کسی که هستی و کمالش از دیگران برتر است، از هر کسی به عشق ورزیدن سزاوارتر می باشد.

پس این آیه بیانگر آن است که: عشق و علاقه افراد با ایمان نسبت به خدا، از عشق و علاقه بت پرستان به معبودهای خیالی شان ریشه دارتر، عمیق تر و شدیدتر

ص:۴۵۴

۱- (۱) . «انداد» جمع «نِد» به معنای «مثل» است؛ ولی به گفته جمعی از اهل لغت، به مثلی گفته می شود که شباهت جوهری به چیز دیگر دارد در حالی که «مثل» مفهوم اعمی دارد. بنابراین معنای آیه چنین می شود که: مشرکان اعتقاد داشتند تنها در جوهر ذات، شبیه خدا هستند و به تعبیر دیگر، صفات الهی برای آنها قائل بودند.

است. به راستی، چرا چنین نباشد؟ آیا کسی که واقعیتی را دریافته و به آن عشق می ورزد با کسی که گرفتار خرافه و تخیل است, می تواند یکسان باشد؟ عشق مؤمنان از عقل و علم و معرفت سرچشمه می گیرد، اما عشق کافران از جهل و خرافه و خیال!. به همین دلیل است که عشق حقیقی به هیچ وجه متزلزل نمی شود، ولی عشق مشرکان ثبات و دوامی ندارد.

آیه در ادامه می فرماید: این ظالمان هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می کنند و می دانند که تمام قدرت ها به دست خدا است، متوجه زشتی اعمال خود و بدی عاقبت کارشان می شوند و اعتراف می کنند که انسان های منحرفی بوده اند. (۱)

پیام های آیه

۱. پرستش غیرخدا ممنوع است؛ (۲)

۲. مشرکان به خدایان دروغین خود علاقه مند هستند؛ (۳)

۳. افراد مؤمن بالاترین محبت را نسبت به خداوند دارد؛

۴. منشأ تمام قدرت ها خداوند است؛

۵. بالاترین عذاب ها برای کسانی است که غیر خدا را عبادت کنند.

* * *

۱۶۶. إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِینَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِینَ اتَّبَعُوا وَ رَأَوُا الْعَذابَ وَ تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبابُ .

در آن هنگام، رهبران [گمراه و گمراه کننده] از پیروانِ خود، بیزاری می جویند و کیفر خدا را مشاهده می کنند و دست شان از همه جا کوتاه می شود.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۵۶۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص۳۲۸.

۳- (۳) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص۵۲۳.

بت پرستان در روز قیامت

روز قیامت وقتی پرده های جهل و غرور و غفلت از مقابل چشمان بت پرستان کنار می رود و به اشتباه خود پی می برند، از شدت بیچارگی، بی اختیار دست به دامن معبودان و رهبران خود می زنند؛ اما رهبران گمراه آنها دست رد به سینه آنان می کوبند و از پیروان خود تبرّی می جویند؛ در این جاست که عذاب الهی را با چشم خود می بینند و دستشان از همه جا کوتاه می شود.

منظور از معبودها بت های سنگی و چوبی نیستند، بلکه انسان های جبار و خودکامه و شیاطینی هستند که این مشرکان، خود را در اختیار آنها گذارده و بدون هیچ قید و شرطی تسلیم آنها شده اند.

پیام های آیه

۱. حاکمان ظالمی که در دنیا از آنها پیروی می شود، در روز قیامت از انسان بیزاری می جویند؛

۲. رهبران غیر الهی، بی وفا هستند؛ (۱)

۳. ظالمان، هیچ نوع وسایل و امکاناتی که بتواند آنها را نجات دهد در اختیار ندارند؛

۴. طاغوت ها هیچ گونه وفایی ندارند؛ زیرا در روز قیامت از مطیعان خود برائت می جویند؛

۵. سران شرک و پیروان آنها در روز قیامت گرفتار عذاب الهی هستند. (۲)

* * *

۱۶۷. وَ قالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَما تَبَرَّؤُا مِنّا كَذلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ أَعْمالَهُمْ حَسَراتٍ عَلَيْهِمْ وَ ما هُمْ بِخارِجِينَ مِنَ النّارِ .

ص:۴۵۶

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۷۲.

۲- (۲) . همان، ص۵۲۶.

و [در این هنگـام] پیروان می گوینـد: «کاش بار دیگر به دنیا برمی گشتیم، تا از آنها [پیشوایان گمراه] بیزاری جوییم؛ آن چنان که آنان (امروز) از ما بیزاری جستند! (آری) خداوند این چنین اعمال آنها را به صورت حسرت زایی به آنان نشان می دهد و هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد!

ای کاش باز می گشتیم!

این پیروان گمراه که بی وفـایی معبودان خود را به طور آشـکارا می بیننـد، برای تسلّی دل خود می گوینـد: «ای کـاش مـا بار دیگر به دنیا باز می گشتیم تا از آنها تبری جوییم، همان گونه که آنها امروز از ما تبری جستند!» اما دیگر کار از کار گذشته و بـازگشتی به سوی دنیـا نیست. آری، این چنین خداونـد اعمالشـان را مایه حسـرت آنها می کنـد و هرگز از آتش دوزخ خارج نخواهند شد.

این افراد جز حسـرت خوردن نمی تواننـد کـار دیگری انجـام دهنـد؛ حسـرت بر اموالی که فراهم کردنـد و بهره آن را دیگران بردند؛ حسرت بر امکاناتی که برای رستگاری و نجات در اختیار داشتند و از دست دادند؛ حسرت بر عبادت معبودانی ناتوان و بی ارزش، به جـای عبـادت خداونـد قـادر متعال. اما این حسـرت ها بیهوده است؛ چرا که نه موقع عمل است و نه جای جبران، بلکه تنها هنگام مجازات است و دیدن نتیجه اعمال!

پیام های آیه

۱. کسانی که از طاغوت ها پیروی کنند، در روز قیامت حسرت می خورند؛

۲. کسانی که از طاغوت ها پیروی کنند، مانند خود آنها در جهنّم، جاودان خواهند بود؛

۳. اظهار پشیمانی و ندامت از شرک در قیامت، فایده ای ندارد و موجب نجات انسان نمی گردد؛ (۱)

۴. رستاخیز، روز ندامت و پشیمانی است. (۲)

* * *

۱۶۸. یا أَیُّهَا النّاسُ کُلُوا مِمّا فِی الْأَرْضِ حَلالاً طَیِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ .

ای مردم! از آن چه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام های شیطان، پیروی نکنید! چه این که او، دشمن آشکار شماست!

شأن نزول

از ابن عباس نقل شده است که: بعضی از طوایف عرب همانند «ثقیف» و «خزاعه» و...، بخشی از انواع زراعت و حیوانات را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند (حتی تحریم آن را به خدا نسبت می دادند) که آیه فوق نازل شد و آنها را از این عمل ناروا باز داشت. (۳)

گام های شیطان!

یکی از انواع شرک این است که انسان غیرخدا را قانون گذار دانسته و نظام تشریع و حلال و حرام را در اختیار او بداند. آیه مورد بحث این عمل را یک کار شیطانی معرفی کرده، می فرماید: «ای مردم! از آن چه در زمین حلال و پاکیزه

۱- (۱) . همان، ص۵۲۹.
۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۷۲.
۳- (۳) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۴۵۹؛ اسباب النزول، ص۲۸.

است، بخورید و از گام های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است».

«حلال» چیزی است که ممنوعیتی نداشته باشد. «طیب» هم هم به چیزهای پاکیزه گفته می شود که موافق طبع سالم انسانی است و نقطه مقابل آن «خبیث» است که طبع آدمی از آن تنفر دارد.

«خُطُوات» جمع «خُطوه» به معنای گام و قدم است و خطوات شیطان، گام هایی است که شیطان برای وصول به هدف خود و اغوای مردم برمی دارد.

گویا جمله «خطوات الشیطان» (گام های شیطان) اشاره به یک مسئله دقیق تربیتی دارد؛ این که انحراف ها و تبه کاری ها به تدریج در انسان نفوذ می کند، نه به صورت دفعی و فوری. به عنوان مثال، برای آلوده شدن یک جوان به مواد مخدر و قمار و شراب چندین مرحله وجود دارد:

۱. به صورت تماشاچی در یکی از جلسات شرکت می کند و انجام این کار را ساده می شمارد؛

۲. به طور تفریحی و به عنوان رفع خستگی یا درمان بیماری و مانند آن شرکت می کند.

۳. از این مواد به صورت کم و به قصد این که در مدت کوتاهی از آن صرف نظر کند، استفاده می نماید؛

۴. با برداشتن گام ها یکی پس از دیگری، شخص به صورت یک قمارباز حرفه ای خطرناک یا یک معتاد سخت و بینوا درمی آید.

وسوسه های شیطان معمولاً ـ به همین صورت است و انسان را گام به گام به سوی پرتگاه می کشاند. این موضوع منحصر به شیطان اصلی (ابلیس) نیست؛ بلکه تمام دستگاه های شیطانی برای پیاده کردن نقشه های شوم خود از همین روش (گام به گام) استفاده می کنند؛ لذا از همان گام نخست باید به هوش بود و با شیطان همراه نشد.

ص:۴۵۹

در این آیه نیز شیطان به عنوان دشمن آشکار معرفی شده است؛ زیرا:

۱. دستورات او همچون قتل، جنایت و تبه کاری، برای همه آشکار است؛ زیرا همه می دانند این قبیل برنامه ها از جانب یک دوست نیست، بلکه از سوی یک دشمن خطرناک است که جز بدبختی انسان چیزی نمی خواهد؛

۲. شیطان از دشمنی خود با انسان به طور صریح خبر داده است و اعلام نموده که: لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ؛ می کوشم تا همه را گمراه کنم.

پیام های آیه

۱. باید از غذاهای پاک و حلال استفاده کرد؛ (۱)

۲. نباید در زندگی از شیطان پیروی کرد؛

۳. شیطان، به تدریج انسان را منحرف می کند؛ (۲)

۴. شیطان، دشمن آشکار انسان است.

چکیده

۱. بعضی از مردم معبودهایی غیر از خدا را به عنوان «أنداد» انتخاب می کنند؛ آنان بت ها را فقط به عنوان معبود خود انتخاب نکرده اند، بلکه آن چنان به آنها عشق می ورزند که گویی به خدا عشق می ورزند؛ اما کسانی که به خدا ایمان آورده اند عشق و علاقه بیشتری به خدا دارند؛ چرا که آنها مردمی اندیشمند و دانا هستند.

۲. عشق و علاقه افراد با ایمان نسبت به خدا، ریشه دارتر و عمیق تر از عشق و علاقه بت پرستان به معبودهای خیالی شان است.

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۷۵.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۳۳.

۳. ظالمان هنگامی که عذاب الهی را مشاهده می کنند - در حالی که می دانند تمام قدرت ها به دست خدا است - ، متوجه زشتی اعمال خود و بدی عاقبت کارشان می شوند و اعتراف می کنند که انسان های منحرفی بوده اند.

۴. روز قیامت، هنگامی که پرده های جهل و غرور و غفلت از مقابل چشمان بت پرستان کنار می رود و به اشتباه خود پی می برند، از شدت بیچارگی بی اختیار دست به دامن معبودان و رهبران خود می زنند؛ اما رهبران گمراه آنها دست ردّ به سینه آنان زده و از پیروان خود تبرّی می جویند. در این جاست که آنان عذاب الهی را با چشم خود می بینند و دستشان از همه جا کوتاه می شود.

۵. «خُطُوات» جمع «خُطوه» به معنای گام و قدم است و خطوات شیطان، گام هایی است که شیطان برای وصول به هدف خود و اغوای مردم برمی دارد.

۶. وسوسه های شیطان معمولاـ انسان را تدریجاً به سوی پرتگاه می کشاند. این موضوع منحصر به شیطان اصلی (ابلیس)، نیست، بلکه تمام دستگاه های شیطانی برای پیاده کردن نقشه های شوم خود از همین روش (گام به گام) استفاده می کنند؛ لذا از همان گام اول باید به هوش بود و با شیطان همراه نشد.

ص:۴۶۱

پرسش ها و تمرین ها

۱. چگونگی بیزاری پیشوایان کفر از پیروان خود را در روز قیامت شرح دهید.

۲. شأن نزول آیه ۱۶۸ را به اختصار بنویسید.

۳. منظور از «خطوات شیطان» چیست؟ با ذکر یک مثال توضیح دهید.

۴. چرا شیطان به عنوان «عدوّ مبین» معرفی گردیده است؟ علت آن را توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. قلب سلیم، عبدالحسین دستغیب شیرازی؛

۲. انسان و ایمان، شیهد مرتضی مطهری؛

۳. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، حسن حسن زاده آملی؛

۴. معاد از دیدگاه قرآن، حدیث، فلسفه، حسین ربّانی نقابی؛

۵. بهشتیان و دوزخیان در آیینه قرآن، آصف هاشمی.

۴۵- تقلید کورکورانه

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با معنای أمر کردن شیطان به فحشاء؛ تقلید کورکورانه از نیاکان؛ حلّیت غذاهای حرام در هنگام ضرورت؛ معنای «باغ» و «عاد»؛ پیام های آیات ۱۶۹ - ۱۷۳.

کلیدواژه ها) تقلید، شیطان، طیبات، شکر، خبائث، اضطرار.

* * *

۱۶۹. إِنَّما يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَ الْفَحْشاءِ وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ .

او شما را فقط به بدی ها و کار زشت فرمان می دهد [و نیز دستور می دهد] آن چه را که نمی دانید، به خدا نسبت دهید.

شیطان و أمر به فحشا

این آیه دلیل روشنی بر دشمنی سرسختانه شیطان است که جز بدبختی و شقاوت انسان هدفی ندارد؛ زیرا او فقط انسان را به فحشا (۱) و زشتی ها دستور می دهد و

۱- (۱) . «فحشاء» از ماده «فحش» به معنای هر کاری است که از حد اعتدال خارج گردد. بنابراین «فحشا» شامل تمامی منکرات و قبایح واضح و آشکار می گردد؛ اما اینکه می بینیم این لفظ امروز در مورد اعمال منافی عفت یا در مورد گناهانی که حد شرعی دارد به کار می رود، در واقع از قبیل استعمال لفظ کلی در بعضی از مصادیق آن است.

مجبور می کند که به خدا افترا بسته و چیزهایی را که نمی داند به او نسبت دهد.

بنابراین می توان گفت: در این آیه برنامه های شیطانی در دو چیز خلاصه شده اند:

۱. امر به بدی ها و زشتی ها؛

۲. گفتن سخنان ناروا و بی مدرک در برابر ذات پاک پروردگار.

علامه طباطبایی رحمه الله در معنای جمله أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ می فرماید:

ممکن است این جمله اشاره به تحریم پاره ای از غذاهای حلال باشد که أعراب در جاهلیّت به خدا نسبت می دادند؛ حتی به گفته بعضی از مفسران بزرگ، اثر این تفکر در میان جمعی از تازه مسلمانان نیز باقی مانده بود. (۱)

به هر حال، جمله تَقُولُوا عَلَى اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ اشاره به آن است که این گونه کارها حداقل قول بدون علم است؛ آن هم در برابر خداوند بزرگ، و این کاری است که با هیچ منطق، عقل و خردی سازگار نمی باشد.

پیام های آیه

۱. شیطان، انسان را به بدی و فحشاء ترغیب می نماید؛ (۲)

۲. کسانی که مرتکب فحشاء می شوند، پیروان شیطان هستند؛

۳. نباید چیزی را که نمی دانیم به خدا نسبت دهیم. (۳)

* * *

۱۷۰. وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَيْنا عَلَيْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ كانَ آباؤُهُمْ لا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لا يَهْتَدُونَ .

۱- (۱) . المیزان، ج۱، ص۴۲۵.
۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۳۶.
۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۷۶.

و هنگامی که به آنها گفته شود: «از آن چه خـدا نازل کرده است، پیروی کنیـد!» می گویند: «نه، ما از آن چه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می نماییم.» آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند [باز از آنها پیروی خواهند کرد]؟!

تقلید کورکورانه

این آیه اشاره به منطق سـست مشرکان در مسئله تحریم بی دلیل غذاهای حلال یا بت پرستی دارد و می فرماید: «هنگامی که به آنها گفته شود از دسـتورات خداونـد و آن چه خدا نازل کرده پیروی کنید، در جواب می گویند: ما از آن چه پدران و نیاکان خود را بر آن یـافتیم، پیروی می کنیم.» قرآن این منطق خرافی و تقلیـد کورکورانه را محکوم کرده است. البته اگر نیاکـان آنها دانشـمندان صـاحب نظر و افراد هـدایت یـافته ای بودنـد، این پیروی مانعی نـداشت، اما وقتی می داننـد آنها مردمی نادان و بی سواد بودند، پیروی از آنها چه معنایی دارد؟ آیا این کار مصداق تقلید جاهل از جاهل نیست؟!

انسـان خـداپرست و بـا ایمـان، این منطق را رد می کنـد و قرآن مجیـد نیز در بسـیاری از موارد، پیروی و تعصب کورکورانه از نیاکان را شدیـداً مـذمّت کرده است و این منطق را که انسان چشم و گوش بسـته از پـدران خود پیروی کنـد، کاملاً مردود می شناسد. (۱)

خلق را تقلیدشان بر باد داد ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

پیام های آیه

۱. پیروی از گذشتگان و نیاکان اگر همراه با استدلال و تعقّل نباشد، ممنوع است؛ (۲)

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۷۵ و ۵۷۶.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۳۷.

۲. انتقال خرافات از نسل گذشته به آینده، ضد ارزش است؛ (۱)

۳. تقلید از نیاکان، شعاری غیرمنطقی است.

* * *

۱۷۱. وَ مَثَلُ الَّذِینَ کَفَرُوا کَمَثَلِ الَّذِی یَنْعِقُ بِما لا یَسْمَعُ إِلّا دُعاءً وَ نِداءً صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ .

مَثَل [تو در دعوت] کافران، بسان کسی است که [گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر] صدا می زند، ولی آنها چیزی جز سر و صدا نمی شنوند [و حقیقت و مفهوم گفتار او را درک نمی کنند. این کافران، در واقع] کر و لال و نابینا هستند؛ ازاین رو چیزی نمی فهمند!

اصرار بر کفر و گمراهی

ابن عباس می گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله ، یهودیان را به اسلام دعوت کرد؛ آنها در جواب گفتند: ما بر دین آبای خود هستیم و از آنها پیروی می کنیم؛ زیرا آنها از ما اعلم بوده اند؛ سپس خداوند این آیه را نازل فرمود و به آنها پاسخ داد. (۲)

آیه، به بیان این نکته می پردازد که چرا این گروه در برابر این دلایل روشن انعطافی از خود نشان نمی دهند و هم چنان بر گمراهی و کفر اصرار می ورزند؟ برای این آیه شریفه دو تفسیر بیان شده است:

نخست: حکایت تو در دعوت این قوم بی ایمان به سوی ایمان و شکستن سدّ تقلیدهای کورکورانه، همچون کسی است که گوسفندان و حیوانات را (برای نجات از خطر) صدا می زند، ولی آنها جز سر و صدا چیزی را درک نمی کنند.

ص:۴۶۶

۱- (۱) . همان.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱، ص ۴۶۱.

آری، آنها مانند گوسفندان و حیواناتی هستند که از فریادهای چوپان خیرخواه و دلسوز، چیزی جز هیاهو نمی فهمند؛ زیرا ناشنوا و لال و نابینا هستند؛ لذا چیزی درک نمی کنند!

بنابراین جمله صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَعْقِلُونَ توصیفی برای این گونه افراد است که تمام ابزار درک را عملاً از دست داده اند؛ نه این که چشم و گوش و زبان ندارند، دارند، ولی چون از آن ابزار به صورت صحیح استفاده نمی کنند گویی ابزاری در اختیار ندارند!

دوم: بعضی از مفسران، تفسیر دیگری برای آیه ارائه کرده اند و آن این که:س مَثَل کسانی که بت ها و خدایان ساختگی را صدا می زنند همچون کسی است که حیوانات بی شعور را صدا می زنند. نه آن حیوانات از سخنان او چیزی درک می کنند و نه این معبودهای ساختگی از سخنان عابدان خود چیزی می فهمند؛ چرا که این بت ها کر و کور و لال هستند.

ولی بیشتر مفسران، نخست را برگزیده اند و در روایات اسلامی نیز به همان تفسیر اشاره شده است. (۱)

پیام های آیه

۱. نباید درمقابل دعوت پیامبران علیهم السلام بی تفاوت باشیم، بلکه باید به سخنان آنان گوش فرا دهیم؛

۲. باید از ابزار شناخت، مثل گوش، چشم و...استفاده کرد؛

۳. کافران از ابزار شناخت حسّی و عقلی خود استفاده نمی کنند؛ (۲)

ص:۴۶۷

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۷۷ و ۵۷۸.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۸۱.

۴. عدم استفاده صحیح از ابزار شناخت، به این می ماند که انسان این ابزار را در اختیار ندارد؛ چراکه در آیه تعبیر به کور و کر و لال شده است.

* * *

۱۷۲. یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُلُوا مِنْ طَیِّباتِ ما رَزَقْناکُمْ وَ اشْکُرُوا لِلّهِ إِنْ کُنْتُمْ إِیّاهُ تَعْبُدُونَ .

ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید؛ اگر او را پرستش می کنید!

شکر در مقابل نعمت های الهی

از آن جا که قرآن در مورد انحرافات ریشه دار، از روش تأکید و تکرار به صورت های مختلف استفاده می کند، در این آیه و آیه بعد، بار دیگر به مسئله تحریم بی دلیل پاره ای از غذاهای حلال و سالم در عصر جاهلیت توسط مشرکان اشاره می کند. اما روی سخن در این جا با مؤمنان است؛ در حالی که در آیات گذشته، روی سخن با همه مردم بود.

این آیه شریفه می فرماید: «ای افراد با ایمان! از نعمت های پاکیزه که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید، اگر او را می پرستید»؛ زیرا این نعمت های پاک و حلال، هیچ گونه ممنوعیتی نداشته و سازگار با طبع و فطرت سالم انسانی شما آفریده شده است؛ پس چرا از آن استفاده نکنید؟!

پیام های آیه

۱. باید از غذاهای طیب و پاک استفاده کرد؛

۲. غذاهای پاکیزه، رزق الهی هستند؛

۳. اسلام به بهداشت انسان توجهی ویژه دارد؛

۴. روزی دهنده انسان، خداوند است؛

۵. باید درمقابل نعمت های الهی شکرگزار باشیم. (۱)

* * *

۱۷۳. إِنَّما حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ ما أُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ باغٍ وَ لا عادٍ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ .

خداوند، تنها [گوشت] مردار، خون، گوشت خوک و آن چه را نام غیرِ خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. [ولی] آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست [و می تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد] خداوند بخشنده و مهربان است.

حرمت خبائث

در این آیه، خداوند برای روشن ساختن غذاهای حرام و ممنوع و گرفتن هر گونه بهانه، تنها گوشت مردار، خون، گوشت خوک و گوشت هر حیوانی را که به هنگام ذبح، نام غیر خدا بر آن گفته شود، تحریم کرده است.

مواردی که در آیه بیان شده، بیش از همه مورد ابتلای مردم آن محیط بوده است که بعضی مانند مردار، خون و گوشت، پلیدی ظاهری داشته و بعضی دیگر پلیدی معنوی دارند، مانند قربانی هایی که برای بت ها هدیه می کردند.

البته گاهی انسان برای حفظ جان خویش مجبور به استفاده از بعضی از غذاهای حرام می شود؛ از این رو قرآن مواردی را استثنا کرده و می فرماید: «کسی

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۸۲.

که مجبور شود (برای نجات جان خویش از مرگ) از آن گوشت ها بخورد، گناهی بر او نیست، به شرط این که ستمگر و متجاوز نباشد».

بدین ترتیب، خداوند برای این که اضطرار، بهانه و دستاویزی برای زیاده روی در خوردن غذاهای حرام نشود، با دو کلمه «غَیْرَ باغٍ» وَ «لا عادٍ» (۱) گوشزد می کند که این اجازه تنها برای کسانی است که قصد تجاوز از حریم الهی را نداشته باشند.

تفسیر دیگری نیز برای جمله غَیْرَ باغٍ وَ لا عادٍ ذکر شده است که با معنای اول تضادی ندارد و ممکن است هر دو با هم در مفهوم آیه جمع شوند که چنین است: با توجه به این که یکی از معانی «بغی»، ظلم و ستم است، چنین معنا می دهد که اجازه خوردن گوشت های حرام مخصوص کسانی است که سفر آنها سفر ستم و گناه نباشد (باید توجه داشت که اضطرار و اجبار معمولاً در سفرهایی نظیر سفرهای آن زمان حاصل می شد که قافله ها در بیابان می ماندند یا راه را گم می کردند).

بنابراین اگر سفر، سفرِ گناه باشد - گرچه آنها ناچارند برای حفظ جان خود از غذای حرام بخورند - ولی گناهی در نامه عملشان نوشته خواهد شد؛ به تعبیر دیگر، این ستمگران برای حفظ جان خود واجب است (به حکم عقل) از این گوشت ها بخورند. اما این وجوب، چیزی از مسئولیت آنها نمی کاهد؛ چرا که در مسیر غلط چنین اجباری را پیدا کرده اند.

در پایان آیه، خداوند می فرماید: «خداوند غفور و رحیم است. همان خداوندی که این گوشت ها را تحریم کرده با رحمت خاص خود در موارد ضرورت اجازه استفاده از آن را داده است».

ص:۴۷۰

۱- (۱) . باغ و عاد، در اصل باغی و عادی بوده اند. باغی از ماده «بغی» به معنای طلب کردن است، و در این جا منظور طلب کردن لذت است و «عادی» به معنای متجاوز می باشد؛ یعنی متجاوز از حد ضرورت.

سومین چیزی که در آیه تحریم شـده، خوردن گوشت «خوک» است. خوک حتی نزد اروپائیـان - که بیشتر گوشت آن را می خورنـد - سـمبل بی غیرتی است. خوک حیوانی است که در امور جنسـی فوق العاده بی تفاوت و لاابالی است و تأثیر این غذا در خصوص لاابالیگری در مسائل جنسـی، مشـهود است. شایـد هم یکی از علل بی بند و باری شدید جنسـی که در کشورهای غربی متداول است، همان تغذیه از گوشت این حیوان آلوده باشد.

چهارمین چیزی که تحریم شـده، گوشت هایی است که نام غیر خدا در هنگام ذبح بر آن برده شده است که در زمان جاهلیّت اعراب، حیوانات را به نام غیر خدا (بت ها) ذبح می کردند. (۱)

پیام های آیه

۱. قرآن به مسئله غذا و تغذیه اهمیت داده است؛ (۲)

۲. غذاها، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی در انسان تأثیر می گذارند؛

۳. توجه به خداوند و بردن نام او در ذبح حیوانات لازم و واجب است؛

۴. باید در هنگام ضرورت و اضطرار نیز به فکر مردم و جامعه باشیم؛

۵. نباید از شرایط اضطراری سوء استفاده کرد. (۳)

چکیده

۱. شـیطان جز بدبختی انسان هدفی ندارد؛ زیرا او فقط انسان را به فحشا دسـتور می دهد و مجبور می کند که به خدا افترا بسته و چیزهایی را که نمی داند به او نسبت دهد.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۸۱ - ۵۸۲.
۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۴۲.
۳- (۳) . همان، ص۳۴۳.

۲. جمله تَقُولُوا عَلَى اللّهِ ما لاـ تَعْلَمُونَ اشاره به آن است که این گونه کارها حداقل قول بدون علم است، آن هم در برابر خداوند بزرگ؛ و این کاری است که با هیچ منطق و خردی سازگار نیست.

۳. قرآن، منطق خرافی و تقلید کورکورانه از نیاکان را محکوم کرده است. آری، اگر نیاکان آنها دانشمندان صاحب نظر و افراد هدایت یافته ای بودند، این پیروی مانعی نداشت؛ اما وقتی می دانند آنها مردمی نادان و بی سواد بودند، پیروی از آنها چه معنایی دارد؟ آیا این کار مصداق تقلید جاهل از جاهل نیست؟!

۴. جمله صُمٌّ بُكْمٌ عُمْىٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُونَ ، توصیفی برای افرادی است که تمام ابزار درک را عملاً از دست داده اند؛ یعنی اگرچه چشم و گوش و زبان دارند، ولی چون از آن ابزار به صورت صحیح استفاده نمی کنند، گویی چنین ابزاری را در اختیار ندارند!

۵. مَثَل کسانی که بت ها و خدایان ساختگی را صدا می زنند، همچون کسی است که حیوانات بی شعور را صدا می زند، نه آن حیوانات از سخنان او چیزی درک می کنند و نه این معبودهای ساختگی از سخنان عابدان خود چیزی می فهمند؛ چرا که این بت ها کر و کور و لال هستند.

۶. جمله غَيْرَ باغٍ وَ لاـ عادٍ ممکن است اشاره به این مطلب باشد، که اجازه خوردن گوشت های حرام مخصوص کسانی است که سفر آنها سفر ستم و گناه نباشد (باید توجه داشت که اضطرار و اجبار معمولاً در سفرهایی نظیر سفرهای آن زمان حاصل می شد که قافله ها در بیابان می ماندند یا راه را گم می کردند).

ص:۴۷۲

پرسش ها و تمرین ها

۱. چرا تقلید کورکورانه از آباء و اجداد محکوم گردیده است؟ توضیح دهید.

۲. دو احتمال که در تفسیر آیه ۱۷۱ مطرح شده است را بنویسید.

۳. نظر علامه طباطبایی رحمه الله را درباره تفسیر جمله أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّهِ ما لا تَعْلَمُونَ را شرح دهید.

۴. منظور از جمله «غیرباغ» و «لا عاد» چیست؟ توضیح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی؛

۲. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله ؛

۳. تفسیر راهنما، علی اکبر هاشمی رفسنجانی؛

۴. منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی.

۴۶- اساس نیکی ها

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه ۱۷۴؛ نکوهش کتمان حق؛ از دست دادن مغفرت الهی؛ شأن نزول آیه ۱۷۷؛ ریشه و اساس نیکی ها؛ پیام های آیات ۱۷۴ - ۱۷۷.

کلیدواژه ها) کتمان، ضلالت، هدی، مغفرت، شقاق، بِرّ.

* * *

۱۷۴. إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ ما أَنْزَلَ اللّهُ مِنَ الْكِتابِ وَ يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَناً قَلِيلاً أُولئِكَ ما يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلاَّ النّارَ وَ لا يُكَلِّمُهُمُ اللّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ .

کسانی که کتمان می کنند آن چه را خدا از کتاب نازل کرده و آن را به بهای کمی می فروشند، آنها جز آتش چیزی نمی خورند [و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، در حقیقت آتش سوزانی است] و خداوند، روز قیامت با آنها سخن نمی گوید و آنان را پاکیزه نمی کند و برای آنها عذاب دردناکی است.

شأن نزول

این آیه و دو آیه بعد، در مورد اهل کتاب نازل شده اند. به گفته بسیاری از مفسران، این آیات درباره گروهی از علمای یهود است که پیش از ظهور پیامبر

ص:۴۷۴

اسلام صلی الله علیه و آله صفات و نشانه های او را مطابق آن چه در کتب خود یافته بودند برای مردم بازگو می کردند، ولی پس از ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیدند که منافع آنها به خطر بیفتد و هدایا و مهمانی هایی که برای آنها ترتیب می دادند از دست برود؛ لذا اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را که در تورات نازل شده بود، کتمان کردند؛ از این رو آیه فوق نازل شد و آنها را مورد نکوهش و مذمّت قرار داد. (۱)

نکوهش مجدّد از کتمان حق

همان گونه که در شأن نزول اشاره گردید، این آیه تأکیدی است بر آن چه در زمینه کتمان حق گذشت؛ گرچه در آیه، روی سخن با علمای یهود است، ولی اختصاص به شأن نزول ندارد. بنابراین تمام کسانی که احکام خدا و حقایق مورد نیاز مردم را کتمان می کنند و به خاطر کسب مقام و یا به دست آوردن ثروت مرتکب این خیانت می شوند، باید بدانند که حقیقت گران بهایی را به بهای ناچیزی فروخته اند؛ زیرا حق پوشی اگر با تمام دنیا مبادله شود، باز هم مرتکب آن، ضرر و زیان کرده است! در حقیقت، کسانی که دستورات الهی را کتمان می کنند و آن را به بهای کمی می فروشند، جز آتش چیزی نمی خورند!

آری، هدایا و اموالی که از این راه تحصیل می کنند، آتش های سوزانی است که در وجود آنان وارد می شود. این تعبیر مسئله تجسم اعمال را در آخرت بار دیگر روشن می سازد و نشان می دهد اموال حرامی که از این طریق به دست می آید در واقع آتشی است که در جان آنها وارد شده و در رستاخیز به شکل واقعی خود مجسم خواهد شد.

سپس به یک مجازات مهم معنوی آنها، که از مجازات مادی بسیار دردناک تر است می پردازد و آن این که خداوند در روز قیامت با آنها سخن نمی گوید، آنان را

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ و۲، ص۴۶۸.

پاکیزه نمی کند و عذاب دردناکی در انتظارشان خواهد بود!

سخن گفتن خداوند با بندگان به این معنا نیست که خدا زبان دارد و جسم است، بلکه او با قدرت بی پایانش امواج صوتی را در فضا می آفریند، به گونه ای که قابل درک و شنیدن باشد (همان گونه که در وادی طور با موسی علیه السلام سخن گفت) و یا از طریق الهام و با زبان دل، با بندگان خاصش سخن می گوید. (۱)

پیام های آیه

۱. کتمان آیات الهی جایز نیست؛

۲. دین فروشی به هر قیمتی که باشد، حرام و قبیح است؛ (۲)

۳. اعمال انسان در قیامت تجسم می یابد (و خوردن پول در مقابل کتمان حق، در حقیقت خوردن آتش است)؛

۴. کیفرها باید متناسب با جُرم باشند (در این جا چون حق را کتمان می کردند و به مردم نمی گفتند، خداوند نیز با آنها تکلّم نخواهد کرد).

* * *

۱۷۵. أُولئِکَ الَّذِینَ اشْتَرَوُا الضَّلالَهَ بِالْهُدی وَ الْعَذابَ بِالْمَغْفِرَهِ فَما أَصْبَرَهُمْ عَلَی النّارِ .

اینان، همان هایی هستند که گمراهی را با هدایت، و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده اند؛ به راستی چقدر در برابر عذاب خداوند، شکیبا هستند!!

از دست دادن مغفرت الهی

آیه مورد بحث، وضعِ این گروه را روشن تر بیان نموده و نتیجه کارشان را در این

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۹۱ و ۵۹۲.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۴۴؛تفسیر قرآن مهر، ج ۲، ص ۸۹.

معامله زیانبار، چنین توضیح می دهد که: «اینها کسانی هستند که گمراهی را با هدایت و عذاب را با آمرزش مبادله کرده اند» و به این ترتیب از دو سو گرفتار زیان و خسران شده اند: از یک سو، رها کردن هدایت و برگزیدن ضلالت در برابر آن، و از سوی دیگر، از دست دادن رحمت و آمرزش خدا و جایگزین ساختن عذاب دردناک الهی به جای آن؛ معامله ای که هیچ انسان عاقلی به سراغ آن نمی رود.

در پایان آیه خداوند می فرماید: «راستی, این افراد چقدر در برابر آتش خشم و غضب خدا صبور هستند و می توانند مقاومت نمایند» (۱)؟!

پیام های آیه

۱. کسانی که در مقابل کتمان حق، پول می گیرند، در حقیقت، هدایت را به ضلالت فروخته اند؛

۲. عاقبت فروختن حق، عذاب الهی است؛

۳. عذاب افرادی که حق را کتمان می کنند، شدید است (مگر آنها چه مقدار در برابر عذاب خداوند تحمّل دارند؟).

* * *

۱۷۶. ذلِکَ بِأَنَّ اللّهَ نَزَّلَ الْکِتابَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّ الَّذِینَ اخْتَلَفُوا فِی الْکِتابِ لَفِی شِقاقٍ بَعِیدٍ .

اینها به خاطر آن است که خداوند، کتاب [آسمانی] را به حق، [و توأم با نشانه ها و دلایل روشن] نازل کرده و آنها که در آن اختلاف می کنند، [و با کتمان و تحریف، اختلاف به وجود می آورند], در شکاف و [پراکندگی] عمیقی قرار دارند.

ایجاد اختلاف در کلام الهی

آیه مورد بحث می گوید: این تهدیدها و وعده های عذاب که برای کتمان کنندگان

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۹۴.

حق بیان شـده است، به خاطر این است که خداوند قرآن را به حق و توأم با دلایل روشن نازل کرده تا جای هیچ گونه شبهه و ابهامی برای کسی باقی نماند. ولی گروهی به خاطر حفظ منافع کثیف خویش، دست به توجیه و تحریف می زنند و در کتاب آسمانی، اختلاف هایی را به وجود می آورنـد تا به اصطلاح آب را گل آلود کننـد و از آن ماهی گیرنـد. در محیط آلوده به اختلاف است که می توان مردم را سرگرم کرد و حقایق را پنهان نمود و این افراد, از حقیقت بسیار دورند.

«شـقاق» در اصـل به معنـای شـکاف و جـدایی است؛ این تعبیر شایـد اشاره به این باشـد که ایمان و تقوا و افشا کردن حق، رمز وحـدت و اتحـاد در جـامعه انسـانی است؛ امـا خیانت و کتمان حقایق موجب پراکنـدگی، جـدایی و شـکاف است؛ نه شـکاف سطحی که آن را بتوان نادیده گرفت، بلکه جدایی و شکافی عمیق! (۱)

پیام های آیه

۱. خداوند، نازل کننده کتاب های آسمانی است؛

۲. کسانی که در کتاب الهی ایجاد اختلاف می کنند [با کتمان حق باعث اختلاف می شوند] در پراکندگی بعیدی هستند.

* * *

۱۷۷. لَیْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَکُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ الْکِتابِ وَ النَّبِیِّینَ وَ آتَی الْمالَ عَلی حُبِّهِ ذَوِی الْقُرْبی وَ الْیَتامی وَ الْمَساکِینَ وَ ابْنَ السَّبِیلِ وَ السّائِلِینَ وَ فِی الرِّقابِ وَ أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَ الْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذا عاهَدُوا وَ الصّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ وَ الضَّرّاءِ وَ حِینَ الْبَأْسِ أُولئِکَ الَّذِینَ صَدَقُوا وَ أُولئِکَ هُمُ الْمُتَّقُونَ .

۱- (۱) . همان، ص۵۹۴ - ۵۹۵.

نیکی، [تنها] این نیست که [به هنگام نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب کنید [و تمام گفت وگوی شما، درباره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید] بلکه نیکی [و نیکوکار] کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران، ایمان آورده و مال [خود] را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند, نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد و [هم چنین] کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می کنند و در برابر محرومیت ها و بیماری ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند. اینها کسانی هستند که راست می گویند و [گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است] و اینها پرهیزکارانند!

شأن نزول

با تغییر قبله، سر و صدای زیادی در میان مردم به خصوص یهود و نصارا به وجود آمد؛ یهود که بزرگ ترین سند افتخار خود (پیروی مسلمین از قبله آنان) را از دست داده بودند، زبان به اعتراض گشودند؛ چنان که قرآن در آیه ۱۴۲ با جمله سَيَقُولُ السُّفَهاءُ به آن اشاره کرده است؛ از این رو، آیه فوق نازل گردید و تأیید کرد که این همه گفت وگو در مسئله قبله صحیح نیست؛ بلکه مهم تر از قبله مسائل دیگری است که معیار ارزش انسان هاست و باید به آنها توجه شود که آن مسائل را این آیه شرح داده شده است. (۱)

ایمان، ریشه و اساس همه نیکی ها

مسیحیان به هنگام نیایش، رو به سوی شرق و یهودیان، رو به سوی غرب کرده،

ص:۴۷۹

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۴۷۵.

عبادات خود را انجام می دادند؛ اما خدا «کعبه» را قبله مسلمانان قرار داد که در طرف جنوب بود و حد وسط میان آن دو محسوب می شد. روی سخن آیه با این گروه ها بوده ومی گوید: «نیکی تنها این نیست که به هنگام نماز صورت خود را به سوی شرق و غرب کنید و تمام وقت خود را صرف این مسئله نمایید».

در ادامه، قرآن به بیان مهم ترین پایه نیکی ها (۱) که ایمان به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب های آسمانی و پیامبران الهی است، می پردازد و اصول نیکی ها را در چند عنوان مطرح می کند که عبارتند از:

۱. ایمان به خدا و روز قیامت، فرشتگان، کتاب های آسمانی و پیامبران؛

۲. انفاق، ایثار و بخشش های مالی دارند (مال خود را با تمام علاقه ای که به آن دارند به خویشاوندان، یتیمان، مستمندان، واماندگان در راه، سائلان و بردگان می دهند)؛ تعبیر «علی حبه» نیز اشاره به همین حقیقت است که آنها در برابر این خواسته دل - برای رضای خدا - مقاومت می کنند؛

۳. إقامه نماز؛

۴. پرداخت زکات و حقوق واجب مالی؛

۵. وفای به عهد؛ از جمله گناهانی که رشته اطمینان و اعتماد را پاره کرده و

۱- (۱) . جالب این که نمی گوید نیکوکار کسانی هستند که... بلکه می گوید: «نیکی» کسانی هستند که... این به خاطر آن است که در ادبیات عرب و هم چنین بعضی زبان های دیگر هنگامی که می خواهند آخرین درجه تأکید را در چیزی بیان کنند آن را به صورت مصدری می آورند، نه به صورت وصف؛ مثلاً- گفته می شود علی علیه السلام عدل جهان انسانیت است؛ یعنی آن چنان عدالت پیشه است که گویی تمام وجودش در آن حل شده و سرتاپای او در عدالت غرق گشته است، به گونه ای که هرگاه به او نگاه کنی، چیزی جز عدالت نمی بینی! و هم چنین در نقطه مقابل آن می گوییم بنی امیه، ذلت اسلام بودند. گویی تمام وجودشان تبدیل به خواری شده بود. بنابراین از این تعبیر, ایمان محکم و نیرومندی در سطح بالا استفاده می شود.

زیربنای روابط اجتماعی را سست می کند، ترک وفای به عهد است؛

۶. صبر و استقامت در هنگام محرومیت و فقر، هنگام بیماری و درد، و هم چنین در میدان جنگ.

این افراد کسانی هستند که راست می گویند. این افراد جزو پرهیزکاران هستند. (۱)

پیام های آیه

۱. توجه به شعارها و امور فرعی، ما را از محتوای دین باز ندارد (۲) (ایمان به خدا و روز قیامت و...، مهم تر از بحث پیرامون قبله است)؛

۲. ایمان به خدا و روز قیامت، مقدّم بر اعمال دیگر است (چون اول اینها مطرح شده و بعد به انفاق، نماز و... اشاره می شود)؛

۳. هم باید به واجبات عمل کرد و حقوق واجب را پرداخت کرد (زکات) و هم حقوق مستحب (کمک به محرومان و مستمندان)؛ پس نباید عمل به یکی، انسان را از انجام مورد دیگر بازدارد؛

۴. باید در مقابل مشکلات و سختی ها صبر و تحمل داشت؛

۵. ایمان به خدا و اعمال نیک، انسان را به تقوا می رساند.

چکیده

۱. به گفته بسیاری از مفسران، علمای یهود پیش از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله صفات و نشانه های او را مطابق آن چه در کتب خود یافته بودند برای مردم بازگو می کردند؛ ولی پس از ظهور پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیدند که منافع آنها به خطر بیفتد؛ لذا

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۵۹۷ و۵۹۸.

۲- (۲) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۹۳.

اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله را که در «تورات» نازل شده بود کتمان کردند و خداوند آنها را نکوهش و مذمت کرد.

۲. در حقیقت، کسانی که دستورات الهی را کتمان می کنند و آن را به بهای کمی می فروشند، جز آتش چیزی نمی خورند! و این تعبیر نشان می دهد اموال حرامی که از طریق هدایا و... به دست می آید، در واقع آتشی است که در دل آنها وارد می شود که در رستاخیز به شکل واقعی خود مجسم خواهد شد.

۳. سخن گفتن خداوند با بندگان، به این معنا نیست که خدا زبان دارد و جسم است؛ بلکه او با قدرت بی پایانش امواج صوتی را در فضا می آفریند، به گونه ای که قابل درک و شنیدن باشد (همان گونه که در وادی طور با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت) و یا از طریق الهام و با زبان دل با بندگان خاصش سخن می گوید.

۴. «شقاق» در اصل به معنای شکاف و جدایی است؛ این تعبیر شاید اشاره به این باشد که خیانت و کتمان حقایق موجب پراکندگی و جدایی و شکاف است؛ نه شکاف سطحی که آن را بتوان نادیده گرفت، بلکه جدایی و شکاف عمیق!

۵. با تغییر قبله سر و صدای زیادی در میان مردم به خصوص یهودیان و مسیحیان، به وجود آمد و یهود که بزرگ ترین سند افتخار خود (پیروی مسلمین از قبله آنان) را از دست داده بودند، زبان به اعتراض گشودند؛ بدین ترتیب خداوند می فرماید: این همه گفت وگو در مسئله قبله، صحیح نیست، بلکه مهم تر از قبله، مسائل دیگری است که معیار ارزش انسان هاست و باید به آنها توجه شود؛ چنان که آن مسائل را در این آیه شرح داده است.

پرسش ها و تمرین ها

۱. از آیه ۱۷۴ بقره چه نکات و پیام هایی را می توان دریافت؟

۲. آیه ۱۷۵ بقره را به اختصار تفسیر نمایید.

۳. جمله لَفِی شِقاقٍ بَعِیدٍ در آیه ۱۷۶ به چه نکته ای اشاره دارد؟

۴. مهم ترین پایه نیکی ها را بر اساس آیه ۱۷۷ بقره شرح دهید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. اخلاق در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی؛

۲. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی رحمه الله ؛

۳. انسان و ایمان، شهید مرتضی مطهری رحمه الله ؛

۴. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، حسن حسن زاده آملی.

۴۷- قصاص مایه حیات

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه صدوهفتادوهشت؛ معنا و اهمیت حکم قصاص؛ نتیجه و عاقبت اجرای حکم قصاص؛ وصیت های شایسته؛ عدم جواز تغییر وصیت؛ پیام های آیات ۱۷۸ - ۱۸۲.

کلیدواژه ها) قصاص، حیات، وصیت، جنف، اصلاح، اضطرار.

* * *

۱۷۸. یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلی الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ الْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَ الْأُنْثی بِالْأُنْثی فَمَنْ عُفِیَ لَهُ مِنْ أَخِیهِ شَیْ ءٌ فَاتِّباعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَداءٌ إِلَیْهِ بِإِحْسانٍ ذلِکَ تَخْفِیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَهٌ فَمَنِ اعْتَدی بَعْدَ ذلِکَ فَلَهُ عَذابٌ أَلِیمٌ .

ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن؛ پس اگر کسی از سوی برادر [دینی] خود، چیزی به او بخشیده شود، [و حکم قصاص او، تبدیل به خون بها گردد] باید از راه پسندیده پیروی کند. [و صاحب خون، حال پرداخت کننده دیه را در نظر بگیرد] و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را [به ولی مقتول] بپردازد [و در آن، مسامحه نکند.] این، تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگار شما و کسی که بعد از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت.

ص:۴۸۴

شأن نزول

عادت عرب جاهلی بر این بود که اگر کسی از قبیله آنها کشته می شد، تصمیم می گرفتند تا آن جا که قدرت دارند از قبیله قاتل بکشند و در مقابلِ هر بنده ای، یک نفر حرّ و آزاد را به قتل برسانند و در مقابِل هر زنی، یک مرد را بکشند. این تفکّر تا آن جا پیش رفته بود که حاضر بودند به خاطر کشته شدن یک فرد، تمام طایفه قاتل را نابود کنند! بدین ترتیب آیه فوق نازل شد و حکم عادلانه قصاص را بیان کرد. (۱)

قصاص عادلانه

در این آیه و آیات پس از آن، یک سلسله احکام اسلامی بیان می شود که یکی از آنها حفظ و احترام خون هاست که مسئله فوق العاده مهمی در روابط اجتماعی محسوب می شود و از طرف دیگر، خط بطلانی بر آداب و سنن جاهلی است؛

خداوند در این آیه مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است».

«قصاص» از ماده «قصّ» (بر وزن سدّ) به معنای جست وجو و پی گیری از آثار چیزی است و هر امری که پشت سر هم آید عرب آن را «قصه» می گوید و از آن جا که «قصاص» قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می گیرد، این واژه در مورد آن به کار رفته است.

آیه در مقام تعدیلِ زیاده روی هایی است که در عصر جاهلیّت در مورد قتل نفس انجام می گرفت. انتخاب واژه «قصاص» نشان می دهد که اولیای مقتول حق

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱- ۲، ص۴۷۹.

دارنـد نسـبت به قاتل، همان عملی را انجام دهند که او مرتکب شده است. در ادامه، آیه نیز مسـئله مساوات را بیان می کند که در قصاص باید آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، و زن در برابر زن قرار گیرد.

البته مسئله قصاص، هرگز یک حکم الزامی نیست؛ لذا اگر اولیای دم مایل باشند، می توانند قاتل را ببخشند و به جای آن خون بهـا بگیرنـد، یا اصـلاً خون بها هم نگیرنـد؛ بنابراین در ادامه آیه آمـده است که اگر کسـی از سوی برادر دینی خود مورد عفو قرارگیرد (و حکم قصاص با رضایت طرفین تبدیل به خون بها گردد) در این صورت باید از روش پسـندیده ای پیروی کند (و برای پرداخت دیه طرف مقابل را در فشار نگذارد) و او هم در پرداختن دیه کوتاهی نکند.

در پایان برای تأکیـد و توجه دادن به این امر که تجاوز از حـد، از سوی هر کسـی که باشـد مجازات شدیـدی درپی دارد، بیان می کند که این، تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان و کسی که بعد از آن از حدّ خود تجاوز کند، عذاب دردناکی در انتظار اوست. (۱)

پیام های آیه

۱. قانون قصاص، در جامعه اسلامی لازم الإجراست؛ (۲)

۲. در کنار قانون قصاص، عفو نیز مورد توجه قرآن و اسلام می باشد؛

۳. گسـتاخی و تجاوز از حـدّ ممنوع (۳) اسـت (برای پرداخـت دیـه طرف مقابـل را در فشـار نگـذارد و او هم در پرداختن دیه کوتاهی نکند)؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۰۳ و ۶۰۴.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص ۵۷۰.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۵۴.

۴. تجاوز از حدود الهی باعث عذاب خواهد بود.

* * *

۱۷۹. وَ لَكُمْ فِي الْقِصاصِ حَياةٌ يا أُولِي الْأَلْبابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ .

و برای شما در قصاص، حیات و زندگی است؛ ای صاحبان خِرد! شاید شما تقوا پیشه کنید.

قصاص، مایه حیات جامعه

این آیه با یک عبارت کوتاه و بسیار پرمعنا، پاسخ بسیاری از سؤالات در زمینه قصاص را داده است که می فرماید: «قصاص برای جامعه, مایه حیات و زندگی است، باشد که تقوا پیشه کنید».

هم چنین از آیه استفاده می شود که قصاص اسلامی دریچه ای به سوی حیات و زندگی است؛ زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می کردند، جان مردم بی گناه به خطر می افتاد؛ همان گونه که در کشورهایی که حکم قصاص به کلی لغو شده, آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است. از سوی دیگر قصاص به دلیل لزوم تساوی و برابری، مانع از قتل های پی درپی می شود و به سنت های جاهلی - که گاه یک قتل دستاویز چند قتل و آن نیز به نوبه خود مایه قتل های بیشتری می شد - پایان می دهد و این راه نیز مایه حیات جامعه است.

جمله لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ که در آخر آیه آمده نیز هشداری است برای پرهیز از هرگونه تعدی و تجاوز که این حکم حکیمانه را تکمیل می کند. (۱)

ص:۴۸۷

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۰۶.

آیا خون مرد رنگین تر است ؟

ممکن است بعضی بگویند چرا در آیات قصاص دستور داده شده که نباید «مرد» به خاطر قتل«زن» مورد قصاص قرار گیرد؟ مگر خون مرد از خون زن رنگین تر است؟ چرا مرد جنایت کار به خاطر کشتن زن و ریختن خون ناحق از انسان هایی که بیش از نصف جمعیت روی زمین را تشکیل می دهند، قصاص نشود؟! در پاسخ باید گفت: «مفهوم آیه این نیست که مرد نباید در برابر زن قصاص شود، بلکه اولیای زن مقتول می توانند مرد جنایت کار را به قصاص برسانند، به شرط آنکه نصف مبلغ دیه را بپردازند. پرداخت مظبلغ مزبور برای اجرای قصاصِ مرد، نه به خاطر این است که زن از مرتبه انسانیّت دورتر است، بلکه پرداخت نیمی از دیه، به خاطر جبران خسارتی است که از قصاص گرفتن از مرد متوجه خانواده او می شود. چون غالباً مردان مخارج خانواده را متحمل می شوند و با فعالیت های اقتصادی خود چرخ زندگی خانواده را به گردش درمی آورند. بنابراین، تفاوت میان از بین رفتن مرد و زن، از نظر اقتصادی و جنبه های مالی است. (۱)

پیام های آیه

۱. اجرای قانون قصاص باعث حیات جامعه است؛ (۲)

۲. حذف عنصر فاسد از جامعه، اصلی عقلانی، لازم و ضروری است؛ (۳)

۳. باید به فکر امنیت جامعه باشیم؛

۴. إجرای دستورات الهی، موجب رسیدن به تقواست.

* * *

ص:۴۸۸

۱- (۱) . همان، ص ۶۱۱.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج ۱، ص ۵۷۶.

۳- (۳) . تفسیر نور، ج ۱، ص ۳۵۵.

۱۸۰. كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْراً الْوَصِيَّةُ لِلْوالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ .

بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کند! این حقّی است بر پرهیزکاران!».

وصیت های شایسته

در این آیه به قسمتی از احکام وصایا که ارتباط با مسائل مالی دارد، پرداخته شده است: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز خوبی (مالی) از خود به جای گذارده، واجب است به شایستگی برای پدر، مادر و نزدیکان خود وصیت کند و این حقّی بر ذمه پرهیزکاران است».

همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، جمله «کتب علیکم», در ظهور در معنای وجوب دارد؛ ولی این که چرا تعبیر به وجوب نشده است، نظرات مفسران مختلف است:

۱. اگرچه وصیت کردن در قوانین اسلامی کار مستحبی است؛ اما چون مستحبّ بسیار مؤکّد است، از آن با جمله كُتِبَ عَلَيْكُمُ تعبیر شده است؛

۲. آیه، ناظر به موارد ضرورت و نیاز باشد؛ یعنی در جایی که انسان مدیون است یا حقّی به گردن اوست، وصیت کردن لازم است. (۱)

جالب این که در آیه از مال مورد وصیت تعبیر به «خیر» شده است، اشاره لطیفی به مشروع بودن ثروت است؛ زیرا اموال نامشروعی که انسان از خود به یادگار

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۱۴ و۶۱۵.

می گذارد، خیر نبوده، بلکه شر و نکبت هستند. نکته دیگر این که تعبیر به «معروف» در آیه نشان می دهد که جواب وصیت باید از هر جهت عاقلانه باشد. (۱)

پیام های آیه

۱. وصیت برای مؤمن در هنگام فرا رسیدن مرگ، کاری لازم و ضروری است؛ (۲)

۲. در وصیت، پدر، مادر و نزدیکان، از دیگران مقدم تر هستند؛

۳. وصیت باید شایسته و خوب باشد.

* * *

۱۸۱. فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ ما سَمِعَهُ فَإِنَّما إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ .

پس کسانی که پس از شنیدن وصیت آن را تغییر دهند، گناه آن تنها بر کسانی است که آن (وصیّت) را تغییر می دهند؛ به راستی که خداوند، شنوا و داناست.

تغییر وصیت، ممنوع است

«کسی که وصیت را پس از شنیدنش تغییر دهد گناهش بر کسانی است که آن را تغییر می دهند» و اگر گمان کنند که خداوند از توطئه آنها خبر ندارد، سخت در اشتباهند؛ زیرا خداوند شنوا و دانا است.

ممکن است آیه فوق اشاره به این حقیقت نیز داشته باشد که خلاف کاری های «وصی» (کسی که عهده دار انجام وصایاست) هرگز اجر و پاداش وصیت کننده را از بین نمی برد؛ او به اجر خود رسیده و تنها گناه بر گردن «وصی» است که تغییری در کمیّت و کیفیّت یا اصل وصیت داده است.

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۹۹.

۲- (۲) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۷۸.

هم چنین ممکن است منظور این باشد که اگر بر اثر خلاف کاری وصی، اموال میّت به افرادی داده شود که مستحق نیستند (و آنها نیز از این موضوع بی خبر باشند)، گناهی بر آنها نیست؛ بلکه گناه تنها متوجه «وصی» است که آگاهانه چنین عمل خلافی را انجام داده است. بنابراین هرگونه تغییر و تبدیل در وصیت ها به هر صورت و به هر مقدار، گناه است.

پیام های آیه

۱. تغییر وصیت کسی که از دنیا رفته، گناه است؛ (۱)

۲. مالکیت بعد از مرگ نیز محترم است و باید به وصیت میت عمل گردد؛ (۲)

۳. خداوند شنوا و علیم است.

* * *

۱۸۲. فَمَنْ خافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفاً أَوْ إِثْماً فَأَصْلَحَ بَیْنَهُمْ فَلا إِثْمَ عَلَیْهِ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ .

و کسی که از انحرافِ وصیت کننده [و تمایل یک جانبه او به بعض ورثه]، یا از گناه او [که مبادا وصیّت به کار خلافی کند] بترسد، و میان آنها را اصلاح دهد، گناهی بر او نیست [و مشمولِ حکم تبدیلِ وصیّت نمی باشد.] خداوند، آمرزنده و مهربان است.

تغییر وصیت در هنگام اضطرار

از آن جا که هر قانونی استثنایی دارد، آیه می گوید: هرگاه «وصی» بیم انحرافی در وصیت کننده داشته باشد (خواه این انحراف ناآگاهانه باشد یا عمدی و آگاهانه) و آن را اصلاح کند، گناهی بر او نیست (و مشمول قانون تبدیل

۱- (۱) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۸۱؛تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۰۱.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۶۲.

وصیت نمی باشد) و خداوند آمرزنده و مهربان است.

بنابراین، استثناء (تغییر وصیت) تنها مربوط به مواردی است که وصیت به طور شایسته صورت نگرفته و فقط در این مورد است که وصی حق تغییر وصیت را دارد. این استثناء، در فقه شیعه منحصر به موارد زیر است:

۱. هر گاه وصیت به مقداری بیش از ثلث مجموع مال باشد؛

۲. در آن جا که وصیت به ظلم، گناه و کار خلاف شده باشد؛ مثل این که شخص وصیت کننده وصیت کند قسمتی از اموالش را صرف توسعه مراکز فساد کنند؛

۳. اگر وصیت موجب نزاع و فساد و خون ریزی شود.

جمله إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِیمٌ اشاره به این حقیقت است که هر گاه وصی با اقدام مؤثر، کار خلافی را که از وصیت کننده سر زده اصلاح کند و او را به راه حق بازگرداند، خداوند از خطای او نیز صرف نظر خواهد کرد.

پیام های آیه

۱. اگر وصی، خلافی را در وصیت ببیند، می تواند آن را اصلاح کند؛ (۱)

۲. برای رفع اختلاف، وصی می تواند وصیت را تغییر دهد؛

۳. اهمیت اصلاح، از حفظ وصیت لازم تر است. (۲)

چکیده

۱. «قصاص» از ماده «قصّ» (بر وزن سدّ) به معنای جست وجو و پی گیری آثار یک شیء است و هر امری که پشت سر هم آید عرب به آن «قصه» می گوید. از

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۰۳.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۶۳.

آن جایی که «قصاص» قتلی است که پشت سر قتل دیگری صورت می گیرد، این واژه در مورد آن به کار رفته است.

۲. مسئله قصاص هرگز یک حکم الزامی نیست؛ بنابراین اگر اولیای دم مایل باشند, می توانند قاتل را ببخشند و به جای آن خون بها بگیرند یا اصلاً خون بها هم نگیرند؛

۳. حکم قصاص دریچه ای به سوی حیات و زندگی است؛ زیرا اگر حکم قصاص وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می کردند، جان مردم بی گناه به خطر می افتاد.

۴. ممکن است بعضی انتقاد کنند که چرا در آیات قصاص دستور داده شده که نباید «مرد» به خاطر قتل«زن» مورد قصاص قرارگیرد؟ مگر خون مرد از خون زن رنگین تر است؟ چرا مرد جنایت کار به خاطر کشتن زن و ریختن خون ناحق انسان هایی که بیش از نصف جمعیت روی زمین را تشکیل می دهند، قصاص نشود؟!

۵. اولیای زن مقتول می توانند مرد جنایتکار را به قصاص برسانند، به شرط آن که نصف مبلغ دیه را بپردازند.

۶. پرداخت مبلغ مزبور برای اجرای قصاصِ مرد نه به خاطر این است که زن از مرتبه انسانیت دورتر است، بلکه پرداخت نصف دیه تنها برای جبران خسارتی است که از قصاص مرد متوجه خانواده او می شود. چون مردان غالباً در خانواده عضو مؤثر اقتصادی هستند و با فعالیت های اقتصادی خود چرخ زندگی خانواده را به گردش درمی آورند؛ بنابراین تفاوت میان از بین رفتن«مرد» و«زن» از نظر اقتصادی و جنبه های مالی است.

۷. اگرچه وصیت کردن در قوانین اسلامی، کار مستحبی است؛ اما چون مستحبّ بسیار مؤکد است، از آن با جمله کُتِبَ عَلَيْكُمُ تعبیر شده است.

ص:۴۹۳

پرسش ها و تمرین ها

۱. چگونه حکم قصاص باعث حیات جامعه می گردد؟

۲. آیا تفاوت در قصاص «زن» و «مرد» دلیل بر این نیست که خون «مرد» ارزش بیشتری دارد؟ توضیح دهید.

۳. در چه صورتی «وصی» می تواند وصیت را تغییر دهد؟

۴. از آیه ۱۸۲ بقره چه نکاتی را می توان استفاده کرد؟

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. علوم قرآنی، محمدهادی معرفت رحمه الله ؛

۲. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، ترجمه محمود دشتی؛

۳. البیان فی تفسیر القرآن، ابوالقاسم خویی رحمه الله .

ص:۴۹۴

۴۸- روزه, سرچشمه تقوا

اشاره

اهداف آموزشـی) آشنایی با روزه سرچشمه تقوی؛ امتیاز ماه مبارک رمضان؛ شأن نزول آیه صدوهشتادوشش؛ سلاح دعا؛ پیام های آیات ۱۸۳ - ۱۸۶.

کلیدواژه ها) صوم، فدیه، مشقّت، رمضان، قرآن، دعا.

* * *

۱۸۳. یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ .

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شـما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.

روزه، سرچشمه تقوا

خداونـد در این آیه، به بیـان یکی دیگر از احکـام اسـلام که از مهم ترین عبادات محسوب می شود, می پردازد و می فرمایـد: «ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شـما نوشـته شده است، آن گونه که بر امت های گذشـته نوشـته شده بود.» فلسفه این عبـادت انسـان سـاز و تربیت آفرین این است که شـما را به تقـوا رهنمـون سـازد. روزه عامـل مـؤثری برای پرورش روح تقوا و پرهیزکاری در تمام زمینه ها و همه ابعاد است.

ص:۴۹۵

از آن جا که انجام این عبادت با محرومیت از لـذت های مادی همراه است، تعبیرات مختلفی در این آیه و آیه بعـد به کار رفته که روح انسان را برای پذیرش این حکم آماده سازد (در این آیه دو مورد آمده است). (۱)

۱. خطاب آیه با جمله یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آغاز می گردد که خود لطفی از جانب حق است که لذّت خاصـی را به دنبال دارد و مشقّت عبادت را از بین می برد؛ (۲)

۲. روزه اختصاص به شما ندارد، بلکه در امت های پیشین نیز بوده است؛

۳. اثرات این فریضه الهی - که تقوا است - به خود شما برمی گردد؛

بیان این امور، روزه را برای انسان، یک موضوع دوست داشتنی و گوارا می سازد.

پیام های آیه

۱. آگـاهی دادن به این که امت های دیگر نیز این حکم را داشـته انـد، باعث آسان تر شـدن آن می گردد. (وقتی مردم بـدانند دیگران نیز این تکلیف را داشته اند، پذیرش حکم آسان تر می شود)؛

۲. روزه، انسان را به تقوا می رساند؛ (۳)

۳. روزه در ادیان گذشته نیز وجود داشته است. (۴)

* * *

۱۸۴. أَیّاماً مَعْدُوداتٍ فَمَنْ کانَ مِنْکُمْ مَرِیضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّهٌ مِنْ أَیّامٍ أُخَرَ وَ عَلَی الَّذِینَ یُطِیقُونَهُ فِدْیَهٌ طَعامُ مِسْکِینٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَیْراً فَهُوَ خَیْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ .

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۲۳ و۶۲۴.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص ۴۹۰.

۳- (۳) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۰۶.

۴- (۴) . تفسیر راهنما، ج۱، ص۵۸۶.

چنـد روز معدودی را [باید روزه بدارید!] و هر کس از شـما بیمار یا مسافر باشد تعدادی از روزهای دیگر را [روزه بدارد] و بر کسانی که روزه برای آنها طاقت فرساست [همچون بیماران مزمن، و پیرمردان و پیرزنان] لازم است کفّاره بدهنـد, مسـکینی را اطعام کنند و کسی که کارِ خیری انجام دهد، برای او بهتر است و روزه داشتن برای شما بهتر است، اگر بدانید!

واجب نبودن روزه بر بیمار و مسافر

خداوند برای این که از سنگینی روزه کاسته شود، چند دستور دیگر را در این زمینه بیان می فرماید:

۱. چند روز معدودی را باید روزه بدارید و چنان نیست که مجبور باشید تمام سال یا بخش مهمّی از آن را روزه بگیرید؛

۲. کسانی که بیمار یا مسافر باشـند یا روزه گرفتن برای آنها مشقت داشته باشد، از این حکم معاف اند و باید روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرند؛

۳. کسانی که با نهایت زحمت باید روزه بگیرند عَلَی الَّذِینَ یُطِیقُونَهُ ، (۱) مطلقاً لازم نیست روزه بگیرند، بلکه باید به جای آن مسکینی را اطعام کند. (۲)

از آیه می توان دریافت که خداوند برای هر فرد در هر شرایطی که هست، قانون مناسب خودش را قرار داده است. آن چه مهم و ارزشمند است، تسلیم

ص:۴۹۷

۱- (۱) . «یطیقونه» از ریشه «طوق» به معنای حلقه ای است که بر گردن می اندازند و سپس به معنای نهایت توانایی به کار رفته است. مراد از این کلمه در آیه آن است که افرادی که بایـد در روزه، نهـایت توانایی خود را به کار گیرنـد و شدیـداً به زحمت می افتند مانند پیرمردان و پیرزنان و بیماران ناعلاج، از روزه معاف هستند و باید به جای آن فدیه بدهند.
۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۲۴.

بودن در برابر فرمان خداوند است که ممکن است دستور به روزه باشد و یا افطارکردن. (۱)

پیام های آیه

۱. بایـد تسـلیم حکم الهی بود (جایی که فرمان روزه داده است، روزه بگیریم و جایی که فرموده نبایـد روزه بگیریم، حق روزه گرفتن نداریم)؛

۲. باید در جامعه به فکر ناتوانان و گرفتاران نیز باشیم؛

۳. اگر چیزی از ما فوت شد باید درصدد جبران آن باشیم (اگر نمی توانیم ماه رمضان را روزه بگیریم باید در ایام دیگر جبران نماییم).

* * *

۱۸۵. شَهْرُ رَمَضانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدی وَ الْفُرْقانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْکُمُ الشَّهْرَ فَلْیَصُمْهُ وَ مَنْ کانَ مَرِیضاً أَوْ عَلی سَفَرٍ فَعِدَّهٌ مِنْ أَیّامٍ أُخَرَ یُرِیدُ اللّهُ بِکُمُ الْیُسْرَ وَ لا یُرِیدُ بِکُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُکْمِلُوا الْعِدَّهَ وَ لِتُکَبِّرُوا اللّهَ عَلی ما هَداکُمْ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ .

[روزه، در چنـد روز معـدودِ] مـاهِ رمضـان است؛ مـاهی که قرآن، برای راهنمـایی مردم و نشانه های هـدایت و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شـده است. پس آن کس از شـما که در ماه رمضان در حضـر باشـد، روزه بـدارد و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد خداوند، راحتی شـما را می خواهد، نه زحمت شما را! هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر این که شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید!

ص:۴۹۸

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۰۶ و۱۰۷.

روزه و ماه نزول قرآن

آخرین آیه مورد بحث، زمان روزه و قسمتی از احکام و فلسفه های آن را شرح می دهد؛ بدین گونه که، آن چند روز معدودی که باید روزه بدارید ماه رمضان است؛ همان ماهی که قرآن درآن نازل شده، همان قرآنی که مایه هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.

سپس در ادامه، بار دیگر حکم مسافران و بیماران را (به عنوان تأکید) بازگو کرده می فرماید: کسانی که ماه رمضان در وطن باشند باید روزه بگیرند؛ اما آنها که بیمار یا مسافرند روزهای دیگری را به جای آن روزه بگیرند.

تکرار حکم مسافر و بیمار ممکن است از این نظر باشد که بعضی به گمان این که خوردن روزه مطلقاً کار خوبی نیست، به هنگام بیماری و سفر اصرار داشته باشند روزه بگیرند؛ لذا قرآن با تکرار این حکم می خواهد به مسلمانان بفهماند، همان گونه که روزه گرفتن برای افراد سالم یک فریضه الهی است، افطار کردن هم برای بیماران و مسافران، فرمانی الهی است که مخالفت با آن گناه است.

در پایان آیه، خداوند بار دیگر فلسفه تشریع روزه را مطرح می سازد که او راحتی شما را می خواهد و زحمت شما را نمی خواهد. اگرچه وجوب روزه در ظاهر یک نوع سخت گیری و محدودیت است، اما سرانجام راحتی و آسایش انسان را در پی دارد. (۱)

فرمان های الهی مانند فرمان حاکمان ستمگر نیست، بلکه در مواردی که انجام اوامر الهی، دارای مشقت فراوان باشد، در آن تخفیف می دهد؛ لذا حکم روزه - با تمام اهمیتی که دارد - از بیماران، مسافران و افراد ناتوان برداشته شده است؛

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۲۶.

زیرا هدف این است که مکلفین یک ماه در سال را روزه بگیرند؛ ولی اگر ماه رمضان بیمار یا در سفر بودند باید به تعداد این ایام روزه را قضا کنند تا عدد مزبور کامل شود. شاید بدین گونه شکر الهی را - که شما را هدایت کرده است - انجام داده باشید.

ویژگی ماه مبارک رمضان

علّت انتخاب ماه رمضان برای روزه گرفتن این است که این ماه بر سایر ماه ها برتری دارد و دلیل برتری آن چنین بیان شده است:

قرآنی که کتاب هدایت و راهنمای بشر است و «فرقان» نیز می باشد (یعنی با دستورات و قوانین خود روش های صحیح را از ناصحیح جدا می کند و سعادت انسان ها را تضمین نموده است)، در ماه رمضان نازل شده است.

در روایات نیز آمده است: همه کتاب های بزرگ آسمانی «تورات»، «انجیل»، «زبور»، «صحف» و «قرآن» همه در این ماه نازل شده اند. بدین ترتیب، ماه رمضان همواره ماه نزول کتاب های بزرگ آسمانی و ماه تعلیم و تربیت بوده است؛ چرا که تربیت و پرورش بدون تعلیم و آموزش صحیح، ممکن نیست. برنامه تربیتی روزه نیز باید با آگاهی هرچه بیشتر و عمیق تر از تعلیمات آسمانی هماهنگ گردد تا جسم و جان آدمی را از آلودگی گناه شستشو دهد. (۱)

پیام های آیه

۱. ماه رمضان از ویژگی خاصی برخوردار است؛

۲. قرآن کتاب هدایت است؛

ص:۵۰۰

۱- (۱) . همان، ص۶۳۴ و ۶۳۵.

۳. روزه بر مریض و مسافر واجب نیست؛

۴. اسلام دین آسانی است (۱) و نباید بر مردم سخت گیری نمود؛

۵. هدایت به دست خداوند است؛

۶. باید در مقابل تکالیف الهی شاکر باشیم.

* * *

۱۸۶. وَ إِذا سَأَلَکَ عِبادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الدّاعِ إِذا دَعانِ فَلْیَسْتَجِیبُوا لِی وَ لْیُؤْمِنُوا بِی لَعَلَّهُمْ یَرْشُدُونَ .

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، [بگو:] من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند [و به مقصد برسند].

شأن نزول

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید:

کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا خدای ما نزدیک است تا آهسته با او مناجات کنیم یا دور است تا با صدای بلند او را بخوانیم؟»؛ آیه فوق نازل شد و به آنها پاسخ داد که خدا به بندگانش نزدیک است. (۲)

سلاح دعا و نیایش

از آن جا که یکی از وسایل ارتباط بندگان با خدا مسئله دعا و نیایش است، این آیه به تبیین یک برنامه عمومی برای همه کسانی که می خواهند با خدا

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۷۱.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۵۰۰.

مناجات کننـد، می پردازد؛ از این رو قرار گرفتن آن در میـان آیـات مربوط به روزه، مفهوم تازه ای به آن می بخشـد؛ چرا که روح هر عبادتی قرب به خدا و راز و نیاز با اوست.

این آیه روی سـخن را متوجه پیامبر صـلی الله علیه و آله نموده و می گویـد: هنگامی که بنـدگانم از تو درباره من سؤال کنند، بگو من نزدیکم، نزدیک تر از آن چه تصور کنیـد؛ نزدیک تر از شـما به خودتان و نزدیک تر از شـریان گردن هایتان. در آیه دیگری نیز آمده است: وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ . (۱)

در ادامه، آیه می فرمایـد: «من دعای دعاکننـده را هنگامی که مرا می خوانـد اجابت می کنم. بنابراین بایـد بندگان، دعوت مرا بپذیرنـد و به من ایمان آورنـد. شایـد از این طریق، راه خود را پیـدا کننـد و به مقصد برسـند». جالب این که در این آیه کوتاه، خداونـد هفت بار به ذات پاک خود اشاره کرده و هفت بار به بندگان, و از این راه نهایت پیوسـتگی و قرب و ارتباط و محبت خود را نسبت به آنان به تصویر کشیده است! (۲)

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

بایـد توجه داشت که دعا و درخواست نبایـد تنها از زبان انسان صادر شود، بلکه بایـد از تمام وجود او برخیزد و لازم است که زبان، نماینـده و ترجمان تمام ذرات وجود انسان و جوارح او باشـد. قلب و روح انسان از طریق دعا پیونـد نزدیک تری با خـدا پیـدا نموده و با اتصال به آن مبـدأ بزرگ، قـدرت می یابـد. دعا، نوعی خودآگاهی و بیـداری دل واندیشه و نیز پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی ها و خوبی هاست.

۱- (۱) . ق، آیه ۱۶.

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص۶۳۸.

پیام های آیه

۱. بندگان باید از خدا درخواست و دعا کنند؛ (۱)

۲. در دعا باید اخلاص داشت و تنها از خدا درخواست کرد؛ (۲)

۳. دعاکننده مورد لطف پروردگار قرار می گیرد (هفت مرتبه با ضمیر متکلم وحده آمده است)؛

۴. در صورتی دعا به اجابت می رسد که با ایمان همراه باشد؛ (۳)

۵. خداوند به ما نزدیک است.

چکیده

۱. روزه بر مسلمانان واجب شده، همان گونه که بر امت های گذشته واجب شده بود. فلسفه این عبادت انسان ساز و تربیت آفرین آن است که انسان را به تقوا رهنمون سازد. هم چنین روزه عامل مؤثری برای پرورش روح تقوا و پرهیزکاری در تمام زمینه ها است.

۲. ماه رمضان همان ماهی است که قرآن در آن نازل شده است؛ کتابی که مایه هدایت مردم و دارای نشانه های هدایت و معیارهای سنجش حق و باطل است.

۳. بعضی به این گمان که خوردن روزه مطلقاً کار خوبی نیست، ممکن است به هنگام بیماری و سفر، اصرار به روزه گرفتن داشته باشند؛ لذا قرآن با تکرار این حکم می خواهد به مسلمانان بفهماند، همان گونه که روزه گرفتن برای افراد سالم یک فریضه الهی است، افطار کردن هم برای بیماران و مسافران یک

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۱۴.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۷۵.

۳- (۳) . همان، ص۳۷۷.

فرمان الهی بوده و مخالفت با آن گناه است.

۴. انتخاب ماه رمضان برای روزه گرفتن به جهت برتری این ماه بر سایر ماه ها است که در آیه نیز دلایل این برتری بیان شده است.

۵. باید توجه داشت که دعا و درخواست نباید تنها محدود به زبان باشد، بلکه باید از تمام وجود انسان برخیزد و زبان, نماینده و ترجمان تمام ذرات وجود انسان و اعضا و جوارح او باشد.

۶. قلب و روح انسان از طریق دعا، پیوند نزدیکی با خدا یافته و با اتصال با آن مبدأ بزرگ، قدرت می یابد. دعا، نوعی خود آگاهی و بیداری دل و اندیشه و نیز پیوند باطنی با مبدأ همه نیکی ها و خوبی ها است.

ص:۵۰۴

پرسش ها و تمرین ها

۱. فلسفه تکرار حکم روزه مسافر و مریض در آیه ۱۸۴ و ۱۸۵ سوره بقره چیست؟ توضیح دهید.

۲. امتیازات ماه مبارك رمضان برای روزه گرفتن چیست؟ بیان نمایید.

۳. نکات و پیام هایی که از آیه ۱۸۶ سوره بقره استفاده می شود را بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. الدعاء فی القرآن، محمود بن الشریف؛

۲. قرآن در قرآن، محمد تقی مصباح یزدی؛

۳. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی؛

۴. انسان و قرآن، حسن حسن زاده آملی؛

۵. منهج الصادقین، ملا فتح الله کاشانی.

ص:۵۰۵

۴۹- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه ۱۸۷؛ توسعه در حکم روزه؛ خطوط اصلی اقتصاد اسلامی.

کلیدواژه ها) لباس، اعتکاف، باطل، حکّام، مالکیّت.

زن و مرد، لباس یکدیگرند

۱۸۷. أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيامِ الرَّفَثُ إِلى نِسائِكُمْ هُنَّ لِباسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِباسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتابَ عَلَيْكُمْ وَ عَفا عَنْكُمْ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَ ابْتَغُوا ما كَتَبَ اللّهُ لَكُمْ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا حَتّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيامَ إِلَى اللَّيْلِ وَ لا تُباشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عاكِفُونَ فِی الْمَساجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللّهِ فَلا تَقْرَبُوها كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللّهُ آياتِهِ لِلنّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ .

آمیزش جنسی با همسرانتان، در شبِ روزهایی که روزه می گیرید، حلال است. آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها [هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید]. خداوند می دانست که شما به خود خیانت می کردید [و این کارِ ممنوع را انجام می دادید] پس توبه شما را پذیرفت و شما را بخشید. اکنون با آنها آمیزش کنید و آن چه را خدا برای شما مقرر داشته، طلب نمایید؛ و بخورید و بیاشامید تا رشته

ص:۵۰۶

سپید صبح، از رشته سیاه [شب] برای شما آشکار گردد؛ سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید؛ و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته اید، با زنان آمیزش نکنید؛ این، مرزهای الهی است؛ پس به آن نزدیک نشوید؛ خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم روشن می سازد، باشد که پرهیزکار گردند!

شأن نزول

مسلمانان در آغاز نزولِ حکم روزه، تنها حق داشتند پیش از خوابِ شبانه، غذا بخورند و اگر کسی در شب به خواب می رفت, بعد از بیداری، خوردن و آشامیدن بر او حرام بود. هم چنین در آن زمان، آمیزش با همسران در روز و شب ماه رمضان، مطلقاً تحریم شده بود.

یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به نام «مطعم بن جبیر» که مرد ضعیفی بود و با همان حال روزه می گرفت، هنگام افطار وارد خانه شد. همسرش رفت برای افطار او غذا حاضر کند، امّا به سبب خستگی بسیار، خواب او را فرا گرفت؛ هنگامی که بیدار شد گفت: من دیگر حق افطار ندارم و با همان حال، شب را خوابید و صبح در حالی که روزه دار بود برای حفر خندق - که در آستانه جنگ احزاب بود - در اطراف مدینه حاضر شد؛ ولی به دلیل ضعف و گرسنگی مفرط، بیهوش شد و زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله بالای سرش آمد، از مشاهده حال او متأثر شد. هم چنین جمعی از جوانان مسلمان که قدرت کنترل خویش را نداشتند، شب های ماه رمضان با همسران خود آمیزش می نمودند.

ازاین رو آیه نازل شد و به مسلمانان اجازه داد که در تمام طول شب می توانند غذا بخورند و با همسران خود آمیزش جنسی داشته باشند. (۱)

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۵۰۳؛ اسباب النزول، ص۲۸ و۲۹.

توسعه ای در حکم روزه

همان گونه که گفتیم، در آغاز اسلام، آمیزش با همسران در شب و روز ماه رمضان و نیز خوردن و آشامیدن پس از خواب، بر مسلمانان مطلقاً ممنوع بود. شاید این ممنوعیت, نوعی آزمایش برای مسلمانان و آماده ساختن آنها نسبت به پذیرش احکام روزه بوده است. آیه مورد بحث شامل چهار حکم اسلامی در زمینه روزه و اعتکاف است:

۱. «در شب های ماه رمضان آمیزش جنسی با همسرانتان برای شما حلال شده است؛ زیرا زنان لباس شما هستند و شما لباس آنها می باشید». لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می کند، از سویی عیوب او را می پوشانند و از سوی دیگر زینتی برای تن آدمی است؛ چنان که دو همسر نیز یکدیگر را از انحرافات حفظ می کنند، عیوب هم را می پوشانند، وسیله راحت و آرامش یکدیگرند و هر یک، زینت دیگری محسوب می شود. (۱)

این تعبیر، بیانگر نهایت ارتباط معنوی «مرد» و «زن» و نزدیکی آنها را به یکدیگر و نیز مساوات آنان در این زمینه می باشد؛ زیرا همان تعبیری که درباره مردان آمد، بدون هیچ تغییری درباره زنان هم آمده است.

قرآن، علت این تغییر قانون الهی را بیان کرده و می گوید: «خداوند می دانست که شما به خویشتن خیانت می کردید (و بعضی تان این عمل ممنوع را انجام می دادید) خدا شما را بخشید و برای این که آلوده به گناه بیشتر نشوید، این کار را بر شما حلال فرمود. اکنون می توانید با آنها آمیزش کنید و آن چه را خداوند بر شما مقرر داشته، طلب نمایید»؛ روشن است که این امر (امر به آمیزش) به معنای

ص:۵۰۸

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۵.

وجوب نیست؛ بلکه اجازه ای است پس از ممنوعیت، که در اصطلاح اصولیون «امر عقیب حظر» نامیده می شود و دلیل بر جواز است.

۲. «بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه شب برای شما آشکار گردد» لذا مسلمانان حق داشتند در تمام طول شب، از خوردنی ها و نوشیدنی ها استفاده کنند؛ اما به هنگام طلوع سپیده صبح، امساک نمایند.

۳. «روزه را تا شب ادامه دهید» این جمله در حقیقت تأکیدی بر ممنوع بودن خوردن، نوشیدن و آمیزش جنسی در روزها برای روزه داران و نیز نشان دهنده آغاز و انجام روزه است که از طلوع فجر (۱) شروع شده و به شب ختم می شود.

۴. «هنگامی که در مساجد مشغول اعتکاف هستید با زنان آمیزش نکنید» بیان این حکم، استثنایی برای حکم گذشته است؛ زیرا هنگام اعتکاف - که حداقل مدت آن سه روز است - باید روزه بگیرند، اما در این مدت، حق آمیزش جنسی با زنان را ندارند.

خداوند در پایان می فرماید: اینها مرزهای الهی است، به آن نزدیک نشوید؛ زیرا نزدیک شدن به مرز، وسوسه انگیز است و گاهی سبب می شود که انسان از مرز بگذرد و در گناه بیفتد. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم روشن می سازد، شاید پرهیزکاری پیشه کنند.

پیام های آیه

۱. در هنگام سخن گفتن باید جانب ادب را رعایت نمود (خداوند با کنایه، از آمیزش جنسی سخن می گوید)؛

ص:۵۰۹

۱- (۱) . «فجر» در اصل به معنای شکافتن است و این که از طلوع صبح تعبیر به فجر شده، به خاطر آن است که پرده سیاه شب با ظهور اولین سپیده صبح، از هم شکافته می شود.

۲. گناه، خیانت به نفس است؛ (۱)

۳. از نظر قرآن، زن و مرد مساوی و لباس یکدیگر هستند؛

۴. قرآن، لذت های مشروع را قبول دارد؛

۵. هر عبادتی برای خود زمانی دارد و باید زمان را رعایت کرد؛

۶. حرمت مکان های مقدس باید رعایت شود؛

۷. نباید نزدیک مرزهای الهی گردید, چون ممکن است آلوده به گناه شویم؛ لذا این نکته را خداوند به حضرت آدم و حوّا نیز امر فرمود؛

۸. دستورات و احکام الهی، زمینه ای برای رسیدن به تقوا است.

* * *

۱۸۸. وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ وَ تُدْلُوا بِها إِلَى الْحُكّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقاً مِنْ أَمْوالِ النّاسِ بِالْإِثْمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ .

و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید! و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قسمتی از] آن را [به عنوان رشوه] به قضات ندهید؛ در حالی که می دانید [این کار، گناه است]!

خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

این آیه به یک اصل کلی و مهم اسلامی اشاره دارد که در تمام مسایل اقتصادی حاکم بوده و تمام ابواب فقه اسلامی را در بخش اقتصاد، زیر پوشش خود قرار می دهد؛ از این رو فقهای بزرگ دین، در بخش های زیادی از فقه اسلامی به این آیه تمسک می جویند.

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۸۱.

خداونـد می فرماید: «اموال یکدیگر را در میان خود به باطل و ناحق نخورید». در این که منظور از «أکل مال به باطل» چیست، تفسیرهای مختلفی ذکر شده است:

۱. بعضی آن را به معنای اموالی که از روی غصب و ظلم به دست می آید، دانسته اند؛

۲. بعضی آن را اشاره به اموالی می دانند که از طریق قمار و مانند آن فراهم می گردد؛

۳. بعضی نیز آن را اشاره به اموالی می دانند که از طریق سوگند دروغ و انواع پرونده سازی های دروغین به دست می آید.

ولی ظاهر این است که مفهوم آیه عمومیت دارد و همه این مسائل و غیر اینها را شامل می شود؛ زیرا معنای «باطل» همه موارد فوق را دربرمی گیرد. بنابراین هرگونه تصرّف در اموال دیگران از طریق ناحق و هم چنین تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نکرده و پایه و اساس عقلایی ندارند، مشمول این آیه هستند.

برخی از مفسران گفته انـد: قرار گرفتن این آیه بعـد از آیـات روزه، نشـانه نوعی هم بسـتگی میـان این دو است. در آن جـا از خوردن و آشامیـدن به خـاطر انجام یک عبادت الهی نهی می شود و در این جا از خوردن اموال مردم به ناحق، که این هم نوع دیگری از روزه و ریاضت نفوس است. اما در واقع هر دو شاخه هایی از تقوا محسوب می شوند؛ همان تقوایی که هدف نهایی روزه معرفی شده است.

سپس خداونـد، اشـاره به یک نمونه روشن از «اکل مال به باطل» می کنـد؛ آن جا که بعضـی از مردم، این مال را حق خود می شمرند، به گمان این که به حکم قاضـی، آن را به چنگ آورده اند. خداوند می فرماید: «برای خوردن قسمتی از اموال مردم به گناه، بخشی از آن را به قضات ندهید، در حالی که می دانید این کار درست نیست».

در تفسیر این جمله دو احتمال وجود دارد:

نخست: منظور آن است که بخشی از مال را به صورت هدیه یا رشوه – که

هر دو در این جا یکی است – به قضات دهند تا بقیه را تملک کنند؛

دوم: مسائل مالی را برای سوء استفاده به نزد حکّام نبرید؛ مثل این که امانتی یا اموال یتیمی، بدون شاهد نزد انسان باشد و هنگامی که صاحب مال آن را مطالبه می کند، او را به نزد قاضی ببرند و چون دلیل و شاهدی ندارد، اموالش را به حکم قاضی تملک کند؛ این کار, اکل مال به باطل و گناه است. البته مانعی ندارد که آیه مفهوم گسترده ای داشته باشد و هر دو احتمال را شامل گردد. این درحالی است که اسلام حتی برای این که قاضی گرفتار رشوه های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می دهد قاضی شخصاً به بازار نرود، تا مبادا تخفیف قیمت ها در قاضی اثر بگذارد و به نفع کسی که به او تخفیف داده است حکم نماید.

پیام های آیه

۱. در اسلام رشوه خواری حرام و ممنوع است؛ (۱)

۲. مالکیت باید از راه صحیح باشد؛ (۲)

۳. احکام اسلامی مطابق با فطرت و وجدان انسان است.

چکیده

۱. در آغاز نزول حکم روزه، مسلمانان تنها حق داشتند پیش از خوابِ شبانه، غذا بخورند و اگر کسی شب به خواب می رفت و سپس بیدار می شد، خوردن و آشامیدن بر او حرام بود. در آن زمان، آمیزش با همسران در روز و شب ماه رمضان نیز تحریم شده بود.

ص:۵۱۲

۱- (۱) . تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۲۱.

۲- (۲) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۸۵.

۲. تعبیر «لبـاس»، بیانگر نهایت ارتباط معنوی «مرد» و «زن» و نزدیکی آنها را به یکـدیگر و نیز مساوات آنها در این زمینه است؛ زیرا همان تعبیری که درباره مردان آمده بدون هیچ تغییری درباره زنان نیز آمده است.

۳. مفسران برای جمله «أکل مال به باطل»، تفسیرهای مختلفی بیان کرده اند: بعضی آن را به معنای اموالی می دانند که از روی غصب و ظلم به دست می آید، و بعضی دیگر، آن را اشاره به اموالی که از طریق قمار و مانند آن فراهم می گردد، دانسته اند؛ بعضـی نیز آن را اشـاره به امـوالی می داننـد که از طریـق سوگنـد دروغ به دست می آیـد؛ ولی ظـاهر این است که مفهـوم آیه عمومیت داشته و همه این مسائل و غیر اینها را شامل می شود.

۴. همـان گونه که از خوردن و آشامیـدن به خـاطر انجـام یک عبادت الهی نهی می شود، از خوردن اموال مردم به ناحق – که نوع دیگری از روزه و ریاضت نفوس است – نیز نهی شـده است. در واقع، هر دو شاخه هایی از تقوا محسوب می شوند؛ همان تقوایی که هدف نهایی روزه معرفی شده است.

۵. اسـلام، حتی برای این که قاضـی گرفتار رشوه های مخفی و ناپیدا نشود، دستور می دهد قاضی شخصاً به بازار نرود تا مبادا تخفیف قیمت هـا به طور ناخودآگاه بر او اثر گذاشـته و در قضاوت، به نفع تخفیف دهنـده حکم صادر کنـد. چه زیبا بود اگر مسلمانان از کتاب آسمانی خود الهام می گرفتند و همه چیز خود را در پای رشوه خواری قربانی نمی کردند.

پرسش ها و تمرین ها

۱. چرا در آیه ۱۸۷ سوره بقره، از «زن» و «مرد» تعبیر به «لباس» نموده است؟

۲. منظور از «أکل مال به باطل» در آیه ۱۸۸ چیست؟ توضیح دهید.

۳. از آیه ۱۸۸ سوره بقره، چه نکاتی را می توان برداشت نمود؟

۴. ارتباط آیه ۱۸۸ با آیه قبل را بر اساس آن چه در «تفسیر نمونه» آمده است، شرح دهید.

معرفی منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی رحمه الله ؛

۲. عدالت و رشوه از دیدگاه اسلام، محمد حقّی، تنظیم محمد رادمنش؛

۳. معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، محمد کاظم رجایی؛

۴. نظری به نظام اقتصادی اسلام، شهید مرتضی مطهری؛

۵. بهداشت تغذیه در اسلام (فلسفه روزه)، بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاک نژاد.

۵۰– تقویم طبیعی خداوند

اشاره

اهداف آموزشی) آشنایی با شأن نزول آیه ۱۸۹؛ تقویم طبیعی الهی؛ شأن نزول آیه ۱۹۰؛ فرمان جنگ با ستمکاران.

کلیدواژه ها) اهلّه، سؤال، حج، عمره، حدیبیه، سبیل الله.

* * *

۱۸۹. یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْأَهِلَّهِ قُلْ هِیَ مَواقِیتُ لِلنّاسِ وَ الْحَجِّ وَ لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ .

درباره «هلال های ماه» از تو سؤال می کنند و بگو: «آنها، بیان اوقات [و تقویم طبیعی] برای [نظامِ زندگی] مردم و [تعیینِ وقتِ] حج است». و [آن چنان که در جاهلیّت مرسوم بود که به هنگام حج، - که جامه احرام می پوشیدند - از درِ خانه وارد نمی شدند و از نقبِ پشتِ خانه وارد می شدند، نکنید!] کارِ نیک، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که پرهیزکار باشید و از درِ خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید تا رستگار گردید!

شأن نزول

در حدیثی آمده است: معاذ بن جبل، خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت:

ص:۵۱۵

«یهودیان از ما بسیار سؤال می کنند که این هلال ماه برای چیست و چه فایده ای دارد؟ (چرا ماه تدریجا به صورت بدر کامل در می آید و باز به حالت اول بر می گردد؟)»؛ دراین جا خداوند آیه فوق را نازل فرمود و به آنان پاسخ گفت. (۱)

تقویم طبیعی خداوند

در پانزده مورد از آیات قرآن، جمله «یسئلونک» آمده است که نشان می دهد مردم بارها سؤالات مختلفی را در مسائل گوناگون از پیامبر صلی الله علیه و آله می پرسیدند و پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها از این پرسش ها ناراحت نمی شد، بلکه با آغوش باز از آن استقبال می کرد؛ چراکه سؤال کردن یکی از حقوق مردم در برابر رهبران است. حتی این حق را به دشمنان نیز باید داد تا سؤالات خود را به طور معقول مطرح کنند؛ سؤال کلید حل مشکلات و دریچه ای به سوی علوم، و نیز وسیله انتقال دانش هاست. اصولاً طرح سؤالات مختلف در هر جامعه، نشانه جنب و جوش افکار و بیداری اندیشه هاست و وجود این همه سؤال در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه تحرک افکار مردم آن محیط در پرتو قرآن و اسلام است.

همان گونه که در شأن نزول آمده است: گروهی در مورد هلال ماه از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرسش هایی داشتند و از علت و نتایجی که این موضوع در بر دارد جویا می شدند که قرآن سؤال آنها را به این صورت منعکس کرده است: «درباره هلال های ماه از تو سؤال می کنند».

خداوند می فرماید: هلال های ماه برای بیان اوقات (طبیعی) و مراسم حج است که مردم هم در زندگی روزانه، و هم در عبادت هایی که وقت معینی در

ص:۵۱۶

۱- (۱) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۵۰۸؛ اسباب النزول، ص۳۰.

سال دارد (ماننـد حج) از آن اسـتفاده می کنند. در حقیقت، «ماه» یک تقویم طبیعی برای افراد بشـر است که همگان (باسواد و بی سـواد)، در هر نقطه ای از جهـان می تواننـد از آن اسـتفاده کننـد. نه تنهـا آغـاز، وسـط و آخر مـاه را می توان به وسـیله آن شناخت، بلکه با دقّت، شب های ماه را نیز می توان تشـخیص داد. بـدیهی است نظام زنـدگی اجتماعی بشـر، بدون تقویم - که یک وسـیله دقیق و عمومی برای تعیین تاریخ است - امکان پذیر نیست؛ به همین دلیل خداوند بزرگ، این تقویم جهانی را در اختیار بشریت قرار داده است.

با توجه به مطالب ذکر شده، امتیاز ماه های قمری بر شمسـی روشن می شود؛ زیرا گرچه هر دو از حرکت سـیاره ها ناشی شده انـد، ولی مـاه هـای قمری برای همه قابل مشاهـده انـد، در حالی که ماه های شمسـی را فقط منجمان با وسایلی مخصوص، می توانند تشخیص دهند. برای مثال این منجمان می توانند بگویند در این ماه، خورشید در مقابل کدام یک از صورت های فلکی و کدام برج آسمانی قرار گرفته است.

در ادامه، آیه - به تناسب بحث حـج و تعیین موسم به وسـیله هلال ماه که در آغاز آیه آمده است - به یکی از عادات و رسوم خرافی جاهلیت در مورد حـج اشاره نموده و مردم را از آن نهی می کند: «کار نیک آن نیست که از پشت خانه ها وارد شوید، بلکه نیکی آن است که تقوا پیشه کنید و از در خانه ها وارد شوید و از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید».

در زمـان جـاهلیت، هنگـامی که مردم لباس احرام به تن می کردنـد، از راه معمولی و درِ خانه، به خانه خود وارد نمی شدنـد و معتقد بودند این کار برای مُحرِم، ممنوع است؛ به همین دلیل در پشت خانه نقبی می زدند و هنگام احرام

فقط از آن وارد می شدند؛ آنها معتقد بودند که این عمل، کاری نیک است؛ چون ترک عادت است و احرام که مجموعه ای از ترک عادات است، باید با این ترک عادت تکمیل شود.

پیام های آیه

۱. نظام آفرینش بسیار دقیق است و خداوند آن را برای تعیین زمان خلق کرده است؛

۲. بعضی از عبادات باید در زمان مشخص و معین انجام پذیرد؛ (۱)

۳. اگر می خواهید رستگار شوید راه صحیح را انتخاب و در زندگی از خرافات پرهیز کنید؛

۴. رعایت دستورات الهی باعث فلاح و رستگاری انسان می شود.

* * *

۱۹۰. وَ قاتِلُوا فِی سَبِیلِ اللّهِ الَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ وَ لا تَعْتَدُوا إِنَّ اللّهَ لا یُحِبُّ الْمُعْتَدِینَ .

و در راه خدا، با کسانی که با شما می جنگند، نبرد کنید و از حدّ تجاوز نکنید که خدا تعدّی کنندگان را دوست نمی دارد!

شأن نزول

بعضی از مفسران، دو شأن نزول برای آیه نقل کرده اند:

۱. این آیه اولین آیه ای بود که درباره جنگ با دشمنان اسلام نازل شد و پس از نزول آن، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنها که از درِ پیکار در آمدند، پیکار کرد و نسبت به آنان که قصد پیکار نداشتند، از جنگ خودداری می نمود. این ادامه داشت تا دستور

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۸۸.

فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ که اجازه پیکار با همه مشرکان را می داد، نازل گشت. (۱)

۲. از ابن عباس نقل شده که این آیه در مورد «صلح حدیبیه» نازل گردید. جریان چنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله با ۱۴۰۰ نفر از یاران خود، آماده عمره شدند، هنگامی که به سرزمین حدیبیه (محلی در نزدیکی مکه) رسیدند، مشرکان از ورود آنها به مکه و انجام مناسک عمره، ممانعت کردند، اما پس از گفت وگوی زیاد با پیامبر صلی الله علیه و آله مصالحه کردند که سال بعد برای انجام عمره به مکه بیایند و آنان مکه را سه روز برای طواف خانه خدا توسط پیامبر و مسلمانان خالی خواهند کرد.

سال بعد هنگامی که مسلمانان آماده رفتن به مکه شدند، از این بیمناک بودند که مشرکان به وعده خود وفا نکرده و مانع شوند و جنگی به وقوع پیوندد؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله از مقاتله در ماه حرام ناراحت بود؛ از این رو آیه فوق نازل شد و دستور داد که اگر دشمن نبرد را شروع کند، شما هم در برابر او به مبارزه برخیزید. (۲)

فرمان جنگ با ستمکاران

در آیه فوق، دستور مقاتله و مبارزه با کسانی که شمشیر به روی مسلمانان می کشند، صادر شده و به آنان اجازه داده شده که برای خاموش ساختن دشمنان اسلام، دست به اسلحه ببرند و با قدرتی که پیدا کرده اند از خود و حقوق خویش دفاع نموده و با کسانی که با مسلمانان می جنگند، در راه خدا پیکار کنند.

۱- (۱) . مفاتیح الغیب، ج۵، ص۱۲۷.

۲- (۲) . مجمع البیان، ج۱ - ۲، ص۲۸۴. ولی به نظر می رسد که شأن نزول اول مناسب آیه اول، و شأن نزول دوم مناسب آیات بعد است؛ ولی به هر حال مفهوم آیات دلالت دارد که همه با هم یا با فاصله کمی نازل شده اند.

تعبیر فِی سَبِیلِ اللّهِ ، هدف اصلی جنگ های اسلامی را روشن می سازد؛ زیرا جنگ در منطق اسلام، هرگز به خاطر انتقام جویی، جاه طلبی، کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم و اشغال سرزمین های دیگران نیست. اسلام همه اینها را محکوم می کند و می گوید: سلاح به دست گرفتن و به جهاد پرداختن فقط باید در راه خدا و برای گسترش قوانین الهی، بسط توحید و عدالت، دفاع از حق و ریشه کن ساختن ظلم و فساد و تباهی باشد.

جمله اَلَّذِینَ یُقاتِلُونَکُمْ تصریح می کند که این دستور، مخصوص مقابله با کسانی است که دست به اسلحه می برند، و تا دشمن به مقاتله و مبارزه برنخیزد، مسلمانان نباید حمله کنند. این اصل - جز در بعضی موارد استثنایی که خواهد آمد - همه جا محترم شمرده شده است.

در ادامه آیه، خداوند توصیه به رعایت عدالت، حتی در میدان جنگ و در برابر دشمنان کرده و می فرماید: «از حدّ، تجاوز نکنید؛ چرا که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد».

آری، هنگامی که جنگ برای خدا و در راه خدا باشد، هیچ گونه تعدی وتجاوز، نباید در آن صورت گیرد. به همین دلیل است که در جنگ های اسلامی - بر خلاف جنگ های عصر ما - توصیه فراوانی به رعایت اصول اخلاقی شده است.

پیام های آیه

۱. دفاع و مقابله به مثل، از حقوق انسانی بوده و در زندگی لازم است؛ (۱)

۱- (۱) . تفسیر نور، ج۱، ص۳۸۹؛تفسیر قرآن مهر، ج۲، ص۱۲۶.

۲. هدف از جنگ در اسلام، تجاوز به دیگران نیست، بلکه برای از بین بردن افراد فاسد است؛

۳. در جنگ با دشمن هم باید عدالت رعایت گردد.

چکیده

۱. معاذ بن جبل خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و گفت: « از ما بسیار سؤال می کنند که این هلال ماه چیست؟ و چه فایده دارد؟»؛ خداوند، فواید مادی و معنوی آن را در نظام زندگی انسان ها بیان کرد، که هلال های ماه برای بیان اوقات (طبیعی) و مراسم حج است که مردم هم در زندگی روزانه و هم در عبادت هایی که وقت معینی دارد از آن استفاده می کنند.

۲. یکی از امتیازات قوانین اسلام این است که دستورات آن مطابق مقیاس های طبیعی است؛ زیرا مقیاس های طبیعی، وسیله ای است که در اختیار همگان قرار دارد و گذشت زمان اثری برآن نمی گذارد؛ اما به عکس، مقیاس های غیر طبیعی در اختیار همه نیست؛ به طوری که حتی در عصر ما، هنوز همه مردم نتوانسته اند از مقیاس های جهانی استفاده کنند.

۳. امتیاز ماه های قمری بر شمسی این است که برای همه قابل مشاهده اند، در حالی که ماه های شمسی را فقط منجمان با وسایلی مخصوص که در اختیار دارند، تشخیص می دهند. برای مثال منجمان می توانند بگویند در این ماه، خورشید در مقابل کدام یک از صورت های فلکی و کدام برج آسمانی قرار گرفته است.

۴. در زمان جاهلیت، هنگامی که مردم لباس احرام به تن می کردند، از راه معمولی و در خانه، به خانه خود وارد نمی شدند و معتقد بودند این کار برای مُحرِم، ممنوع است؛ به همین دلیل در پشت خانه نقبی می زدند و هنگام احرام

فقط از آن وارد می شدند. آنها معتقد بودند که این عمل، کاری نیک است؛ چون ترک عادت است و احرام که مجموعه ای از ترک عادات است باید با این ترک عادت تکمیل شود.

۵. تعبیر به فِی سَبِیلِ اللّهِ ، هدف اصلی جنگ های اسلامی را روشن می سازد که برای انتقام جویی، کشورگشایی یا به دست آوردن غنائم نیست، بلکه برای گسترش قوانین الهی و بسط توحید و عدالت و دفاع از حق و نیز ریشه کن ساختن ظلم و فساد و تباهی می باشد.

ص:۵۲۲

پرسش ها و تمرین ها

۱. از آیه ۱۸۹ سوره بقره، چه پیام هایی استفاده می شود؟

۲. منظور از فِی سَبِیلِ اللّهِ در جنگ های اسلامی چیست؟ به اختصار شرح دهید.

۳. شأن نزول آیه ۱۹۰ سوره بقره را بنویسید.

منابع بیشتر جهت مطالعه و تحقیق

۱. تفسیر آیات حج، محمد فاکر میبدی؛

۲. حج در قرآن و روایات, محمدی ری شهری؛

۳. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، جعفر سبحانی؛

۴. حج و عمره در قرآن و حدیث، محمدی ری شهری، ترجمه جواد محدثی.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه آیت الله العظمی مکارم شیرازی (دامت برکاته).

۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی أمیرالمؤمنین، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.

۳. ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، موسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارإحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸م.

۵. ابن هشام، السیره، دارإحیاء التراث العربی، بیروت.

۶. احمد بن فارس، معجم مقائیس اللّغه، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ق/ ۲۰۰۱م.

۷. الأزرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله، أخبار مکّه و ما جاء فیها من الآثار، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، ۱۳۶۸ش.

۸. الآلوسی، روح المعانی، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

۹. التبیان فی تفسیر القرآن، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

۱۰. الحویزی، علی بن جمعه، نورالثقلین، موسسه اسماعلیان، قم، ۱۳۷۳ش/ ۱۴۱۵ق.

۱۱. الطوسی، أبی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، دارالأضواء، بیروت، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م.

ص:۵۲۵

۱۲. المتقی الهندی، علاءالدین، کنز العمّال، موسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق/ ۱۹۸۹م.

۱۳. المولوی، محمد علی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، دارصادر، بیروت.

۱۴. الواحدی النیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، اسباب النزول، المکتبه المصریه، بیروت، ۱۴۲۵ق.

۱۵. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۹م.

۱۶. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، انتشارات هجرت، قم، ۱۳۷۶ش.

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، مرکز نشر إسراء، قم، ۱۳۸۰ش.

۱۸. درالمنثور، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۰م.

۱۹. رازی، تفسیر ابوالفتوح رازی، کتاب فروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ق.

۲۰. رازی، فخرالدین، اعتقادات فِرَق المسلمین والمشرکین، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.

۲۱. رازی، فخرالدین، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر فخر رازی)، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۵ق/ ۱۹۸۵م.

۲۲. راغب اصفهانی، مفردات، دارإحیاء التراث العربی، چ اول، بیروت، ۱۴۲۳ق/ ۲۰۰۲م.

۲۳. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (معروف به تفسیرالمنار)، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.

۲۴. رضایی، محمد علی و همکاران، تفسیر قرآن مهر، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.

۲۵. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، موسسه امام صادق، چ اول، قم.

۲۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، دارالشروق، قاهره، ۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م.

۲۷. سیوطی، جلال الدین، لباب النقول فی اسباب النزول، المکتبه القیّمه، قاهره.

۲۸. ش شحاته، اهداف و مقاصد سوره ها، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ترجمه: سید محمدباقر حجتی، تهران.

۲۹. شهرستانی، الملل و النحل، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.

۳۰. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات بیدار، قم، ۱۳۶۶ش.

۳۱. صدوق، أبی جعفر محمد بن علی، الخصال، منشورات جامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۲ق/ ۱۳۶۲ش.

۳۲. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، چ اول، ۱۳۴۵ش.

۳۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ق.

۳۴. طبرسی، أبی فضل بن الحسن، مجمع البیان، دارالمعرفه، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.

۳۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، کتب العلمیه والإسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ش.

۳۶. فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر، مکتبه اللبنان، ۱۹۸۷م.

۳۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ش.

۳۸. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۳۹. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، دارالأسوه للطباعه والنشر، تهران، ۱۴۱۴ق.

۴۰. قمّی، علی ابن ابراهیم، تفسیر قمّی، دارالسّرور، بیروت، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۱م.

۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات أسوه، تهران، ۱۳۷۹ش.

۴۲. کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۳۹۵ق.

۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

۴۴. مطهّری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۲ش.

۴۵. معانی الأخبار، جامعه المدرسین، قم، ۱۳۷۹ق/ ۱۳۳۸ش.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام قرآن، مدرسه الإمام أمیرالمؤمنین علیه السلام ، ۱۳۷۷ش.

۴۷. مکارم شیرازی، ناصر، امثال القرآن، مدرسه الإمام علی بن أبیطالب علیه السلام ، قم، ۱۴۲۴ق.

۴۸. مکارم، شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۷ش.

۴۹. من لا یحضره الفقیه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۲م.

۵۰. هاشمی رفسنجانی و همکاران، تفسیر راهنما، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۹ش.

۵۱. هاکس، جمیز، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷ش.

ص:۵۲۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹